

دَارُ وُجَلَاءِ



د افغانستان جمهوریت





د افغانستان حکومت وړاندوینه

د اردو مجله

يک نظام ويکت حکومت وقتی استوار و زنده بوده ميتواند که
ملت آن زنده باشد و در عقب آن با تمام قوت خود پاييداری کند.
(مؤسس جمهوريت ما)

د جمهوريت (۱) گڼه

شماره قوس ۱۳۵۵

نمبر مسلسل : ۶۵۷

۳۱ حمل ۱۳۹۹ ن

حال تاسوي :

نوامبر - دسمبر ۱۹۷۶ عيسوی

در این شماره

صفحه	نویسنده - مترجم	مضمون
۱	دگر من فیض محمد عاطفی	عید سعید اضحی ...
۳	جگرن ارکانجرب علی احمد جلالی	مثلث میلان حوادث در تاریخ ...
۸	جگنورن حبیب زره سواند	نیکمرغی او خویشی داویا نو ...
۱۳	جگنورن شمس الدین ظریف صدیقی	نظری بر اسلحه و آلات و افزار حربی ...
۱۷	جگرن خلیل الله عنایت	سیستم احضارات قوماندانان ...
۲۱	دگر من ارکانجرب جمال الدین عمر	دعسکری بنوونی او روزنی ...
۲۴	جگنورن میر جمال الدین فخری	تبلیغ قرار قوماندانان ...
۲۸	جگرن عبدالغیاث «بیداره»	دمنختنی ختیخ دجگن ودهای ته رسیدو ...
۳۳	جگرن ارکانجرب ذبیح الله	تغییر کیفیت نظامی اسرائیل
۳۵	جگرن توریالی عثمانی	حرکات محاربوی قوای زمینی
۳۹	بناغلی محمدجان مہدی	دجگری قهرمان
۴۳	بناغلی نیلاب رحیمی	سلطان سنجر و غزها
۴۷	ناہیدرایق رحیمی	سرگذشت اتوم
۵۰	جگنورن حمیدالله	دکیماوی و سلی په مقابل کی ...
۵۴-۵۵	اداره	صفحه ادبی
۵۶	جگرن میر حسام الدین محتشمی	رویدادهای جهان ...
۶۲	تورن حلیم ظریفی	په مات شوی غلیم پسی پل وړل ...
۶۶	فضل الحق «فکرت»	غنچه آرزو ها
۶۹	جگرن عبدالواسع روپین	چگونه باید دشمن را غیر مطلع نگاهداشت
۷۲	جگرن محمد نور ایوب	دهوائی تفوق او حاکمیت
۷۵	تورنجترال عبدالقدیر خلیق	اسرار لاینجل کیهانی ...
۷۸	جگنورن سروری	دستگاه های عصری کشف رادیو تخنیک کی طیارات .
۸۲	جگنورن نورالحق علوسی	مطالبی درباره اردوهای جهان
۸۵	جگرن سید داود «ترو»	دروس دتو پونولند تاریخ
۸۸	جگرن محتشمی	چگونه تیم پهلوانی انتخاب شد .
۹۰	اداره	ماو همکاران قلمی ...
۹۵	داکتر غلام جان	په حضر او سفر کی دروغتیا ...
۹۶	جگرن احمد جان	هلیکوپتر حربی ثقیل با بالهای متحرک
۹۹	بناغلی بیغرض	ددریم نری اقتصادی پر مختک

پیام بنیاد علی محمد داؤد رئیس دولت

و صدر اعظم

به مناسبت عید سعید اضحی

تمنای قلبی من اینست که هر فرد
خدا پرست و وطن دوست قدسیت این
وظایف را در همه اوقات و تحت
هر گونه شرایط همواره در نظر
داشته باشد .

توجه به حال بیسویایانیکه فقر
یا بیماری آنان را به کمک و امداد
هموطنان با استطاعت شان نیازمند
ساخته است بخصوص در این فصل سرما
نیز از جمله مکلفیت های انسانی
همه ماست و یقین است که هیچ فردی
با احساس در روز های فرخنده
عید ، این مکلفیت انسانی را از
یاد نخواهد برد .

در خاتمه یک بار دیگر عید سعید
اضحی را به همه شما تبریک میگویم
و شادمانی و سعادت و موفقیت همه
را از خدای بی نیاز تمنا دارم .

خواهران و برادران گرامی!
عید سعید اضحی را که یکی از
مقدس ترین خاطره های فداکاری
در راه ایمان و عقیده راستین است
بشما هموطنان عزیز و برادران
پشتون و بلوچ و کافه مسلمانان جهان
از صمیم قلب تبریک میگویم .
درین موقعیکه این ایام فرخنده
را تجلیل میکنیم باید متوجه باشیم
که احترام بی شائبه به مقدسات
اسلامی و شعائر ملی سعی و تلاش
مداوم برای تأمین سعادت و اعتلای
کشور ، کار و کوشش همه جانبه
برای رفع پسمانی ها ، ایثار و از خود
گذری خالصانه برای آسوده حالی
و رفاه هموطنان که از جمله ارمان
های حقیقی انقلاب ملی ما میباشد
در رأس وظایف اساسی ما قرار
دارد .



پیام بنا علی محمد داوودیس

دولت و عظم بنا سبب بلیت و ششمن ساگره اعلا حقوق بشر

مسرورم بنام مردم و حکومت افغانستان پشتمانی کامل خود از اساسات اعلامیه جهانی حقوق بشر دین موقی که کشور و سایر دول جهان بلیت و ششمن ساگره آنرا تجلیل مینمایند یکبار دیگر تائید نمایم.

افغانستان بحیث یک عضو و فادار سازمان مل متحد با عقیده راسخ به پرنسپل های مندرجه منشور آن و اعلا جهانی حقوق بشر همواره در امور و فعالیت های نیکه منظور آن تائین صلح جهانی و تحقق پرنسپل های حقوق بشر میاید سهم فعال داشته از حقوق حقه مردمان، از حق تعیین سرنوشت، از این بردن استعمار، خاتم وادان به سلطه اجنبی، رفع اپارتاید و اشکال مختلف تبعیض نژادی طرفداری کامل نموده و میناید.

امروز که در سراسر جهان ساگره حقوق بشر تجلیل میگردد، ناگزیر افکار باسوی آن کنگنه های بشری معطوف میگردد که جهت بحق تعیین سرنوشت و احقاق حقوق حقه شان در مبارزه و مجادله دایمی میباشد. مسلمانان باین هدف مستلزم جستجوی طرق عملی میباشد تا این کنگنه های محروم در راه بدست آوردن حق مسلم شان معاونت و کمک اخلاقی گردند. پشتمانی کامل از جنبش های آزادی خواهی و اتانیکه در راه احیای هر نوع تبعیض و تائین احقاق حقوق حقه خویش در مبارزه اند اطمینان داریم که دیر یا زود این مساعی شان با موفقیت می انجامد و راه برای یک جهان مسلم و مصئون همواره میگردد.

آرزو مندیم سازمان مل متحد که خود پشتمانی واقعی حقوق اساسی بشر و حفظ او ایستادگاری میداند و میباشد پیش از پیش در زمینه تدابیر علمی و مؤثر اتخاذ نماید و در راه تائین این مامول همکاری صادقانه همه کشورهای عضو را که شرط اساسی میباشد جدا جلب نماید، در غیر آن دنیای ما غیر مصئون باقی خواهد ماند.

هنگامیکه سخن از این پرنسپل های عالی جهت تحقق حقوق بشر و محای تبعیض نژادی و حقوق کنگنه های محروم میزنیم، نمیتوانیم تا فقر، بیسوادی، بیماری، آلام و مصایب را که کنگنه های بشری آن مواجه بوده و جهان را به دستهای و نادار تقسیم مینماید و کی نوع بیعدالتی و عدم توازن اقتصادی و اجتماعی را امروزه بار آورده نادیده بگیریم، فلینذا مجالده مداوم جهت ازین بردن این مصایب تائین عدالت واقعی در جهان رسیدن با بداف عالی اعلامیه جهانی حقوق بشر و صلح دایمی در رأس وظایف سازمان مل متحد قرار میگردد و مسلم است که برای بدست آوردن چنین ابراه عالی همکاری صمیمانه و دست جمعی همه کشورها چه کوچک و چه بزرگ یک امر اخلاقی و لازمی میباشد.

در خاتم به نمایندگی از مردم و حکومت افغانستان از مساعی سازمان مل متحد در راه تطبیق این پرنسپل ها خصوصاً پرنسپل های اعلامیه جهانی حقوق بشر و نفیست های که درین ساحه تحت سرپرستی آن سازمان تاحدی میسر گردیده ابراز قدر دانی کرده و موقیست بیشتر آن موسسه را در پیشبرد و انجام این وظایف شترک که به آن محول شده است تائید مینمایم.

دکتر بن فیض محمد طغنی

میر مجله اردو

عید سعید اضحی



فلسفہء اجتماع مسلمانان در جوار
خانہء خدای یکتا،
جنبہ های عمیق اجتماعی
وسیاسی دارد

عید سعید اضحی در کشور مسلمان و خداپرست ما با تجلیل فراوان برگزار گردید و مراسم آن چه در ساحت حیات شخصی و انفرادی و چه در حوزه رسمی و دولتی با مسرت و استقبال خاص انجام پذیرفت. اسلام دین توحید و جامع تمام فضایل مادی و معنوی بشریت است عید اضحی و فریضه حج بیت الله تنها بمنظور سیروسیاحت و اجرای مراسم ظاهری و عرفی نیست، بلکه در پهلوی آن از (لطفاً ورق بزنید)

فلسفه عمیق اجتماعی و سیاسی برخوردار است همه ساله از هر کنج و کنار
دنیای پهناور ما یک عدد بزرگ مسلمانان در مکه معظمه و جوار خانه خدای پاک
بفرمان حضرت پروردگار یکتا و منت رسول مقبول او (علیه الصلوٰة والسلام)
اجتماع می کنند و زیر شعار وحدت و توحید بدون تبعیض نژاد و رنگ و ملیت های
مختلف ، یکسان و یک رنگ با هم بسر می برند در این اجتماع بزرگ سرمایه دار
و فقیر ، پیر و جوان ، زن و مرد علی السویه مراسم حج و طواف را بجای
می آورند .

عید

همه این جریانات و عوامل برای این است که مسلمانان درس اتفاق
و اتحاد و یک رنگی بیاموزند از احوال و مشکلات و مسایل ذات البینی و آفاقی
خویش آگاه شوند و با ایثار و معاونت های مادی و معنوی یکدیگر
بشناهند و نگذارند که جامعه مسلمانان خواه در باختر و خاور و خواه در شمال
و جنوب این جهان آشفته با بدبختی و فقر و جهالت وزیر تجاوز و تسلط اجانب
بسر ببرند مسلمانان باید در این اجتماع بزرگ با اتفاق و اتحاد با همی در
برابر استعمار و استثمار محاذله و مبارزه کنند ، در این مراسم با عظمت که
زیاده تر روحیه جود و سخا و ایثار و جوانمردی حاکمیت دارد باید ملت های
ثروتمند اسلامی با کشورهای فقیر و رو با کشف از سخاوت و جوانمردی کار
بگیرند و با کمکهای مادی و معنوی بسراغ جامعه نادار مسلمانان بروند ،
اینکه تا چه حد بر طبق این فلسفه عمیق اجتماعی و سیاسی عمل میشود ، موضوع
جداگانه ای است که از مبحث ما خارج است اما در ماحه انفرادی هم
باید بیاد داشته باشیم که حج خانه خدا فریضه عظیم بر ثروتمندان است
ثروتمندانی که باید با خلوص نیت و خاص با عنیده ایثار و سخاوت این
فریضه را بجای آورند البته چنین مردان خدا شناس و با ایمان از حال
همسایگان و اشخاص غریب و ناتوان قرب و جوار خود غافل نمیشوند
و مشکلات ملی و اجتماعی وطن خود را هم در نظر می گیرند و در بهلولی
ادای فریضه حج با سره میباشند و موسسات خیریه نیز کمک و معاونت
می کنند .

تبریک

رهبر ملی ما با پیام خرد متدانه و باشکوه خویش عید سعید اضحی را بکافه
مسلمانان جهان و ملت مسلمان افغانستان تبریک گفتند و ثروتمندان جامعه افغان
را به ایثار و کمک به مستمندان و محنتا جان توصیه فرمودند .
ما هم به پیروی از شعار توحید و اساسات دین مقدس اسلام و به پیروی
از وصایای قیمتدار رهبر بزرگ خویش حلول عید سعید اضحی را به همه
مسلمانان جهان و ملت تجیب و دیندار افغانستان و بالخاصه به صاحبمنصبان
و منسوبین اردوی قداکار و خدا شناس افغان صمیمانه تبریک می گوئیم
و امیدواریم بتوفیق خدای پاک کشور ما در قطار سایر ملل اسلامی
از مقام برجسته دیانت و پیروی از اساسات دین مقدس اسلام همیشه
برخوردار باشد .

الضحی

پیام‌بنی‌اغلی محمد داؤد رئیس دولت

و صدر اعظم



به مناسبت عید سعید اضحی

تمنای قلبی من اینست که هر فرد
خدا پرست و وطن دوست قدسیت این
وظایف را در همه اوقات و تحت
هرگونه شرایط همواره در نظر
داشته باشد.

آوجه به حال بی‌شویانیکه فقر
یا بیماری آنان را به کمک و امداد
هموطنان با استطاعت شان نیازمند
ساخته است بخصوص در این فصل سرما
نیز از جمله مکلفیت های انسانی
همه‌مساست و یقین است که هیچ فردی
با احساس در روز های فرخنده
عید، این مکلفیت انسانی را از
یاد نخواهد برد.

در خاتمه یک بار دیگر عید سعید
اضحی را به همه شما تبریک می‌گوییم
و شادمانی و سعادت و موفقیت همه
را از خدای بی‌نیاز تمنا دارم.

خواهران و برادران گرامی!
عید سعید اضحی را که یکی از
مقدس ترین خاطره های فداکاری
در راه ایمان و عقیده راستین است
بشما هموطنان عزیز و برادران
پشتون و بلوچ و کافه مسلمانان جهان
از صمیم قلب تبریک می‌گوییم.

درین موقعیکه این ایام فرخنده
را تجلیل می‌کنیم باید متوجه باشیم
که احترام بی شائبه به مقدسات
اسلامی و شعایر ملی سعی و تلاش
مداوم برای تامین سعادت و اعتلای
کشور، کار و کوشش همه جانبه
برای رفیع پسمانی‌ها، ایثار و از خود
گذری خالصانه برای آسوده حالی
ورفاه هموطنان که از جمله ارمان
های حقیقی انقلاب ملی ما میباشد
در رأس وظایف اساسی ما قرار
دارد.

به همه حال طوریکه ذکر یافت در طول تاریخ پرحادثه این سرزمین جریانات نظامی و لشکر کشی‌ها از یکطرف در یک خط غربی - شرقی که از میان افغانستان می‌گذشت - و از جانب دیگر در یک خطی که از شمال آغاز شده بطرف شرق یا غرب از طریق مناطق افغانستان امتداد می‌یافت جریان نموده است و به این ترتیب یک مثلث میلان حوادث بهمان می‌آمد. برای توضیح این مطلب باید تذکر داد که کوریدور طولانی و قابل عبوریکه نیم قاره هند و دروازه های آنرا به شرق میانه و حوزه مدیترانه و از آنجا به افریقا و اروپا وصل میکرد از شمال و جنوب توسط یک سلسله موانع طبیعی محدود شده است این موانع در شمال خط سلسله جبال همالیه پامیر، سلسله کوه هندوکش ریگزار قره قم بحیره کسپین و تواحی شمال غربی ایران را تا ارض روم و بحیره سیاه تعقیب میدارد و در جنوب توسط سواحل بحر هند، بحیره عرب، خلیج فارس و بیابان‌های عربستان تعیین میگردد از میان این کوریدور نسبتاً وسیع امواج لشکر کشی‌ها از قدیمترین ازمنه متوجه ملل شرق و نیم قاره هند شده است به همین ترتیب امواج جریانات تاریخی از طرف شرق و شمال بسوی مغرب نیز در همین کوریدور سیر می‌کرد و افغانستان یادداشتن موقعیت بس مہم در نقطه حساس این کوریدور از زمانه های بس کهن گذرگاه لشکر کشی‌ها، امواج فکری، جریانات کلتوری و تجارت واقع شده است درین ضمن نیم قاره هند جریانات نظامی را در امتداد دو ضلع مثلث قبل الذکر (شمال، شرق و غرب، شرق) بطرف خود جابج می‌کرد در حالیکه هر دو ضلع مذکور از میان افغانستان بسوی نیم قاره هند می‌رفت.

به همین صورت هرگاه سیر حوادث را در خطی که از شمال آغاز شده بطرف شرق یا غرب از میان مناطق افغانستان امتداد یافته است در نظر بگیریم واضح می‌شود که مجادله دوامدار بین قدرت های آسیای میانه و مناطق جنوب و جنوب غرب آن و فشاری را که قدرت های اول الذکر از طریق حدود باز و از دل بیابان های وسیع و گسترده بر مناطق جنوب و جنوب غرب وارد می‌آورند سبب میلان حوادث در خط مذکور قرار گرفته است زیرا ستم‌هایی وسیع آسیای میانه که بنا بر خصوصیت بیابانی و اوضاع اجتماعی قبایل مسکونه آن یک نوع مصئونیت ستراتیژیک را در مقابل جنوب و جنوب غرب بهمان آورده بود سبب می‌شد که قبایل بادیه نشین و مراکز قدرت در آن سرزمین‌ها با استفاده از همین مصئونیت ستراتیژیک به تولید فشار بر مناطق جنوب و جنوب غرب تشبث و رزند. علم هم‌آهنگی کلتوری و شیوه زندگانی در عهد باستان عامل دیگری بود که اینگونه فشارها را بشکل تشدد آمیز آن افزایش میداد.

ستم‌های آسیای میانی در شمال و مشرق حدود گسترده

و بازی داشت که حدود چین، مغلستان و صحرای گوبی میرسند و از طرف شمال غرب نیز با میدان های وسیع و مناطق بیابانی که تا حدود اروپا امتداد داشت پیوست بود کوریدور ها و گذرگاه‌ها نیکه برای تهاجمات قبایل بادیه نشین و قدرت های شهری این ساحه بسوی سرزمین های جنوب و جنوب غرب مساعد و قابل عبور دیده میشد اکثر آ از بالای افغانستان میگذشت زیرا سلسله کوه های مرتفع همالیه و تبث، ریگزار قره قم بین دریاچه ارال و بحیره کسپین برای عبور از شمال به جنوب زیاد مساعد نبود و ازینرو استقامت‌ها نیکه آسیای میانه و مناطق شرق و غرب آنرا از طریق وادی های سیحون (سیر دریا) و جیحون (آمو) بطرز قابل عبور باهم وصل میکرد متوجه افغانستان بود و اصلاً به صفحات شمال این کشور منتهی می‌شد و ازینجا بد و استقامت مهم توجه میگردد یکی از طریق گذرگاه های کوهستانی هندوکش و حوزه کابل و زابلستان بسوی سرزمین های شرقی و هند و دیگری از طریق صفحات جنوب رودخانه آمو یا از میان رخنه بین رودخانه تچن و مرغاب بسوی هرات و سرزمین های غرب آن و یا از طریق سیستان بسوی جنوب ایران و امتداد غربی آن در حالیکه بیابان توط هر دو استقامت ممتد به غرب بحيث مانعی افناده بود. عکس این استقامت‌ها نیز از صفحات شمالی و شمال غربی افغانستان میگذشت و به آسیای میانه می‌رسید و به اینصورت ضلع (شمال، غرب) مثلث میلان حوادث بهمان می‌آید.

هرگاه اوضاع و شرایط جغرافی و ستراتیژیک در شکل دید خارجی آن از حیث نقش ارتباطات جغرافی و ستراتیژیک در اوضاع و جریانات سیاسی و نظامی مناطق مختلف و تاثیراتی را که از یک منطقه متوجه منطقه دیگری می‌سازد مورد بررسی قرار گیرد معلوم می‌شود که در بسا موارد خصوصیات اوضاع جغرافی و ستراتیژیک در بمیان آمدن و جریانان فعالیت های سیاسی و عملیات نظامی تاثیرات مهمی داشته است. در این ضمن باید یادآوری شود که بنا بر تجارب تاریخی ملل با پیشرفت مدنیت طی ادوار تاریخی امکان وقوع حرب بین ملت های داخل یک تمامیت سیاسی بزرگ مانند امپراتوری‌ها و یا بین یک گروه دول متعدد متناسب به سویه پیشرفت در ساحه هم‌آهنگی جنبه های مختلف زندگانی جامعه مدنی بوده است. این جنبه‌ها عبارت از تماس از طریق ارتباط و تجارب، تفاهم از طریق توحید و آشتی دادن کلتور و ارزشهای معنوی، تشریک مساعی و همکاری که نماینگر اعتماد متقابل و قبول اهداف مشترک است، تشکیلات یا ترتیبات مورد قبول همه ملل به مقصد تطبیق قوانین، فیصله منازعات و ازین بردن اعمال تشدد آمیز می‌باشد. تجارب تاریخی ملل نشان میدهد در موردیکه این جنبه‌ها بطور هم‌آهنگ و هم زمان انکشاف یافته اند

امکان حرب از بین رفته وعدم تحقق یافتن آن منجر به حرب شده است منتها نوع حرب تناسب به جنبه‌های بوده که پیشرفت و هم‌آهنگی در آن‌ها بعین‌نیا آمده است مثلاً توسعه سریع تماس‌ها در حالیکه سایر جنبه‌های قبل‌الذکر انکشاف نیافته باشند حرب‌های استعماری را بعین آورده‌است که از طرف دول قوی آغاز می‌یافت به همین ترتیب اتکای قدرت در امپراتوری‌ها صرف بر مبنای مادی باعث حرب‌های داخلی در امپراتوری‌ها قرار گرفته و به تجزیه آن منتهی میشد و فقدان ترتیبات مشترک در ساحه همکاری وعدم موجودیت اعتماد متقابل بین دول حرب‌های بین‌المللی را بار آورده است.

با در نظر داشت این مطالب دیده می‌شود که خصوصیات جغرافی و ستراتیژیک مناطق در تاریخ افغانستان در بعین آمدن انواع مختلف حرب‌های فوق‌الذکر اثر داشته است در عهد باستان ارتباط آریانا با مناطق اطراف آن از طریق راه‌های مساعد خشکه خواه بشکل تماس عادی و خواه بشکل تجارب موجود بود زیرا طوریکه قبلاً ذکر یافت وضع جغرافی آریانا طوری بود که با شرق، غرب و شمال ارتباطات قویکی داشت. این ارتباطات در حالیکه سایر جنبه‌های زندگانی مدنی در ساحه بین‌الدول انکشاف نیافته بود راه جنگ را هموارتر می‌ساخت و از نیرو در تاریخ افغانستان از روزگار بس کهن به جنگ‌های متعددی بر می‌خوریم که در استقامت‌های مختلف بعین آمده است. و درین میان حرب با مللی که با آنها از حیث کلتور و فرهنگ قاصله‌های زیادی وجود داشت بیشتر شکل حرب‌های استعماری را داشت و با مللی که تا یک اندازه وجوه مشترک کلتوری با آنها موجود بود به شکل حرب‌های بین‌المللی تیارز می‌نمود. برای توضیح مزید این موضوع بهتر است باری به حوادث تاریخی نظر اندازیم و سیر جریان‌های نظامی را مرور کنیم.

هنگامیکه افزایش نفوس و احساس ضرورت برای بدست آوردن سرزمین‌های جدید آریائی‌های باختر را در حوالی (۲۰۰۰) سال پیش از میلاد به مهاجرت‌های دامنه‌داری مجبور ساخت امواج انتقالات دسته‌جمعی تحت تاثیر شرایط و اوضاع جغرافی از شمال هندوکش بدو استقامت صورت گرفت: یکی از طریق معابر هندوکش به سرزمین‌های جنوب آن و از آنجا در امتداد وادی هاودره‌های کوهستانی بطرف حوزه رودخانه اندوس و میدان‌های هندوکش از طریق صفحات شمال هندوکش بسوی مناطق شمال و جنوب ایران در جریان این مهاجرت‌ها آریائی‌های مهاجر طی چند صد سال در مجادله و کشمکش با قبایل بومی بسر بردند تا آنکه مقاومت ایشانرا از بین برده و در مناطق مذکور متوطن شدند. طی این حوادث در حالیکه با توسعه تدریجی مهاجرتهای

مسافات جغرافی بین قبایل مهاجر و بومیان مناطق جدید کوتاه تر شد اختلافات کلتوری عمیق بود و ازینر و مجادلات بین ایشان آشتی ناپذیر بوده و شکل حرب‌های استعماری را داشت تا آنکه در نتیجه امتزاج کلتوری هم‌آهنگی بین مهاجرین و بومیان بوجود آمد و باعث تشکیل دولت‌های جدید در آن مناطق قرار گرفت. ولی درین ضمن موانع جغرافی و تفاوت‌هاییکه بین فرهنگ قبایل مهاجر با سرزمین اصلی بعین آمده بود ارتباط ایشان از هم قطع شد و به این ترتیب دولت‌های جداگانه تشکیل یافت. پس از آن در نتیجه بسط قدرت این دولت‌های مستقل تماس‌های تازه بین قدرتهای داخل آریانا و مناطق شرقی و غربی آن صورت گرفت که راه را برای حرب‌های بین‌المللی حین برهم خوردن توازن قوا مساعد ساخت. منتها در عهد باستان بنا بر موجودیت مصئونیت ستراتیژیک در حدود شرقی آریانا میلان لشکر کشی‌ها بیشتر از طرف غرب بسوی شرق بود. و بنا برین اولاً نیتوس فرمانروای آشوری در حوالی ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد با قشون بزرگی که آنرا بطور مبالغه آمیز دو میلیون ذکر کرده‌اند در صدد توسعه نفوذش بطرف شرق برآمد. او با وجودیکه سلسله موفقیت‌های عسکری بنا بر عدم توانائی حفظ موقعیتش در سرزمین‌های دوردست و حفظ ارتباط با بین‌النهرین از جوار رودخانه اندوس بازگشت بدون اینکه هیچگونه نفوذی در آریانا از خود بجا گذارد.

پس از وی هخامنشیان در قرن ششم پیش از میلاد (۵۴۲-۵۳۹ ق.م) تحت فرماندهی کوروش درین راه قدم گذاشتند. آنها بعلمت نزدیکی مسافه مدتی توفیق یافتند بر بعضی از قسمت‌های آریانا چون باختر، سیستان، زابلستان غور و گندهارا دست یابند. مگر با آنها کوروش نتوانست حاکمیت کامل خود را در آریانا که مخصوصاً آنرا برای بوجود آوردن یک سپر قوی دفاعی در مقابل قبایل شمالی لازم میدید قائم سازد تا آنکه در حواشی آریانا حین جنگ بسال ۳۲۹ ق.م کشته شد. پس از آن طی تقریباً دو صد سال دیگر مردم ولایات مختلف آریانا با امواج لشکر کشی هخامنشیان روبرو شدند و بطور متعادی در برابر آنها به مبارزه پرداختند. به این ترتیب تلاشهای پیهم هخامنشیان نتوانست استقلال آریانا را که از حیث جغرافی، تاریخی و کلتوری در یک واحد مستقل اجتماعی، سیاسی جمع شده بود بطور کلی از بین ببرد.

بسال ۳۳۴ پیش از میلاد سکندر مقدونی به لشکر کشی جانب مشرق آغاز نمود. مقصد این لشکر کشی سکندر در حقیقت غلبه بر دولت هخامنشی ایران بود که از عرصه دو صد سال (از قرن ۶ تا قرن ۴ ق.م) با یونان در رقابت بسر میبرد و با از بین رفتن توازن قدرت (*Power Equilibrium*) جنگ‌های بین ایشان صورت گرفته بود. اما زمانیکه سکندر

در سه محاربه (گرانیکس، ایسوس و اریللا) قدرت امپراتوری هخامنشی را از هم پاشید. دو واقعیت ستراتیژیک تهاجماتش را وارد آریانا ساخت: یکی آرزوی رسیدن به هند و دیگری تأسیس یک سنگرمستحکم در برابر قبایل بادیه نشین آسیای میانه که از جناح شمالی و شمال شرقی متصرفات آسیائی اش را تهدید میکردند. برای هر دو مقصد قشون مقدونی مجبور بود از میان آریانا بطرف نیم قاره هند و ماوراءالنهر بگذرد و نتیجه آن محاربات چهارساله سکندر در آریانا میباشد که از حدود خراسان آغاز گردید و تا رودخانه بیاس در پنجاب ادامه یافت.

مجادلات خونین و دامنه داری که بدنبال مرگ سکندر پس از سال ۳۲۳ ق م بر موضوع جانشینی او در متصرفات آسیایی اش رویداد سبب شد که سیلو کوس نیکیتار فرمانروای قسمت اعظم متصرفات آسیائی سکندر در آرزوی رسیدن به پنجاب و چندراگوپتا فرمانروای موریای هند در آرزوی استفاده از آشفنگی اوضاع و پیشقدمی در سرزمین های غرب اندوس، در آریانا روی روی هم قرار گیرند. این اولین و آخرین باری (به استثنای پیشقدمی بریتانیویان در قرن ۱۹) بود که امواج لشکر کشی از طرف قدرت های هندی متوجه آریانا شده است که آنهم برای مدت کوتاهی تسلط دولت موریای هند را بر بعضی مناطق شرقی آریانا بار آورد یکصد سال پس از آن دولت مستقل یونانو یاختری آریانا نه تنها سلطه موقتی موریای را در ولایات شرقی آریانا بر انداخت بلکه تا اعماق نیم قاره هند به پیشقدمی های نظامی نایل آمد.

پس از آن تاریخ امواج لشکر کشی هائیکه از طرف غرب بسوی نیم قاره هند توسعه یافته اکثرآ از طرف قدرتهای داخل آریانا صورت گرفته است مانند لشکر کشی یونانو باختریان - کوشانیان - یفتلیان - غزنویان - غوریان - گورگانیان و ابدالیان در اینجا این نکته قابل ذکر است که حدود شرقی آریانا از قدیم بیک سلسله موانع طبیعی استناد می کرد و در عقب آنهم اراضی صعب المروری واقع بود که موانع بزرگی را در مقابل تجاوزات از جانب مشرق بوجود می آورد. معبرها و گذرگاه های محدودی که درین مناطق موجود بود (خیبر، یولان، کوژک و غیره) از طرف مردم اطراف آن به آسانی در برابر مهاجمین مسدود شده می توانست. این موضوع که یکنوع مصئونیت ستراتیژیک را در شرق برای آریانا بار می آورد سبب میشد که امواج لشکر کشی نادراً از طرف شرق متوجه آریانا گردد در حالیکه اوضاع و شرایط جغرافی و ستراتیژیک لشکر کشی ها از طرف آریانا را بسوی میدان های هند مساعد می ساخت.

حاکمیت قدرت های داخل آریانا بر دروازه های هند و برخورداری از مصئونیت ستراتیژیک در آن استقامت سقیات نظامی را بسوی هند در دوره های مختلف تاریخ تشویق میکرد مخصوصاً در دوره هائیکه هند از حیث ثروت غنی و از حیث قدرت نظامی ضعیف می بود. این موضوع گرایش را به ستراتیژی پیشقدمی از طرف قدرت های آریانا بسوی مشرق عمومیت می بخشید. اکثر دولت های مقتدری که در افغانستان طی تاریخ طولانی آن پیمان آمده و دارای قدرت بزرگ نظامی بوده اند به فتوحات و سقیات در هند اقدام کرده اند مانند یونانو یاختریان در قرن دوم پیش از میلاد - کوشانیان در قرن اول میلادی - یفتلیان در قرن چهارم و پنجم میلادی - غزنویان در قرن یازدهم میلادی (قرن چهارم و پنجم هجری) غوریان در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی (قرن ششم و هفتم هجری) کورگانیان در قرن شانزدهم میلادی (قرن دهم هجری) و ابدالیان در قرن هژدهم میلادی (قرن دوازدهم هجری). این سقیات اکثرآ متوجه هند شمالی و بعضاً متوجه هند جنوبی شده است در حالیکه صحرای راچپورتانه میان هر دو استقامت حایل افتاده بود.

مگر باید تذکر داد که در دوره های مختلف تاریخ نتیجه فتوحات در هند بدوشکل تبارز میگرد که هر یک آن متکی بر حقایق جغرافی و ستراتیژیک بود. اول اینکه قدرت های فاتح در صورتیکه تمایل به اشغال مناطق مفتوحه پیدا میکردند بتدریج علاقه ایشان از سرزمین اصلی قطع شده و شکل دولت های مستقل هندی را بخود میگردانید زیرا که موجودیت موانع بزرگی چون دریا های پنجاب و وسعت میدان های هند بطرف مشرق و جنوب که قدم به قدم فاتحین را بسوی خود می کشاند سبب می شد که قدرت های مایل به اشغال هند کاملاً در آن سرزمین مصروف گردند و ارتباط ایشان از آریانا تا حدودیکه سرعت مداخله را در حوادث آن از دست بدهند قطع شود. چنین وضعیت را میتوان در فتوحات یونانو یاختریان، کوشانیان، یفتلیان، غوریان و کورگانیان ملاحظه کرد. یک علت دیگر جغرافی و ستراتیژیک که برین حقیقت روشنی می اندازد عبارت از ضرورت ملاحظات امنیت در حدود شمالی و غربی آریانا بود که در دوره های مختلف تاریخ استقامت های مساعد را برای تهاجمات اجنبی میان می آورد و درین ضمن معلوم می شود که توجه کامل به شرق و مصروفیت دوامدار در آن استقامت اکثرآ به قدرت های شمالی و غربی مجال مداخله را در آریانا میداودر اثر آن خالیگاه قدرت های مایل به اشغال هند توسط قدرت های دیگری در آریانا پرمی شد. مثلاً مصروفیت دوامدار یونانو یاختریان

درهند باعث استقرار کوشانیان در آریانا شد و باز مصر و قوت کوشانیان در هند به یفتلیان موقع داد خالیگاه ایشانرا در آریانا بر کند. به همین ترتیب پیشرفت عمیقانه غوریان در هند سبب شد که اولاً خوارزمشاهیان و سپس چنگیزیان ارتباط آنها را از سرزمین اصلی ایشان قطع نماید.

شکل دیگر نتیجه فتوحات در هند همان بود که در اثر فتوحات غزنویان و بدالیان بمیان آمد. درین صورت غزنویان و بدالیان در حالیکه از اشغال دائمی هند و استقرار مرکزیت در آنها امتناع ورزیدند به قایم ساختن نفوذ سیاسی بر دولت های محلی ماورای حدود خویش اکتفا نمودند و در نتیجه استقرار را در سرزمین اصلی خویش حفظ کردند. ولی باید گفت که در دوره غزنویان همینکه تناسب بین تطبیق ستراتیژی پیشقدمی در شرق و حفظ امنیت در حدود شمالی و غربی خراسان برهم خورد مقدمات انحطاط قدرت آن چیده شد. تمایل به پیشقدمی دوامدار در مشرق در دوران ملطان محمود غزنوی (۴۲۱ - ۴۴۲) بحیث یکی از نقاط ضعف دولت غزنوی در مقابل با فشار سلجوقیان و سایر تهدیدات وارده از طرف غرب واقع گردید. از جانب دیگر در سالهای بعدی با وجود یک غزنویان مناطق زیادی را در اثر تهاجمات سلجوقیان در غرب از دست دادند برای مدت ۱۳۰ سال دیگر قدرت قابل ملاحظه ای را در ولایات شرقی افغانستان و هند شمالی حفظ نمودند.

حین بررسی میلان حوادث در خط شرقی-غربی آنچه که در مورد لشکر کشی های تاریخی از آریانا بطرف مغرب جلب توجه میکند اینست که فتوحات قدرت های آریانا در سرزمین های ماورای حدود غربی آن بدو استقامت توجیه میشود: یکی در امتداد خراسان بطرف مغرب و دیگری در امتداد سیستان بطرف فارس در حالیکه دشت لوط در وسط هر دو استقامت واقع بود. چنین فتوحات بیشتر در اوقاتی صورت میگرفت که دولت های افغانستان در تاسمین حدود غربی مشکلات احساس میکردند و یا توازن قدرت *Power Equilibrium* مختل میشد. مجادلات تاریخی یفتلیان و ساسانیان که بطور مفصل ثبت تاریخ شده است در همین ردیف بعمل آمد و در دوره اسلامی صفاریان سیستان، سامانیان غزنویان و غوریان از همین نوع ستراتیژی که میتوان آنرا از روی حقایق تاریخ افغانستان بنام ستراتیژی حفظ توازن نامیده پیروی کرده اند. یعقوب لیث صفاری

و برادرش عمرو لیث تا سال ۲۸۷ هجری علاوه بر توحید ولایات افغانستان نفوذ دولت صفاری را در فارس و کرمان که استقامت مهم ستراتیژیک بسوی سیستان بود و همچنان در نیشاپور و تواج آن که بالای استقامت ستراتیژیک بسوی هرات واقع بود قایم ساختند. سامانیان بلخی نژاد مستقیماً بر ماء و رالنهر که مشتمل بر دره های اکسوس (آمو) وسطی، زرافشان و سیمون (سیردریا) وسطی بود حکم میراندند در حالیکه خراسان در نزدیکی به آن مربوط بود. اما گرایش سامانیان به ستراتیژی دفاعی در حدود شمالی توجه اصلی ایشان را به آن استقامت معطوف ساخت و در نتیجه تاثیر آنها برای حفظ توازن و استقرار در غرب ضعیف شد: باینصورت خراسان تحت کنترل سران مقتدر نظامی مانند تاشی، بکتوزن، فایق، ابوعلی چغانی و سیمجوریان در آمد. بوجود آمدن چنین عدم استقرار در خراسان در نیمه دوم قرن دهم میلادی نمایانگر ضعف سامانیان بود. گذشته از آن اگرچه صفاریان سیستان، قریغوتیان جوزجان و قرمانروایان خوارزم، نخل و چغانیان مربوط دولت سامانی بشمار میرفتند مگر نفوذ سیاسی و نظامی آن دولت بر مناطق مذکور چندان زیاد نبود و به این ترتیب در دوره سامانی یک نوع سیستم دولت های شهری در خراسان و سیستان بمیان آمد.

باید گفت که وضع اجتماعی و ستراتیژیک ماوراءالنهر و خراسان در آن عصر شکل خاصی داشت. این منطقه حیثیت سپهری را در برابر قبایل بادیه نشین آسیای میانه دارا بود و دفاع آن از ارزش های اساسی ستراتیژی سامانیان بشمار میرفت. علاوه بر این منطقه یک حلقه وسطی بین راه های تجارته بود که از شرق نزدیک به سبب های آسیای میانه و راه های شرق دور امتداد داشت. این موضوعات لازم می ساخت که دولت سامانی یک نفوذ قوی سیاسی و نظامی را برین مناطق حفظ کند. دولت مذکور در زمان اقتدارش به حفظ امنیت در شمال و تاسمین استقرار و توازن در غرب توفیق یافت ولی با ضعف آن قره خانیان به فشار جانب ماوراءالنهر پرداختند. در نتیجه ستراتیژی سامانیان در قرن دهم میلادی در آسیای میانه دفاعی بود و صرف بر ملاحظات امنیت اتکا میکرد چنین مصروفیت ها دست دولت مذکور را بتدریج در خراسان و جنوب هندوکش ضعیف ساخت و در نتیجه الپتیگن دولت غزنوی را سال ۳۵۱ هـ - (باقی دارد) اساس گذاشت.

نيکمر غی او خو بنی دلو یانو او پوهانو له نظره

د جگورن :

حبيب الله (زړه سواند)

ليکنه او خپرنه

اوڅوک ئی په بله بڼه پیژنی او دخپل خیال هوس او فکر له مخی ئی په اسرار امیزه توگه جلا، جلا تعبیر او تفسیر کوی چی دغه راز پیچلو او فلسفی معما گانونه په انگلیسی کی (*Fizzle*) وائی دانسانانو د همدغی ذهنی اټکلنی او متفاوت تعریف او تعبیر په بنا بحیثی خلکک ډیری پیسی پریمانته شتمنی زیات مال او چایداد او د مالونو بیشمیره رمی او گلی نیکمرغی او خوینی بولی دچاپه فکر او خیال ډیر زمان او زیات اولادونه خوینی او نیکمرغی ښکاره کیږی دچا په نظر روغ او جوړ وجود لویه نیکمرغی او خوینی معلومیږی څوک د افکر کوی چی په اجتماع او اجتماع ژوند کی شان شوکت برم اودید به لرل تر ټولو زیاته او لوړه نیکمرغی او خوینی ده یو ډله نور خلکک بیاد میننی دنیاگی د خوینی او نیکمرغی نه ډکی شیبی او وختونه گڼی د وصل شیبی لاهه چی د هجران او فراق هغه ترخی شیبی اولحظی چی دوصال په تمه او هیله ئی تیروی هم ډیری خوږی او خووندوری بولی .

که لږ څه فکر او غورو کړو نو دیوی متایسی او مناقشی په صورت کسی وینو چی ډیره شتمنی او بلایئ هم محکه واقعی نیکمرغی او خوینی نه ده چی ډیر لخوانان او د دولت خاوندان کله ناکله دخپلو شتو پیسو او مال دولت له امله یا پخپله دینشو چرچو، خمار او مستی په صورت کی د مرگی په منگولو کی راگیر شوی او یا خو په ناڅاپی ډول دغلو او د اړمارانو دقاتلانه حملو په وسیله له منځه تللی او شتو او پیسوئی ورته د نیکمرغی او خوینی پر نحای د بدبختی او خواشیننی عوامل او وسائل برابر کړی دی برسیره پدی که دخپل ډیرو شتو او پیسو په وسیله ئی چاته خیر او گټه نهوی رسولی نو دیو ډول اخلاقی او وجدانی گرمیتیا او ملامتیا گوته ورته هم نیول کیږی که چیری ددغو شتو او پیسو په مرسته هم دخپل بحان او هم د ټولنی د نورو بیوز لانو او خوارانو دخوینی او نیکمرغی موجبات برابرشی نو بیا پر نحای خبره ده چی شتمنی او بلایئ د نیکمرغی او خوینی وسیله او اله وگڼل شی. همدغی ډیرو او بیشمیره زامنو او لونیومور او پلار چی یائی دمجبورتیا او یائی دخپلی بی غوری اوبی پامی له امله دهغوی سالمی او صالحی ښوونی او

کله چی انسان دلومړی ځل له پاره دژوند په ډگر کی گام ایدی او په نړی کی سترگی غړوی نو په زړه کی ورسره یوعالم ارزوگاننی او ډول-ډول هیلی هم موجودی وی څومره چی انسان په جسمی او فکری لحاظوده کوی او گام په گام دتکامل مرحلی او سلسلی وهی او مخ وړاندی منزلونه او واټونه لانهوی نوددغی ودی او تکامل سره یو نحای ئی دوخت ضرورت اودژوند د حالاتو سره سم ارزوگاننی او هیلی هم وده کوی په تنوع او شمیر کی ئی پراختیا او پرمختیاریاخی . دانسانی ژوند دنیاگی په ارزوگانو مسوره او رنگینه ده او دزړه ښکلی ماتی په هیلو او ارمانونو ودانه او ولاړه ده ، ژوند هغه وخت خپل موجودیت او ماهیت دلاسه ورکوی او په زړه کی ولولی اندیښنی ، جذبی او هوسونه له منځه چی چی انسان هیلی او ارزوگاننی ونه لری .

همدغه هیلی او ارزوگاننی دی چی انسان ئی دلاس ته راوړلو له پاره هری خواته منډی رامنډی وهی او ډول ډول کارونه اوحرکتونه سرته رسوی کوم شی چی ددغو بیشمیره هلوځلو په لړ کی ئی دانسان خاصه او زیاته پاملرنه او توجه خپلی خواته راگرځولی او په زړه او فکر ئی ورته نحای نیولی دی هغه (نیکمرغی او بدبختی) (خوینی او خواشیننی) نه متفکر انسانان تل دخپلو نورو سپیڅلو سوچونو او غوره فکرونو په لړ کی دخپل بحان سره دا پوښتنی او سوچونه هم تکراروی اوزمزمه کوی چی « نیکمرغی څه شی دی؟ په څه کی او چیرته ده؟ او خوینی په څه ډول گټل کیدای اولاس ته راتلای شی؟ دغواو داسی نورو پوښتنوته ډیرو کمو خلکو ځواب موندلی او ورکړی دی نیکمرغی او خوینی یوه ور که او نایا به ملغلره ده چه هر څوک ئی غواړی او هر سړی ورپسی هلته او دلته لالها نده او سرگردانه گرځیږی اوموند لوپسی ئی هری خواته منډی رامنډی وهی او په هر لور لاس او پښی اچوی داچی په سمه بشپړه او واقعی توگه دانه ده څرگنده چی اصلا نیکمرغی څه شی دی چیرته او په څه کی ده او خوینی څنگه ترگو کیدای شی؟ نو محکه ددغی موضوع اومعنی په باره کی هر څوک دخپلی پوهی ذوق او فهم له مخی بیل ، بیل فکر او سوچ وهی او څوک ئی په یوه بڼه

روزنی ته کومه خاصه او وظیفوی توجه نه ده کړې په اخر کی دخپلو بدعملو او بد کردار و اولادونو په سبب په راز، راز کړ او نو او جنجالونو اخته شوی دی اودخپلو سیالانو او کیلوالو په منځ کی دبدنامی او ناکامی په حال کی شپې او ورځی تیروی، ډیر اولادونه هغه وخت نیکمرغی او خوښی گڼل کیدای شی چی دغوره اخلاقو او لوړو خوینو په گانه سمبال وی او په خپل هر گام او اقدام سره نورو ته خیر او گټه ورسولی شی، په همدی ډول دډیرو روغو غړو او پوره روغتیا خاوندان شته چی ځینی وخت دخپلو یاغی نفسی خواهشاتو او حریصانه لمسون له کبله ډیر داسی شرمناک عملونه سرته رسوی چی یو رنجور او کمزوری انسان ئی هلو وهیڅوخت په کولونه قادر پیری لدینه داسی معلومبری چه روغ غړی او جوړ وجود په هغه صورت کی خوښی او نیکمرغی ده چی د نیکو او شریفو اعمالو او افعالو په سرته رسولو کی پکارو اچول شی اودځان اوبل دسعادت اورفا هیت سببونه تامین کړی .

نه پوهیږم چی دمینی دنیاگی څنگه او ولی دخوښی او نیکمرغی شیبی مثل شوی او اټکل شوی دی؟ ډیر ځلی لیدل شوی او اوریدل شوی دی چی دمینی پای اوانجام یا ناکامی ده او یا ځوانی سرگی او جگرخونی ده .

راځی چی دغه ورکه او نایا په ملغره دنړی دځینو لویانو او پوهانو دعالی فکرونو دغوره خیالونو گټورو نظر یا تو او لوړو مفکورو اوعقیدو په پراخه سمندر کی ولتوو اودی پسی وگرځو چی ایا دوی په فکر اونظر باندی خوښی او نیکمرغی څه ډول تعبیر اوتفسیر لری ؟

(گوته) وائی «هیڅ شی، هیڅ کار او هیڅ خوی د بیکاری او تنبلی په غیر ضررونه او زیانونه نه لری ځکه بیکاری بدبختی او بدمرغی زیروی او بیکاره انسان یا ناوړه کارونه کوی او یا خپل ماغزه خوری چی داکار دانسانی افتونونه بلل کیږی څو کچی د بیکاری او تنبلی په ناوړه رنځ او کړغړن خوی باندی اخته او موخته شی نو پکار دی چی دمړو په ډله کی وشمیرل شی او داپدی چی دمرگ او ژوند تو پیر په کار او حرکت سره کیږی» څنگه چی واقعاً کار او کار کول دانسانانو له پاره دخوښی او نیکمرغی شرایط او امکانات برابر وی نو د (گوته) په شان پدغه باره کی (پاسکال) خپله عقیده اومفکوره پدی ډول بیکاره کوی «د ټولو نفرادی اواجتماعی بدبختیو اومفاسدو مور بیکاری ده نو که دیوی ټولنی وگری غواړی چی دبدمرغیو اوقسادونو نه نجات وموسی نو په کار اوزیاردی لاس پوری کړی او خپله مخه دی دکوششونو اوتلاشونو خواته راوگرځوی» ددغی حقیقت سر، ناپلیون هم تماس نیولی دی او وائی چی «ډیر ناشونی اونا ممکن کارونه دزیار او کوشش په مرسته کیدونی گرځی - دناممکن کلمه یوازې د لیونیانو اوتبلانو په قاموس کی موندلی کیږی» کوم شی چی باید په یاد وساتل شی هغه دځوانی اومخلمیتوب

دوره ده دځوانی اومخلمیتوب په شپو او ورځو کی چی سړی دځوان جسمی اوفکری قوت خاوندوی کولای شی چی هم ځان اوهم نورو ته خیر او برکت ورسوی او داسی چاری سرته ورسوی چی دهغی له لاری زیات مادی اومعنوی امتیازونه اوبریالیتو بونه وگټی نو ځکه د یادولو خبره ده چی انسان باید دځوانی اوزلمیتوب خوړی او رنگینی شپې او ورځی عبث او خوشی تیری نه کاندی - که یو ځل دغه وخت اودوره له لاسه لاړه شی نویا بیرته نه راځی اوخواشمنی اوبشیمانی هم کومه گټه نه لری (ژربرت) چی دیواورد نظر خاوند دی وائی «ځوانی هغه ځلیدونکی ستوری دی چی یوازی یو ځل د عمر په آسمان کی راځی» همدغی دځوانی د وختونو درنگینو اود زلمیتوب ددوری دکیفونو اوارزښتونو په هکله (رابموند) دخپلی یوی اوږدی څیړنی اولیکنی په نتیجه کی وائی «دزرو اوزور په واسطه کولای شو چی ډیر کارونه اوشیان واخلو اما ځوانی پری نه شو اخستلای» رښتیا خبره داده چی چا خپل ځان په ځوانی اوزلمیتوب کی پیژندلی وخت ته ئی ارزښت ورکړی اودخپل جسمی اوفکری قوت نه ئی معقوله او مطلوبه استفاده کړی ده نو نه یوازی دا چی دځوانی اوزلمیتوب په شپو او ورځو کی دپه او ابرومندانه ژوند خاوندگر ځیدلی دی بلکی دژوند او عمر په نورو مرحلو اوسلسلو کی ئی هم ډول - ډول نیکمرغی او خوښی استقبال کړی اولیدلی دی اودخپل دغه ډول دوران دیشی اوتعقل له امله دخپلی جامعی اوتولنی یاد او دستاینی وړ شخصیتونه شمیرل شوی دی خو هغه چا چی دغه طلائی فرصت خوشی اوعبث له لاسه ورکړی دی نو پرتله دخواشمنی اوبدبختی ئی نور څه نه دی په برخه شوی . زموږ دخوږ هیواد، افغانی ټولنی اونوی جمهوری نظام غوښتنه اوسپارښتنه داده چی افغانی ځوانان اوزلمیان ښائی دخپل زلمیتوب اوخپلی ځوانی قدر په ځوانی اوزلمیتوب کی وکړی اودخپلو ځوانو طاقتونه دهیواد په ودانی دټولنی دنیکمرغی اودتوزرو په لری کولو کی کار واخلي او پری نه اړدی چی دغه طلائی اوارزښتناکه وخت اوفرصت ئی وړیا او خوشی له لاسه ووزی .

هر څومره چی دلویانو او پوهانو دنظریاتو او عقایدو په سمندر کی خپلو غوټیو او لاسو وهلوته ادامه وړکوی هماغو سره دنیکمرغی او خوښی درازونو اورمزونو خواته ورنژدی کیږی . یو بل ځای ناپلیون وائی «موفقییت اوسعادت وړیا لاس ته راتلای نه شی موفقییت اوسعادت یوقیمت لری چی قیمت ئی په پرله پسی ډول کار کول اوزیار گالل دی» (پلوتارک) دنړی نومیالی مورخ او پوه ویلی دی چی «ماد نورو دژوند حالات ځکه مطالعه کول اولیکل چی پوه شم کوم یو ئی نیکمرغی خپل لاس ته وروړی ده خومتأ سقانه چی ماته دغه ورکه ملغره په گو تورا نه غله اونه می ددغی جری مشوری سراوخر پیدا کړای شو ځکه مادهر یو دژوند دخصوصیا تو

اوبشکی توی کپری نودنوی واده اوبشکی له امله ئی خوبی بیکاره کپری ده اوخندیدلی دی دلته سړی پوهیدلی شی چی دنوموړی شخص ننی خوبی اوخندا دپرونی ژړا اوخواشمنی نتیجه او حاصله ده لدینه دانتیجه اخلوچی ټولی خوبی، حواشمنی، نیکمرغی او بدبختی په خپلو کی دسکنیو خویندو مثال لری» رښتیا دژوند په دوام او جریان کی پیر داسی پیښیری چی بخینی خوشالی او خوبی وروسته دلیری مودی دخپل مخان پسې داسی گپ اونه او جنجالونه راوپی چی ترخی او پیکه خاطر یی تر پیره وخته دانسانانو فکرونه اوزرونه سخت دردوی او محرومی له همدی امله دپوهی سره سره غوک دانه شی اټکل کولی چی په غه کی ئی خیر او نیکمرغی ده او په غه ډول او څنگه کولای شی چی په خپلی غیر کی دخوښی او نیکمرغی ناوی ونیسی او هم خپل مخان او خپل ژوند دبدمرغیو او خواشینونه بیچ اولری وساتی؟.

(ژول سیمون) دوجدان رضا اورضایت لویه خوښی بولی که فکر وکړو اودوجدان دخوشالولو اورضا کولو په هکله دپوهانو عقایدو او مفکوروته نظر واچوونو پوهیرو چی وجدان دسړی نه په هغه وخت کی خوشالیری چی خپلی ټاکلی وظیفی اووچی په ښه او بشپړه توگه سرته ورسوی او په ټولنه اوتولنیر ژوند کی دمننی اوستاینی وړکارونه اوچاری انجام کپری او په خپلو کپرو ورو او عملونو کی دانسانیت او سربیتوب خواړه او گټور د رسونه او رمزونه مراعات کاندی .

پاسکال په یوبل مخای کی وائی چی « شریر روح په فاسد وجود کی وی اوشریر روح هرغه فاسد وی» د عملونو او خوینو دمطالعی نه په بیکاره ډول داحقایق لاس ته راتلای شی چی دښو اخلاقو او غوره خوینو خاوندان تل پدی هڅه اولته کی وی چی چاته ئی ضرر او شرونه سیریری اوهم پدی پوهیری چی دنیکمرغی او بدمرغی په تخلیق کی دانسان اعمال او احوال لوی رول لوبوی . هرچاته پکار دادی چی دیوی سمی محاکمی او محاسبی له مخی دغه خصوصیات په خپل وجود کی ولتوی او پدی پوه شی چی دنیکمرغی او بدبختی اصلی سرچینه او منشه زمونیر په وجود کی ده .

وائی چی په حرکت کی برکت دی اوراحت په زحمت لاس ته راعی چاچی دحرکت او فعالیت لمن ټینگه نیولی ده هغه بریالی شوی اودموفقیت پراوته رسیدلی دی لکه چی پدغه باره کی یوپوه (هزیود) خپل نظر داسی بیانوی «دبریالیتوب او نیکبختی لارمخ په لورپه اوسخته ده خو کله چی انسان دهغی غوکی ته ورسید هواریری» د هزیود دخبری معنی داده چی هدف ته رسیدل او نیکبختی لاس ته راوړل هغی او هلی عملی ایجابوی اودپیرلیر زحمت گال او منل زیاتی مادی او معنوی ښیگڼی او گټی لری داچی دنیکمرغی

او جریاناتو دمطالعی په حال کی ولیدل چی دنیکمرغی نه مخکی په خپل وار بدمرغی اود بدمرغی پسې وروسته نیکمرغی راغلی اوتللی چی زه ئی دی نتیجی اوفیصلی ته ورسولم چی ووایم چی نیکمرغی اوبدمرغی اصلاً یو ډبل زیرنده ده چی په بیلو - بیلو بڼو تظاهر کوی اوخپله غیره څرگند وی. که غه هم دنیکمرغی او بدبختی ترمنځ پراخه وټونه اوسرحدونه شته اوهر یوه ئی مخانگړی علامی اونښتی لری خو بیا هم دځینوندرتونو اومجهولاتوله امله انسان نه شی کولی چی له هر یوسره ئی مخان په آسانی بلداو آشنا کاندی لکه چی پدغه برخه کی دعلم اوپوهی خاوند (تسودورپارکر) دخپل ژوند په وروسته گپو کی دخواشینی په حال کی ددی خبری پیر ارمان کاوه چی کاشکی پدی پوه اوخبرشوی وای چی غه اوڅنگه ژوند وکړم اودژوند خوند اولذت په غه کی دی؟» لوی اوسمهربان خدای (ج) په خپل پاک او مقدس کتاب قران مجید کی فرمایلی دی « پیرشیمان دی چی تاسی به ئی خیر گڼی شروی او پیرشیمان دی چی تاسی ئی شر بولی هغه خیروی پدغه باره کی یوازی خدای پوهیری او تاسی نه پوهیری» همداسبب دی چی انسان اکثره وخت په ناخبرتیا کی دراز، رازتکرونو اوصدمو سره مخامخ کییری. ځینی اشخاص شته چی هغوی دژوند خوږلنی او نیکمرغی په ځینو موقتی اوتیرو ښتونکو لذتونو اوخوندونو کی لتوی چی دغه ډول اشخاصوته (لسلینگ) دانتقادگونه نیسی او په خپلو ادبی جملو او علمی کلمو سره دهغوی پامار نه پدی توگه راگرغوی «پیری خوږلنی او شیرینی شته چی دترخونه ئی ضرر اوتوان زیات دی نونه ښائی چی په هروخت کی هر ډول ترخوته په کرک او نفرت وگورو» (سقراط) چی دیونان یوسترپوه اولوی فیلسوف دی او په خپل وخت کی ئی دپوهی اوعلم ډگرته یوزیات شمیر پیروان او شاگردان وړاندی کپری نو کله چی تری دخپل یو شاگرد له خوا دنیکمرغی او بدمرغی دپېژندلو او معلومولو په خوا وشاکی پوښتنی کیدلی نودځینو مثالونو اومتلونو په وړاندی کولو سره ئی خپل شاگردته داسی توضیحات اوتفصیلات وړکول «پیری خوښی اوخوشالی دی چی هغه په حقیقت کی غمونه اودردونه دی تش دخوښی په جامه او بڼه کی ئی خپل مخونه اورنگونه پټ کپری دی همدغسی پیر داسی غمونه اوخپگانونه دی چی اصلاً خوښی او خوشالی ده خو دا چی په ظاهر کی ئی دغمونو اودردو نو جامی او کالی اغوستی دی نوموړی ئی غمونه اودردونه بیولو او په همدغه نامه ئی پېژنو، پیر واری لیدل شوی چه دیوچاگرانه ښځه مړه شوی پیری ورسپی ژړلی او په جنازه ئی ورته لپی، لپی اوبشکی توی کپری دی خو غومیاشتی وروسته بیائی چی ډبل نوی واده نوی ډولی خپل کورته راوړی ده هماغومره ئی چی دخپلی پخوانی ښځی په مړینی ژړلی او

او بدمرغی موضوع دژوند دډیر و حساسو او مهمو موضوعگانو نه شمیرل کيږي نو د نړۍ د ډيرو نوميا ليو او مشهورو پوهانو او فيلسوفانو توجه او پاملرنه راگرځيدلې ده او دهغې اصلي فکتورونه او اساسي سببونه ئې په گو تو کړې چې پدغه برخه کې (تولستوی) په خپل وار داسې عقیده څرگندوی «حقیقی نیکمرغی او خوښی د نورو سره مینه لردی او بس» که دتولستوی وینا ته وکتل شی په ډاگه تری څرگند یږي چې انسان یو اجتماعی مخلوق دی او پرته د ټولنی او ټولنیز ژوند نه په هیش ډول خپل ژوند ته لکه څنگه چې ښائی دوام نه شی ورکولی هر فرد د خپلې ټولنی د لوی وجود غړی بلل کيږي چې دټولنی هره طبعی پدیده او حادثه مستقیماً دهغې دژوند په حالاتو او اړخونو باندی مثبتې او منفي اغیزه کوی طبعی ده چې که ټولنه په هراړخیزه توگه نیکمرغه وی نو د فرد مخانگړی او فردی خوښی او نیکمرغی پکې پخپله منځ ته راځي او دا زمینه مساعده گرځيږي چې شخصي گټې او ښيگڼې دټولنیزو او اجتماعی گټو په برکت د پراختیا او پرمختیا پراوته ورسیري، زموږ ملی مشر او دجمهوری انقلاب ستر لارښود نر مایلی دی چې «یوازی اجتماعی نیکمرغی ده چې د فرد نیکمرغی پکې تضمیندلاي شی» حقیقت دادی چې هر انسان دخپل چاپریال، ټولنی او هیواد محصول دی نو پکار دی چې خپله فردی خوښی او نیکمرغی په ټولنه او ټولنیز ژوند کې ولټوی او پدی باید کلک باور او ډاډ ولری چې دنورو د نیکمرغی او خوښی دتامین په صورت کې دده سعادت او هوسائی په ښه او بشپړه توگه منځ ته راځي او دهر ډول ستونزو او کړاو نولمن ټولیری له بلی خوا انسان په ټولنه او ټولنیز ژوند کې هغه وخت دگرانښت او درنښت چانس دلاسه ورکوی او د فکر او عمل په لحاظ دکرکي او غندنې وړگرځي چې دخپلې ټولنی، خپل هیواد او خپلو وطنوالو سره بی مینې او بی علاقې وگرځي او هر څه چې غواړي په هغه کې ئې یوازی خپل مخان او خپلې هیلې او آرزوگانې په نظر کسی ساتي نو ددغه شان بسی مینې او بسی علاقې انسانانو په باره کسی (بالزاک) وائی «په کوم زړه کې چې مینه او محبت نه وی هغه بت ته ورته دی چې روح نه لری» مینه دژوند مالیکه او د انسانیت ښکلا او زینت دی دسړی ښه توب او سړیتوب پدی کې دی چې دټولنی دنورو غړو او وگړو سره د مینې او خواخوږی په فضا کې ژوند وکړي او دصمیمیت او محبت په حال کې خپلې چاری پرمخ یوځي همدغه اجتماعی او ملی احساس دی چې د جزو تامونو او قطعاتو پوه او رسیدلی قوماندانان او مشران پدی ډیر خوشالیری او خوښی ښکاره کوی چې دقطعی او جزو تامونو افراد او پوځی وگړی ئې روغ او خوشاله وی اولکه دخوږو ورونو او خوا خوږو ملگرو په څیر ژوند وکړي او خپلې حضری او سفری چاری

اووظیفی په ښه او منظمه توگه سرته ورسوی ددغی هدف د تامین په مقصد پوه او رسیدلی قوماندانان او مشران کوشش او هڅه کوی چې داسی شرایط او امکانات برابر کاندی چې د افرادو او پوځی وگړو درو حیاتو او مورالو په پیاوړتیا او ودی کې مهم رول ولوبوی، هرغومره چې دیوی قطعی او جزو تام وگړی او افراد خوشاله، روغ او نیکمرغه وی په هماغه اندازه با احساسه او پوه قوماندان روحاً او فکراً آرام او خوشاله وی او دخوښی احساس کوی او پدغسی سلوک او رویه کې خپل موفقیت او سعادت لټوی . (میل) دتمدن او مدنیت بنسټ پوهه او دوجدان بیداری بولی. که لږ څه څیر شواو د نړۍ اوسنی ښی ته په ژور نظرو گورو نو پوهیږو چې پوهه او علم د هر ډول پراختیا او پرمختیا و اساسی او مهمه وسیله ده او هر حرکت چې دپوهی او علمیت له مخی سرته رسیږي زیات برکتونه او خوندونه منځ ته راوړي او هغه چاری چې خاص دوجدان درضايت او تسلی په خاطر صورت مومی ډیر کیفونه او واقعیتونو ورسره ملگری وی او انسان ته یو ډول روحی او فکری خوښی او آرامی وربښي دپوهی او علم ارزښت او اهمیت ته (شوپنهاور) داسی اشاره کړې ده «څوک چې بی پوهی او بی عمله لوی او زور شی هغه زیروح او سا کښ ته ورته دی چه جسماً غټیلي او په عقلی لحاظ کمزوری وی» په همدی توگه ارسطو پوهه او علم د خوښی او نیکمرغی غوره کیلی او عامل بللی دی نو دغه اهمیت او ماهیت ته داسی گوته نیسی او خلک ورته متوجه او ځیر کوی «لکه څنگه چې ژوندی په مړوباندی برتری لری همدغسی ئې دپوهی خاوندان په ناپوهانو لری» واقعاً چې پوهه او علم هغه وسیله ده چې انسان ته ئې دا قدرت او امتیاز ور په برخې کړ چې په خپلو مکانیکي وزورونو خارجي فضا ته والوزی او دطبیعت سنگرونه مات کړي او په خپل ژوند کې زړه پوری سمون او بدلون راولي او هر ورځ د تحول او تکامل په لور مثبت او گټور گامونه او چت کاندی دا ډول - ډول ساینسی او تخنیکي پرمختگونو او راز - راز اختراعگانی او انکشافات دا ټول دپوهی او علم برکت دی . هره ورځ چې تیریږي انسان د مجهولاتو او اسرارو مخ رابرنهوی او دطبیعت درازونو او رمزونو په پرده لری کوی دا مرسته دپوهی او علم ده او دغه نیکمرغی خوښی اوسرلوری یوازی پوهی او علم انسان ته ورپه برخه کړي دی په غړولو سترگو وینو کومو ټولنو چې دپوهی او علم ډیوی او چراغونه په خپلو لاسونو کې اخیستی او نیولی دی نن ورځ دخپل اجتماعی او ټولنیز ژوند په ډگر کې ډیر پرمخ تللی دی اوزیات بریالیتوبونه او کامیابی ئې لاس ته وروړي دی او هر گام چې پورته کوی دخپلو هدفونو او مراسونو خواته ورنژدی کيږي مگر کوم انسانان او ټولنی چې دپوهی او علم دگټو او ښيگڼو په بی برخي او محروم پاتی

دی نود تمدن او ترقی دکاروان نه پیروروسته دی اود ژوند په صحنو او منظرو کی زیاتی ناخوالی اوربری گالی اودهر حرکت او فعالیت په وړاندی ئی یولپ خنډونه او خنډونه خپل سرورنه را اوچتوی باید وویل شی چی پوهه دپوهی پوری توپیرلری دکومی پوهی سره چی. فضیلت او اوتقوا ملگری وی هغه واقعی اوربیتینی پوهه ده اوخاسخائی ټولنی اوتولنیزژوند ته گټه اوخیرر سیدونکی دی دواقعی پوهی دخاوند یولوی اوغوره صفت اوخصلت دادی چی په هروخت اوهرمخای کی خپل محان دټولنی او نورو خلکو په منځ کی وینی اوترخوچی دنورو وگړو نیکمرغی او خوبی تامین نه وی نوغان ورته دحقیقی نیکمرغی اوخوبی خاوند نه ښکاره کیږی اونه دهوسا اوبسیا ژوند فکر او احساس کوی .

که چیری دیو پوه او عالم سره ملی او اجتماعی احساس نه وی او په زړه کی دنورو په نبت دینی ، خوا خوږی اولورینی روحیه ونه لری معنی ئی داده چی دغه ډول اشخاصو دخپلی پوهی او علم نه کومه نتیجه او گټه نه ده اخستی اودواقعی نیکمرغی او خوبی نه ډیر لری واقع دی .

په خوبی سره ویلی شو چه دجمهوری نظام په منځ ته راتللو سره دپوهی اوزده کړی چاروته خاصه اوزیا ته توجه اوپاملر نه شوی ده دپوهی نوی ریفورمونه اودزده کړی نوی متودونه اوهم دښوونی اوروزنی نوی بڼه اوپروگرامونه اوددغه برخه کی دکټورو تصمیمونو او پلانونو تطبیق دزیاتی ستاینی اوډاډ گیری وړ بلل کیدای شی . دپوهی اهمیت اوضرورت ته ورځ په ورځ دخلکو اودولت مینه اوپاملر نه زیاتیږی داساسی او میتودو دیکي پوهی اوزده کړی دپرمختگ په څنگ کی دپوهی اوزده کړی نور مرستیال فعالیتونه هم په پیره روان دی اودناپوهی او بیسوادی سره د مبارزی لمن ورځ په ورځ پراختیا مومی چی په هیواد کی دشپي دلیسو منظورول اوتامیس اوهم دهیوادپه اکثر وسیمو اوبرخو کی دلیک لوست دزده کړی دکورسونو منځ ته راوستل او په هغوی کی هغه کسان دزده کړی اوسواد آموزی لاندی نه نیول چی دحیثو ستونزو او معذرتونو له امله دپوهی اوعلم دنعمت نه محروم پاتی شوی . افغان جمهوری اردوچی بوازینی ارزواووظیفه ئی هیواد او هیوادوالوته په حضر اوسفر کی خدمت کول دی دلویانود لیک لوست دزده کړی دکورسونو په تاسیس اوپرمخ بیولو کی ئی پراخه او فعاله برخه اخستی ده داردو په ټولو وړو اولویو جزو تامونو اوپوځی قطعاتو کی دهیواد دچیانو دښوونی اوروزنی له پاره کورسونه تاسیس دی اوپه هغوی کی دپوهو اومنورو صاحب منصبانو له خوا خپلو هغو افرادو اوعسکرو ورونوته دلیک لوست دزده کړی چاری اولاری وربودل کیږی

کوم چی دغه راز زده کړی ته اړدی. هیله ده دپوهی اوزده کړی په برخه کی دغه ډول مثبت اوگټور فعالیت ددی سبب شی چی دهیوادنه دناپوهی او بیسوادی لمن ټوله شی او هیوادوال ددی موقع اوفرصت و مومی چی دپوهی او علم په برکت خپلی ستونزی لری اوپه خپلو هغو فعالیتونو کی چټکتیا او پراختیا راولی او په نتیجه کی دخپل کار اوزیار په تناسب گټی ترگو توکړی .

(شکسپیر) دخپلی پوهی اوتجربو د تحلیل په اساس د نیکمرغی اوخوبی عواملو اوفکتورو نوته په خپلو نظر یا توکی پدی ډول اشاره کړی ده ، کار وکړی اوزیار وگالی چی دحقیقی ویاړ او عظمت جامی مو په تن شی ، مه هیری چی همیشه نوی افتخارات لاس ته راوړی هغه څه چی دباطنی اوروچی نیکمرغی له پاره لازمی اوضروری دی کوشش وکړی چی دمعقولیت اوعلمیت له لاری ئی ترگو توکړی ، په یاد ولری چی ستاسی نیکمرغی او شهرت دنورو پوری اړه لری نوپکار دی چی باطنی رضایت اوقناعت ته زیات ارزښت ورکړی ، اودټولنی او نورو خلکوسره خپله وفاداری په عمل کی څر گنده کړی دا پرونه کوی چی خپل پاتنی کسانو ته مو شتمنی پاتی نه شی تر ټولو غوره داده چی هغوی ته خپل نیک نوم او بڼه شهرت پریږدی تر څو هغوی وکولای شی چی دنورو په منځ کی ستاسو د نیک نوم او نیک شهرت په وجه په سر لوری او جگوستر گو ژوند وکړی » په همدی ډول (سیسرون) ددغه برخه کی خپله څیر نه او نظریه پدی جملو او کلامو سره څر گندوی « کوم غوره او گټور میراث چی پلرونه ئی خپل اولادونو ته پرېږدی هغه شرافت اوفضیلت دی نو کوشش وکړی چی خپل باطنی او اخلاقی فضیلت تامین کړی اوهم پدی لټه کی شی چی نوروته مو خیر او گټه ورسیری ځکه هر انسان دخپلی ټولنی په وړاندی یوشمیر رسالتونه اومسئولیتونه په غاړه لری » که په غور څېړشو نوگورو چی دشکسپیر اوسیسرون دواړو مفکوروی او نظریی یوله بل سره ډیر نژدیوالی اوورته والی لری او داجتماع او اجتماعی ژوند سره نژدی اوتینگ تماس نیسی او په اجتماعیت کی دفر دیت اخلاقی ذمه واری اواجتماعی پابندی په گو تو کوی « حقیقت خودادی چی خپله خوبی اوخوشالی په ټولنه کی لټول او خپل پاتنی کسانو او وارثانو ته د شرافت اوفضیلت در سونه اومیراثونه پرېښودل په خپل ذات کی لوی بریالیتوب اوستره نیکمرغی ده .

حیثی دعتیدی اومفکوری خاوندان لاداسی وائی چی «دخوارانو اوبیولانو لاس نیوی دیتیمانو اوگونډو اوبیکي وچول دیوپاک او مقدس مرام او انسانی وظیفی دانجام په نیت نوروته کار اود خدمت کول د ناوړه او بی خیره کارونو او عملونو نه محان ژغورل اوډبه کول په زړه کی (پاتی په ۲۰ مخ کی)

نظری بر اسلحه و آلات افزار حربی

در آریانای کهن و قبل التاریخ کشور ما



مکتوب شمس الدین ظریف صدیقی

وجانشین می شود، هر چند دهها قبیله آریایی از بلخ بسوی غرب (آریانه - آریا - هرات) و یا جنوب کوهپایه های هندوکش و فراتر از آن تارود سند و سرزمین افسانوی هند کوچیدند و مدنیت های مشایخی در شهرهای همگون به وجود آوردند. دوره سوم سرودهای ویدی مربوط آریاهاست. سرودهای ویدی افسانه های حماسی و کارنامه های غرور انگیز پدران ما را تا عصر اوستا انتقال داد، این انتقال البته شفاهی سینه به سینه، نسل به نسل و از اجداد به فرزندان صورت گرفته است. بعد از سرودهای ویدی مهم ترین سند شفاهی ملیت آریایی اوستا است که برخلاف سرودهای ویدی که طی قرن ها سرود شد، به عنوان دستاویز مذهبی از طرف شخص معلوم الحالی تدوین گردیده است، این شخصیت همانا زردشت سپین تمان اولین ارائه دهنده مذهب و آئین در آریانای قدیم است، با ارتقاء به سرودهای ویدی و سلسله قوی در بین آریاییان منسجم و شهر نشین فرمان را نداشتند. این سلسله ها عبارتند از سلسله های پیشدادیان و سلسله کیان، پیشدادیان نخستین مردمی بودند که در شهرها بر آریای ها فرمان روایی کردند. سرودهای ویدی، نخستین فرمانروای آریای را (یما - جمشید) میدانند که نعل به خدی راد بلخ باسی ساخت و آریایی ها را به زراعت و اهلی ساختن نباتات و مواد غذایی واداشت، از جمشید داستانهای فراوان بمان رسیده، سرودهای ویدی متعلق بدوره های حماسی است، حماسه های شکوه مند سردانی که نخستین مدنیتهای رادین سرزمین بنیان گذاشته اند، دوره کیان خود حماسه های دیگر است از سجالات و مبارزات آریای ها در برابر هجوم دشمنان و همین ماجراها بودند که خدای نامک ها و شهنامه ها را بوجود آوردند و تا عصر فردوسی نسل به نسل به آیندگان رسیدند، دوره اوستا مصداق به دوره خاندان اسپاهاست و ویشناسب و مهراسب و گشتاسب که صاحبان اسب های بزرگ بودند. مدنیت آریای ها را به جنوب، جنوب غرب و

در شماره های گذشته در مورد حربها و سایل حربی و ترتیب نظام مجاری بوی خراسان، سلف افغانستان مطالبی را تقدیم نمودیم، درین شماره میخواهیم در لابلای اسناد و مدارک دست نوشته قدیمی فراتر نهم و آریانای قدیم، از مردمی که زراعت پیشه بودند و نخستین شهرها را در قلعرو بلخ به وجود آوردند مطالبی تقدیم نماییم. شهر نشینی از زمانی در کشور ما آغاز یافت که پدران ما هزاران سال قبل از آریا ناویجه بسوی جنوب یا جنوب غرب کوچیدند این هزاران سال قبل به هیچ وجه روی کدام مدرک اساسی تثبیت شده نمی تواند، هیوزمانه ما می دانیم آریاناویجه یا مسکن اول آریاییان در کجا بوده است، احتمالات زیادی وجود دارد که آریاناویجه در اطراف جمیل کسپین در آسیای شمال غربی و یا ارتفاعات ماورای پامیر (آسیای شمال شرقی) باشد قدیم ترین مدرک ما سرودهای ویدی اند سرودهای ویدی زمان معینی ندارند، طی صدها سال توسط گویندگان نامعلومی سروده شده، ولی بهر حال این سرودها رابه سه دوره تقسیم میکنند: دوره اول که قبل از رسیدن شاخه های آریایی به اینطرف آمو سروده شده، این سرودها خیلی قدیمی اند حتی از دوره تاریخی هم آنسو تر اند، یعنی از پنج، شش هزار سال آنطرف و بسیار امکان دارد که بدوره (پروتو هسنوری (۱) یا دوره قبل التاریخ متعلق باشد. دوره دوم سرودهای ویدی بنام سرودهای ریگ ویدیا یا ویدی وسطی مشهور است و این زمانه نیست که آریاها نخستین شهرها را در کنار آمو تشکیل میدهند و از شکل کوچیگری به اقامت در مناطق مسکونی تغییر میکنند، طبعاً مدنیت ها و فرهنگها در شهرها در دهها و در اقامت گاههای طویل المدت نضج میگیرد

(۱) پروتو هسنوری، دوره ایست که همزمان با عصر تاریخی در مدنیت های مشابهی ظهور کرده است که یکطرف آن دوره تاریخی و طرف دیگر آن ما قبل التاریخ است.

عبارتست از: دوره سنگ کهنه یا *Palaeo lithic* ، سنگ میانه *Mesolithic* و سنگ جدید *Neolithic* ، دوره سنگ را به اساس تاریخ گذاری مطابق روش کاربن (۱۴) در اروپا چنین تاریخ گذاری کرده اند (۲).

دوره سنگ قدیم اروپائی در حدود دو میلیون سال قبل از میلاد آغاز و تا ۱۱۰۰۰۰ قبل از میلاد ادامه یافته است. دوره سنگ میانه از ۱۱۰۰۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰۰ قبل از میلاد را در بر گرفته و دوره سنگ جدید اروپا از ۵۰۰۰ قبل از میلاد تا هزار سال قبل از میلاد ادامه یافته ، اما در آسیا ، دوره سنگ جدید از ۸۰۰۰ قبل از میلاد تا ۳۵۰۰ قبل از میلاد یعنی در حدود پنج هزار سال قبل از امروز رسیده است ، معنی این سخن اینست که آسیای هازودتر بدوره تاریخی داخل شده اند . ناگفته نباید بگذریم که خود دوره سنگ قدیم نیز به سه دوره تقسیم می شود ، این دوره ها عبارتند از دوره های سنگ قدیم پایانی (*Lower Palaeolithic*) از دو میلیون سال قبل میلاد تا حدود هشتاد هزار سال قبل از میلاد ، دوره سنگ قدیم وسطی (*Middle Palaeolithic*) از هشتاد هزار سال تا ۳۲۰۰۰ قبل از میلاد و دوره سوم شامل سنگ قدیم بالای (*Upper palaeolithic*) از ۳۲۰۰۰ سال قبل از میلاد تا ۱۱۰۰۰۰ قبل از میلاد . یک مسأله دیگری هم درین زمینه وجود دارد که هنوز در حالت یک فرضیه است .

این فرضیه متکی بر فرضیه تکامل است . البته این فرضیه هنوز ثابت نشده اما چون برای شناخت انسان بحیث یک روش قبول شده ما هم فقط بادی وسیع علمی بدون اظهار نظر این فرضیه را یاد آوری میکنیم ، هر فرضیه تا وقتی تثبیت نشده است فقط ماهیت نظر به دارد .

مطابق این فرضیه ، عمر انسان خیلی قدیمی است . قرار فرضیه تکامل انسان در آغاز مرحله در شرایط پرامیت قرار داشت ، درین مرحله انسان هیچ نوع خصوصیات انسانی را نداشت ، بعداً به مرحله دیگری تحول کرد که آنرا علما ، هومونید نام گذاری کردند . گویا مرحله هومونید مرحله (آدم نما) تلقی شده ، بعد از آن تکامل انسان را به شکل هواریکنس یا انسان قدراست میدانند ، بعد ازین مرحله هوموسپینس یا مرحله انسان خردمند و باهوش میرسد . با تطابق مراحل تکامل با دوره های قبل تاریخی ،

(۲) سیستم کاربن - ۱۴ ، جدا شدن کاربن را در طی سالهای معین تثبیت مینماید . سیستم تاریخ گذاری توسط کاربن (۱۴) ذریعه دانشمند معاصر امریکایی بنام پروقیسر (لیبی) کشف شد و تحول بی سابقه را در امر تاریخ گذاری مواد کشف شده باستانشناسی بخصوصی باستانشناسی تحلیلی بوجود آورد . بخاطر تجلیل از چنین کشف بزرگ در سال ۱۹۶۵ جایزه پرافتخار نوبل را به لیبی دادند و نامش در تاریخ علم بشر جاودان باقی ماند .

جنوب شرق توسعه بخشیدند ، سلسله سگایی هادر جنوب غرب آریانادر سر زمین که امروز سیستان مینامیم خود نیروی دیگری شدند که قهرمانی های آن در چهره (رستم) سگایی تبارز کرده است . پس از سرودهای ویدی و اویستا که بعد در چارچوب خدای نامک و شهنامه ها حماسه های آریایی هارا جاویدان ساختند منابع مهمی برای شناسایی ملیت آریایی شناخته شدند و ما امروز خود را با اتکاء با همین سندها ، صاحب یک فرهنگ مدنی پنج هزار ساله میدانیم که تحلیل و بررسی محاربات و آلات و ادوات حربی این دوره ها را می توانیم از بالای همین مدارک جستجوی نمائیم و این برای آینده فرصتی میسر خواهد بود .

اما آنچه ما امروز میخواهیم بحث کنیم در پهلوی جستجو در لابلای اسناد و مدارک تحریری و شفاهی جستجو از طریق اسناد و مدارک مادی است . این اسناد و مدارک در طی کاوشها و تحقیقات توسط باستانشناسان و محققان آرکیولوژی از زیر توده های خاک که هزاران سال مدفون بوده اند بدست آمده است و فرهنگ مادی آریایی های را از پنج هزار سال به صدها هزار سال قبل می کشاند . درینجا برای اینکه خوانندگان بتوانند اهمیت این مطلب را در پابند بهتر است این دوره های صدها هزار سال را بشناسیم . دوره تاریخی در جهان از پنج هزار سال قبل تشکیل یافته . یعنی وقتی خط و وسایل تحریر و اشکال ظهور کرد و انسانها توانستند توسط اشارات و رموز خاطرات زندگی خود را در لابلای سنگ نوشته ها ثبت کنند بعد ازین تاریخ بوجود آمد ، البته اسباب و نوشته های تاریخی در نقاط بسیار محدودی مثل مصر ، بین النهرین و در گردونواحی اینجا بظهور رسید . در پهلوی این مدنیتهای تاریخی دهها مدنیتهای دیگر وجود داشت که از نعمت انتقال و ثبت خاطرات توسط رموز و علائم که ما اینک بنام خط میشناسیم محروم بود ، ندولی توسط انتشار و انتقال مواد ساخت دست انسان ، سامان آلات این مدنیتهای را در جاهای دیگری می یابیم که مدنیتهای این دوره هارا بنام (پروتو هیستوری) می نامند . پس از یکطرف پروتو هیستوری در لبه تاریخ قرار دارد و از سوی دیگر از قبل تاریخ (پری هیستوری) نگسسته است .

دوره قبل از پروتو هیستوری را قبل تاریخ میشناسیم ، درینجا است که پای تاریخ می لنگد و برای کشف دوره قبل تاریخ باید سراغ کشفیات باستانشناسی رفت که خوشبختانه معلومات بسیار تازه از کشور ما در طی پانزده سال اخیر ازین دوره بدست آمده که هر چند هنوز کاملاً نوشته نشده ولی از خلال راپورهای هیاتهای باستانشناسی حقایق زیادی در اختیار ما قرار گرفته است . دانشمندان آرکیولوژی دوره قبل تاریخ را به سه دوره تقسیم میکنند که عبارتند از دوره سنگ ، دوره برنز یا مفرع و دوره آهن و باز دوره سنگ را به سه دوره دیگر تقسیم مینمایند که

دوره سنگ کهنه را همزمان با دوره هومو نیس (آدم نما) و انسان های قدراست یعنی *Homo erectus* میداند، با شروع دوره سنگ میانه انسان های باهوش (هومو سپینس) در نظر گرفته می شوند یعنی در دوره سنگ میانه و سنگ جدید، انسان (بعقیده طرقداران فرضیه بالا) شکل و هیئت انسان امروزی را داشته و میتواند مواد خود را بسازد. یک تقسیم تاریخ گذاری دیگر نیز باید بخاطر داشته باشیم. و آن اینست. که عمر سه مرحله دوره سنگ قدیم را چنین میدانند:

دوره سنگ قدیم وسطی ۳۴،۰۰۰ پیش از امروز، دوره سنگ قدیم بالایی ۱۶،۶۱۵ سال پیش از عصر حاضر، ولی دوره سنگ قدیم پایانی معلوم نیست.

عمر دوره سنگ میانه ۱۰،۵۸۰ سال پیش از امروز و دوره سنگ جدید که بدوره سیرامیک و علم سیرامیک تقسیم گردیده هم در حدود ۸،۶۵۰ سال دوره علم سیرامیک و ۷،۲۰۰ سال قبل از امروز دوره سیرامیک سنگ جدید عمر دارد.

پس عمر بشر از آغاز خلقت تا امروز بیشتر از آنست که تصور میشد یک تقسیم فرهنگی دیگر نیز توسط باستان شناسان صورت گرفته است:

دوره اول دوره شکار است که بنام (*Savage*) یاد میشود، این دوره برابر با دوره سنگ است در این مرحله انسان بحال توحش زندگی میکرد، انسانها چه بصورت انفرادی و چه بصورت اجتماعی از راه شکار و جمع آوری امرار معیشت مینمودند، هنوز نباتات اهلی نشده بود و زراعت وجود نداشت.

دوره دوم دوره کوچی گری و زراعت است که بنام (*Herdsman*) یاد میشود، این دوره برابر با دوره مفرغ یا برنز است این دوره را عصر بربریت نیز یاد می کنند، درین دوره مردم بشکل کوچی گری حیات بسر می بردند و زراعت و مالداری را فرا گرفته بودند بعضی حیوانات و قسماً نباتات اهلی شده بودند، در دوره سوم مرحله مدنیت و صنایع است که بنام *Civilized community* یاد می شود درین مرحله شهر های بزرگ بوجود می آید و صنایع اولیه بشر انکشاف مینماید، و معادل با دوره آهن است. اکنون با بخاطر داشتن معلومات فوق بر میگردیم بر سر اصل مطلب راجع به قبل تاریخ افغانستان تا چندسال پیش فقط تصوراتی موجود بوده، مطابق فرض های که مورخین ما مینمودند تصور میشد آریائیها در دوره دوم ویدی یعنی در حدود پنج هزار سال پیش از امروز در اثر سرد شدن ناگهانی (آریاناویجه) زادگاه بومی آریایی های اولیه، مسافت از قبایل آریایی از دریای آمو گذشتند و مدنیت آریایی را در بلخ بنیان گذاشتند، نخستین فرمانروایی آریایی هم پهلوان جمشید بود اما تحقیقات باستان شناسی اساسی

این تصورات مورخان را باطل ساخته است چه مطابق این تحقیقات هزارها سال قبل این دوره (پنج هزار سال پیش) مردمی در همین گرد و نواحی بلخ زندگی میکردند که آثاری از ایشان کشف شده و در اختیار مادموزیم کابل قرار دارد. قبل از توضیح کشفیات اخیر که مهمترین آنرا وسایط حربی تشکیل میدهند ناگزیریم از لابلای سرود های ویدی از اولین بشر آریایی هم یاد کنیم. این بشر آریایی «کیومرث» است کیومرث را نخستین بشر آریایی دانسته اند، راجع به لباس و آلات جنگی آریایی ها آنچه در که شاهنامه آمده است تصور میشود مربوط به تفکر عصر خود فردوسی یا نزد یک بدان بوده است. فردوسی درباره کیومرث چنین میگوید:

پژ و هندة تمامه یاستان

که از پهلوانان زند داستان

چنین گفت کائین تخت و کلاه

کیومرث آمد آورد و او بود شاه

کیومرث شد بر جهان کد خدای

نخستین بکوه اندرون ساخت جای

سر بخت و تخنیش بر آمد بکوه

پلنگینه پوشید خود با گروه

بدینسان معلوم میشود که کیومرث یک انسان مغاره

نشین بود و لباس پلنگینه (پوست پلنگ) می پوشیده است،

در یک مقاله تحقیقی منتشر شده در موضوع لباس جنگی

آریائیان چنین آمده است (۳):

« در بندهشن گزارش از پوشاک نخستین مردمان و طرز

استفاده آنان از طبیعت دوران پارینه سنگی (سنگ قدیم

Palaolithic) تا زمان استفاده از آهن و ابزار آهن

(*Iran Age*) چنین آمده است: هرگز گفت «مشی»

و «مشیان» (۴) که مردم ایدل (پدر و مادر) جهاتیان اید

ایشان هر دو چون یکی درباره دیگری اندیشید، نخست این

را اندیشید که او از مردم است. ایشان به نخستین کنش این را

کردند که راه بر رفتند. ایشان راسی روز خورش گیاهان بود.

و بر بستری از گیاه خفتند. پس از سی روز در بیابان

فراز به بزی سپیدموی آمدند و به دهان، شیر پستان وی را

مکیدند. پس به سی روز و شب دیگر، به گوسفندی رسیدند

سیاه رنگ و سفید آرواره، او را بکشتند و از درخت کنار

(= سدر) و شمشاد به راهنمایی مینوان آتشی افکندند زیرا

آن دو درخت آتش دهنده تراند. ایشان به دهان نیز آتش

را افروختند... و گوسفند را کباب کردند. ایشان نخست

خود را به جامه پوستین نهفتند. سپس موی و آنگاه سرمه

(۳) مجله هنر و مردم (ش)، ش ۱۳۵۳ و ۱۵۴

ص ۷۱ تا ۷۳) چاپ تهران

(۴) این مشی و مشیانه بسیار با اولین مردوزن (حضرت

آدم و حوا) تطابق مینماید.

(شاید پشم) بیافتند و خود را به آن جامه بافته نهفتند. ایشان بر زمین کلمگی کنندند و آهن بگداختند و با سنگ و استخوان آنرا بزدند و آنگاه تیغی از آن بساختند و درخت را ببردند و آن «پدشخوار» (= بشقاب - کاسه) چوبین را آراستند (ص ۴۹ کتاب اساطیر ایران. مهر داد مهرین به نقل از «بند هشن» .

از گزارش بندهشن معلوم میگردد که آدم و هوای آریایی از همان ابتدا دست به اهلی ساختن حیوانات و استفاده از پشم حیوانات برای لباس و همچنین برافروختن آتش را میدانستند و چون بهره برداری از آهن را میدانستند باید آنرا معادل عصر آهن (*Iron Age*) بدانیم و این دوره بعد از دوره های مختلف سنگ و مفرغ است و پیشتر گفتیم که دوره آهن عصر جدید است که انسان به مرحله مدنیت و صنایع میرسد و داخل عصر (*Civilized community*) میگردد، در حالیکه مطابق فرضیه طرفداری تکامل دو میلیون سال قبل نیز انسان از سنگ و استخوان بعنوان وسیله تدافعی استفاده مینموده است و عصری که سرودهای ویدی و اویستا از آن تذکر داده اند مربوط بدوره نزدیک به تاریخ میشود. با آنهم می بینیم که اولین سلاح آدم آریایی همانا تیغ است و این قدیم ترین مدرکی است که از عصر ویدی و اویستایی در دست داریم فردوس از وقوع محاربات در عصر کیومرثیان تذکر میدهد، وقتی هوشنگ برای انتقام گبری خون پدرش سیامک با کیومرث به جنگ خرزویان دیومیرود گفته است :

کشیدش سراپای یکسر دوال سپهد برید آن سرببی مهال
اگر چه نام سلاح هوشنگ (پشن - فوشنج بانی هرات
وزنده جان) برده نشده اما تصور میگردد تیغ بوده است .
بلغمی مورخ عصر سامانیان که یک سده قبل از فردوسی
زندگی کرده در همین زمینه می نویسد :

«کیومرث سپاهی ساخته بود و هوشنگ آگاه شده بود
که پدر او را به چه حال بکشند . آهن از کوه بیرون آورد
هم بخردی و از آن سلاح کرد . ماهری کرد سهمگن ، و سپری
کرد ، و برگونه کار چیزی کرد و آن به الهام ایزدی
کرد نه از دید و شنید (۵) » از روی اسناد فوق برمیآید که
اولاً آریایی ها قبل از عصر پیشدادیان نیز استفاده از آهن
و طرز استخراج آنرا میدانستند و میتوانستند آلات و ادوات
تدافعی خود را از آهن بسازند ، ثانیاً هنوز از سنگ
و استخوان نیز استفاده میکردند .

استفاده از سنگ و استخوان یکباره بدوره های بسیار
قدیم یعنی عصر سنگ قدیم (پلیولیتیک) می برد . انتباه
دیگری که داریم اینست که آریایی ها عصر مفرغ را

(۵) تاریخ بلغمی . (ص ۱۲۶ ، س ۴) تهران . به

تصحیح ملک الشعرا بهار .

باصلاح میانجی زدند یعنی از دوره سنگ بدوره آهن تحول
یافته اند و این از لحاظ مطالعات قبل تاریخی مهم است
و چون هدف اصلی ما ازین تحقیقات : پیدا نمودن اسلحه
و طرز محاربات قبل تاریخی است بناً آنرا میگذاریم به
محققان و دانشمندان آرکیولوژی و بشر شناسی .

بلغمی در تاریخ خود از یک نوع اسلحه دیگر نیز در عصر
کیومرثیان یاد آوری میکند :

«... و سلاح او یکی چوب بزرگ بود و فلاخنی، و هر کجا
د یوویری بدیدی به سنگ و بدان او را هزیمت کردی و همه
بر میدندی (۶) » یعنی کیومرث دو نوع سلاح داشته، اول
سلاح استفاده از نزدیک (چوب بزرگ - گرز چوبی) و دوم
سلاح دور منزل (فلاخن) و گویا آریایی های قبل تاریخ
از سنگ ، چوب و استخوان استفاده میکردند و طرز استخراج
آهن را نیز میدانستند. اکنون به سراغ مدارک مادی کشف
شده قبل تاریخی افغانستان قدیم میرویم . در موزیم کابل
در اتاق قبل تاریخی آلات دوره سنگ و سسطی
(*Middl palaeolithic*) می یابیم این آلات شامل
مواد سنگی می باشد که از دره دادیل بلخ (مسکن آریایی های
عصر پیشداری) بدست آمده و ۵۰/۰۰۰ عمر دارد ، محل
دومی که آثار عصر سنگ بدست آمده از قره کمر سمنگان
است که نمایندگی از عصر (*Upper Palaeolithic*)
یا عصر سنگ قدیم بالای میکند و عمر آن (۳۰/۰۰۰) سال
تعیین شده است ، محل سوم کشفیات مربوط آق کپروک
است که عمر آن به بیست هزار سال سنجش گردیده است
آق کپروک نیز در ولایت بلخ است و مجسمه گلی نیز از
آنجا بدست آمده است، محل دیگر با به درویش ولایت تخار
است که از آنجا سنگهای به مقصد تدافعی بدست آمده
و عمر آن به دوره سنگ جدید (*Neolithic*) میرسد که
چهل هزار سال تثبیت شده است .

از روی این مدارک معلوم میگردد که ولایت بلخ
و نواحی آن پنجاه هزار سال پیش از امروز مسکون بوده و به
تناوب چهل هزار سال، سی هزار سال و بیست هزار سال مدارک
مادی در دست ما قرار دارد . ناگفته نباید بگذریم اشیای
که در عصر سنگ توسط انسانها بکار رفته ، یکی هم از
نوع ایولیت است ایولیت یک نوع سنگی است که کمی
گوشه های تیز دارد و هنوز دانشمندان اختلاف دارند که
آیا این سنگها به شکل طبیعی مورد استفاده قرار میگیرفته
یا اینکه انسانهای اولیه آنرا شکستانده و توسط آن ضرورت
شان را رفع میکردند همچنین استفاده از استخوان (*Bone*)
و چوب (*Wood*) توسط انسانهای اولیه معمول بوده و سنگ
را بصورت کور و فلک مورد بهره برداری قرار میدادند، در
افغانستان آلات استخوان کشف شده که (بقیه در صفحه ۲۳)

(۶) تاریخ بلغمی . (ص ۱۱۴ ، س ۶)

سیستم احضارات قوماندانان و قرارگاه‌ها در پیشبرد و اجرای محاربه

ترجمه: از جگرن خلیل الله عنایت

محاربه بوی قرارگاه‌ها، بازی‌های حرب تطبیقات قوماندانیت و قرارگاه‌ها، اجرای تطبیقات در مواضع با تأسیس شبکه‌های مخا بره انداخت‌های خصوصی و غیره... مربوط می‌باشد.

سیستم احضارات قوماندانان و قرارگاه‌ها اهداف و مقاصد ذیل را تأمین مینماید:

تأمین و ارتقای سطح معلومات اهراتیفی و تکنیکی مطابق پیشرفت و تکامل صنعت حرب، ارتقای معلومات در خصوص سلاح و تکنیک حربی قوت‌های دوست و دشمن، پیشبرد امور اداری طرح طرق و تکنیک پیشبرد محاربه و تعیین میتودهای جدید برای امحای دشمن و غیره خصوصیات درین سیستم همچنان اجرا و تطبیق عالی و مؤثر و ظایف در شرایط خیلی مشکل تأمین شده هم آهنگی در اجرای امور بین قوماندانان، رؤسای ارکان و گروپ صاحب‌منصبان قرارگاه در یک نظم واحد فعالیت قوماندانان و قرارگاه با نگهداشت سطح عالی تجارب آنها تأمین میشود قابلیت کادر قوماندانان در سوق و اداره قوتها توسط قورم‌های دیگر احضارات یعنی کورس‌های ارتقائی دروس قوماندانان نیز بلند رفته میتواند.

در سیستم احضارات قوماندانان در پلان اصلی آن بلند بردن سطح تجارب قوماندانان بشکل حرفوی آن در نظر گرفته میشود.

برای پیشبرد حرب قوماندانان شخصاً قرار سیدهد اما تنظیم و کنترل آن بعهده قرارگاه می‌باشد قوماندانان نه تنها وظیفه قرارگاه و صاحب‌منصبان آنرا تثبیت میکند بلکه او به انتخاب و نظر خویش قابلیت و اتموسفر قرارگاه را در نظر گرفته و به آن اتکا میتنماید.

قرارگاه ناگزیر کمیت کار قوماندانان را باید در نظر بگیرد. در اجرای این امر و نیل برای پیشبرد محاربه مساعی مشترکه مثبت و فعال رکن اساسی را تشکیل میدهد.

قوماندانان باید با تجربه و خلاقیت خود طریقه‌های مختلف اجرای وظایف را در نظر بگیرد که یکی آن هم جلب

از فکتورهای اساسی و عمده موفقیت در محاربات امروزی یکی هم خلاقیت، فهم و دانش و تجربه ارکان سوق و اداره قوت‌ها می‌باشد. برای اینکه قوت‌های حربی بشکل متین و استوار و همچنان بموقع طبق خصوصیات حرب‌های عصری امروزی استعمال شده بتواند لازم است تا کادر رهبری یعنی قوماندانان و صاحب‌منصبان قرارگاه‌ها بطور سیستماتیک و دوامدار احضارات گرفته و به معلومات علمی و تجارب حربی خود بیفزایند.

جهت اینکه یک قوماندان بتواند بطور همه جانبه قوت‌های خود را سوق و اداره نماید لازم است که خصوصیات و مسایل حربی را بطور بسیار عمیق دانسته خصوصیات محاربات مدرن، وضعیت قوت‌های دوست و دشمن و تکنیک حربی آنرا دقیقاً مورد مطالعه قرار بدهد.

قوماندانان باید بشکل اهراتیفی امکانات و قابلیت محاربه‌ی دشمن را ارزیابی نماید.

در اردوهای محارب اساس سوق و اداره را فهم درست و سطح دانش قوماندانان و قرارگاه‌ها تشکیل میدهند قوماندانان یگانه امریست که میتواند به اساس مقررات حربی بشکل بسیار متین مادونان و قطعه خود را سوق و اداره نموده و آنها را بکار بیندازد.

در امور سوق و اداره قوت‌ها، قرارگاه‌ها کمک‌کننده اولین قوماندان محسوب میشود.

قرارگاه وظیفه دارد تا برای پیشبرد محاربه تمام اساسات و معلومات ضروری را فراهم نموده و قرار قوماندانان را حاضر ساخته و جهت اتخاذ قرار آنرا به قوماندانان تقدیم نماید.

قرارگاه قرار قوماندانان را به قدم‌های اجرا کننده و مادون تبلیغ نموده و تطبیق آنرا کنترل نماید.

ارتقای سطح تجارب قوماندانان و صاحب‌منصبان قرارگاه‌ها در تطبیق و پیشبرد امور سوق و اداره از همه اولتر به سیستم احضارات اهراتیفی و تکنیکی از قبیل:

دروس احضارات قوماندانان، مشق و تمرین امور

بعضی حالات و شرایط قوماندان بادر نظر داشت معلومات و دانش علمی هیئت قرارگاه خود بشکل اپراتیفی و مؤثر قرار خود را اتخاذ مینماید .

موضوع خیلی ها مبرم که بطور دوامدار باید به هیئت قرارگاه رسانیده شود اینست که انتخاب سبک و طرز سوق و اداره قوت ها برای قوماندان فکتور تعیین کننده در سر نوشت حرب میباشد زیرا امور سوق و اداره حربی یک مسئله خصوصی و فردی محسوب نمیشود قوماندان مکلف است تا در میتود فعالیت خود وضعیت محاربوی را با زمان دست داشته ارزیابی نموده امکانات و قابلیت هیئت قرارگاه خود را با آن تحلیل و تطبیق نماید . مثلاً بطور مثال اگر زمان کافی برای اتخاذ قرار موجود باشد پس در آنصورت قوماندان حتماً پیشنهادات ، نظریات و راهپور های معاونین و مادونان خود را استماع نماید و برعکس اگر اندکی تأخیر در اتخاذ قرار زیان آور باشد قوماندان در آنصورت شخصاً اتخاذ قرار نماید . اما این معنی آنرا ندارد که در صوت کمی وقت قوماندان تمام وظایف خود را به تنهایی حل نماید بلکه در چنین احوال کمک و همکاری قرار گاه



در محاربات مدرن تغییر وضعیت بصورت آنی صورت می گیرد

در پیشبرد وظایف محوله و امر حتمی محسوب میشود .

قرار گاه معاون مستقیم قوماندان در تمام جهات امور سوق و اداره میباشد بعد از آنکه قوماندان اتخاذ قرار نمود قرار گاه آنرا به مادونان و قدمه های اجرا کننده رسانیده و تطبیق آنرا کنترل نماید . قدمه های اجرا کننده قرار قوماندان را در عمل میگذارند .

برای قوماندان ضرور است که صاحب منصبان قرار گاه و مادونان خود را بیک طرز کار واحد و میتود و اسلوب مناسب سوق بدهد تا در تطبیق امر بین آنها کدام اصطکاک رخ ندهد .

قوماندانان باید همیشه با مادونان خود خاطر نشان نمایند که فعالیت و زحمت کشی آنها برای اجرای وظیفه داده شده و به منظور تطبیق مرام واحد بخاطر حب وطن و نوامیس ملی میباشد .

فعالیت معاونین و قرار گاه او در اتخاذ قرار و سوق و اداره قوتها میباشد .

زیرا همیشه پیشنهادات و نظریات معاونین و هیئت قرار گاه در انتخاب میتود کار و قرار رول ار زنده داشته و استفاده از تجارب جمعیت همیشه نتایج مثبت را بامی آورد . اما در حالات خاص و وضعیت های خیلی مشکل و ضیقی زمان که قوماندان باید بلا درنگ و بدون ضیاع وقت قرار بدهد مستثنی میباشد . این میتود نظر به نبودن زمان شاید بطور قاطع مؤثریت سوق و اداره را کم بسازد اما قوماندان در چنین حالات ناگزیر است تا قرار خود را اتخاذ و آنرا به منصبه اجرا بگذارد .

بعضی قوماندانان نظر به پرنسیب که نزد خود دارند نظریات و پیشنهادات معاونین و هیئت قرار گاه خود را به اندازه و حجم کم جلب میکنند که چنین میتود خطرورسک پیدا شدن غلطی را در امر سوق و اداره زیاد میسازد اما در

در جریان پیشبرد وظایف و بلند بردن احضارات محاربه‌ی قوماندانان باید به طرز ارتقای اسلوب فعالیت صاحب منصبان خود توجه زیاد را معطوف ساخته، در اوقات استماع راپورها پیشبرد دروس گروپ، مشوره‌ها و در جریان امور یومی درخواست احضارات محاربه‌ی قوماندانان باید با مثال‌های ارزنده که او میداند مادونان و قوماندانان مادون خود را تنویر و رهنمونی نماید.

هدایات و اوامر قوماندانان به شکل که باشد توسط مادونان اجرا میگردد اما درینجا باید خاطر نشان ساخت که اگر قوماندانان احضارات میتودیکتی و تجارب علمی خود را بطور سیستماتیکتی به پیش نبرد ممکن در امر سوق و اداره کلام غلطی و اشتباه بوقوع خواهد رسید که جبران ناپذیر خواهد بود برای رفع چنین اشتباه در پهلوی قوماندانان هیئت قرارگاه درین باره مسئولیت عام و تام دارد.

به این ترتیب کسب تجارب در امور سوق و اداره یک جریان وسیع الساحه میباشد که اندوختن علوم حربی بوجود آوردن اعتماد به نفس، خلاقیت در اتخاذ اسلوب فعالیت میباشد.

ارتقای سطح تجارب قوماندانان در اداره و پیشبرد حرب از نقطه نظر علوم حربی به یک سیستم واحد احضارات تکنیکی و اپراتیفی تعلق می‌گیرد. در چوکات این سیستم از همه مهمتر درس‌های گروپی، سمینارها، تبادل نظر و همچنین بازی حرب کوتاه و مختصر با مشق و تمرین بالای خریطه با اتخاذ قرار و دادن امر شامل میباشد.

اجرای بازی‌های حرب کوتاه و مختصر بشکل تحریری تجارب و معلومات قوماندانان و قرارگاه‌ها را در تشخیص وضعیت حربی خیلی‌ها بلند میبرد و امکانات آنرا میسر میسازد تا کلتور فعالیت قرارگاه و قوماندانیت صیقل گردد. همچنین با اجرای چنین بازی‌های حرب مختصر بشکل تحریری فعالیت قرارگاه را در حاضر ساختن اسناد و نقشه‌ها بهتر میسازد. در جریان چنین فعالیت‌ها مادونان بطور اعظمی خواهند کوشید تا معلومات و تجارب خود را در تقدیم راپورها اعظمی بکار برده و از نظر خویش دفاع نمایند.

قوماندانان اجرای چنین بازی‌های حرب را دقیقاً تحت نظر داشته و کوشش نمایند که قوماندانان مادون را به غلطی‌های شان ملتفت سازد.

در تطبیقات قرارگاه‌ها و قوتها که نه تنها وسیله معلوم نمودن و امتحان تجارب قوماندانان در امور سوق و اداره حربی میباشد بلکه فکتور مهم و اصلی آن قیمت دادن قابلیت ارگان و ارکان سوق و اداره میباشد. همیشه باید تلاش بخاطر آن باشد که در این تطبیقات همه جوانب قابلیت و تجارب قوماندانان و هیئت قرارگاه در آن قیمت داده شود.

موضوع احضارات قرارگاه را قوماندانیت‌های مافوق بعهدہ دارند به این لحاظ باید قوماندانیت‌های فوق وظایف تمام صنوف قوت‌های خود را تعیین نموده وظایف هر قوت را در اجرای امور معینه تثبیت کرده و برای بدست آوردن نتیجه بهتر آن میتودهای قابل تطبیق احضارات را تعیین نمایند. خصوصیت اصلی و عمده سوق و اداره قوت‌ها عبارت است از دوامدار بودن، ثبات، الاستیکتی و اپراتیفی بودن آن میباشد. در زمان احضارات باید وقت جدی و بیشتر در دوامدار بودن و اپراتیفی بودن سوق و اداره معطوف گردد.

دوامدار بودن سوق و اداره ارتباط دوامدار و ثابت را بین امر و مادونان تأمین مینماید و نیل به آن از طریق جایجا کردن نقاط مختلف سوق و اداره بدست میاید.

در تحت کلمه اپراتیفی بودن: قابلیت قوماندانان برای اتخاذ تصمیم سریع و متین در اجرای سوق و اداره فهمیده میشود که چنین تصمیم اجرای مانورها را تأمین نموده و فعالیت دشمن را عقیم میسازد. حرب‌های معاصر خیلی مدرن و دینامیکی و قابل تغییر میباشد بلند رفتن خصوصیات تکنیکی سلاح و وسایط حربی، مانور و فعالیت سریع قوت‌ها در یک ساحه وسیع بحر اتبجریان فعالیت محاربه‌ی را خیلی بلند برده که به این ترتیب تقاضا در امر سوق و اداره نیز بلند رفته است.

رقم عمده اپراتیفی بودن قوماندانیت‌ها و قرارگاه‌ها را دوره زمان سوق و اداره تشکیل میدهد که در تحت این کلمه از گرفتن امرالی اجرای آن در قدمه اجرا کننده شامل میباشد کم ساختن زمان سوق و اداره اپراتیفی بودن سوق و اداره را زیاد میسازد اما کم زمان ساختن سیکل سوق و اداره نباید مطابقت امور حربی را از بین برده و سوق و اداره را از مجرای اصلی آن انحراف بدهد. عجله و اضطراب در اجرای سوق و اداره نتیجه مثبت ندارد.

تلاش بخاطر کمائی کردن زمان یک عنصر عمده سوق و اداره محسوب میشود. قرارگاه‌ها موظف‌اند تا تا دایر لازم را بطور سریع و دقیق اتخاذ نموده و با جمع آوری معلومات و تحلیل آن قرار قوماندانان را ترتیب و زمان را کمائی نمایند.

به منظور بهتر ساختن اسلوب فعالیت لازم است تا از تشکیلات عصری و وسایط مدرن سوق و اداره استفاده شود تا سوق و اداره با استفاده از وسایط میخانیکتی و اتوماتیکتی اجرا گردد.

یکی از وظایف عمده و پر مسئولیت دیگر قرارگاه‌ها جمع آوری معلومات در خصوص قوت‌های دوست و دشمن، اراضی، وضعیت محاربه‌ی و ارزیابی آن‌ها میباشد.

بدست آوردن و جمع آوری تمام این معلومات و وقت زیاد را در برمی‌گیرد به این لحاظ تبلیغ این معلومات که از کانال‌های مختلف بدست میاید بطور مرکزی خیلی ضروری و ثمر بخش

میباشد. برای جمع آوری معلومات گروپ های معین صاحب منصبان مطابق وظایف شان توزیف گردیده و این گروپ ها با استفاده از وسایل مدرن مانند آلات الکترونی و کمپیوتری معلوماتها را بشکل اپراتیفی و مراعات نوبت جمع آوری و تنظیم نموده و به کانال های مربوط آنرا ابلاغ مینمایند.

آماده ساختن خدمات جمع آوری معلومات زحمت کشی و دقت جلدی را طالب نموده و اجرای دقیق آن نتایج مثبت را در میکانیزم فعالیت قرار گاه بار می آورد.

بهر پیمانته که تشکیلات محاروبی داخل قرار گاه ها تنظیم باشد بهمان اندازه امکانات سوق و اداره قوتها بلند می رود.

برای ارتقای کمیت احضارات تکنیکی و اپراتیفی سوق و اداره اجرای وظایف کمپلکسی نیز مفید است در اجرای چنین وظایف تطعات مختلفه حصه گرفته و وظایف محاروبی را عیناً

مانند اجرای حرب بمرحله تطبیق میگذارند برای اجرای چنین وظایف در قرار گاه هائیکه قبلاً اسناد محاروبی ترتیب شده باشد البته مؤفقیت بیشتر را نصیب خواهند شد.

عنصر عمده درین وظایف عبارت از اجرای تطبیقات میباشد ازین لحاظ اجرای تطبیقات و مشق و تمرین ها حائز اهمیت فراوان است زیرا با اجرای چنین فعالیت ها نوماندان قابلیت و امکانات آنرا مینمایند که شخصاً فعالیت قرار گاه و قطعه خود را کنترول و بررسی نموده و با اجرای چندین مرحله چنین فعالیت ها قوماندان خواهد توانست تا به تقاضای قوماندان مافوق جواب مثبت بدهد. و همچنان موقع آنرا پیدا میکند که کدام موضوعات را حل نموده و یا حل نماید.

بخطرات نگهداشت سطح بلند و عالی تجارب در اجرای سوق و اداره محاربه اجرا با بازی های حرب کوتاه و ناگهانی بطور باصقین که شامل وضعیت مغلق باشد نتایج مطلوب را بار خواهد آورد.

نیکمرغی او خوبی دلای وانی او . . .

(۱۲ د مخ پاتی)

دنورو له پاره مینه او لورینه لرل برسیره پدی چی لویه نیکمرغی او سعادت منخ ته راوری انسانی جمال او کمال هم گنل کیری او ددغسی خوینو او عملونو په لرلو سره سری کولای شی چی په تولنه کی خپل اجتماعی ارزیت ثابت اویشی او د تولنی د نوروغرو او وگرو په زرو نو او فکرونو کی ددرنیت او گرانبیت لخی او مقام ونیسی او په نتیجه کی ئی هر شوک د تولنی گتو رغری او مفیده عضوه و بولی .

که موید انساننی ژوند پراخی لمن ته نظر واچوو - دوخت حالات په غوروغرو او د انسانانو دکامیابی او تا کامیو د علتونو او سببونو پسی وگرخو اولدی سره جوخت دپورتیو او نوموړو پوهانو هغه نظریی او خرگندونی چی د نیکمرغی او بدبختی په باره کی ئی ینکاره کړی او لیکلی دی په پوره غور ، بحیرتیا او دقت سره دمطالعی ، مقایسی ، مشاهدی او کتبی لاندی ونیسونو بالاخره په ینکاره ډول دی نتیجی او فیصلی ته رسیرو چی ووايو او اعتراف وکړو چی زموږ نیکمرغی او بدبختی تر زیاتی اندازی بخپله زموږ په لاس کی ده اوزموږ خوینو ، حرکتونه ، عملونه ، کړه وړه ، ویل او کول د نیکمرغی او بدبختی دعواملو او وسایلو په تخلیق او منخ ته راوستلو کی ستر نقش اولویه برخه لری .

که په ریشتیاسره خوگ غواړی چی د نیکمرغی او خوشی غښتن شی او په ژوند کی ئی سعادت اور فاهیت په برخو گرخی نولازم دی چه دخپل سلیم تفکر او تعقل په مرسته دواقعی نیکمرغی اوصالی خویشی په حقیقی تعبیر ، تفسیر ، معنی او مفهوم باندی لمان خبر او پوه کاندی او بیا هغه لاری

او چاری ونیسی او هغه عملونه او کارونه لمانته غوره کاندی کوم چی د حقیقی او واقعی نیکمرغی او خویشی په تاسین او تضمین کی ینه او پوره مرسته کولای شی .

ددی خبری په یاد ساتل ضروری دی چی موږ به هغه وخت نیکمرغه او دښه ژوند لخواوندان شوچی دزمانی غوښتنی اودوخت سپارښتنی مراعات او عملی کړو او په خپلو حرکتونو او فعالیتونو کی گتوړتوب او گرندیتوب را ولو او په تولو حالاتو کی دتولنی او تولنیز ژوند اساسات اواصول په نظر کی ونیسو او هغه شه چه زموږ د بسیا اوهوسا ژوند ضمانت کولای شی هغه دهیوادودانی او ینیرازی ده نولحکه خو پکار دادی چی خپل ټول قدرت او طاقت دهیواد خدمت ته وقف کړو او په خپلو گتوړو عملو لخوا او مشیتو هخوسره خپل ټوټی او گران هیواد سمسور او آباد وگرخو او پدی ډول خپل فردی او اجتماعی ژوند ته دستونزو اور پروتو نجات او خلاصون ورکړو .

موږ دویارنی اوداقتخارنه ډک ماضی او تاریخ وارثان یو اودهیواد هر کانی او بوټی موږ دزمانی او وختو نو دډیر وسترو کار نامو گواه او شاهد دی ددغی ویارنی ماضی لوړ او خوندی ساتل ددی خاوری داصیلو بچیانو ایمان داری او فداکاری غواړی - دهیواد عظمتونه او طبعی نعمتونه موږ ته دازیوری او ډاډرا کوی چی دمقولو فعالیتونو او اغیزمنو حرکتونو په وسیله او مرسته زموږ د گلهی نیکمرغی او اجتماعی سعادت او خویشی امکانات رامنخ ته کیدای شی او هغه وخت او ورخ ډیر لری نه دی چی موږ ټول به په خپل گله او شریکه کور کی دهوسا او آبرو مندانه ژوند لخواوندان شو اودیوه قوی او پیاوړی اقتصاد په لرلو سره به په آسانی اودلچسپی دتحول او تکامل په لور گړندی گامونه واخلو اودخپل او ښتون پیوستون اوبدلون کاروان به دنورو پرمخ تللو هیوادونو دگړندی کاروان پسی ورسوو که خدای کول . (پای)

دعسگری بنوونی اوروزنی میتودونه

دریمه برخه

معلومات و لری یعنی اختصاص ته باید زیات اهمیت ورکړه شی. ټوله دنیا په عمومی توګه دتخصص په لوری روانه ده او داکار مثبت ثابت شوی دی په دی باید اعتراف وکړو چی قرارګاه دقطعی دذماغ حیثیت لری. قرارګاه دهغی ډلی منصبدارانوڅخه عبارت دی چی دجګړی دترتیب او تنظیم-سوق او اداری او اجرا کولو په لاره کښی دقماندان د معاونت دپاره مثل شوی ده. که یوه قطعه پیاوړی قرارګاه ولری نوشک نشته چی دهغی تعلیم او تربیه - جګړه - نېزه احضارات او په محاربه کښی دهغی دجګړی حاضر ول او اجرا کول هر وروسته او بریالی دی. او برعکس که ذماغ کارونکړی نوجسم به حتما عاقل او بیکاره وی. داهم باید وویل شی چی هر نور مال صاحب منصب په قرارګاه کښی وظیفه نشی اجرا کولای. ځکه چه دقرارګاه منصبداران بخانه کښی صفتونه لری. یو قرارګاه په حال دکل مطالعه کیری او وظیفه اجرا کوی. که یو غړی او یا یوه شعبه ضعیفه وی او یا په ټولو قرارګاه وو کښی یو قرارګاه ضعیف وی پر ټولو قرارګاه بده اغیزه کوی او حتی د نا کاسی سبب شی تشکیلی وی.

اگر چه په مختلفو مملکتو کښی د بیلو بیلو میتودو په واسطه د منصبدارانو ښوونه او روزنه پرمخ بیول کیری اما په عمومی توګه د صاحب منصبان ښوونه په لاندی میتودو سره اجرا کیری:

- آ- د لکچر ورکول
- ب- د سیمینارو نو د اثره ول.
- ج- دوظایفو ورکول او حل کول.
- د- په ډله نيزه توګه دوظایف حلول.
- ه- د درسو ورکول او یا د کورسو دايره ول.
- و- د نمایشی او نمونه درسو ښودل او اجرا کول.
- ز- د قرارګاه دپاره د درسو ورکول.
- ح- په خریطه باندی دتکتیکی مسایلو حلول
- ط- په اراضی باندی دتکتیکی تطبیقاتونه.
- ی- مسابقه وی درسونه او تفتیشونه.

دا باید ومنو او باور پری ولرو چی د منصبدارانو تدریس او دسوی لوړول د ښوونی او روزنی پوری اړه لری که صاحب منصبان لایق او مقتدر نه وی ټوله بوی خوا په حضر کی دقطعاتو تعلیم او تربیه ممکنه نه ده اوله بلی خوا په سفر او محاربه کښی دجګړی ترتیب او تنظیم او دهغی سوق او اداره کول ناممکن بریښی. منصبداران تر هر شی دمخه باید خپل مخاونه دشخصی تشبثاتو او مطالعی په ذریعه ورسوی. ځکه چی د منصبدارانو دپاره حقیقی او اصلی ښوونکی قطعده. داهم باید وویل شی چی قوماندانان او قرارګاه هم د منصبدارانو درسولو دپاره ستر مسئولیت په غاړه لری چی ددی مرام د اجرا کولو دپاره باید منظم پلانونه طرح او تطبیق کړی. په مختلفو قوتو کښی دوی ډلی صاحب منصبان موجود دی یوه ډله قوماندانان او بله دقرارګاه غړی. که غدهم ټول منصبداران دوظایفو- تعلیمی نصاب- کلتور او سوبه دنظره باید پوښان معلومات ولری بیا هم پورتنی دوی ډلی هر یوه بخانه بیل بیل خصوصیتونه لری؛ قوماندانان باید د اداری او عملی تجربو خاوندان او دسوق او اداری دپاره پوره معلومات ولری لکن دقرارګاه غړی باید دپلان جوړولو- دمحاربی داسنادو دحاضرولو او دپرو ذهنی فعالیتو وصف ولری. ټول منصبداران باید بخانه داسی ورسوی چی هم دقطعاتو د قوماندانانو او هم دقرارګاه دغړو په توګه وظیفه اجرا کړی. ځکه چی فطری او طبعی استعدادونه فرق لری په همدی شان دمکتب تحصیل- دبیلو بیلو وظایفو اجرا کول او دمختلفو کورسو په لوستلو سره هم صاحب منصب په یوه بیله څانګه کښی تخصص پیدا کوی. یعنی څوک به تکتیک ښه پوهیږی- څوک په تخنیک کی خاصه علاقه لری- څوک دقوماندانسی دپاره ښه دی او څوک دقرارګاه دپاره. نو دوظیفی دور کولو په وخت کی باید استعداد او تخصصی په نظر کښی ونیول شی. داهم باید وویل شی چی په ننی پراخ تخنیک او مدرن جګړه کښی عمومی اوسطی معلومات کفایت نکوی بلکه هر څوک باید په تخصصی توګه مفصل او تفراعاتداره نظری او عملی

ک - عملی رقابت او مسابقی .

ل - تستونه او کانکور آزمویښی .

دا هم باید وویل شی که پورتنی میتودونه درست په پوهیدلی صورت سره احضار او تطبیق شی هغه وخت ئی ثمره او نتیجه مثبت ده او دمنصبدارانو دسوی دلوړه ونودپاره ښه خدمت کولای شی . برعکس که په پلان کړی صورت سره تطبیق نشی هم گټه نلری او هم بی وجه د زمان او اقتصادیا تو تاوان منځ ته راوړی .

د تیرو مقالو په ترڅ کښی دلکچراوسمینار په هکله لازمه اومکفی معلومات وړاندی شوی دی . ددی دنورو میتوپه برخه کښی یوڅه معلومات وړاندی کیږی .

د وظایفو ورکول او حل کول :

ددی دپاره چی لخوا ضابطان مطالعه وکړی اوددوی ذهنی اوفکری انکشاف تامین کړل شی یو ښه اصول دادی چی دښونکی اویا د لوړ قوماندان له خوا دوی ته معینه موضوع اومؤخذا ت ورکړه شی . دمطالعی او دوظیفی دحل کولو دپاره باید لازمه زمان تخصیص کړل شی . هغه چا چی درس وظیفه په غاړه اخستی ده باید دهغی په شاوخواکی لازمه اثرات ، نوتونه او تعلیمنامی مطالعه کړی او دمعینو فورسوسره سم ورکړه شوی وظیفه حل او حاضره کاندی . دمنصبدارانو ته داډول وظیفی باید ډیری ورکړه شی او دحل طرز ددوی څخه وغوښتل شی . ځکه چی دوی مجبوراً په فعاله توگه مطالعه کوی اوصحیح طرزحل شخصاً پیدا کوی صاحب منصبان کولای شی چی ورکړه شوی وظیفه په کتابخانه کی په کورکښی اویا دخپل کار په محل کښی حاضره کړی . دوظیفو په حله ولو کښی باید کوشښښ وشی چی هر منصبدار شخصاً پرته دبل چا دکمک څخه مساعی وکړی . شرط ندی چی هر معلم منصبدار باید مکمله صحیح طرزحل پیدا کړی . بلکه اساس دادی چی هر یو پوره مطالعه وکړی اوخپل راوړل شوی دحل طرز په علمی اومنطقی صورت سره مدافعه اوابتات کړی . په تکنیکی مسایلو کښی ممکنه ده چی په یو کورس اویا ټولگی کښی خودحل طرزونه منځ ته راوړل شی . دهغوی دجملی څخه هغه دحل طرزونه چی د اساساتو اوموجوده شرایطو سره موافقت ولری ټول صحیح اودمنلو لوړدی . ښونکی اولوړو قوماندان باید داسی فشاررانه وړی چی ټول منصبداران باید دده دحل طرز په اجباری صورت سره وستی . بلکه د اساساتو اودمعینو نورمونودور کولو سره باید دوی ته قناعت ورکړه شی اوصحیح طرزحل ته راوبلل شی .

په ډله ټیزه توگه د وظایفو حاضر ول :-

ددی دپاره چی په یوه ټولگی اویا کورس کښی دوخت څخه پوره استفاده وشی او له بلی خوا دقرارگاه دمساعی دپرنسیپونو سره سم عمل وکړه شی دښونکی له خوا ټول زده کونکی په ټاکلو گروپو جدا کیږی . وظیفه وټولو ته ورکول کیږی لاکن دحل طرز په انفرادی صورت سره نه ، بلکه دهر گروپ له خوا حاضره کیږی . دهر گروپ منصبداران

ورکړه شوی وظیفه په ډله ټیزه توگه مطالعه کوی او په پای کی یو واحد طرزحل پیدا کوی . ښونکی او یا اداره کونکی قوماندان باید د گروپ بندی په وخت کښی دا پام ولری چی گروپونه په متوازن صورت سره تشکیل شی . ځکه که پوگروپ ډیر قوی اویل ډیر ضعیف وی هغه وخت لازمه نتیجه لاس ته نشی راتلای . دوراندی کولو په وخت کښی ښونکی د هر گروپ څخه پوتن نطابق او یا نماینده مخانته غواړی اودگروپ دحل طرز باندی رغیږی په پای کښی صحیح اوقوی دحل طرزونه اعلان وی او خپل منل شوی دحل طرز هم وائی . هغه دحل طرزونه چی داساساتو او نورموڅخه ډیر توپیر ولری دهغه گروپ زده کونکی وخیلو غلطی گانونه متوجه کوی او کوشښښ کوی چه ضعیف ټکی په راتلونکو درسوکی تقویه او برطرفه کړی .

درس ورکول او د کورسو دائیر ول :

ځنگه چی هر قوماندان دمسؤولیت لری چی خپل ترلاس لاندی قوماندانان ورسوی نو د مخینو کورسو د دائیر ولواو ددرسو په ورکولو سره داوظیفه سرته رسوی . شرط دادی چی پورتنی درسونه شخصاً دهغه قوماندان له خوا ورکړه شی چی درسو مسؤلیت بغاړه لری . ددی کورسو او درسو اصل غایه د قوماندانانو او صاحبمنصبانانو ول دی . پدی کورسو کښی دسوی لوړه څوموضوع گانې تدریس کیدای شی . او په پای کښی دست او یادیلوئهی آزمویښی په وسیله دزده کونکو منصبدارانو سویه تثبیتږی او نوبت ورکول کیږی . دا درسونه دهری شعبی دریس اویا آمرله خوا هم ورکول کیږی . ددی دپاره چی ددی درسو او کورسو څخه ښه نتیجه لاس ته راشی نو پکار دی چی پوررتیو قوماندان موضوع درسته تعیین کړی او دهغی په هکله پوره اوهر اړخیزه احضارات ونیسی .

نمایشی او نمونه ئی درسونه :-

دا درسونه دیوه ښه میتود اواصول دپیدا کولو او ښودلو دپاره دائیره ئیری . ددی درسو اصلی غایه داده چی دتطبیق وړ موضوع اویا درس په لړ وخت کښی په لږ مصرف او په ډیره آسانه توگه دهرچاله خواه زده کړل شی . ددرسونه باید څو پلان مشق کړل شی ، نواقص ئی اصلاح اودرس تکمیل کړی شی . ددرسونه باید دډیر ښه ښونکی له خوا ، دډیر ومعاونه مالزمو په ذریعه ، اودډیر وښو شرایطو لاندی تطبیق کړل شی . په دی درسو کښی باید هیڅ غلطی او اشتباه موجوده نه وی ځکه که غلط تطبیق کړل شی هغه وخت لیدونکی او گپون کوونکی ئی غلط زده کوی اوتاثیر ئی ډیر ناوړه دی . نمونه درسونه باید په خاصه توگه وخوانو ضابطانو ته ډیر وښودل شی . ځکه چه دوی دپوره تجربو خاوندان نه دی او نشی کولای چی درس په ښه میتود اواصول سره وړاندی کړی . که دقطعو قوماندانان اودشعبو آمران وکولای شی چی معینی موضوع گانې په نمونه او پرنسیپی شکل سره وخیل معیت او په ټیره بیا دور ورتیو ضابطانو ته ویشی هغه وخت به دښوونی اوروزنی کیفیت ددوی په مربوط قطعاتو کښی ډیر ښه شی .

په قوتو کښی د قرارگاه رسول او تعلیم او تربیه کول خاص ارزښت لری . څنگه چی قرارگاه، د جگړه ټیرو فعالیتو پلانونه احضاروی او قوتوته لازمه سرته اولارښوونه کوی نو باید د قدرت ولری چی ټول فعالیتونه په علامته توگه پلان کړی او د تطبیق دپاره ئی لازم د مکافات ولتوی . یوه قرارگاه هغه وخت خپل رول اجرا کولای شی چی ټول شعبات په متحد صورت سره یو ډبل نیمگړتیاوی درک اولری کړی او هر قرارگاه د یوی پورته قدمی سره صمیمانه همکاري او ویوی کښته قدمی ته ښه لارښوونه او مرسته وکړی . د قرارگاه دښوونی او روزنی پرنسیب دادی چی لمړی هر غړی په ځانگړی توگه د مختلفو میتودو په زریعه ورسول شی او پسله د هغه وهر شعبی ته بیل بیل درسونه اجرا کړل شی .

د قرارگاه د منصبدارانو درسونه باید زیاتره پدی موضوعاتو کښی اجرا شی :-

- د عسکری توپو گرافي درسونه .
- د مختلفو اسنادو حاضره ول و معامله کول .
- د احتمالی دشمن تشکیل ، تخنیک او تکنیک .
- د گرافيکی اسنادو احضاره ول .
- پورتنی درسونه باید په پرله پسې ټول سره مخکې د علمی وساعی او تطبیقا توڅخه اجرا کړل شی .
- تر څو چی د قرارگاه صاحب منصبان و علمي مساعی ته حاضر کړل شی .
- په خریطه بانندی د تکنیکی مسایلو حلول :-

ددی دپاره چی دقرارگاه منصبداران او یا قوماندانان په لمړیو وختو کی پرتیه د اقتصادی تاوان او مصرف څخه عملاً مساعی وکړی او ورسول شی په یوه تکنیکی وضعیت کی پرخرطی بانندی څو وظیفی حله وی څنگه چی دقرارگاه منصبداران او قوماندانان ترهغه دمخه د ځانگړی مطالعی او مختلفو درسوپه ذریعه قسماً حاضرشوی نو پدی شکل مساعی کی ودوی ته څو تکنیکی وضعیتونه چی دقیقې محاربه سره شباهت او ډیر نژدی والی ولری ورکول کیوی . زده کونکی صاحب منصبان د قرارگاه د مساعی سرهم موجوده وضعیت تدقیق . لازمی نتیجی ورڅخه لاسته راوړی او خپل راپور او قرار حاضره وی . پدی شکل مساعی کی باید کوشین وشی چی زده کونکو منصبداران ته لازمه ضروری وخت ورکړه شی . نه باید زیات وخت ورکړه شی ځکه چی دزوی دتنبلی اوبی علاقی سبب گرځی او دحقیقی محاربوی وخت او وضعیت نه ئی لری کوی او نه هم باید پر وخت ورکړه شی تر څو چی لازم فعالیت په معقوله زمان او شرایطو کی اجرا او علمي کړل شی .

په دی شکل مساعی کښی په پوره اندازه دخریطو درلودل او دهغوی څخه کار اخستل شرط دی . کیدای شی چه محیتی مداومین د مسایلو د حلولو په وخت کښی بالفعل اراضی ته لارشی او خپله وظیفه او وضعیت په اراضی کی په عملی توگه حل او وغړی . نوریا

مربوطه دوره های سنگ میانه (*Middallc Paleolithic*) است و هم گونه های از آلات استخوانی از دره نور بدست آمده که نمایندگی از دوره های بیشتر مینماید و موازی یادوره های سنگ قدیم می باشد .

درینجالازمست از سهم هیات امریکایی در مورد کشف قبلالتاریخ افغانستان یادآوری کنیم . درسال ۱۹۵۲ عیسوی یک گروه تحقیقاتی چند نفری از پوهنتون پنسلوانیای ایالات متحده امریکاتحت نظر یونگ *Young* و اعضایش کامن *Camman* ، کاکس *cox* و کون *Coon* به کار پرداختند ، بعد ها در ۱۹۵۸ پروفیسر دوپری (*Pro . Dupree*)

محقق معروف نیز با این گروه یکجاشد . پروفیسر دوپری هنوز درکشور ماصروف تحقیقات علمی باستان شناسی می باشد و به کشفیات بزرگی نایل آمده است قرار تحقیقات دانشمندان امریکایی در باره دوره های سنگ

افغانستان، دوره سنگ قدیم وسطی ودوره سنگ قدیمی بالای تثبیت شده است وهمچنین تحقیقات بسیار تازه در دوره

سنگ میانه (میوزولیتیک) و سنگ جدید (نیولیتیک) تحت جریان است تازه ترین تحقیقات باستان شناسی توسط

پروفیسر دوپری و همکارانش در سال گذشته و امسال (۱۹۷۵-۷۶) در دشت ناورغزنی صورت گرفته و شواهدی از دوره سنگ قدیم پایان (لورپلیولیتیک) بدست آورده اند و این قدامت مسکن گزینی انسان ها را در کشور ما کم از

کم تا یک میلیون سال قبل تعیین میکنند که چون هنوز تحقیقات به شدت دوام دارد و نتیجه قاطع آخری راپور داده نشده ، نمیتوان نظر نهایی رادرین باره پیش بینی کرد . بطوریکه قبلاً ابراز داشتیم قبلالتاریخ افغانستان در نقاط

دره کر ودره قره کمر و غار گوسفند مرده در ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ در سمت شمال در ولایت بلخ کشف شده است پروفیسر داکتر

کون در قره کمر ، لوی دوپری در آق کپروک و پروفیسر لات من در جای دیگر واقع پنج میلی قره کر به کشف آلات و افزار سنگی نایل آمدند . در موزیم کابل اولین آله اختصاصی

برای سلاح را در دوره مفرغ میدانیم ، دوره مفرغ از دوره سنگ در جنوب افغانستان بوجود آمده است . در سال های ۵۸-۱۹۵۱ پروفیسور کسل *Pro-Casal* در موندیکک

قندهار به کشفیات مهمی نایل آمد درین حفریات اشیای برنجی بدست آمد که با اشیای مدنیت هراپه در هند و مدنیت

فارسی هادر غرب شباهت داشت . مدنیت موندیکک از ما در حدود پنج هزار سال فاصله دارد یعنی عمر آن به سه هزار قبل از میلاد تخمین زده شده است ، از موندیکک در موزیم کابل ، آلات و افزار مختلف جنگی بدست آمده که از

انجمله پیکان های تیر از سنگ بلور و چقماق شامل است . همچنین از موندیکک کار دودرفش دارای دسته استخوان

و پیکان های مفرغی به شکل برگ ، لوزیه و سه پره بدست آمده است و این قدیمترین مدرک مادی است که در

پهلوی روایات شفاهی دوره حماسی ویدی و اویستایی در دست ماست . درآینده با تحقیق بیشتر درباره اسلحه دوره پروتو هیستوری و تاریخی کشور نیز بحث خواهیم نمود .

تبلیغ قرار قوماندانان به قدمه‌های مادون

ترجمه جگنورن

میرجمال‌الدین فخری

است؟ و چرا کدام وظیفه دیگری به او محول ساخته؟ او باید مسایلی را برای خود روشن سازد که بدانند برای ایفای وظیفه متذکره کدام قوه دیگری بکار می‌آید. البته اگر به مادون بحاکمه وضعیت دشمن توسط قوماندانان مافوق معلوم نباشد، مادون مجبور است که راجع به دشمن و وضعیت او محاکمه ای نماید و به ایفای وظیفه محوله بپردازد.

۲- وظیفه محاربوی قدمه مافوق و مفکوره آمر مافوق خاصتاً نکاتی که به مقصد اضمحلال دشمن مدنظر گرفته شده است، استقامت تمرکز قوای اصلی نظام محاربوی، خصوصیات مانور، زمان و اهدافیکه مورد حملات اسلحه تأثیر دسته جمعی قرار می‌گیرند و ترتیب مساعی مشترکه بین آنها.

اینچنین اطلاعات برای مادونان به این مقصد لازمی محسوب میشود که چه در وقت ترتیب و تنظیم محاربه و چه در حین جریان محاربه او تمام قوای جزو تام مربوطه خود را به مقصد ایفای وظایف کلی محاربوی و مفکوره قوماندانان مافوق خویش توجیه نماید و برای برآورده شدن مامول فوق نتایجی را که از ضربات اسلحه تخریب حاصل میشود یا فعالیت جزو تام خود مزج نموده حاصله کلی بدست آورد. علاوه قوماندانان مادون مجبور است تا در هنگام ضرورت سوق و اداره قدمه مافوق را عهده دار شود که البته بدون دانستن غایت قوماندانان مافوق ایفای همچو وظیفه ای بعید مینماید.

۳. وظایف همجوارها نیکه در راست، چپ و پیشروی قوتها فعالیت دارند. فهمیدن وظایف همجوارها برای این منظور ضروری است که تا تا اثر فعالیت آنها در ایفای وظیفه محوله قطعه اصلی هویدا گردد و همچنان باید مساعی مشترکه و متین در حین جریان فعالیت با آنها تاسیس شده بتوانند.

۴. وظایفی که در شرایط مسئولیت همین قطعه یا جزو تام نظر به قرار قوماندانان مافوق قوتهای دیگر از قبیل توپچی تانک، دافع هوا، قدمه‌های احتیاط، قوای هوایی و سایر وسایط ایفای نمایند و قطعه متذکره مجبور است با آنها تشریک مساعی اجرا نموده فعالیت‌های خود را هم آهنگ ساخته از

وقتی يك قوماندان قرار خویش را در محاربات که مدنظر است اتخاذ کرد لازم می‌آید تا آنرا به قدمه‌های مادون کسانیکه ایفا کننده قرار قوماندانانند تبلیغ کند دیده شود که حجم اطلاعاتی که به مادونان رسانیده میشود چقدر است و کدام مسایل را احتوا مینماید.

قرار قوماندانان اساس سوق و اداره قوتها را تشکیل نموده و هنگامیکه به مادونان میرسد حکم قانون را بخود می‌گیرد.

به این اساس ارزش مهم و اساسی را آن مقدار اطلاعات و معلوماتی دارد که ارائه آن به مادونان ضروری محسوب میشود. در نظری مسئله فوق فقط وظیفه محاربوی گنجانیده میشود که به عقیده ما کفایت نمیکند. البته در اثنای ترتیب و تنظیم محاربه دادن وظایف محاربوی به مادونان عامل اساسی به شمار می‌آید چونکه به قوماندانان و نه قرارگاه او حق دارند از مادونان ایفای آن وظایفی را مطالبه کنند که مادونان آنرا بوقت و زمان آن اخذ نکرده باشند. ازین جهت در شرایط محاربات مدرن هر مادونایی برای تاسیس و تنظیم همه جانبه فعالیت‌های محاربوی جزو تامهای تحت او علاوه از وظیفه محاربوی خود محتاج اطلاعات دیگری است که شامل قرار قوماندانان می‌گردد.

این اطلاعات ذیلا توضیح می‌گردد:

۱- محاکمه و ارزیابی گروهمان‌های مادونانی که مستقیماً تحت امر قرار دارند و طرز فعالیت دشمن بطور مثال قوماندانان کتدک باید بدانند که قوماندانان غنم دشمن را چگونه مورد ارزیابی قرار میدهد و وضعیت را محاکمه می‌نماید. اطلاع داشتن از همچو محاکمه‌ای به مادونان موقع میدهد تا بدانند که غایت قوماندانان مافوق چیست و نقش کتدک در مفکوره متذکره چه بوده و تا کدام اندازه‌ای در ایفای وظیفه کلی تأثیر دارد. در عین زمان از محاکمه وضعیت دشمن مادونان باید بصورت صریح و واضح نزد خود تثبیت کنند که چرا قوماندانان مافوق در همچو وضعیتی این چنین قرار را اتخاذ کرده و به وی همچو وظیفه ای داده

نتیجه فعالیت آنها استفاده کرده و به مقصد ایفای وظیفه اصلی خود اقدامات بدارند .

۵. زمان احضارات قوتها برای فعالیت محاروبی کدام شخص بحیث معاون قوماندان تعیین میشود تا سوق و اداره قوتها را در صورت از بین رفتن محلات سوق و اداره قدمه مافوق به عهده گیرد و همچنان محل و زمان آماده ساختن و فعال نمودن این محلات و استقامت های تغییر خوردن مواضع آنها .

علاوه از اطلاعاتی که فوقاً تذکار شد. از قرار مؤخذه قوماندان مافوق قوماندان مادون اکثر آاحتیاج پیدا میکند تا او امر مختلفه را در امور تامینات همه جانبه فعالیت های محاروبی (مانند کشف، تحفظ از اسلحه دسته جمعی، تامینات لوژستیک و غیره) استخراج نماید. تمام این ارقام برای آن ضرور است که قوماندان بتواند بصورت درست و واضح ترتیب اجرای فعالیت های محوله را مطالعه کرده تثبیت نماید و بتواند بهترین طریقه های فعالیت محاروبی را بکار بندد و تدابیر لازمه دیگری را در امور تامینات همه جانبه قوای تحت اداره خویش باقوا و وسایط دست داشته اتخاذ نماید .

دیده میشود که حجم اطلاعاتی که از قرار قوماندان بدست می آید و برای مادون ضروری محسوب میشود بی حد زیاد و با اهمیت است ولی با وجود این هم فندان بعضی از این اطلاعات مادون را از ایفای وظیفه محوله مبری نمیسازد و از مسؤلیتیش نمی کاهد فندان و کمبود اطلاعات همواره با بتکار و انسیاتیف مادون تکمیل میشود. «آنکه نتوانست بصورت

مکمل هدف محاربه را حاصل کند مأخوذ نیست ، بلکه آن دیگری که منتظر او امر و هدایات آمر مافوق باقی ماند و از خود عدم قاطعیت، بیکارگی نشان داد و از عهده دار شدن مسؤلیت هر اسید مورد مأخذه قرار باید گرفت .» اینرا

خاصاً باید در اثنای سوق و اداره قوتها در جریان فعالیت محاروبی در نظر داشت زیرا کوچکترین تغییر وضعیت ، مخصوصاً اگر وقت هم ضیق باشد ، قوماندان مافوق قادر نخواهد بود که همیشه قرار و اوامر خویش را به مادون ابلاغ کند و یا خود بعضاً مجبور هم میشود که اوامرش را مختصر ذریعۀ بیسیم و یا اشارات دیگر ارسال نماید و با وسیله خصوصیات محاربه ای که در پیشروست توضیح کند ولی باید بخاطر داشت که این مجبوریتها و محدودیتها را هم به احکام حتمی و ضروری تعبیر کرد و تغییر داد . هر آمر بزرگ و قرارگاه مافوق از جانب خویش باید تمام تدابیری که به مادونان ضروری است و باید هر چه بیشتر اخذ نمایند تهیه و تدارک کرده به دسترس آنها حتی المقدور بگذارند .

برای آنکه اطلاعات بصورت درست به مادونان ابلاغ گردد لازم میآیند تا مقتضیات آتی الذکر رعایت شود : به

موقع رسانیدن اطلاعات ، دقیق ابلاغ کردن آن ، واضح بودن معلومات ، و مجرم نگهداشتن آن .

به موقع رسانیدن اطلاعات : از قرار قوماندان سبب میشود تا مادونان برای ایفای وظیفه داده شده احضارات بگیرند ، دست پاچه نشوند، قوا و وسایط ، تخنیک محاروبی و ترانسپورت و غیره را آماده گردانند . تجارب محاروبی قوتها نشان میدهد که یک قوماندان میتواند یک قرار درست و مکمل اتخاذ کند ولی اگر به وقت و زمان آن به مادونان نمیرسد ارزش قرار مذکور از بین میرود و تمام زحماتی که کشیده شده است بهدر رفته ، قرار مؤخذه بی نتیجه مانده و بالاخره وظیفه ای که باید ایفا میشد لاینحل باقی می ماند . ازینرو فعالیت قوماندان و قرارگاه باید طوری تنظیم شود که قرار اتخاذ شده تا حد ممکن هر چه زودتر به دسترس مادونان قرار گیرد و مادونان هر چه بیشتر زمان اضافه تری در اختیار داشته باشند تا محاربه ای را که باید اجرا کنند حاضر بسازند .

دقیق ابلاغ کردن اطلاعات : از قرار قوماندان عبارت از مطابقت مکمل آن با مفکوره قوماندان مافوق است. برهم زدن و تخلف ازین تقاضا در شرایط محاربه ممکن است عواقب بس وخیمی در برداشته باشد و شاید ضربات آتشدار قوی را بر قوای خویش تحمیل نمائیم . خاصاً این موضوع به ضابطان قرارگاه تعلق میگیرد که مجبور اند قبل از آنکه قرار قوماندان را به مادونان ارسال کنند عمیقانه آنرا مطالعه نموده ، هر مفکوره ای از آنرا درست درک کرده و مفهوم جملات قوماندان را بفهمند و نگذارند که روی کلمات جزو بحث صورت گیرد و مفاهیم ذومعنین در آن وجود داشته باشد .

البته در پهلوی دقیق ابلاغ نمودن قرار وضاحت آن نیز با ارزش است. این امر سبب می شود تا مادونان بصورت واضح و دقیق ظایف خویش را درک کنند و به ایفای آن بپردازند . قوماندان و ضابطان قرارگاه مجبور اند قرار را طوری حاضر بسازند که مادونان هم همانطوری آنرا درک کنند و مطالبش را بفهمند مثلیکه خود قوماندان آنرا میداند . و هیچگونه مغالطه ای در مفهوم آن پیدا نشود .

ندانستن مفهوم قرار و یا بوجود آمدن مغالطه ها سبب می شود تا فعالیتهای محاروبی طور دلخواه و درست تنظیم نگردد و وقت بی موجب به مقصد پرتان کردن های مکرر ضایع شود . علاوه تمهیه کردن نادرست قرار سبب میشود تا عدم قاطعیت و بی تفاوتی را در صاحب منصبان مادون و اعضای سوق و اداره تولید نماید .

در هر امری و هدایاتی باید بصورت دقیق و واضح اشاره شود که کی ، چه ، کجا و چه وقت کدام کار را باید انجام دهد .

از بن جهت است که برای ارائه مفاهیم اکثراً سعی می‌شود تا از روش‌هایی که در تعلیمات ماها بکاررفته است پیروی گردد زیرا زبان تعلیمات ما، زبان قانونی و دقیق است. ولی این هم درست نخواهد بود که تمام موضوعاتی که در تعلیمات ماها و نظامات ماها نوشته شده و قوماندانان مادون قبلاً مجبور است که آنها را مطالعه کرده باشد و بداند بصورت علیحده‌ای به مادون تبلیغ و اشاره گردد.

محرمیت ابلاغ قرار دارای ارزش خاصی می‌باشد این امر سبب می‌شود تا رازها و تئیکه در مفکوره فعالیت‌های محاروبی نهفته است نگهداری شود و دشمن از وارد آوردن حملات باصقین آگاهی نیابد. محرمیت ابلاغ قرار در صورتی حاصل شده می‌تواند که قوماندانان، هیئات قرارگاه و مادونان اجرا کننده وظایف محاروبی مستقیماً داخل تماس شده و از وسایط و اسناد مختلفه استفاده بعمل آورند علاوه بر آن هرگاه وقت زیادی برای آماده ساختن فعالیت‌های محاروبی در دست باشد لزومی ندارد که مفکوره قوماندانان مافوق را به تعداد زیاد اشخاص بر ملا ساخت و همه را از آن آگاهی داد.

اشکال و طرق ابلاغ قرار قوماندانان به مادونان:

هرگاه زمان برای آماده ساختن فعالیت‌های محاروبی محدود باشد، وضعیت به سرعت و کثرت تغییر نماید و همچنان اگر مقدار و حجم اطلاعات و سرعت پیدا کند قوماندانان مجبور است که به طریقه‌های مختلفی قرار خویش را به مقدمه‌های مادون ارسال بدارد. و این طریقه‌ها را می‌شود ذیلاً خلاصه کرد:

قرار قوماندانان که به شکل امر محاروبی یا هدایت محاروبی تهیه شده به قرارگاه و سایر ارگانهای سوق و اداره سپرده می‌شود بین قرارگاه و ارگانهای دیگر سوق و اداره در مورد آن توافق و هم نظری حاصل شده بعد از آن به قوماندانان، قرارگاه‌ها و سایر ارگان سوق و اداره مادون به طرق ذیل تبلیغ می‌گردد:

— نزد مادونان می‌رود.

— مادونان را نزد خود احضار می‌نماید.

— ذریعه وسایط تخنیکی قرار را مخا بره می‌نماید.

— ذریعه مکاتیب و اسناد به مادونان ارسال می‌کنند.

اکثراً قرار قوماندانان به مادونان شخصاً ذریعه خود قوماندانان ابلاغ می‌شود چونکه این موضوع بیش از همه صحت و دقیق بودن قرار را ضمانت کرده و فهمیدن آنرا توسط مادونان حتمی می‌سازد. علاوه بر آن قوماندانان در جریان سخن زدن خویش با مادونان اکثر از مشکلات آنها را مرفوع گردانیده و در مورد تغییرات محتمله وضعیت آنها را مطلع می‌سازد. یعنی به آنها می‌تواند وظایف جدید و علاوگی ای را بدهد. اما نقش عمده را در ابلاغ نمودن قرار

قوماندانان، ضابطان قرارگاه و سایر ارگانهای سوق و اداره قوتها بازی می‌کنند. خاصتاً و تئیکه محاربه جریان دارد و قوماندانان نمی‌توانند که با تمام مادونان پیوسته ارتباط گیرند و اوامرش را مستقیماً به آنها بدهند. در همچو حالات ارزش قابل ملاحظه را آن دارد که از تمام اشکال ابلاغ نمودن قرار به مادونان که طی سالهای متمادی از تجارب حربی حاصل شده است استفاده بعمل آید.

شکل اساسی ارسال قرار قوماندانان به مادونان را امر محاروبی، هدایت محاروبی و هدایات تأمیناتی فعالیت‌های محاروبی تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن تجارب عملی سوق و اداره نشان داده است که از ارسال اوامر نخستین و هدایات تشریک ساعی نیز باید استفاده گردد.

امر محاروبی: در سابق و در شرایط محاربات مدرن امروزی اهمیت خود را بحیث یک شکل سیاسی منعکس ساختن قرار قوماندانان حفظ نموده است. خاصتاً زمانیکه وقت کافی در دست باشد و قوماندانان بتوانند بدون دست پاچگی فعالیت‌های محاروبی خود را ترتیب و تنظیم کنند از ارسال اوامر محاروبی بحیث یک سند اساسی استفاده می‌کنند. موجودیت امر محاروبی موقع می‌دهد تا بصورت دقیق و عمیق غایب و مفکوره قوماندانان مافوق فهمیده شود، و وظایف محاروبی مربوط به خود درست درک گردد و همچنان تمام اطلاعات دیگری که برای ترتیب و تنظیم نمودن محاربات به داخل جزو نام‌های دوست و سوق و اداره فعالیت آنها در جریان فعالیت محاروبی ضروری محسوب می‌شوند حاصل می‌گردد.

از لحاظ اینکه اوامر محاروبی چه بصورت شفاهی و چه به شکل تحریری آن باید به عین ترتیب ارائه گردد قطع نظر از آنکه اوامر مذکور برای کدام مقدمه ارسال و ابلاغ می‌شود، آنچه از تجارب حاصل شده این خصوصیت ارزشی قابل ملاحظه‌ای دارد و ضابطان تئیکه می‌خواهند اوامر کوتاه و موجز بدهند از آن استفاده بهتری برده می‌توانند.

درست نیست که اوامر محاروبی برای یک مقدمه مادون به یک شکلی و برای مقدمه دیگر به شکل دیگر ارائه گردد. این عمل بجز بی نظمی چیزی دیگری بار نمی‌آورد. توحید شکل امر محاروبی نه تنها نقصی ندارد بلکه مفید هم می‌باشد. این امر طرز فکر ضابطان را نظم می‌بخشد خطاها تئیرا که باید در اثبات ارائه اوامر مرتکب شود مرفوع ساخته و مجال آنرا می‌دهد تا اوامر به بهترین شکل آن ارائه گردد و قوماندانان یا ضابط قرارگاه که امر محاروبی را تهیه می‌نماید لزومی نیابد تا فکر کنند و وقت را ضایع سازند که کدام موضوعی را تا هنوز در امر محاروبی نگنجانیده‌اند. علاوه بر آن توحید شکل اوامر مجال آنرا هم می‌دهد که اگر اوامر از یک حلقه سوق و اداره به حلقه دیگر انتقال می‌کنند بدون اتلاف وقت

این کار به سهولت انجام میشود اشتباه مغالطه صورت نمیگیرد. خلاصه آنکه توحید سمة امر محاربوی جریان ابلاغ کردن آنرا سهولت میدهد و برای این مقصد فورم های تیپیک و متمایزه شده ای را مورد استفاده قرار میدهند.

البته تعداد مواد امر محاربوی و محتوبات آنها برای هر یک از قدسه ها و اشکال فعالیت محاربوی فرق مینماید. ما آنها را طی مثال های معینی مورد مطالعه قرار میدهیم:

در ماده اول: معمولاً در ماده اول امر محاربوی قومانندان وضعیت و گروپمان های دشمن را محاکمه مینماید.

اشتباهای که ضابطان در اثنای تهیه نمودن این ماده مرتکب میشوند آنست که اطلاعات دست داشته راجع به دشمن را توضیح و تشریح مینمایند بدون آنکه آنرا دقیق و ارزیابی کنند. این چنین اشتباه مجاز نیست. امر، عبارت از اطلاعات اکتشافی نیست. در آن نظریه معلومات واصله باید نتیجه گیری هائی صورت گیرد تا مادونان بتوانند نظر به آن مواد بعدی امر محاربوی، مفکوره قومانندان و ایفای وظیفه ای که داده شده مورد ارزیابی قرار دهند.

مثلاً: لزومی ندارد که در امر محاربوی چنین نوشت «در منطقه آ، ب، ج مواضع و خندق های دشمن کشف شده است» و «در مناطق و سرحدات «د» و «ه» فعالیت های استحکامی جریان دارد» به عوض اطلاعات فوق در ماده اول امر محاربوی باید چنین استنتاجی بعمل آید: «در منطقه آ، ب و ج تولى مقاومت دشمن جا بجا گردیده است» و «در مناطق و سرحدات «د» و «ه» مواضع احتیاطی لوای نمبر... آماده میشود» و آنچه مربوط به خصوصیات دیگر دشمن میشود قرارگاه مجبور است از طرق دیگری آنرا به مادونان تبلیغ نماید و شامل امر محاربوی نگردد.

بصورت عمومی ماده اول امر محاربوی باید به سوالات آتی جوابگو باشد:

آ- در امریکه به مقصد تعرض تهیه شده است: در کدام جنبه، کدام جزو تا مه (قطعات) دشمن به مدافعه میگذرند، کنار بیشترین مدافعه دشمن در کجا واقع شده است: محلات مقاومت و مواضع ضد حملات اسلحه تاثیر دسته جمعی دشمن در کجا جا بجا شده است و تشکیل آن چیست و سابط آتشدار و احتیاط دشمن در کجا و با کدام تشکیل جا بجا شده اند.

ب: در امریکه به مقصد مدافعه تهیه شده است: تشکیل،

وضعیت و خصوصیات فعالیت گروپمان های دشمن که برای تعرض آمادگی میگیرد. استقامت محتمله ضربه اصلی دشمن و اسلحه ای که ممکن است دشمن مورد استفاده قرار دهند: زمان محتمله گذشتن دشمن به تعرض.

ج: در امریکه به مقصد اجرای رفتار تهیه میشود و محاربات تصادفی پیش بینی میگردد: در کدام سرحدات در جنبه و جناحین شریک حرکت، کدام دشمن و چگونه فعالیت هائی را انجام خواهد داد. تشکیل و وضعیت گروپمان های آنها که قوت های دوست ممکن است با ایشان تصادف نمایند، خطوط احتمالی تصادف مذکور؛ دشمن درین محاربه از کدام نوع اسلحه استفاده خواهد کرد، از طیارات، دیسانت ها و گروپ های تخریب کار به مقصد برهم زدن نظم رفتار قوتها استفاده خواهد شد یا خیر؟

نظر به وضعیت و ماده اول امر محاربوی در هر یک از اشکال فعالیت محاربوی شده میتواند که سایر نتایج مهم و لازمه را یاد دهانی نمود. ولی درین حالت نباید فشار زیادی بالای امر تحمل گردد و نتایجی که چندان موثق نیست و در شکست و شبهه قرار دارد نباید وارد امر گردد. چونکه هر یک از جملات امر محاربوی برای مادونان حکم قانون را دارد و از همین لحاظ هم هست که باید پیش از همه مستند، مؤثق و با اساس باشد. بنا بران تصورات بی اساسی و خیالی مانند: راجع به غایه دشمن.

اشکال و زمان شروع فعالیت دشمن، و غیره را بهتر است شامل امر محاربوی نسازید و آنرا در هدایاتی که به مقصد تشریک مساعی ارائه میکنید افاده کنید.

در ماده دوم: در ماده دوم امر محاربوی معمولاً وظایف و ترتیب استعمال و سابط تخریب جزو تا مه های دوست، توسط قومانندان مافوق شامل میشود. همچنان در مورد وظایف همجوارها و خطوط فاصل بین آنها تثبیت میشود.

این ماده امر محاربوی توأم با مواد دیگر به مادونان مجال میدهد تا وظایف خود را درست درک نمایند و بدانند که تا کدام اندازه استعمال اسلحه قومانندان مافوق و طرز فعالیت جزو تا مهها و قطعات همجوار در ایفای وظیفه محوله به او تاثیر می افکند. درین حالت به آن همجوارها معلومات داده میشود که با قوای دست داشته مساعی مشرک دارند و در اجرای وظیفه مشترک نقش بازی میکنند.

(باقی دارد)

د منځنی ختیځ

د سوله ایز حل او دسړی جگړی

د پایته رسید و لپاره نوی هلې ځلې پیل شوی

ددی کار څخه هدف دادی ترڅو یو حل بیا د متخاصمو ډلو ترمنځ خونړی جگړی پیل نشی ځکه د هغه وخت نه چی په لبنان کی اور بند او سوله ټینګه شوی تر اوسه څو واری سیاسی قلمونه واقع شوی چی پدی ترتیب سره امنیت او سوله پدی په لبنان کی دخطر سره مخامخ کړیده که دانه د تامل او مال اندیشی او دقت څخه کار وانخستل شی دا وپره موجوده ده چی یو حل بیا له خونړی جگړی په لبنان کی پیل شی نو همدا دلیل دی چه د عربی ټولنی فوځ په لبنان کی دا هڅه کوی چی ژر تر ژر د درندی وسلی د لبنان د متخاصمو ډلو نه راټولی کړی .

د فلسطین دخپلو اکی د موسسی غړی او نور فلسطینی نهضتونه د عربی ټولنی د فوځ ددغه غوښتنی سره خپل کلنک مخالفت څرګند کړی او هغوی دلیل راوړی که فلسطینی سر تیری خپلی درندی وسلی د عربی فوځ مر بوط مقاماتوته و سپاری دوی نشی کولای چی داسرا ټیلو د حکومت دعسکرو د احتمالی حملی په وخت کی د ځانه دفاع و کړی او هم فلسطینی سر تیری نشی کولای چی ډرتنه له درندو وسلو څخه څخه د لبنان نژدی پلوته

وروسته له هغه چی په لبنان کی نوی حکومت منځ ته راغی او د عربی ټولنی فوځ د لبنان ستراتیژیک او نظامی سنگرونه یو په بل پسې خپل تسلط او کنترول لاندی راوستل په نسبی توګه اوس ددغه غم د خپلی سیمی کی سوله او آرامتیا لیدل کیږی او اوس ، اوس عربی فوځ چه د عربی ټولنی له خوا لبنان ته استول شوی یولی داسی هلې ځل شروع کړی چی ترڅو دریاض اود قساعری دعالی جرګو فیصله لیکونه په کاماله توګه په لبنان کی عملی کړی همدا اوس عربی فوځ د ازیاریاسی چی په لومړی پړاو کی د جگړی مخه د متخاصمو ډلو ترمنځ ونسی او همدا رنگه عربی فوځ د ازیار هم یاسی چی درندی وسلی د مختلفو متخاصمو ډلو څخه ټولی کړی که څه هم تر اوسه پوری دغه مامول ندی تر سره شوی خو بیا هم هیله کیږی چه ژر تر ژره درندی وسلی د متخاصمو ډلو نه ټولی کړی او پدی لپاره کی عربی هیوادونه مخصوصاً دسوری حکومت ډیر زیار یاسی ترڅو د لبنان په متخاصمو ډلو باندی زور واچوی چی خپلی درندی وسلی د عربی فوځ مر بوط مقاماتوته و سپاری .

د اسرائیلو په عسکرو برغل وکړی همدا موضوع فلسطیني سر تیر وټه ډیره جدي بڼه لری مخکه دوی پرته لدی چی د لبنان د فلا نژیستا نوسره د پښمنی لری ددوی حقیقی د پښمن د اسرائیلو حکومت دی او که دوی درندی وسلی ونلری مجبور دی چه لاس تر زنی کښینی خپل هدف چه جگړه د اسرائیلو سره ده مخکی نشی بیولی .

د بی خوانه داسی رپوتونه په منځنی ختیځ کی خپاره شوی چه د پخوانه د اسرائیلو حکومت خپل یوزیات شمیر عسکر د لبنان سمعوت ته نژدی خای په خای کړی ترڅو په لازم وخت کی خپل بریدونه په فلسطیني سر تیر و په لبنان کی پیل کړی دا موضوع په خپله فلسطینیا نو او د عربی هیوادو د پاره ډیر جدي گڼل کیوی چه تر کوم وخته پوری به د فلسطین خلک بی سر نوشته او فلا کتپاره ژو ندولری ددی د پاره چی د فلسطین خلک خپلو هیلو ته ورسیری او خانه یو خپلو الك دولت جوړ کړی پدی ورستیو وختو کی عربی هیوادو د مصر د حکومت د پښمنها د په اثر د اړیکر وکړه چی د فلسطین د خپلوا کی موسسه چی د فلسطین غځه نمایندگی کوی د عربی ټولنی د کامل غړی په توگه دی په رسمیت وپیژندل شی د عربی هیوادو د اړیکر ه ددی په خاطر شوی چه تر خود فلسطین د خلکو داعیه په جهانی سویه سره وپیژندل شی او عربی ټولنی د اروپایی گډ بازار غځه داغوښتنه کړیده ترغو د فلسطین د خپلوا کی موسسه چی د فلسطین د خلکو یواغنی نماینده په توگه په رسمیت وپیژنی .

مخکی لدی یعنی د ۱۹۶۴ کاله پوری چی د فلسطین د خپلوا کی موسسه نوه جوړه شوی د عربی ټولنی غړی هیوادونه چی د عربی ټولنی منشوری امضاء کړیوه په گډه سره یی د فلسطین په نمایندگی په ملگرو ملتو او نور جهانی کنفرانسو کی وظیفه اجرا کوله او د فلسطین د خلکو په نمایندگی خپری کولی او هغه بیعدالتي او ظلمونه چه د اسرائیلو د حکومتو له خوا بر فلسطیني خلکو باندی د جهانیا نو غوړ وټه رسول او عربی ټولنی دا وظیفه دهغه وخت نه پیل کړه چی د اسرائیلو نام نهاده حکومت په ۱۹۴۸ کال کی د تاریخی حقایقو په خلاف او د بشری کرامت پر ضد د استعمار گرانو له خوا جوړ شو او پدی توگه د فلسطین د خلکو په انسانی حقوقو باندی علنی تیری صورت وموند او د فلسطین د خلکو هیلې او ارمانونه د پښولاندی شول .

او هغه تیری او ظلمونه چه د اسرائیل د دولت د جوړیدونه وروسته د فلسطین په خلکو شوی تر اوسه پوری په سل ها و واری د عربی ټولنی او د فلسطین د خلکو لخوا د نړی عدالت

هستندو او نورو وگړو ته رسیدلی اما لاسته راغلی نتیجی مایوس کوونکی دی مخکه تر اوسه پوری د اسرائیلو حکومت د یته نده چمتو شوی چی حقا یقوته غاړه کپړدی .

سره لدی چه په تیری شوی مودی کی د فلسطین خلکو هم د نظامی لحاظه او هم د سیاسی له لحاظه ډیر بریالی و بوټه تر لاسه کړی او خپل د حقوقو د لاسه راوړلو په خاطر بی سختی جگړی او مبارزی کړی اما پدی ندی بریالی شوی چه د صهیونیزم سره غرنګه چه بیا یی مقابله وکړی او سبب یی هم دادی چی د اسرائیلو د حکومت صهیونیزم پالیسی پلویان د پیرزور وراود پیاوړی نظامی او اقتصادی حالت خاوندان دی مخکه صهیونیستان داعقیده لری که د فلسطین خلک پدی بریالی شی چی دیو خپلواک هیواد خاوندان شی نور نو د صهیونیستانو جنازه به وویل شی د همدی عقیددی په بناء د اسرائیلو حکومت واکداران په وار وار ویلی دی چه مونږ به هیڅ کله د فلسطین د خلکو دنمایندگانو سره که سوله هم وغواړی خبر و تروته چمتونه یو .

مگر دیو حقیقت نه باید تل سترگی پټی نشی چی د اسرائیلو صهیونیستانو دا عقیده د تاریخ د حکمونه سره مطابقت نلری او ضرور به که نن وی او یاسبا د فلسطین د خلکو خپلواک هیواد به جوړ شی مخکه د تاریخ سیر او حرکت مخه څو ک نشی نیولی او دایو تاریخی واقعیت دی چی د فلسطین خلک د برچی په زور د خپلی اصلی ټاټوبی غځه ایستل شوی او دامقوره دهر فلسطیني سرتیری سره ده چه دقوی په زوریه خپل غلیم د خپلی پلرنی خاوری غځه باسی مخکه دهغو پراخو د ساپلو او امکانانو په ذریعه چی په راتلونکی وخت کی به چی د نورو عربی ورونو او ملگرو له خوا فلسطیني سرتیرو ته ور کړی داسی زمینه به مساعده شی چی د فلسطین خلک به د اسرائیلو د حکومت سره په یته توگه جگړه وکولاشی مخکه همدا اوس یوشمیر عربی هیوادونه پدی عقیددی دی چه د فلسطین د خلکو حقه حقوق دسولی له لسیاری لاسته نشی راتلای او یواغنی لیارچی کولایشی د فلسطین د خلکو داعیه حل و فصل کړی وسله واله مبارزه ده اوبس هغه عربی هیوادونه چه ددی مفکوری ملاتړ کوی په هغو کی الجزایر عراق او لیبیا شامل دی .

د مصر - سوربی او اردن حکومتونه پدی عقیددی دی که د فلسطیني د خلکو داعیه او د عربی نیول شو یوسیمو موضوع د خبرو اترو له لیاری حل و فصل شی مثبت نتیجه به ور کړی

په وروستی تحلیل کي دی نتیجی ته رسیدو که د خپـرو اترو له ایاری د منځنی ختیز لانجی حل و فصل نشی گوندی دغه دری هیوادونه هم د الجزایر عراق اولیبیا شانته مبارزی ملاتړ به وکړی لکه د ۱۹۷۳ کال جگړی چه دوه عربی هیوادو او اسرائیل ترمنځ وشوی دا حقیقت بی رویتانه کپ چه په راتلونکی احتمالی جگړی که به د عربی نړی فوځ لاپسی نور بریالیو بونه تر لاسه کړی لکه په ۱۹۷۳ کال جگړو د اسرائیلو شکست نا پندیری افسانه له سینعه یووړ او پدغو جگړو کي د لومړی لځل لپاره ولیدل شو چی د جگړو په لومړیو وختو کي د اسرائیلو د حکومت نظامی قواوو دفاعی حالت غوره کړیوه . د بلی خوانه د عربی هیوادونه مخصوصاً هغه عربی هیوادو چی مستقیماً د اسرائیلو سره گهی پولی لری او په خو جگړو کي اشتراک کړی یدی پدی غوتیر و نژدی کلونو کي بی تل دا هغه گړیده چی خپل اقتصادی او نظامی حالت د پخوانه پیاوړی کړی . لکه دغه هیوادونه پرته لدی چه د دوی لختی سیمی د اسرائیلو تر اسارت لاندی وی دوپته ددی خطر هم شته چه اسرائیلو د صهیونستی او استعماری پالیسی په اساس یو لځل بیان جگړی د خطر سره مخامخ شی .

لکه دغه عربی هیوادونه مخصوصاً مصر سوریی واکدارانو په غوغو لځو دا اعلام کړی چی مونږ به خپله یوه لوی نیت خاوره د اسرائیل استعماری حکومت ته پـری نړدو او د بلی خوانه د اسرائیلو د حکومت واکداران ادعا کړی چه مونږ به هیڅ کله ټولی عربی نیول شوی سیمی خوشی نکړو لکه د اسرائیلو د دولت د موجـودیت لپاره مصئون پیژندل شوی پولی یو حتمی عنصر بولی .

خرنکه چی د عربی هیوادو د فلسطین د خپلواکی او د اسرائیلو د واکدارانو د در یځو لځه معلومیږی د منځنی ختیز د لانجو د حل لپاره په اوسنیو شرایطو کي سوله ایز فعالیتونه پیر کم چانس لری . مگر دا چی د منځنی ختیز متخصص ټلی په خپلو پالیسیو که مثبت بدلون راولی ، تر اوسه پوری چه لیدل شوی تل عربی هیوادونه د منځنی ختیز د سوله ایز حل لپاره لاره همواره پریښی ده او په خپلو دریځو کي بی د انعطاف پندیری لځه کار اخستی دی اما د اسرائیلو حکومت هیڅ کله متقابله عکس العمل د عربو د نیت په برخه کي ندی یتودلی او تل بی د زور چال او نیر نک لځه کار اخستی او په مقابل کي بی هغه کړیده چی په ملیاردو ډالرو

عصری - مدرنی او مخوقی وسلی دامر یکی د حکومت نه تر لاسه کړیدی .

پدی وروستیو وختو کي په منځنی ختیز کي داسی خبرونه خپاره شول چی د منځنی ختیز د بحرانو د سوله آمیز حل لپاره یو انجنی لیار داده تر غو د منځنی ختیز د پاره د ژینو کنفرانس یو لځل بیا جوړ شی او پدغه کنفرانس کي دی ټول متخاصم عربی هیوادونه د فلسطین د خپلواکی د موسسی او اسرائیلو نمایندگان گهون و کړی او د کنفرانس گه مشران دی د شوروی اتحاد او امریکی نمایندگان وی دغه پیشنهاد تر اوسه پوری لځو لځه د شوروی اتحاد د حکومت لخوا متخاصمو ټولته وړاندی شوی مگر د مختلفو عواملو له کبله تر اوسه پوری د دوه لځل لپاره د ژنیو کنفرانس ندی جوړ شوی . لکه د متخاصمو ټلونه لختی هیوادونه مخصوصاً د اسرائیلو حکومت د ژنیو د کنفرانس د جوړیدو طرقدار ندی . لکه که د ژنیو کنفرانس جوړشی دا حقیقت منځ ته رایی چه د فلسطین خلک د یو خپلواک هیواد خاوندان شی او هم به اسرائیلو په حکومت زور و اچول شی چی عربی نیول شول سیمی خوشی کړی .

لکه د عربی نیول شوی سیمی بیرته لاس ته راوستل او د فلسطین د دولت جوړیدل هغه دوه غوښتنی دی چه د نړی ټول سوله پسنده هیوادونه یی غواړی او د امنیت شوری هم دا پریکړه کړیده چی باید د اسرائیلو حکومت عربی نیول شوی سیمی خوشی کړی او د ملگرو ملتو عمومی اسامبلی هم د فلسطین د خپلواکی موسسه د فلسطینیانو په نمایندگی په رسمیت پیژندلی او د بلی خوانه او ه لوی قدر تونه د شوروی اتحاد او امریکی حکومتونه هم پدی ټکی و لار دی چی د فلسطینی د خلکو داعیه دی په عادلانه توگه حل و فصل شی د شوروی اتحاد حکومت ددی مفکوری ملاتړ کوی چی د فلسطین خپلواک دولت دی داردن د سیند په لوی دیزی او دغزی په سیمو کي جوړشی دامر یکی حکومت هم قسماً ددی مفکوری ملاتړ کوی . عربی هیوادونه او د فلسطین د خپلواکی موسسه هم پدی امر قناعت لری اما یو انجنی هیواد چی ددی مفکوری لځه په کوی او هغه نه منی د اسرائیلو حکومت دی او پدی برخه کي د زور او نیر نک لځه کار اخلی او خرنکه چی معلومه شوی د اسرائیلو صدراعظم اسحق رابین یو لځل بیا دا خبره و کړه چی زموږ چال چلند د فلسطینی د خپلواکی د موسسی په برخه کي بدل شوی ندی او مونږ هیڅ وخت دپته چمتو نه یو چه د فلسطین د خلکو سره مخامخ خبری اتری وکړی .

په اسرائيل کې دننه هم داسې هلې ځلې روانې دي چه د ژنيو دسولې څېرې اترې بيرته واچوي څرنگه چې څېر يو پدې ورستيو وختو کې داسرائيلو دکارگر ائتلافی حکومت داسحق رابين په مشرۍ دخپلې وظيفې نه استعفا وکړه اودري تنه ائتلافی وزيران داسرائيل دحکومت نه وايستل شول دغه دري تنه وزيران هغه وخت دخپلو وظيفو څخه گوښه کړي شول چې د اسرائيل په پارلمان کې بهی داسحق رابين دحکومت پر ضد راښيي ورکړي. وروسته لدې حرکت څخه داسرائيلو صدر اعظم اسحق رابين دخپلې وظيفې څخه استعفا وکړه او اوس اسحق رابين دسرپرست صدر اعظم په توگه وظيفه اجراکوي او دده وظيفه په ترهغه وخته پوري دوام وکړي چې دجون او يامي په مياشتو کې په اسرائيلو کې نوي انتخابات تر سره شي .

کتونکې په منځني ختيځ کې پدې هکله مختلفې نظريې ورکوي ځنې وايي چې اسحق رابين ددې په خاطر دخپلې وظيفې څخه په عمدي توگه ځان گوښه کړ ترڅو په لومړي پړاو کې خپل رقيبان د حزب په منځ کې د ماتې سره مخامخ کړي ځکه که داسرائيلو انتخابات و دټاکلي مودې نه مخکې صورت ومومي دده رقيبان به ددې وخت ونه لري چې خپل فعاليتونه داسحق رابين پر ضد په ښه صورت سره تنظيم کړي داسحق رابين دگوښه کيدو بل اصلي سبب دادې چه گواگي پدې توگه اسحق رابين غواړي چه ترهغه وخته پوري چه داسرائيلو انتخابات سر ته رسري دمنځني ختيځ دسولې څېرې ټال کړي او داسرائيلو داخلي جريانات لويو قدرتونو او نړيوالو ته داسې وښيي چه داسرائيلو اوسني حکومت دا واک نلري چه د ژنيو دسولې په کنفرانس کې گډون وکړي .

او د بلي ځوانه څرنگه چه معلومه شوي داسرائيلو حکومت اوس داسې هلې ځلې پيل کړي چه نوي مخوقې وسلې دامريکي حکومت نه تر لاسه کړي چې پدغو نويو وسلو کې نوي عصري الوتکې او اتومي بېرې شاملې دي. هغه وخت چې دغه څېر ونه دوسلو په هکله څپاره شول دحمينو عربي هيوادو سفيرانو دامريکي حکومت ته څېر داري ورکړي چې دامريکي نوي وسلې چه داسرائيلو حکومت ته ورکول کيږي په منځني ختيځ کې بهی دقوا و توازن داسرائيلو په گټه له منځه وړي دي که دغه وضع په منځني ختيځ کې دوام وکړي خطر ناک عواقب به په سيمې کې منځ ته راوړي .

همدارنگه داسرائيلو دحکومت دغلط چال چلند په اساس په هغو عربي سيمو کې چه داسرائيلو تر تسلط لاندې دي داسرائيل صيهو نستان گډوال ميشته شوي اوددې په ځنک کې دا هڅه کړي هم ده چې دمسلمانانو په مقدساتو تيري وکړي

او حتی ددغو سيمو اصلي هويت واړوي. څرنگه چې دملگرو ملتو عمومي غونډې او د يونسکو جرگې په نايروبي کې داسرائيلو دحکومت پدغه چال چلند باندې انتقاد وکړ او يو بين المللي هيأت يې موظف کړ چه ددغو عربي نيول شوسيمو څخه ليدنه وکړي او خپل تمهيه شوي رپورټ پدې برخه کې دملگر-ملتو مربوطه مقاماتو ته وسپاري .

دا ټول مطالب چې داسرائيلو دحکومت په هکله وويل شول ددې حقيقت ښکارندوي دي چه په حقيقتي توگه داسرائيل واگداران دننه چمتو ندي چه دمنځني ختيځ دسوله ايز حل په لياره کې مثبت گامونه واخلي. اودبلي ځوانه داسرائيل ۳۰ فيصده خلک ددې مفکورې ملاتړ کوي چې بايد په منځني ختيځ کې عادلانه سوله ټينگه شي او بايد داسرائيل حکومت دمنځني ختيځ حقايقو ته مثبت جواب ورکړي اوعربي نيول شوي سيمې بيرته مستردې کړي. او داسرائيلو حکومت هغه مليارده ميليارده ډالرو چې د وسلو په پيرودلو مصر نوي بايد داقتصادي سمون تيا په لياره کې ولگول شي .

ځکه دهغو اقتصادي ناخوالي په اثر چې په اسرائيلو کې جريان لري څلويښت فيصده کسر داسرائيلو په بودجې کې ښيي او ورځ په ورځ په اسرائيلو کې وزگاري زياتيږي اود مالونو قيمتونه مخ په جگړيدوي. او په عمومي توگه په اسرائيلو کې يو عمومي انفلاسيون ليدل کيږي. اودولت ددې دپاره چه خپله نظامي بودجه تقويه کاندې په خلکو باندې هره ورځ ماليه جگړي او هم اسرائيلو صيهو نستان دبين المللي صيهو نستانو په مرسته په ټوله نړۍ کې په ميلاردو ډالرو اعانه راټولوي.

که څه هم داسرائيلو ۳۰ فيصده خلک چې په منځني ختيځ کې دعا دلانده سولې طرفداري دي په اسرائيلو کې اقليت دي اما دهغه لخوا په چې ددوي مفکوره په حقيقت او واقعيت باندې بناء لري، دا امکان شته چه په اسرائيلو کې ددغو ډولو اشخاصو شمير زيات شي او په پای کې داسرائيلو حکومت دداسې اشخاصو څخه جوړ شي چې په حقيقي توگه په منځني ختيځ کې دسولې ملاتړ وکړي. او په سوله ايز ډول خپلې لانجې د عربو اوفلسطينيانو سره حل و فصل کړي . ځکه هغه عناصر چه په اوسنيو شرايطو کې د عربو سره دسولې ملاتړ نکوي ورځ په ورځ شمير يې په اسرائيلو کې کميږي او داسرائيلو معتدل عناصر پياوړي کيږي .

دبلي ځوانه عربي هيوادونه وروسته لدې چې درياض او قاهرې کنفرانسونه جوړ شول په خپلو منځو کې بهی هغه پخواني ناندرې اولانجې په کامله توگه حل و فصل کړل او اوس اوس هغه دپدخپله عربي هيوادونه چه داسرائيلو

هیوادسره دجگړې په درشل کې دی دبل هر وخت نه سره نژدی شول او دیوی گډې پالیسی څخه دمنځنی ختیز دلانجو په مقابل کې کار اخلی. پدې ضمن کې دسوریې جمهور رئیس دری واری په لنډ وخت کې دمصر جمهور رئیس سره په ریاض او قاهرې کې خبرې اترې وکړې او څرنگه چې معلومه شوی دسوریې او دمصر جمهور ورئیسانو خبرې په بریالۍ توگه پایته رسیدلې اولاسمه راغلی نتیجې دپاڅ وردی . همدارنگه د فلسطینې دخپلواکۍ د موسسې مشر یاسر عرفات دمصر اوسوریې د جمهور ورئیسانو سره په زړه پورې خبرې اترې سر ته رسولې دی همدارنگه داردن او مصر روابط هم دبل هر وخت نه منځ په منځه کیدو دی. په همدې ترتیب د لیبیا اومصر روابط هم سره عادی شوی او د دواړو هیوادو مربوطه مقاماتو موافقه کړې ده چه وروسته لدی دیوبل پر ضد ناوړه تبلیغات ونکړی .

پدې ضمن کې دسوریې جمهور رئیس حافظ الاسد هغه وخت چه دمصر په سفر بوخت وه پیشنهاد یی وکړ چی باید دژنیو دسولې په راتلونکې کنفرانس کې دی یوگډ عربی هیات دتولو عربو په نمایندگی گډون وکړی. دسوریې دجمهور رئیس دغه پیشنهاد که ومنل شی په منځنی ختیز کې دعادلانه سولې زمینه په مساعدو شرایطو سره آماده کوی. ځکه که دغه پیشنهاد ومنل شی داسرائیلو حکومت دلجاعت د فلسطین دخپلواکۍ د موسسې دغا یندگانو په خلاف له مینځه وړی .

همدارنگه دمصر جمهور رئیس انور السادات دشوروی اتحاد او د امریکې د حکومتو څخه غوښتنی دی چی خپل سیاستونه دژنیو دراتلونکې کنفرانس په هکله عربی هیوادو ته روښانه کړی. دهغه معایه چه دشوروی اتحاد دریځ څخه معلومیری او دشوروی اتحاد مسؤلو مقاماتو هم روښانه کړیده دشوروی اتحاد حکومت دژنیو د کنفرانس دجوړیدو ملاتړ کوی او هغه څه چه داکتر کیسنجر د امریکا خارجه وزیر دمنځنی ختیز دلانجو دحل لپاره دگام په گام دپالیسی منځ ته راوستلې ده تل دشوروی اتحاد حکومت پری انتقاد کاوه مگر ترڅو چه په امریکې کې نوی حکومت شروع په کار ونکړی دپاڅ په دمصر جمهور رئیس تر لاسه نکړی چه د امریکې چال چلند به دژنیو په راتلونکې کنفرانس کې څه ډول وی. اما څرنگه چه معلومه شوی د امریکا منتخب جمهور رئیس جیمی کارتر او منتخب خارجه وزیر ویلی دی چه دمنځنی ختیز لانجی دی په فوری توگه حل و فصل شی همدارنگه دی زیاته کړې ده چه اوس دبل هر وخت نه منځنی ختیز

کې منځ ته راغلی چه په عادلانه توگه سوله او امنیت په منځنی ختیز کې تامین شی . دملگرو ملتو موسسې هم توصیه کړې چه باید د مارچ په میاشت کې دی دمنځنی ختیز دعادلانه سولې دتینگیدو دپاره دژنیو کنفرانس دی جوړشی او د امریکې نوی حکومت هم تر هغه وخته پوری مناسب فرصت تر لاسه کوی ترڅو په هر اړخیزه توگه دمنځنی ختیز بحران وغپړی او بیا خپله پالیسی پدې برخه کې روښانه کړی.

ددی لیکنی په پای کې دی نتیجې ته رسیدو چی په سوریې روان عیسوی کال کې دمنځنی ختیز دلانجو دحل لپاره بهیر هلې ځلې صورت وموسی دمنځنی ختیز دلانجو دحل لپاره دوی لیاری لیدل کیری لومړی دا چه داسرائیلو د حکومت په پالیسی کې پوره او ښکاره بدلون راشی او دپته چمتو شی چی عربی نیول شوی سیمی بیر ته عربو ته خوشی کړی. او د فلسطین دولت دجوړیدو سره موافقه وکړی. که دغه لپاره داسرائیلو حکومت تعقیب کړی د منځنی ختیز دبحران سوله ائیز حل امکان لری او یا داچی دپخوا په شان داسرائیلو حکومت دلجاعت څخه کار واخلی او خپله صهیونستی پالیسی لاپسی پیاوړی کړی نو په هغه صورت کې به عربی هیوادونه او د فلسطین خلک دخپلو حقوقو لاسته راوړلو لپاره دپته اړشی چی یواریا په جگړې لاس پوری کړی او یوی دوامداری جگړې ته داسرائیلو پر ضد دوام ورکړی .

ځکه څرنگه چی دروانو حالاتو څخه معلومیری تقریباً هغه مشا بهه وضع چه مخکې د ۱۹۷۳ کال دجگړو په عربی نړی کې لیدل کیده اوس هم هماغسی وضعه لیدل کیری او عربی هیوادونه دیوبل سره متحد شوی او سعودی عربستان هم آخرین چانس غربی هیوادو ته دفتو په هکله ورکړی او په مقابل کې یی دغربی هیوادو مخصوصاً د امریکې د حکومت څخه غوښتنی چه د سعودی عربستان ددی عمل په مقابل کې غواړی چه لویدیځ هیوادونه مخصوصاً د امریکا هیواد داسرائیلو په حکومت زور واچوی چه دمنځنی ختیز دلانجو په هکله سوله ائیز حل ته غاړه کیږدی او که دغه کار د امریکا دخوا او نورو غربی هیوادو له خوا پراسرائیلو تعحیل نشی او اسرائیل دپخوا په شان د زور څخه کار واخلی دا امکان منځ ته راغی چه یو محل بیا دغربی هیوادو له خوا دفتی مقاطعی زمینه د غربی هیوادو په مقابل کې عملی شی او دهغوی اقتصادی سیر د محیو خنډونو او غنډونو سره مخامخ کړی .

تغییر کیفیت نظامی

اسرائیل

گرفت پلانگذاری نمایند. در اثنای حرب ۱۹۴۸ قسمت زیاد مجاربه اردوی اسرائیل از طرف صنف پیاده صورت گرفته در حالیکه قوتهای خورد بداخل گروپهای کوچک از طرف قوماندانان با کفایت وجدی سوق و اداره میشدند، در حصول ظفر سهم بارزی داشتند و ساطط محدود زرها دریکه در آنوقت در اختیار ایشان بود، بصورت درست فعالیت تکرده، باین اساس در ختم حرب حین اصلاح تشکیل قوای مسلح اسرائیل - *Zahal* برای عساکر پیاده ئیکه ذریعه وساطت خفیف و سریع الحركه حمل و نقل شوند، اهمیت زیادتی قائل گردیدند صنف مختلفه در اردوی اسرائیل مانند اردوهای دیگر بوجود آمده و تقویه گردیدند. صنف پاراشوت در قوای مسلح اردوی مذکور با سرعت قابل ملاحظه ای موقعیت قابل افتخاری بدست آورد. آرزوی اکثر افراد جوان اردوی اسرائیل این بود که بعوض آنکه کلاه سرخ را که عساکر اسرائیل در خارج وظیفه بصورت عمومی آرزوی پوشیدن آنرا ندارند، بوتهای مخصوص قوای پاراشوت را بپوشند موشی دایان که در دسامبر ۱۹۵۳ بحیث لوی درستیز اردوی اسرائیل تعیین گردید، چون مسلک خودش پاراشوت بوده وهم در عین زمان موفقیت هائبرادر سوق و اداره صنف پیاده که ذریعه وساطت موثر دار سریع الحركه حمل و نقل میشدند، حاصل نموده بود، در تقویه دو صنف فوق الذکر سعی بیشتر بخرچ داد.

ستر درستیز اسرائیل در نتیجه تخر به ئیکه از حرب ۱۹۴۸ حاصل نمود، بامد نظر داشتن این موضوع که بمالک عربی که در اطراف آن ممالک قرار داشتند، از نقطه نظر عسکری تا کدام اندازه ضعیف میباشند، با اتفاق آراء «صرف عملیات تعرضی» را در صورت وقوع حرب انتخاب نمودند. دلائلیکه به پشتیبانی

در نتیجه درس هائیکه از حرب اکتوبر ۱۹۷۳ گرفته شد تغییر بزرگی در مفکوره نظامی مقامات عالی قرارگاه وزارت دفاع اسرائیل بوقوع پیوسته، در حالیکه این امر مخالف آرزوی قوماندانان عالیرتبه آن میباشد، دیگر گونیهائی در کیفیت حربی آن مملکت برایشان تحمیل میگردد. قوماندانان مذکور در حال عدم رضائیت به تدوین یک ستراتیژی جدید ملی و ادار گردیده بطور خلاصه، آنها برای اولین دفعه به تدقیق مسائل دفاعی پرداخته و این موضوعی است که ایشان قبل ازین گاهی در آن خصوص سرخویش را به درد نیآورده اند. اردوی اسرائیل که در حرب اکتوبر ۱۹۷۳ از طرف عربها مورد باصقین قرار گرفت. بعد از متحمل گردیدن ضربات و عقب نشینیها، وضعیت خویش را بطور مطلوب بهبود بخشیده، لیکن بمنظور آنکه در مورد عدم وقوع مکرر چنین وضعیت مطمئن شوند، باین عقیده واصل گردیدند که باید آنها یک دو کتورین قوی تدافعی را اختیار نمایند. از این موضوع چنین برمیاید که باید دو کتورین موجوده «تعرضی» آنها اصلاح گردیده زیرا برای یک مملکت یا یک اردو بطور کلی ممکن نمیباشد که در عین حال هم «مفکوره تعرضی» وهم «تدافعی» را در سر بپروراند.

قوای پاراشوت:

دو کتورین حرب اسرائیل در طول چندین دهه تحت تاثیر بعضی فاکتورها از قبیل میسر بودن انواع مختلف اسلحه و مؤثریت آنها در محاربه، تحولاتیرا پذیرفته است اسرائیلیها همواره بآنچه که بحصول آن قادر بوده اند سازش نموده و هیچگاه مرتکب این اشتباه نشده اند که استعمال اسلحه ئیرا که جایز آن نبوده، و هیچوقت بدسترس ایشان قرار نخواهد

این مفکوره اقامه گردید عبارت از این بود که سرزمین اسرائیل خورد بوده و عرض آن بسیار کم است (عرض خاگ اسرائیل در باریکترین قسمت آن در شمال تل ابیب کمتر از ۱۴ میل میباشد) برای آن در محاربات منظم مفکوره مدافعه با خطوط پی پی خندق ها نیکه ذریعه ترتیبات تدافعی تقویه کننده از عقب «خط پیشترین» پشتیبانی شود، حتی موضوع بحث شده نمیتواند. این چنین یک تکنیک برای اسرائیل به قیمت گزاف تمام شده، زیرا تعداد کثیر افراد آنرا مصروف نگهداشته، در صورتیکه عربها در کدام نقطه شقی را اجرا نمایند، تا به عمق مملکت آنها پیشرفت خواهند نمود. بنا بر آن بقوتهای پراشوت که بمنظور مختل ساختن سیستم مواصلات دشمن به عمق قلمرو آن پرتاب شده، و برای صنف پیاده که ذریعه وسایط خفیف با سرعت بمقصد تا مین ارتباط با قوای پراشوت دخول را اجرا نموده بتوانند، اهمیت بسزائی قائل گردیدند.

با اساس این مفکوره از اطراف محلات مقاومت دشمن دور خورده شده و از «روش غیر مستقیم» استفاده بعمل آید. در این مرحله ترتیبات تدافعی منظم بصورت کلی در اسرائیل وجود نداشت.

تفوق صنف زره دار:

در این مرحله یک تعداد وسایط زره دار بدسترس قوای مسلح اسرائیل قرار گرفت. گرچه برای وسایط مذکور امتیاز و برتری کمتری را قائل بودند، اما یک عده صاحب منصبان بلند رتبه احتیاج به تا نکها را در محاربه تصدیق نموده و از تصور استفاده وسایط فاقد زره بدون آنکه از حمایت قوای زره دار برخوردار باشند، بمنظور انتقال صنف پیاده به عمق قلمرو دشمن، بخود لرزیدند. اسرائیلی ها ملاحظه نمودند که مصری ها، سوریا ئی ها و اردنی ها قوای زره دار را انکشاف داده و ترتیبات تدافعی منظم را بوجود می آوردند. برای آنکه در ترتیبات مذکور رخنه بوجود آمده بتواند، بیک مشت فولادی احتیاج بود. خلاصه اینکه ایشان دریافته اند که برای تا نکها تا کدام اندازه بحیث یک عنصر قوای مسلح تهاجمی ضرورت میباشد. اما موشی دایان تحت تاثیر صنف زره دار قرار نگرفته، و حیثیکه در یک تطبیقات بزرگ در سال ۱۹۵۵ مشاهده نمود که هیچ یک از تا نکهای اسرائیل به هدف آنها مواصلت نه نموده، بلکه تمام آن در طول راه نسبت عارضه دار شدن از فعالیت افتادند، نظریه اش در این مورد تغییر نکرد.

حاکم میدان محاربه:

برید جنرال لاسکوف (که متعاقباً بحیث لوی درستیز اسرائیل تعیین شد) با وصف عدم تشویق مقامات رسمی اسرائیل، بمنظور بهبود بخشیدن قابلیت قوای زره دار مساعی زیاد بخرچ داد. چنان اتفاق افتاد که موشی دایان بالاسکوف در حرکات ۱۹۵۶ در سینا که لوای زره دار لاسکوف ترتیبات تدافعی مصریها را در دا قاشق نمود یک جا بود در این وقت بود که موشی دایان متوجه قابلیت های قوای زره دار گردیده و حیثیکه قطارهای قوای زره دار اسرائیل غرض قطع نمودن صحرای سینا از هم دیگر سبقت نموده و قبل از آنکه با آنها امر توقف داده شود، تقریباً به کانال سویز مواصلت نموده بودند، گروهی عمیق توسط قوای مذکور گردید. موشی دایان تا آنجا نیکه تا نک در اختیار داشت به تشکیل لوای زره دار مبادرت ورزیده و در صورتیکه تا نکهای بیشتر در دسترس او قرار میداشت به تشکیل لوای دیگر نیز میپرداخت. در جمله این لوای زره دار، صنف پیاده در حالیکه لوای صنف مذکور رسماً در وسایط زره پوش ارکاب گردیده و بعضاً از وسایط حمل و نقل ملکی استفاده بعمل آورده و سعی بخرچ میدادند که از تکنیک قوای زره دار پیروی نمایند، راه زوال را می پیمودند. با اینتر تیب «افتاب تا نک» در آسمان اردوی اسرائیل طلوع نمود.

و حیثیکه قوت های زره دار اردوی اسرائیل در حرب ۱۹۶۷ در قلمرو عرب با سرعت زائد الوصفی دخول مینمودند، در زمینه تامین تفوق قوای مذکور در اردوی اسرائیل تا کید بعمل آمد. در این وقت بود که تا نک «حاکم میدان محاربه» محسوب گردیده و رول عنعنوی سرداران سواره قرون وسطی را که لباس زرعی بتن داشتند، بازی نمودند. وسایط زره دار یک موقف عالی تر نسبت به عناصر دیگر اردو بدست آوردند. حرب سال ۱۹۶۷ با ثبات رسانید که ستر درستیز اسرائیل با اتخاذ استراتژی «صرف تعرض» تا بکدام اندازه راه موفقیت را پیموده بود. مدافعه یک لفظ شوم تلقی گردیده و از قاموس اصطلاحات نظامی اردوی اسرائیل بدور انداخته شده، تا نک و طیاره بحیث دو وسیله ظفر پنداشته می شد، تا این زمان در اسرائیل یک موضع مستحکم مدافعه وجود نداشت.

(بقیه در شماره آینده)

حرکات محاربوی قوای زمینی در اراضی کهسار

از ستایع خارجی
ترجمه از: دیپلوم انجینر توریالی «عثمانی»

مناطق از وسایط انجینری استفاده بعمل آورد، و یا اینکه به امور انجینری سرعت بخشید. حشن بودن شرایط کوهی از قوتها، احضارات عالی مورال و فیزیکی را آرزو دارد. چون سوق و اداره در اراضی کهسار مشکلاتی را دارا میباشند، بناءً بایست به قومانندان جزو تاسمهای خورد صلاحیت بیشتری داده شود در قسمت استعمال قوتهای صنوف جداگانه ذیلاً خاطر نشان میگردد.

مساعدترین قوتها جهت فعالیت در اراضی کهسار عبارت از صنف پیاده میباشند. استعمال قوتهای زره دار در اینجا خیلی محدود بوده آنها تنها قادر به اجرای محاربه در دامنه ها راهها بود و بصورت عمومی جهت حمایت آتش قوای پیاده. ایکه بیشتر حرکت محاربوی را اجرا میدارند بکار میروند استعمال قوای توپچی در اراضی کهسار به مشکلات حرکت، انتخاب هدف و محدودیت ترصد مواجه میباشند. باز هم همیشه استعمال او بوس و هواوان در این مناطق مساعدتر است عناصر نظام محاربوی بایست به قسمی ترتیب گردد تا حمایت طویل المدت پیاده و تانک را بدون تغییر مواضع تأمین نموده بتواند توپچی ذات الحرکه در نزدیک راه ها مواضع را اشغال میدارند سوق و اداره توپچی در اراضی کهسار بصورت دیسترت الیزسیون اجرا شده و مانور بصورت عمومی توسط آتش صورت میگیرد. توجه بیشتر به تشکیل محلات ترصد در نظام محاربوی جزو تاسمهای خط اول میگردد.

در بالای قوتهای انجینری جهت معاونت جزو تام ها و قطعات صنوف مختلفه وظایف آتی محول میگردد:

- ساختن محلات محفوظ؛
- احداث موانع؛
- قرش نمودن و تطهیر کردن کشتزار های مین؛
- تأسیس مراکز آبرسانی قوتها؛

فعالیت محاربوی بر اساس پرنسپ های حرب صنوف مختلفه بوده، امانت شرایط دشوار دارای خصوصیات علیحده میباشند اراضی کهسار تأثیرات متضادی را در بالای حرکات محاربوی وارد مینماید. پستی و بلندی های زیاد در مناطق کوهی برای قوای مدافع یک نقطه میده را تشکیل داده که باین ترتیب برای سترواخفای قوا و قوتها یک سهولت را بار میآورد. برای قوای متعرض مشکلاتی را از نقطه نظر ترصد، و امکان از بین بردن اهداف را توسط وسایط آتشدار در مسافات طولانی و وسط آماده میکند در اراضی کهسار قوای متعرض از ضرر به ذروی خویش نتایج حاصله را بزودترین فرصت بدست آورده نمی تواند، زیرا موانع و تخریبات زیادی بمیدان میآید.

در تعلیماتنامه های امریکائی تذکر یافته که قوتها در شرایط اراضی کهسار مجبور اند که با قوای که به استقامت های مختلف در حالیکه فاصله بین قطعات و جزو تامها زیاد بوده و جناحین ایشان باز باشد تعرض نمایند. در اینجا توجه زیادتری به نقاط مرتفع حاکمه، معبرها، راهها و پلها که بدست آوردن ایشان سبب مانور آزاد گردیده و امکان آنرا میسر مینماید که با قوت کم فشار زیادی بالای دشمن وارد شود مبذول میگردد.

خاطر نشان میشود که موانع طبیعی خارج از راهها سبب محدودیت حرکت قوا گردیده، و در راهها (راههای کوهی) خیلی دشوار است که با سرعت خوب حرکات محاربوی را اجرا کرد. پرهزجات وسایط تکنیکی در اثر حرکت در راه های کوهی زودتر نسبت به راههای عادی از بین میروند. در قسمت های صعب العبور راه سرعت حرکت کاهش یافته و در مصرف مواد سوخت افزایش بعمل میآید، در ارتفاعات بلند از قوت ماشین کاسته میشود. نسبت موجودیت زمین سنگزار میل های زیاد، لغزش سنگها همیشه نمیتوان در این

— تأسیس پلها در بالای دریاهاى كوهى .

— ترمیم و تمدید سر كها .

قوای عوانى بایست جلو مارش دشمن را گرفته ، و تلفات زیادى را از نقطه نظر قوای چاندار در منطقه تجمع بار آورد . مواضع توپچى را از بین برده ، و بالای احتیاط دشمن ضربات وارد نماید . با اینهم استعمال طیارات در مناطق كوهى از نقطه نظر كشف اهداف و از بین بردن آنها خصوصاً در ارتفاعات پائین خیلى دشوار میباشد .

اكنون اشكال محاربوى را در اراضى كهسار كمى مفصل تر مطالعه میداریم .

تعرض: اساسات تعرض در اراضى كهسار مراعات گردیده ، مگر قرارىكه در بالا هم تذکر یافت نسبت پستى و بلندی اراضى و مشخصات ، مدافعه دشمن ، بعضى خصوصیاتى را دارا میباشد .

موجودیت مناطق اشغال نشده از طرف قوا در ساحه مدافعه دشمن ، موقع را بدان مناسب میسازد كه از نقاط مقاومت عبور نموده ، گروهان دشمن را تجزیه ، و آنرا بصورت پارچه پارچه از بین برد .

در اثنای تعرض در اراضى كهسار ، استقامت های مناسب دامنه ها محسوب میگردند ، همین دامنه ها در صورت تقاطع با خطوط بلند کوتل ها را تشكيل داده و سبب آن میگردد ، كه تانك ها و دیگر وسایط حربى ارتفاعات بلند كوه را طى نموده بتوانند .

تعرض در اراضى كهسار ، بصورت عمومى مبارزه را جهت بدست آوردن ، راه ها ، کوتل ها ، و ارتفاعات حاكم تشكيل میدهد . در صورت بدست آوردن مجلات فوق الذکر ، مساعى حربى تعرضى را سهولت بخشیده و مانور قوای مدافع را تحت تاثير خویش میآورد .

تعرض معمولاً با قوای تجمع شده ، از منطقه مبدأ تعرض صورت میگیرد . در صورت شرایط خیلى مساعد (مدافعه ضعیف دشمن ، برترى قوا) اجازه داده میشود تا با تمام قوا تعرض از حال رفتار بعمل آید .

اتساع قوا قبل از تعرض ، نزدیک به منطقه مبدأ تعرض ، كه هر چه نزدیکتر ، خط پیشروى مدافعه دشمن انتخاب میگردد توصیه میشود . جهت باصقین منطقه مبدأ تعرض ، بصورت پنهان (شب) ، در هوای دمه آلود و غبار و یا موجودیت برده دود مصنوعى) اشغال گردد .

جهت اجرای تعرض ، گروهان ضربه اصلی و فرعى ، و همچنین برای انكشاف موفقیت تعرض احتیاط تثبیت میشود .

ضربه اصلی بطرفیكه برای مانور قوا ، برای استعمال وسایط آتشدار مساعد بوده ، و بالاخره در آنجا نيكه تأسیسات و یا نقاط مهم كه برای موفقیت وظیفه محاربوى اهمیت بخصوصى را دارا میباشد وارد میگردد .

تعرض جبهوى ، در صورتىكه دشمن مورال خود را از دست داده باشد ، یا اینکه قوای متعرض برترى خیلى زیادى را از نقطه قوا و وسایط دارا بوده ، و بالاخره هر گاه وضعیت به ترتیبى باشد كه بایست هر چه زودتر نقاط مقاومت مهم دشمن بدست آید اجرا میشود . در این موفقیت تعرض را نه تنها تمرکز قوا به استقامت ضربه اساسى تأمین میدارد ، بلکه تقرب جزو تأسیسات محاربوى خورد به عمق مدافعه دشمن نیز خیلى مهم است .

عمق وظیفه محاربوى مربوط به نوعیت اراضى كهسار به استقامت تعرض ، موجودیت قوا و وسایط مخصوصاً سلاح ذروى و نوعیت مدافعه دشمن میباشد .

نظریه تجربه تطبیقاتها ، وظیفه نزدیک فرقه عبارت از بین بردن غند خط اول دشمن ، بدست آوردن کوتل ها ، و دیگر تأسیسات مهمى كه شرایط مساعد را برای فعالیت بعدى تأمین دارد میباشد .

وظیفه نزدیک غند متضمن از بین بردن دشمن كه در حوالى کوتل ها مدافعه را اجرا میدارد بوده و عمق آن از ۸-۶ كيلومتر میباشد . در بعضى اوقات عمق وظیفه غند ، خصوصاً در استقامت های مستقل با عمق وظیفه فرقه تطابق مینماید .

نظر به شرایط عادى فرقه در اراضى كهسار بیک جبهه و شریك و معترى فعالیت نموده و این شریك دوالى سه استقامت مساعد فعالیت قوا را دارا میباشد . برای غند شریك تعرض داده نشده و بیک استقامت تعرض مینماید .

نظام محاربوى فرقه شاید بريك و یا دو خط ترتیب شود . هر گاه دو استقامت مساعد حرکت موجود باشد نظام محاربوى بدو خط در صورت سه استقامت مساعد ، نظام محاربوى به يك خط ترتیب میگردد . نظام محاربوى غند بدو خط میباشد .

چون ، تعرض جبهوى يكى از اشكال مشكل تعرض به شمار میرود . بناء این تعرض توسط آتش احضارات خیلى قوی و آتش حمايه تأمین میگردد . در اینصورت سلاح ذروى طوری استعمال میشود كه سبب تخریب زیاد راه های استقامت تعرض نگردد . جهت از بین بردن دشمن در قسمت کوتل ها و معبر ها استعمال سلاح ذروى دارای قدرت كم و انفلاق در ارتفاعات بلند توصیه میگردد . در مناطقیكه استعمال سلاح ذروى سبب تخریب زیادى گردیده و باعث مانور قوای دوست گردد از مواد مسموم كننده كم دوام استفاده بعمل میاید .

در جمله دیگر خصوصیات میتوان گفت كه : آتش احضارات توپچى ، قبل از تعرض در هر استقامت ، اوقات مختلفه اجرا شده ، توپچى و هاوان به قطعات و

جزو تام ها داده شده و آنها میتوانند که بصورت اطمینان بخش اهداف و تاسیساتی را که به استقامت تعرض جزو تامها و قطعات قرار دارند تحت تاثیر قرار دهند .

قوای هوایی جهت از بین بردن اهداف در عمق مدافعه دشمن ، مخصوصاً در خطوط بالائی کوه ها دریا چها ، دره ها اجرای فعالیت میدارند .

قوای پیاده خط پیشروی مدافعه را توسط زرهپوش ، و در صورتیکه از حال تماس مستقیم با دشمن به تعرض میگذرد بصورت پیاده مورد تعرض قرار میدهند ، و در صورت دومی زرهپوش ها جهت حمایه آتش داده می شوند .

تانک بصورت عمومی پیشروی پیاده فعالیت کرده اما در قسمت های صعب العبور داخل نظام محاروبی و یا عقب پیاده جا بجا با حمایه آتش خویش وظیفه را اجرا میدارد . بعد از اشغال محلات صعب العبور توسط پیاده تانک جلو برآمده و جنگ را پیش می برد جهت بدست آوردن ارتفاعات قابل عبور برای تانک ها از تعرض جبهوی ، احاطه و احاطه وسیع استفاده بعمل آورده میشود . مگر در هر یکی از موارد فوق الذکر از هر لحظه ممکنه برای مانور به مقصد نفوذ جناحین و جبهه دشمن استفاده بعمل می آید جهت حمایه قوای متعرض در ارتفاعات نزدیک ، جزو تامهای تامین جناحین افزاز میگردد برای این مقصد همچنین قوای کوچک پراشوتی نیز توظیف شده میتواند .

آتش حمایه قوای متعرض در اراضی کپسار به طریقه آتش تجمع مرتبه بی صورت میگیرد . در عین زمان تعداد کافی توپ ها جهت از بین بردن اهداف انفرادی تخصیص داده میشود .

متخصصین نظامی را عقیده بر آنست که اهمیت بارزی را جهت پیشبرد موفقانه جنگ ، مانور جزو تامهای خورد و ابتکار قوماندان های آنها دارا میباشد . این قوتها با نفوذ خود در جبهه قوای مدافع ، سعی بخرج میدهند تا نقاط مقاومت را از یک جناح و جناح دیگر عبور نموده و هر چه زودتر آنها را از بین ببرند . با اشغال کوتل ها و دیگر مواضع مهم قوای اساسی به سرعت اتساع و انبساط مینماید . جهت مدافعه مواضع اشغال شده قوتهای لازم از احتیاط (خط دوم) موظف میشود .

اگر در شرایط عادی ، وظیفه نزدیک را فرقه و غنند ، معمولاً در همان نظام محاروبی اجرا میدارد ، مگر در اراضی کپسار ، با اینکه عمق مدافعه کمتر میباشد احتیاط (خط دوم) بعضی اوقات قبل از اجرای وظیفه نزدیک داخل جنگ میگذرد . داخل شدن این قوتها به حرب از جناحین یا از خالیگاه های قوای متعرض توصیه میگردد .

به مجرد احساس عقب نشینی دشمن ، قوا بصورت فوری تعقیب را شروع نموده ، و این تعقیب از راه ها ، دامنه ها

و همچنین خطوط بالائی کوه ها موازی به استقامت عقب نشینی صورت میگیرد . هرگاه اراضی مساعد باشد این تعقیب توسط زرهپوش اجرا میگردد . وجودیت تانکها و دیسانت پیاده در پیشرو ، در این مورد توصیه میگردد .

مدافعه : به عقیده متخصصین نظامی ، مدافعه در اراضی کپسار بسیاری اوقات به استقامت های علیحده ، و به اساس بدست داشتن مواضع حساس ، و استفاده اعظمی از موانع طبیعی ، و جاهای مناسب جهت تعرض متقابل صورت میگیرد . خط اصلی مدافعه بایست از جاهای مناسب طبیعی ، و از یماج های بلند متعایل بطرف دشمن عبور نماید . پیشروی خط اصلی مدافع مواضع امنیت محاروبی احضار میگردد . هرگاه خط اصلی مدافعه در یماج عقبی قرار داده شود ، امنیت محاروبی در یماج های بلند متعایل بدشمن جا بجا میگردد . قوای حمایه و امنیت جهت تامین نمودن ارتباط مستقیم بادشمن ، معلوم کردن قوه و وسایط آن ، جهت به تعویق انداختن قوای متعرض در پیشروی خط اصلی از مواضع امنیت محاروبی جلوتر ارسال میگرددند .

در شرایط اراضی کپسار مدافعه سرتاسر تأسیس نشده و اساس مدافع در این مناطق تدافعی جداگانه تولیها و کندکها تشکیل میدهد . جهت از بین بردن تعرض دشمن در محلاتیکه مساعد به حرکت تانکها بوده ، دره ها و معبره مدافعه قوی تأسیس شده ، تا اینکه اتساع و انبساط دشمن دشوار گردیده و مانور آزاد آن مقید گردد .

برای مقابله با احاطه ، و احاطه وسیع دشمن ، فاصله بین مناطق تدافعی توسط موانع و آتش ، و در صورت لزوم توسط گروههای متحرک حمایه که با سلاح ثقیله تقویه شده باشند حمایه میشود .

در صورت تأسیس مدافعه در امتداد سلسله جبالها ، کوتلها ، استقامت های تأسیسات مهم به شدت حمایه میگردد . در صورت مدافعه دره ها ، ارتفاعاتیکه راه را بطرف این دره باز میدارد بصورت اساسی تحکیم شده ، و قوای اساسی بدان ترتیب در یماجها جا بجا میشوند تا آنها بتوانند دره را در یک محاصره داشته باشند . در خود دره قوای ناچیز با وسایط ضد تانک جا بجا شده ، و اکثر آنها به قسم میتود کمین فعالیت را اجرا میدارند در نشرات نظامی خارجی طوریکه تذکر یافته ، استعمال زیاد میتود کمین یکی از خصوصیات در مدافع در اراضی کپسار میباشد ممکن جناحین و حتی در عمق مدافعه دشمن استعمال شده می تواند .

محلات مسکون و کوتلها در عمق مدافعه قبلاً برای یک مدافع چهار پیر آمده و احضار میگردد . در مناطق احتمالی فرود آمدن قوای پراشوتی دشمن مواضع مختلف تأسیس میشود .

هرگاه وقت کافی در اختیار باشد، در دامنه‌ها، راه‌ها و بزرگ‌ها، و همچنین در قسمت‌های مهم از نقطه نظر تکنیکی، ساختمان محلات تحفظ آتش مدنظر گرفته میشود. موانع انجینیری و کشتزارهای مین توسط آتش حمایه میگردد. پیشروی نقاط مقاومت، و جناحین موانع سنگی، و هرگاه کوه‌دارای جنگل باشد، موانع از درختان چپه ساخته شده، راه‌ها و بزرگ‌ها برای تخریب احضار گردیده و کشتزارهای مین تأسیس میگردد.

استعمال اسلحه ذروی و کمیابوی، در بالای قوت‌های دشمن که دروادی‌های تنگ، دره‌ها، کوتل‌ها و هم در بالای تأسیساتی که تخریب آنها سبب سنگ کوچ، برف کوچ، انسداد راه‌ها و همچنین مشکلات مانور و حرکت را برای دشمن بار آرد توصیه میشود.

نظریه تعلیمات نام‌های امریکائی، عرض شریک مدافعه قطعات و جزواتامها در اراضی کپسار مختلف بوده و این شریک نظریه خواص پستی و بلندی کوه‌ها، وظیفه قوا اندازه قوا، اهمیت و حجم استقامت مساعد برای قوای متعرض دشمن تعیین میگردد. عمق مدافعه قطعات و جزواتام‌ها زیاد تر مربوط به خواص اراضی، شبکه راه‌ها بوده، و بناً شاید عمق مدافعه نظریه شرایط عادی در اراضی کپسار در یک استقامت زیاد و در استقامت دیگر کمتر باشد.

در اراضی کپسار دارای دامنه‌های وسیع نظام محاروبی در دو خط، و در دیگر موارد بیک خط ترتیب میگردد. استقامت‌های جداگانه و مستقل توسط کندک (گروپ تکنیکی) یا غند مدافعه میگرددند. همچنین در هنگامیکه از طرف دشمن به پیمان‌ها زیاد تانک استعمال شده باشد، نظام محاروبی بیک خط ترتیب گردیده، و احتیاطی که قابلیت حرکت خوب را دارا باشد مؤظف میگردد.

در خط اول طبق معمول، قوای پیاده ایکه با جزواتامهای توپچی، هاوان، انجینیری، و وسایط دافع تانک تقویه شده باشد مدافعه را اجرا میدارند.

در بعضی موارد جزواتامهای پیاده یا جزواتامهای تانک تقویه شده میتواند، در خط دوم (احتیاط)، به توبه اول تانک‌ها قرار داشته، و بعضی اوقات جزواتامها و یا قطعات پیاده در محلات بارز و پراهمیت، که مانور قسمت زیاد توپچی داخل تشکیل، و با توپچی تقویه به غند خط اولیکه یک استقامت مساعد حرکت را مدافعه میدارد داده میشود. مواضع آتش توپچی نزدیک راه‌ها احضار میگرددند.

در وقت ترتیب و تنظیم سیستم آتش در اراضی کپسار جایجاشدن وسایط آتشدار در خط پیشروی نظر به نوعیت اراضی تعیین میگردد، با آنهم، طوری توصیه میشود که تلفات اعظمی دشمن در فواصل دور، و تشکیل آتش جناحی

قیچی، و خنجری بصورت طبقه دار تأمین گردد. تادر پیشروی خط پیشروئی، در جناحین، و هم در فواصل بین نقاط مقاومت خالیگامینه تشکیل نشود.

وسایط آتشدار، در مواضع آتش در یماج‌های مرتفع و یماج‌های عقبی متوجه دشمن بصورت طبقه‌دار جایجا میگرددند. تانک‌ها و مردت‌ها ئیکه، جهت تقویه جزواتامهای پیاده داده میشوند، در مناطق تدافعی تولی‌ها (بلوک‌ها)، برای مدافعه راه‌ها، تنگی‌ها، جنگل‌های خورد کوهی و محلات عبوریکه در بالین دریا‌های کوهی قرار دارند استعمال شده، و آنها در مواضع آتش که حتی الامکان یک فاصله اعظمی را تحت تأثیر قرار دهند جایجا میشوند. مواضع ماشیندار، جهت اجرای آتش خنجری در محلات پوشیده یماج‌های عقبی که حاکمیت بالای راه‌ها و بزرگ‌ها ئیکه از گودال‌ها، دره‌ها و مایلی‌ها میگردد داشته باشد تعیین میگردد.

جهت از بین بردن دشمن، در عقب یماج‌های عقبی مرتفع، دره‌ها، و دیگر محلات مستور، و همچنین در فواصل بین نقاط مقاومت از آتش هاوان و اوپوس استفاده بعمل آورده میشود.

از مشخصات عمده محاربه تدافعی در اراضی کپسار اکتیویته خیلی عالی بوده، و موفقیت آن زیاد تر متعلق به بدست داشتن نقاط حاکم مرتفع، کوتل‌ها و دیگر تأسیسات مهم، و هم مربوط به انسیماتیف و مقاومت هر جزواتام میباشد تلفات دشمن از همان ابتدای ساحه ترصد دور، اولاً توسط وسایط آتشدار قوماندانان بزرگ، و بعداً ذریعه وسایط آتشدار قوماندان‌های جزواتام‌ها و قطعات شروع میشود. از اسلحه ذروی، و همچنین ضربات هوائی و توپچی در وقت عبور قوای اساسی دشمن از یک محل تنگ، و در هنگام اتساع برای تعرض استفاده بعمل آورده میشود.

وظیفه قوای امنیت و حمایه محاروبی عبارت از آن بوده، که بواسطه مساعی فعالانه خویش قوای اساسی دشمن را مجبور به اتساع و انبساط نموده، و به استقامت وسایط آتشداریکه آتش‌های جناحی و خنجری را اجرا میدارند سوق دهد. در بعضی اوقات برای این قوت‌ها وظیفه محاروبی داده شده، تا موانع را تأسیس نموده، و از عقب مواضع احضار شده جهت به تعویق انداختن حرکات دشمن، مساعی محاروبی را اجرا دارند، فعالیت این قوت‌ها از طرف قوای هوائی حمایه میگردد.

تعرض تانک و پیاده دشمن با استفاده از تمام وسایط آتشدار دفع میگردد، در جمله جهت از بین بردن تانک‌ها، از بمب‌های دستی ضد تانک به پیمان‌ها وسیعی استفاده بعمل آورده میشود. تانک‌ها بصورت عمومی در قسمت‌های سر بالائی که حرکات آنها خیلی بطی میگردد، مورد اصابت قرار گرفته و از بین برده میشوند. (بقیه در صفحه ۴۶)

د جگړې قهرمان

خالد بن وليد

مشر توب او قيادت استعداد له ورايه ورڅخه څرگندېږي هغه استعداد چې کولای شي په سوله او جگړه کې د افرادو چاري په برياليتوب سره تنظيم کړي، او ددی دبقاً او پرمختګ وسایل برابره کړي ... نوموړی قائد چې په جنګ کې لوی شوی دی او دژوندانه سړي او تودي يی ليدلي دي، بې محايه غرور او لویې د ماتې اصلي سبب بولي. او هغه څوک بريالی گڼي چې د دېمن دقواو بڼه تشخيص وکولای شي . په رښتيا هم چې دحربي مشرتوب دپاره د نورو اساسی شرائطو ترڅنګ تر ټولو خورا مهم شرط دخپل قوت او ددېمن دزور دصحيح تشخيصولو استعداد دی. نو لځکه ويلای شو چې ددی شرط نشتوالی، او يا اصلاً دېمن ته پام نکول او د مقابل لوری کم کتل د ماتې ستر عامل دی. دا مثل څومره پرخای دی چه وايي: « که دېمن دي گيدل دي، تعبيه دزمری ورته نيسه !! »

ددي حقيقت په رڼا کې داسلامی فتوحاتو داسبابو په لړ کې لکه: (ددېمن د عقيدې کمزورتيا او فساد، اود هغه وخت دنظامونو ويجاړتيا بې عدالتی، اود هغوی دمشرانو بې کفایتي او عياشې او نظرياتواختلاف) ويلای شو چې تر ټولو لوی مصيبت او ستر پشاک ددوی د بې محايه غرور، او مسلمانانو ته ددوی د بې اعتنايې څخه وړپيښ شو. دوی د غرور په داسی درانده خوب بیده ؤ، کله چې راوین شول ټکنده غرمه وه او وخت ورڅخه تير ؤ . . .

فارسيانو فکر کاوه چې عرب يو کمزوری ټبر دی، او دپېر يو پېر يو راهېدي خوا دوی زمونږ غلامان ؤ. دوی شايد لوړی را اخيستی وی او هر لوری ته به لاس اچوی، چې کولای شو مونږی د مال پواسطه خولی ورپتی کړو، او يا خولی غوړونې ورتاو کړو او پراغلی لاری بېرته وليږو او دپېغمبر (ص) استاذی ئی هم شهيد کړ .

مخکښی لډي چې پدي ليکنه کېښی دجگړی د قهرمان خالد بن وليد (رض) دژوندانه په کيسه پيل وکړو، او په جگړه ئيزو عملياتو کې دده فياض او اوچت استعداد وسنايو او په پای کې داسلام نه مخکې دده برياليتوبونه او په اسلامي پراخو سوبو کې دده پرمؤقانه فعاليتونو باندي رڼا واچوو، بڼه به داوی چې ديوي لنډي سريزي په توگه په جگړه کېښی دبری اود فارس اوروم پردو لويو امپراطوريو داسلامي لښکرو دغالبيدو عوامل او اسباب څه اخه وغږو: سر يزه: که دا خبره ټيک ده چې دجگړه ايزو فعاليتونو په ډگړ کېښی هغه څوک دبری وياړ گڼلی شي چې پخوايي په هر اړخيز ډول دي آزمويني ته دمادی وسایلو له لاري ځان چمتو کړی وی، بڼایي داتکی. هم ديا ده ونه باسو چه فطری او خداي، (ج) وربښلی استعداد، او هغه حربي پوهه او مهارت چې وکولای شي په نابره پېښواو عاجلو شرايطو کېښی مثبت او پري کونکی تصميم ونيسي؛ اود قضیې ټول اړخونه په ژوره توگه وغږی - خورا زيات رول لری. قتيبه دمسلم زوی په اموی دوره کېښی دخراسان والی يو دهغو په سياست پوه مشرانو او نا بغه عسکری قوماندانو څخه شميرل کيده چې د اسلام په لمر څرک کېښی روزل شوی ؤ. يوه ورځ ناڅا په خبر راغی چې هالته چيری اړو دور پيښ شويدي. دحاضر ینودډلي څخه يوه تن ورته وويل: «دومره دپاملرنی او اندېښنی وړ موضوع نه ده، وکيچ بن مسعود ور واستوه محواب يی وايي» ده ورته وويل «نه، وکيچ دپير غرور خاوند دی. اودېمنانو ته په سپکه سترکه کوری. او دا ډول کسان دېمن ته کومه پاملرنه کوی او ځان نه ورڅخه ژغوری. غايم هم فرصت غنيمت گڼی او په لمړی گوزاری دپيښو څخه غورځوی .»

دا يو عربي قوماندان هغه وينا ده کومه چه دجنګی

دوهم احتمال؛ چی بښائی دنوموړو امپراطوریو انحلال او عیاشی به د مسلمانانو د بری سبب شوی وی داهم دوسره قوی نه بریښی، ځکه انحلال که دیوملت دنابودی او ماتی سبب گنل کیدای شی، خو دابل لوری ته که وگورو هغه ملت چی دبری او پرمختګک داسما بوغځه بی برخی وی هیڅکله نشی کولای دیو مقتدر دولت پر کرسی کښینی. نو کله چی وینو اسلامی لښکرو ته دغه بری ور په برخه شوی بښایی ومنوچه هغوی دبری قول اسباب لرل... همدارنگه دریم احتمال چه عقیده ددوی دبری یوازنی علت ښینی د مناشی وردی. که څه هم عقیده یو انکارنه کیدونکی قوت دی هغه قوت چه مادی قوتونه ورسره سیالی نشی کولای. خودحربی پوهی او وسایلو څخه پرته په یوازی توګه عقیده ټولی چاری په غاړه نشی اخیسلائی لکه چی د واقعیت په روښانه توګه دحنین په غزا کښی موندلای شو. مسلمانان پدی جنګ کښی دخپلی کلکی اوراسخی عقیدی سره سره نژدی وچی دهوازن دقبیلې په مقابل کښی ماته وخوری. داځکه چی دوی په خپل قوت غره اوددښمن په هکله بی اعتناء و، اوددی پرځای چه دخدای تعالی په مرسته ډاډه واوسی اوخپل هاند او تلاش ته دوام ورکړی، دخپل لښکر په زیاتوالی وغولیدل. لوی څښتن تعالی داصحنه داسی تمثیلوی:

«ویوم حنین اذا عجزتکم کثر تکم... الا آیه»

«اودحنین په ورځ کله چی په خپل ډبروالی وغولیدی، خو کومه کټه بی درونه رسوله. مځکه دهغی دپراخی سره سره دربانندی تنګه شوه، اوتښته مووکره، (لوی څښتن تعالی درسره مرسته وکره.)» هودمسلمانانو د ماتی سبب پدی جګړه کښی ددوی بی لځایه غرور اوددښمن په مقابل کښی بی اعتنایی وه.

تاریخ پوهان که هرڅوره ددی حقیقت څخه لری ولاړشی بیاهم مجبور دی چه په پای کښی د فارس اوروم په وړاندی داسلامی لښکرو دبری په باب همدی حقیقت ته راوکړزی... عربو د جاهلیت په دوره کښی اووروسته داسلام څخه په جنګ کسی بشپړی تجربی درلودی. ددوی بدوی اوغیره ژوندانه دوی دسختیوسره ښه آشنا کړی و او دقبیلوی اوړدو جنګونو په نتیجه کښی یی چی کله کله به ترسلو کلونو پوری رسیدل ډیری تجربی لاس ته وروړی وی. ددوی د «لبسوس او فجار» جنګونه چه د جاهلیت په زمانه کښی پښس شویدی خورا مشهوردی.

عرب بود کوچنی والی څخه خپل زامن دحربی تمریناتوسره آشنا کول. بلکه ددوی قول ژوند یایرغل و او یاد فاع. په شاتګ دوی ته ماتی مفهوم نه درلود؛ ځکه ډیر لځه به دوی دتښتی څخه وروسته بیاهر دښمن یرغل کاوه او په ناڅاپی ډول به یی دبلې جګړی سره مخامخ کول. دوی کولای شو په ډیره لږه موده بلکه په څو ساعتونو کښی خپل خپور شوی او په

دکسری تکبر تردی حده رسیدلی و کله چی د حضرت پیغمبر (ص) پیغام ورته ورسید هغه یی بی باکانه څیری کړ، او په یمن کښی یی خپل نایب الحکومه «باذان» ته امر وکړ چی دا سړی لاس ټپل راته راوله. هغه هم دکسری دامر دپرځای کولو دپاره په ډیره بی اعتنایی او غرور سره اوه تنه عسکر مدینی ته واستول. ده فکر کاوه چه محمد (ص) یوبی دفاع او بی کسه سړی دی، دادوه تنه کولای شی هغه ماته تحت الحفظ را حاضر کړی... کله چی نوموړی کسان مدینی ته را ورسیدل، حضرت محمد (ص) دوحی له لاری دوی ته دکسری دوژل کیدو خبر ورکړ. څرنگه چی نوموړی خبر رښتینی و د حضرت پیغمبر (ص) پر نبوت یی باور راغی او ایمان یی راوړ، او په پای کښی باذان هم دخپل رعیت سره مسلمان شو.

د فارسینانو غرور اوبی پروایی دومره افراطی وه چی د «الیس» په جګړه کښی کله چه دخالد په مشری اسلامی لښکری ددوی په اورور روانی وی، ددی پرځای چه دوی دڅارنی دپاره کوم تن وټاکلی په ډیری بی اعتنایی سره یو بل ته ورغیر کړل چی: راځی د ډوډی وخت دی. او په خوراک بوخت شول.

همدارنگه رومیانو د مسلمانانو په مقابل کښی د بشپړی بی پروایی څخه کار اخیست... ددوی وروستی تخمین دا و چی: عرب یو نامنظم قوم دی. او د اقتصادی ستونزو له کبله شاید زموږ په لور راځوخیدلی وی. او موږ کولای شو چه په لمړی مقابله کښی دوی دمنځه یوسو... خو کله چی خبره رښتیا ته ورسیده، پوه شول چه دا هغه عرب ندی چه موږ فکر کاوه...

ځینی تاریخ پوهان وایی: چه د عربو بری پر فارس اوروم بانندی یونه باور کیدونکی بری و. چی دهغه وخت د شرایطو له مخی دا ډول حادثه د معجزی حیثیت لری... ځینی نور ددی بری د علتونو څخه یوهم دنوموړو دوو امپراطوریو عیاشی او شپیدلی حالت بولی... اوبلی ډله پوهان دنوموړی بری یوازنی علت د مسلمانانو کلمکه عقیده، او ددښمنانو د عقیدی ستوالی او کزورتیا ښی...

استاد عباس محمود العقاد پخپل کتاب «عقریه خالد»

کښی نوموړی احتمالات ردوی او وایی:

«لومړی نظر چی د تصادف پر اساس ولاړدی ځکه صحیح ندی چی تصادف اصلاً د تاریخی او نړیوالو پېښو په هکله هیڅ رول نلری بلکه هره پېښه دهغی د لځا نګرو اسبابو له مخی صورت مومی. په تیره بیا هغه وخت چی وینو داسلامی لښکرو فتوحات بو پر بل پسې د عربی ټاپووزمی څخه نیولی داتلانیتیک تر بحیره پوری په غرب کښی، اوترچین پوری په شرق کښی غځیږی او پرمخ درومی، چه دا پخپله د تصادف بطلان ښایوی.

شاملی لښکر بیرته سره راغونډه کړې. پداسی حال کې یې چې کله کله دا کار د ډیرو منظمو لښکرو د تران څخه وتلی وی. عربو لاپخوا د لښکرو په تنظیم کې یې مهارت درلود او خپل لښکر به یې په پنځو برخو ویش: ۱- طلیعه (د لښکر مخکنی برخه) ۲- میمنه (د لښکر پښې برخه) ۳- میسره (د لښکر کښې برخه) ۴- قلب (د لښکر منځنی ډله) ۵- ظهیر (د لښکر وروسته برخه)

دوی د همدی ترتیب له مخې خپله جگړه په منظمه توګه پرمخ بیوله او هر یو یو ډلی ته یې خاصه وظیفه ورسپارله. دوی لکه د نښان ټول هغه اساسی ټکي چې د جگړه ایزو فعالیتونو د پاره ضرور دی په نظر کې یې نیول لکه: د دښمن په هکله مخکنی اطلاعات، د نقشې طرح، حرکت او سنگرونو کې یې د لښکر تنظیم، دخپلو افرادو دروحي پیاوړی کول او د دښمن دروحي تضعیف او کمزوری کول. د مثال په توګه دلته د دوی فار جگړه چې مخکښی د اسلام څخه د عربو او فارسانو ترمنځ پېښه شویده یادو:

د جگړې د پیل څخه مخکښی عربی قبیلوسره غونډه وکړه او خپل لښکر یې داسی تنظیم کړ:

په میمنه کې یې بڼی عجل وټاکل، او میسره یې بڼی شیان ته وسپارله او په قلب کې یې بڼی بکرته بحای وکړه. او هغو عربی قبایلو ته یې چې د فارسانو سره یې مرسته کوله خپل استازي ورو لیرول، اودی خبری ته یې قانع کړل چې د فارسانو د مرستې څخه لاس واخلي او په مهم وخت کې یې د هغوی د ډلې څخه ووزی، دا یا قبیلې دا خبره ومنله او پخپله وعده یې د جنگ په محاذ کې یې وقاهم وکړه. همدارنگه د دښمن د حال څخه د خبریدو په منظوری هر لوری ته خپل لږی او جواسیس خپاره کړل... کله چې د جگړې ورځ راغله او فارسانو دخپلو درندو وسلو او زیاتو لښکرو سره د عربو مقابلی ته راوتل.

عربی مشران د حربی غونډې په دود سره کښینا منل او د پلان په طرح کولو کې یې هر چا خپل نظر ښکاره کړ. په پای کې دیزید بن حمار نظریه ومنل شوه، او د ناخاپی یرغل د پاره یې یو ټولګی په خپې نومی بحای کې یې په پټ سترګ کې یې کښیناوه. کله چې جگړه پیل شوه دا یاد قبیلې په خپلې وعدې وفا وکړه او د فارسانو د لښکر څخه بیل شول او په تیښته یې شروع وکړه. په همدی نازک وخت کې یې د پټ سترګ ټولګی په ناخاپی ډول پر دښمن ورو دانگل. کله چې د دښمن دخپل لښکر ټوټه کیدل او تیښته، او د عربو د نوي ډلې ناخاپی حمله ولیدله په زړونو کې یې ویره پیدا شوه او تیښتی ته یې ځان مجبور ولید.

عرب علاوه پر پورتنی حیلې د روحی مسالی څخه هم غافل نه و، بلکه ادیبانو او شاعرانو یې پر لښکر دوی تشویقول او ورته ویل یې:

«کړ او ونه گالو خوبی پتی نشو منلای. د سرگ استقبال پته دی نه دبی ننګی ژوند او پشاتګ»
ددی جگړې د نتیجې څخه ښکار یوې چې عرب د بیداری، کفایت او په حربی فن د پوهی له مخې پر فارسانو د هغوی د غفلت یې کفایتی او د پخوانی تقلیدی حربی نظام د پیرویی لامله بریالی شول. که څه هم هغوی د شمیر او وسلې له مخې پر دوی بر و.

همدارنگه رومیانو د جنگ د تیاری د پاره داسی درندی زغری اغوستلی چې د جنگ په ډګر کې به ورڅخه په تنګ کیدل، او د زړه په خوښه به یې آزاد حرکات نشو ورسره اجراء کولای. چې د همدی ناحیې څخه دوی پخپله شکایت درلود. لکه چې دی مطلب ته (د فیجیتوس) کتاب چې د رومیانو په نزد د جگړې انجیل بلل کیده هم اشاره کړې ده. په پای کې ویلای شو چې د پدیدو ژوندانه او د دوو متحدانو دولتونو (فارس او روم) سره د نژدېوالی په سبب د هر ډول جگړو سره آشنا و. په تیره بیا تریس چې د عربی ټاپووزمی په مرکز یعنی دمکی په بتار کې او سیدل. مکه دهغه دادبی، دینی، ثقافتی او تجارتي مرکز و نو څخه کنترول کیده، او د یمن او شام قافلې به د همدی لاری څخه تیریدي، او د هر هیواد او ټبر په حربی داستانونو ښه خبر و.

دا ستاد عقاد په نظر لکه چې وویل شول مسلمانان پر فارس او روم د تصادفی پېښې په دود ندی بریالی شوی، بلکه دهغه وخت خاصو شرائطو او د مسلمانانو د حربی پوهی له مخې نوموړی دولتونه منقرض شول... نوموړی استاد وایی: د اسلام څخه مخکښی په عربو کې یې د جگړې دبری اسباب ناقص او نیمګړی و، خو کله چې د اسلام لمر را وخت د دوی ټولی نیمګړی تیاوی یې ورپوره کړی. دوی یې د مظالمو او کورنی دښمنو او اختلافونو څخه وژغورل او د توحید په مزی یې سره یو موټی کړل. یو د بل څخه یې دفاع لازمه وګڼله او د عقیدې په لار کې یې دانسانانو د سعادت او د بد بختیو څخه د دوی د نجات په منظوری جهاد فرض کړ. او پدی لاره کې یې مرګ شهادت او ابدي ژوند وپاله. لوی غښتین تعالی فرمایي:

«ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات. بل احياء ولكن لا تشعرون.» (د بقرې په سورت کې آیت) هغو کسانو ته چې دخدای په لاره کې یې وژل کړی مړی مه وایی؛ بلکه دوی ژوندی دی، خو تاسی نه پوهیږی.

د خالد بن ولید لخوا پېژندنه:
خالد د ولید زوی، د مغیره لمسی او په قریشو کې یې د بڼی مخزوم مشهوری د کورنی څخه دی. مور یې لبابه الصغری بنت الحارث نومیده چې د بڼی هلال د کورنی څخه وه. او د حضرت پیغمبر او دده د تره عباس بنینه کیده، ځکه میمونه چې ددی خور وه حضرت پیغمبر په نکاح کړی وه او بله مشره خور یې د عباس (رض) ماتدینه وه. چې پدی توګه خالد

د پیغمبر د کورنۍ سره هم دخپلوی افتخار درلود همدارنگه نورو نومیالیو کسانو او د قبیلو مشرانو دخالد سره نسبی او یادخپلوی اړیکې درلوده .
د خالد پلار ولید دخپل قوم مشراو دمکې داشرافو غځه کښل کیده . درأبی او درایت خاوند ؤ او ډیره شتمنی یې درلوده .

د سرو او سپینوزرو ، کڼو باغونو تجارتی مالونو اومینځو اومریانو خاوند ؤ ، اودهمدی کبله د (وحید) په نامه یادیده ، لکه ده به په نوبت سره یو کال په یوازې توگه او بل کال به ټولو قریشو په گډه سره (کعبی) ته پوښ ورکاوه . ده د ډیر غرور غځه چاته اجازه نه ورکوله چی په (منی) کښی حاجیانوته ډوډی پخه کړی ، بلکه ده به په یوازې توگه حجاجوته ډوډی ورکوله . شراب چښل که غه هم په جاهلیت کښی ډیر رواج ؤ خوده دا کار دخان دپاره سپکاوی گانه او شراب به یې نه چښل . ولید په شعر او ادب کښی ډیر وار ؤ ، او په ټولو ادبی اسالیبو پوه ؤ . وایی یوه ورځ حضرت پیغمبر (ص) لمونځ اداء کاوه ، او ولید ورته نژدی هلته ولاړ ؤ . کله چی پیغمبر (ص) پوه شو چه ولید دده قرانت اوری دقرآن کریم آیتونه یې تکرار ولوستل . کله چی پیغمبر (ص) دلمانځه خلاص شو ولید هم خپل قوم ته ورغی اوداسی یې ورته وویل : قسم پر خدای چه همدا اوس می د محمد (ص) غځه داسی ویناو اوریده چی نه هغه دانس خبری دی اونه دجن . خدای و چه ډیری خوری ، عمر بشونکی اوتازه وی . او پرتولو وینا وبری وی : « داخبره یی قوم ته وکړه اوبیا خپل کورته ستون شو .

کله چی قریشو ولید دغه وینا واوریده وی ویل : لکه چه ولید مسلمان شویدی . که دی مسلمان شو نو هر و مرو ټول عرب مسلمان پری اوبیا به د محمد (ص) مقابله ډیره سخته وی نو اوجهلنی ورو استاوه چه په پلمه نی مجلس ته را حاضر کړی اود اسلام را ورلو غځه نی واری . کله د قریشو مجلس ته راغی داسی پوښتنی یې پیل کړی .

آیا تاسی فکر کوی چه محمد لیونی دی ؟ کوم وخت مو لیون توب ورغځه لیدلی دی ؟ آیا گمان کوی چه دی غیب و بونکی او کاهن دی ؟ کوم وخت شمود کهانت خبری ورغځه اوریدلی دی ؟ آیا ستاسو په خیال دی شاعر دی . کوم وخت یی شعر ویلی دی ؟ زه چی ستاسی غځه په شعر ډیر ښه پوه یرم دده خبری شعر ندی . او بالاخره آیا فکر کوی چه محمد دروغ وایی ؟ کوم وخت مو دروغ ورغځه اوریدلی دی ؟

قریشو به دده ددغو ټولو پوښتنو په جواب کښی وویل (نه..) او (هیڅکله نه..)
بیادوی ورغځه و پوښتل چه ته غه پکښی وایی ؟ ده ډیر

فکر وکړ اودخا نه سره یی سوچ وکړ . . . دایی هم نشو ویلای چی پیغمبر دی لکه ده دخان دپاره ننګ گانه چه پر محمد ایمان راوړی ، ده به ویل که پیغمبری وی باید زه پیغمبر شم . لکه شتمن او هرغه لرم اودخپل قوم مشریم . . . نو په پای کښی یی په متکبران لهجه وویل : هو ، دی کود کردی او پدی توگه ایمان له نعمته محروم شو .

خالد دری تروته درلو دل چی هر یو د نامه خاوند ؤ ، هشام دخالد تره د قجار په جنګ کښی دخپل قوم دل بشکر مشر ؤ دخالد بل تره فاکه ډیر جواد او دپراخ دسترخوان غښتن ؤ اوسلمتون ته به نی هرڅوک یی پوښتنی ورتلل دریم تره نی اوحذیفه یو دهغو څلورو تنو غځه ؤ چه دحجر الاسود په کښو دو کښی یی دخادر پښککه دخپل قوم د مشر په نامه نیولی وه .

د خالد د زیږیدو نیټه ټیک نده معلومه خو په غالب گمان څلور دیرش کاله مخکښی دهجرت غځه زیږدلی دی .

د خالد په تندی کښی لادور کتوب غځه د جنگیالیوتوب نیی لیدل کیدی ، او همداعلت ؤ چی دده دور کتوب سره یی پلار دآسانو دغفلولو ارسپړلی دپاره وټاکه . خالد دهمدغه استعداد درلو له امله وروسته دقریشو دسپرو مشر توب پلاس کښی ونیو . اودا حد په جگړه کښی دده په مشرۍ دقریشو دسپرو پر مسلمانانو ناڅاپی حمله وکړه اودهغوی د ماتنی سبب شو .

خالد دنگه ونه او غښتی اندامونه او هیبت نا که خیره درلوده ، بته یی سپین والی ته نژدی وه او د حضرت عمر سره یی ډیر مشابعت درلود ، تردی چه ډیرو کسانو به ددوی په پیژندلو کښی اشتباه کوله ، لکه علاوه پر ظاهری مشابعت سره همزولی هم ؤ ، او حضرت عمر (رض) یوازې دوه کاله ورغځه مشر ؤ . خالد دقوی او پیاوړی وجود خاوند ؤ ، کله به نی چی خپل حریف په غبر کښی ټینگ و نیو بیا به یی بخان ورغځه نه شو خلاصولی .

خالد دخپلی پلارنی شتمنی سره سره د خیره ژوندانه په لرلو خوښ ؤ ، اودایی ښه بلله چی دبیلدا دسختیو سره آشناوی اود لوړی او تندی تحمل وکړلای شی ته به وایی چی ده ته لا یخوا الهام شوی ؤ چی دحربی مشرتوب دپاره بخان چمتو کړی . . . دلته دناپلیون هغه خبره را پیا دیری چه لاوور ؤ اود تحصیل په موده کښی ویلی ؤ

« دحربی ښوونځیو زده کوونکی ته نه ښی دنازو نو په حال کی ژوند وکړی . په تیره بیا دشتمنو او عالی رتبه کسانو زامن چه دخان دپاره خدمتگاران نیسی ، ښه به داوی چی دوی پخپله دخان خدمت وکړی ، اود ژوند سر او تودو غځه خبرشی . او په راتلونکی وخت وکولای شی دجگړی ترخی او کړاوونه وزغمی . . . » (نوریا)

سلطان سنجر و غزها



قسمت اخیر

از سال ۵۴۸ تا سال ۵۵۱ غارت گری آنها پایان نپذیرفت بلکه مدتی نیز بعد از مرگ سنجر بعمل مخر با نه خود ادامه میدادند سلطان سنجر اسیر دست تغابن گر غزان بود این سلطان شکوه مند را روز بر تخت سلطنت جلوس میدادند و شب در قفس آهنین مجبوس می نمودند و به منظور بدست آوردن آرمایان های شوم خود او را وامی داشتند که احکام مورد فتوا ایشان را مہر نماید و سلطان نیز اسارت ترکان خاتون ذوجه خود در مدد تدارک راه فرار و چاره جوئی اهالی ازین قید در نمی آمد و این ستم و تکالیف را بر خود روا داشته و تدابیری که بتواند در پرتو آن خود را ازین مصایب و آلام نجات دهد مطمح نظر قرار نمی داد تا سرانجام ترکان خاتون را در اوایل سال ۵۱۵ هجری چشم از زندگی پوشید مرگ این خانم راه فرار را از چنگال خون خوار غزان بر آن سلطان هموار کرد (تاریخ گزیده ص ۵۴۲) بنا بر آن سلطان سنجر مس خود را بکسانیکه در نزد وی وارد می شدند افشا کرده و ما فی الضمیر خود را توضیح داد. لذا امیر احمد قماچ ورل ترند در همانه تدبیری اندیشیده و کشتی چندرا در حیچون باین منظور آماده ساخت. و سلطانرا آگاه کرده و سلطان سنجر نیز امیر الیاس غز را که بالسان دیگری جهت حمایت وی گماشته شده بود فریب داده سرسبیل شکار خود را بکنار آمو دریا رسانیده و بوسیله کشتی های آماده شده حیچون را به سرعت عبور نمود که این واقعه در برج رمضان سال ۵۵۱ اتفاق افتاد زمانیکه غزها از غیابت سلطان متردد شده شتاب کنان به عقب وی آمدند او را از حیچون گذشته یافتند.

سلطان مدت پنج روز در ترهند ماند و درین مدت عساکر و اسرائیکه در زوایای ظلمت زده یاس متواری و مستور شده بودند به مجرد آگاهی رازهای سلطان پیرامونش گرد آمدند و امرای مثل امیر احمد قماچ موید آتی به سلطانرا

ویرانی و بیدادگری ناشی از هجوم غزها محدود به شهرهای مرو و نیشابور نماند بلکه سر تا سرخراسان معمور، این عصایب و آلام عام بود، غزان تا آنجا که رسیدند و تا آن حد که توان جسمی شان ایجاب می کرد و دست ویران گرشان بر آن کار گرمی افتاد، سوختند کشتند و غارت نمودند (راحت صدور ص ۱۸۳) و تنها هرات به نسبت حصار حصین و نفوذ ناپذیر خود تا اندازه در امان ماند زیرا از تسلط بر این شهر به نسبت دژهای مستحکم و آهنین آن عاجز آمدند شهر شکوه مند و زیبای بلخ که این زیبایی و جلال تا نیمه قرن ششم هجری موقوف خود را حرامت نتوانست که بنا به قول مسترنج (جغرافیائی تاریخی ص ۴۴۷ ترجمه محمود عرفان) در سال ۵۵۰ هجری ترکان غز بر آن دست یافته خرابی بسیار به آن وارد کردند و این خرابی به اندازه تباہ کن بود که پس از رفتن آنها اهالی شهر نشین بلخ و ادار شدند که شهر را به محل دیگر بنیان گذاری کرده و نقشه جدید را در محل جدید طرح و پیریزی نمایند قبة الاسلام بلخ که در جغرافیای تاریخی و تاریخ افغانستان مقام شامخش اظہر و من الشمس است بر پیکر یاستانی و عمران خود لطمه شدیدی را از هجوم غزان بوی احساس کرد.

غزان چون مردم بدوی و وحشت زده بودند و همان طوریکه از مزایای تمدن بهره نداشتند در مورد حفظ و بکار بردن بالیسی های حکومت داری نیز مقام نازل و حتی ناچیز را احراز کرده بودند ایشان همان طوریکه شتون و شعایر زندگی شان ایجاب میکرد حرکات را از خود در برابر مردم بروز دادند که ساحه را برای بقای شان تنگ و محدود ساخت از آن رو موقف را اتخاذ کرده نتوانستند که اصول و پرنسیب حکومت داری بر مبنای آن پی ریزی شده بتواند بنا بر همین براهین بود که ایشان شالوده حکومت را در خراسان ریخته نتوانستند و درین مورد پیروزی نصیب شان نشده دامنه سلطه و قدرت شان ازین نواحی بزودی چیده شد گر چه

با کمال درایت و شهامت به مرور ساندیده و در کوشک سلطنتی قرارداد تداماً سلطان پایتخت زیبایی خود را در عایت خرابی و ویرانی یافتند و رغبت را در نهایت بر حال پریشانی دیدند. (حبیب السیر ج ۲ ص ۵۱۲)

سلطان سنجر بسال ۵۴۸ در قید اسارت غزان افتاده و بسال ۵۵۱ نجات یافت که باین حساب مدت اسارت سلطان قریب چهار سال را احتوا می کند اما بعضی از نویسندگان مورخین مورد اعتماد مثل قاضی منہاج السراج جوزجانی در طبقات ناصری (ج اول ص ۲۶۲) بکوشش پوهاند حبیبی درین مورد چنین اظهار نظر مینماید که (بعد از مدت چند ماه و قریب یکسال کم و بیش یکی از بندگان امراء سلطان بخدمت رفت سلطان را بوجه شکار برساند و از میان ایشان بیرون برد و خلاص داد) و هم چنین امام ظہرال دین نیشاپوری در سلجوقنامه (ص ۵۱) و محمد بن علی راوندی در راحت الصدور (ص ۱۸۵) بکوشش محمد اقبال (مدت حبس سنجر را دو نیم سال می نویسد که بنا بقول ایشان باید سلطان سنجر در نیمه اخیر سال ۵۵۰ از حبس رهایی یافته باشد و هم بنا بقول منہاج السراج باید سلطان سنجر قبل از سال ۵۵۰ ازین حبس رها گردیده باشد و آنهم بدون مقدمه و چاره جوئی و تدابیری که در بالا راجع به خلاصی سلطان مذکور نگاشته آمد.

نظریه اسناد موثق مرگ ترکان خاطون در اوایل سال ۵۵۱ اتفاق افتاده است درین برهان نیز مسلم است که سلطان تا زمانیکه ترکان خاطون در قید حیات بود برای رهایی خود چاره جوئی نکرده است و اگر بقول رشید الدین فضل الله در جامع التاریخ (ج ۲۳۷) بگوشد اکثر بهمن کریمی) اعتماد کنیم باید سال های اسارت سلطان سنجر را دو سال بپذیریم. زیرا مؤلف محترم متعقد است که اسارت سلطان سنجر بدست غزها در شکارگاه (نه در جنگ) بدو سال پیش از ولادت چنگیز صورت گرفته بود دیده میشود که مؤلف محترم باز هم در اثر معروف خود جامع التواریخ (ص ۲۳۱ ج ۱) تاریخ ولادت چنگیز را ابتدای قافانیل (سال خوک) موافق سنه ۵۴۹ هـ در ماه ذیقعد و انمود می کند و ضمناً تصریح می کند که سلطان سنجر در سال ولادت چنگیز ازین اسارت خلاصی یافت اکنون بایک موافقه تاریخ اگر در فال این حقیقت داخل شویم می بینیم که مؤلف محترم هم در مورد تاریخ حبس سلطان سنجر و هم در باره رهایی وی مرتکب اشتباه شده است زیرا رهایی سنجر نه در سال ۵۴۹ بلکه در سال ۵۵۱ صورت گرفته و از جانب دیگر اگر حقیقت را همانطوریکه هست بدون اغماض جلوه گر سازیم باید بی پرده اظهار بکنیم که ثمرآن در سال ۵۴۹ هـ تاراج و خراب کاری خود را دنبال کرده و بقتل کشنده خود پیگیرانه ادامه میدادند زیرا طوریکه در بالا تذکر رفت که امام محمد عیسی یکی

از ائیمه و عرفان معروف نیشاپور توسط عشایر غز در حین سال قیامی شهادت را دربر کرد و هم چنان در سال ۵۵۰ بلخ زیبا و معمور را غزها مورد هجوم و حمله قرار داده آنرا با خاک هموار کردند بنا بر همین براهین قول مواف محترم (جامع التواریخ) نمی تواند مورد اعتماد قرار گیرد.

سلطان سنجر حینیکه در سال ۵۵۱ هـ وارد کاخ سلطنتی مرو شد از فرط اندو و تألم که بر جان وی ناشی از ویرانی شهرها و خاکتوده های آبادی ها و بغارت رفتن ثروتها و سرانجام قتل و کشتار مردم مستولی شده بود رو به شدت فزونی نهاد و رنج جانگاہ او را روز بروز زیادتر می کرد تا منجر به مرگ وی در ۱۶ ربیع الاول سال ۵۵۲ بعمر هفتاد دو سالگی و بعد از ۶۱ سال فرمانروائی گردید (تاریخ گزیده ص ۴۵۲) اما واقعیت این است که بعمر هفتاد و سه سالگی داعی اجل را لبیک گفته است طوریکه ذیلا برهان آن نگاشته میشود.

سلطان سنجر در سال ۴۷۹ در سنجاوشام که تنها (یا قوت) آنرا از بلاد جزیره میداند تولد شد و نام سنجر نیز درین بر قول وی در سنجاور است که پدرش سلطان ملکشاه به همین دلیل این نام را بروی مسلم دانست (روضته الصفا ج ۴ ص ۳۱۹ طبع تهرآن سال ۱۳۳۹ هـ. ش. وی پنجمین پسر ملکشاه سلجوقی بوده و سلطان محمد میر ملکشاه از یک بطن اند (سلجوقنامه ص ۵۲) در سال ۴۹ هجری در عهد برادرش بر سیارق متصدی ولایت خراسان بود و غزنی را نیز در حین اسارت خود در ۲۰ شوال سال ۵۱۰ یکسال قبل از جلوسش بر سریر سلطنت فتح کرد و در سال ۵۱۱ بعد از قوت برادرش محمد سلجوقی تاج و تخت امپراطوری سلجوقی را تصاحب نمود. مورخین در مورد سال وفات و عمر سلطان سنجر اختلاف دارند قاضی منہاج الدین جوزجانی (طبقات ناصری ج اول ص ۲۶۲) عمر سلطان سنجر را هفتاد و سه سال دوره اسارت و سلطنت را ۶۲ سال و سال فوتش را ۲۴ ربیع الاول سال ۵۵۲ هـ مینگارد. بر عکس میر خواوند (روضته الصفا ج ۴ ص ۳۱۹) عمرش را ۷۲ سال و سال فوتش را ۲۶ ربیع الاول ۵۵۲ و انمود میسازد و خواوند میر در تاریخ حبیب السیر (ج ۲ ص ۵۱۲) عین قول روضته الصفا را تأیید می کند در سبب التواریخ عمر سنجر هفتاد دو سال و فوتش ۲۶ ربیع الاول ۵۵۲ هـ تعیین گردیده است در حالیکه مؤلف سلجوقنامه (ص ۵۲) و راحت الصدور (ص ۱۸۴) سال فوت سنجر را ۵۵۱ نوشته اند اکنون بادر نظر گرفتن نظریات مختلف مؤرخین اگر واقعیت های تاریخی را ملاحظه قضاوت خود قرار دهیم بایست بیشتر درین مورد دقت نموده عمیق شویم اگر عمر سلطان سنجر را ۷۲ سال و سال فوتش را ۵۵۲ قبول نمائیم باید سال تولدش را ۴۸۰ هـ بنویسیم و در بالا ۴۷۹ اکثر مؤرخین آنرا تأیید کرده اند خط بطلان کشیده تردید

نمایم و اگر برعکس سال تولدش را ۷۹۴ و سال قوتش را ۵۵۲ بدانیم بنا بر آن از تأیید قول منہاج السراج جوزجانی ناگزیر هستیم و آنرا باید اصح اقوال دانسته و عمر سلطان سنجر را به ۷۳ سال ارتقا دهیم، در حالیکه اکثر نویسندگان چیره دست و مؤرخین با استعداد عمر او را ۷۲ سال بدون تردید پذیرفته اند که درین مورد باید سال فوت مذکور را همانطوریکه ظہیرالدین نیشاپوری و محمد بن علی راوندی اجرا کرده اند سال ۵۵۱، بپذیریم اما جان سخن درین جا است که اگر در پیرامون این اختلاف قلم فرسایی شود بدون شک این مختصر تکافوی آنرا نکرده و بایست کتاب فتوی ایجاد گردد لذا بطور ايجاز مطلب را دنبال کرده باید اظهار نظر نمائیم که بزعم نگارنده این سطور قول منہاج السراج جوزجانی نسبت به همه اقوال که در بالاتر کار یافت از حقیقت بی‌رایه داشته و درست تر به نظر می رسد حالا بیائید که در قبال این همه نظریات مختلف بذل توجه بجانب نوشته نمودن محترم تاریخ از (سلاجقه یا سقویه) آقای نصرت الله مسکوئی مینمائیم این نویسنده محترم بر عکس کلیه نویسندگان لطف کرده عمر سلطان سنجر را ۸۲ سال می‌گازند (ص ۲۹ تاریخ مزبور) که این نوشته شان با نویسندگان محترم مورد اعتماد اعصار گذشته مدت ده سال فاصله دارد و هیچ مؤرخ بی‌استثنای ایشان عمر سلطان سنجر را ۸۲ سال نداده اند و اصلاً شکست انگیز اینست که مولف محترم بر بنای چه اسنادی چنین نظر غلط را ابراز کرده اند.

این بود فشرده از نتایج یک رویداد تاریخی که با گذشته های پرافتخار کشور عزیز ما پیوند بلا فاصله دارد زیرا بلاد معموریکه در اثر هجوم وحشت زاویران کن عشایر غز به منجلا ب نیستی کشانیده شده اند روزی جز و لاینفک سرزمین باستانی ما بوده اند بنا بر آن این حادثه خونین و این رویدادهای ویرانکن با تاریخ کشور باستانی و پرافتخار ما پیوند بلا فصل و تردید ناپذیری دارد از آنرو خود از تجلیل و نگارش چنین وقایع الم انگیز که در مسیر تاریخ وطن عزیز ما نقش تخریبی را دارا بوده و جریان مدنی این سرزمین کهن سال را به نحوی از انجا به رکود و عقب نشینی مواجه ساخته است بنا بر رسالت های تاریخی خود را ناگزیر میدانم بدین ملحوظ بایست در ذیل این مقاله و در واپسین تحلیل این فاجعه تاریخی عواملی را تدقیق و تحقیق کرد که این آفت خانمانسوز از آن ناشی شده است.

به استناد شواهد تاریخی و روابط علت و معلول در روند تاریخ باید ابراز نظر نمائیم که: عهد شکوه و جلال سلطان سنجر و بصورت کل و دولت آن سلجوق زمانرا در تاریخ شرق احتوا میکند که میتوان آنرا در فرهنگ سیاسی و قاموس اجتماعی به عهد مینورال یسم و عزمت و اعتبار مقدمین محلی درباره تعبیر کرد اما رفاه و آرامی را که در خلال فتوحات

از غنایم سرشاری که نصیب مقرران در بار و عساکر شده بود نمی توان از نظر دور داشت. زیرا ثروت های هنگفتی که از میدان نبرد و محاذ جنگ نصیب جانب غالب می شد و هم چنین مالیات فراوان و خراج های بی پایان که از داخل مملکت و مستعمرات امپراطوری در خزینه های دولت سر از بر میگردد در استحکام حیات و رونق دادن زندگی مردمان وابسته به امپراطوری بی تأثیر نبود. گذشته از آن پیشرفت و ارتقا صنایع زراعت فلاح و غیره پیشه های تولیدی و کاوش ها در معادن های نقره، طلا و آهن بنیه یازرگانی را تقویه و روابط را بین مالک هم جوار شرق برقرار کردند و کاروان های تجارتي از مصر و شمال افریقا الی سر زمین پهناور افسانوی چین و نیم قاره هند بشمول سرزمین های مسیر دریای به هم و بلا درنگ در حرکت بود که هر کدام این فعالیت ها به مشابہ عنصر مقید و سودمند یاسخ گوی نیازمندی های مردم شده و در پر کردن خلا های زندگی نقش بسزای داشتند.

روی همین علل است که منہاج السراج جوزجانی (طبقات ناصری ج ۱ ص ۲۶۱) در مورد شکست سلطان سنجر چنین اظهار میدارد که قراغ و امتداد تنعم و مہیا بودن وسایل زندگی طاقت و مقاومت را از چشم و عساکر زایل کرده بوداگر در ژرفنای این مسئله عمیق تر شویم بایست علت حوادث اعصار گذشته را بر مبنای یک حقیقت تر دید ناپذیر علمی قرار دهیم که بزعم نگارنده این ستور قول ریل دورانت مؤرخ شهیر امریکائی (تاریخ تمدن اسلام ص ۳۱۳) مؤید و بین آن شده می تواند موصوف یک جهان مفهوم را در پیرامون حل مشکلات این معضله تاریخی چنین اظهار می کند که: درین جا بار دیگر تاریخ این حقیقت را مدلل می کند که به دسایس حاصل از تمدن موجب غلبه اقوام وحشی بر مردم متمدن است که اگر برای نسبت واقعیت این نظر حکیمانہ و صلابت فیلسوفانه در مسیر تاریخ به گذشته های دور به عقب برویم بدون شک مصداق آنرا هدف هجوم عشایر غز بر بلاد خرامان در روحیه کلیه اقوام و مهاجمین خواهیم یافت که برای تحقق یافتن ارمان های خود وقتاً فوقتاً به چنین عملی تشبث کرده اند.

زیرا هر قدر سطح حیات در قبال ارتقا به دیده تمدن صعود کند شاهد زیبایی زندگی ملخ تر و دلنشین تر جنبه می کند بهر اندازه علاقه به زندگی افراطی تر باشد احیاناً دل بستگی به حمایت آن نیز در همان مسیر قرار می گیرد بنا بر همین علت است که غریزه جنین در مرحله رشد و ستور قرار گرفته انسان را بیشتر از همه بجانب قرار از وقایع و حوادث گرایش میدهد و یا عبارت دیگر مساعد بودن زمینه برای بهره گرفتن از عیش و عشرت لطمه بزرگی را در پیکر اخلاق اجتماعی وارد کرده و فعالیت این سجد عالی انسان را بر کود مواجهه میسازد در این

جاست که بدیده منجط مرگ در مقام نفرت جاداده شده و چهره
بهت انگیز را از آن در نظر خود مجسم می کنند و اینکه میگویند
« هر قدر از مرگ و هم داشته باشی او سریعتر دنبالت می کند »
واقعیت می یابد و عا کرا سلطان سنجر نیز بنا بر همین دلایل
بالاچنین موقفی را احراز کرده بودند که سرانجام منجر به
انهدام و قتل ایشان شده و بفتح به و یرانی و بربادی
بلاد خراسان گردید .

علت ثانی بدون شک اختلافات بود که از ناحیه مذاهب
مختلف ایجاد شده بود که البته این کشیدگی های تباہ کن
توأم با اختلافات نژادی که مردم را به دسته های مختلف
و بتقسام قسمت نموده بود اوضاع را در خراسان بار آورده
بودند که می توان آنرا به عدم اعتماد و تشنج تعبیر کرد
و مذاهب که از بلای ایجاد و پیریزی شان تا امروز در فقدان
همبستگی اجتماعی نقش قاطع داشته و نمی توان دامنه آنرا
اختلاف نژادی ریشه دادند نسبت به هر مسئله که در جامعه
شرق است در زمان فرمانروائی آن سلجوقی دامنه این
اختلافات بیشتر توسعه داشته و در متلاشی کردن شیرازه
اجتماعی موثرتر بود نفوذ روز افزون و گسترش سلطه
ترکها محر و مبت های را برای نژادهای دیگر
فراهم کرده بود و هم امرا و سلاطین نیز بهت
تثبیت موقف خود ازین ضر به در خورد کردن

نیر و مندی اجتماع محیلا نه تر استفاده می کردند روی این
عوامل بود که وحدت نظر و عمل در جامعه آن روزی
خراسان حیثیت عنقارا داشت و در اورگانهای اجتماع
مصادق پیدا کرده نمی توانست و علی الرغم این علل نیرو گرفتن
مذهب فرام راتعت قیادت حسن سیاه و چانشینان وی نیز در
برهم زدن موقف هم آهنگی مردم شایان تذکر است .

علت عمده که زمینه را برای انقراض سلطنت سنجر
و شکست آن مساعد ساخت همانا نفوذ نامحدود نفع جویان
دربار در سرتاسر امپراطوری بود و این عناصر که نسبت بر
هر چیز نفع خود را رجحان می دادند در برابر مردم بی پناه
چه در حین گرد آوردن مالیات و چه در زمان تحصیل خروج
و بدست آوردن غنایم از هیچ نوع بیداد گری و استبداد
خودداری نکرده و دست خود را کوتاه نمی کردند
و سطح استعمار نیز به همان سرعت بالا میرفت
که مردم از مشاهده این وضع منزجر شده و بسته
آمده بودند طوری در صحنات گذشته نگارش یافت که جهت
اضافه ستانی محصلان سلطان سنجر همه نوع اهانت و ستم را
(بقیه در صفحه ۶۵)

حرکات محاربه قوای زمینی . . .

(بقیه صفحه ۳۸)

در صورت نفوذ دشمن به عمق مدافعه ، حتی در هنگام
محاصره بایست کوشش اعظمی به خرج داده شود ، تا
ارتفاعات حاکمه ، کوتل ها و شبکه راه را از دست نداده
و فعالیت دشمن و مانور احتیاط آنرا محدود ساخت .

برای از بین بردن اقدام دشمن جهت اجرای احاطه و یا
احاطه وسیع جناحین بازو حملات صعب العبور ، و همچنین جهت
از بین بردن قوای پراشوتی دشمن احتیاط سوق داده شده
و از آتش طیارات ، و توپچی و در بعضی اوقات از وسایط تأثیر
دسته جمعی استفاده بعمل می آید . به مقصد بلند بردن قدرت
پایداری جزو تاسمهای مدافع توصیه می گردد ، تا آنها
در حملاتیکه برای تانک قابل تقرب نبوده جاچا شده و توسط
آتش های جناحی و وسایط چند تانک ، در حملات قابل عبور تانک
بدشمن تلفات وارد نمایند .

به عقیده متخصصین نظامی استعمال جزو تاسمهای خورد
و وسایط آتشدار ایشان برای مدافع معبر های تنک ، با توأم

ساختن عملیات از عقب موانع ، و حملات متقابل یکی از بزرگترین
شرایط پایداری مدافعه در اراضی کمسار میباشد .

حملات متقابل ، توصیه می گردد ، تا از بالا به پائین ، و به
امتداد دامنه سلسله جبال ها ، راه ها و بستر دریا های خورد
صورت گیرد . حملات متقابل را میتوان بادویاسه استقامت
مخالف به مقصد وارد نمودن ضر به به جناحین دشمن نفوذ کننده
اجرا کرد .

حملات متقابل خط دوم و یا احتیاط کنندک و یا غنبد مقابل قوای
کم دشمن ، که در منطقه مدافعه نفوذ نموده باشد ، و یا در خط
پیشروی بین نقاط مقاومت اجرا شده میتواند هر گاه حملات
متقابل خط دوم غنذ از نقطه نظر دوباره ، بدست آوردن مناطق
از دست رفته به کدام نتیجه نرسید ، پس جزو تاسمهای خط اول
و خط دوم ارتفاعات مناسب را اشغال نموده ، و این ارتفاعات
بواسطه تمام قوا و وسایط دست داشته خویش محافظه کرده
و شرایط مناسب را جهت حملات متقابل خط دوم فرقه آماده
میسازد .

حمله متقابل خط دوم «احتیاط» فرقه بمقابل گروپمان
اصلی دشمن به استقامت هائیکه نظر به شرایط اراضی امکان
اتساع قوا موجود باشد توصیه می گردد .

سرگذشت اتوم

و با کشف رادیوم فهمیده شد که انرژی داخلی اتوم خیلی‌ها عظیم می‌باشد.

در انگلستان در این وقت (رادرفورد) با استاد خود تومسن مشغول مطالعات درباره خواص اشعه بکرل و یا اشعه رادیوم بود. آنها بعد از تدقیقات زیادی به این نتیجه رسیدند که این اشعه مرکب از دو اشعه الف و بی‌تاما می‌باشد. مگر آنها از اشعه سوم این تشعشع خبری نداشتند. تا اینکه در سال ۱۸۹۹ عالم انگلیسی بنام (ویلارد) اشعه سومی اش را بنام اشعه گاما کشف نمود. و بدینسان علما اسرار اشعه بکرل را کشف نموده و فیصله کردند که این اشعه مرکب از سه اشعه الف، گاما، و بی‌تا می‌باشد.

روزی بکرل با تکرار چنین عبارتی که رادیوم ترا دوست دارم مگر تو مرا آزار دادی به خانه پیری کیوری در آمد. چه باعث شد که عالم فرانسوی این چنین شبان به اطاق پیری کیوری در آید و از رادیوم شکایت‌سأله در این است که بکرل در جیب خود یک تیوپ رادیوم همراه داشت و در جائیکه رادیوم قرار داشت یک سوختگی عجیب بوجود آمد که چندان دردناک نبوده ولی از حد زیاد سرخ شده بود. دکتران مؤظف او را علاج نموده و به این نتیجه رسیدند که این اشعه بالای انسان زنده تأثیر دارد. اشعه مذکور رادریوانات تحت تحقیق گرفته و چنین نتیجه داد که می‌توان توسط این اشعه بعضی از امراض جلدی، آماس (پندیدگی) های بدن و دیگر امراض را علاج نمود. چون رادیوم یک مورد استعمال خوبی پیدا کرد. لذا مردم پی دریاقت این عنصر افتادند و هر قدر کوشش کردند مقدار رادیوم در روی زمین کمتر دیده شد و این عنصر در جمله عناصر قیمتی بها محسوب گردید.

شش سال از وقتی گذشت که تومسن نظریه موجودیت الکترون را به عالم عرضه نمود. و در طول این مدت قراریکه ذکر شد. انکشافات بسیار زیادی رخداد و تومسن در طول این مدت مشغول حل معمای ساختمان اتمی بود. و بالاخره بعد از تجارب زیادی

پیری کیوری مشغول تحقیقات کریستل‌ها بود، در سال ۱۸۹۲ دختر پولندی بنام (ماری سکلر و قسکا یا) جهت تحصیلات عالی وارد پاریس شد در یکی از مجالس فزیک پیری کیوری و ماری باهم آشنا شده و در سال ۱۸۹۵ عروسی نمودند در سال ۱۸۹۷ ماری کیوری جهت نوشتن تیزس دوکتورای خود با در نظر گرفتن نظریه شوهرش موضوع تحقیقات علمی، اشعه بکرل را انتخاب نموده و تجارب خویش را آغاز نمود. او درباره سوال‌های ذیل فکر مینمود:

این مقدار انرژی که نمک یورانیوم را تشعشع میکند از کجا می‌شود؟

این تشعشع چه قسم طبیعت دارد؟

و کدام اسرار طبیعت در عقب این تظاهر طبیعی نهفته است؟

بعد از تجارب متعددی ماری فیصله نمود که این تشعشع مربوط به خاصیت اتم اورانیوم می‌باشد، و به فکر افتاد که آیا دیگر عناصر نیز موجود اند که این خاصیت را دارا باشند و در نتیجه مطلع شد که چندین عنصر موجود اند که عین خاصیت را دارند. او این اشعه را بنام اشعه رادیو اکتیف یاد نموده و عناصر مربوطه را بنام عناصر رادیو اکتیف یاد کرد. و یک اصطلاح فزیک جدید رادیو اکتیفی در عالم بعوض اشعه بکرل تقدیم گردید.

ماری کیوری جهت اینکه اورانیوم خالص از نمک‌هایش بدست آورد. دو قسم عنصر دیگر را در سال ۱۸۹۸ کشف نمود که یکی آن را بنام پولونیوم و دیگری را بنام رادیوم یاد نمود.

او با شوهر خود در اثر زحمات چهار ساله توانست که صرف دهم حصه یک‌گرم رادیوم را بدست آورد. آنها دیدند که در ظرف ماه‌ها و سالها این عنصر یک قسم تشعشع منمادی نمود. و از تشعشع مذکور کاسته نمیشود و زمانیکه انرژی اش را حساب نمودند از عظمت این انرژی خیلی‌ها تعجب نمودند. قرار محاسبه فهمیده شد که انرژی حاصله از یک‌گرم رادیوم معادل مقدار حرارتی است که از نیم تن ذغال بدست می‌آید

مدل اتمی را که بنام مدل تومسن یاد میگردد پیشنهاد نمود و در این مدل اتمی فرض کرد که اتم ساختمان مغلق داشت و از دو قسم ذرات ابتدائی تشکیل شده است یک قسم ذرات است که حامل چارج مثبت (+) بوده و به قسم یک ابرمیجانس کروی میباشد در داخل این ابرالکترون ها به صورت منظم تقسیم شده اند. تعداد چارج مثبت (+) مساوی به تعداد چارج های منفی است. زیرا اتم به صورت عموم از حیث چارج خنثی میباشد. این ساختمان را میتوان به حیث یک کیک کشمش دار فرض نمود. طوریکه اصل کیک چارج های مثبت را نشان داده و کشمش ها عبارت از الکترون ها باشند. گرچه چندی بعد به اثبات رسید که این مدل تومسن درست نیست مگر باز هم نسبت به مفکوره آن زمان در بیوگرافی اتم داخل گردید. در سال ۱۹۰۲ (البرت انشتاین) در شهر برن سویس پولی تخنیک را ختم نموده و شروع بکار نمود. گرچه کارش طبق میلش نبود. مگر موازی با کار خود در عمر ۲۳ سالگی کارهای عملی فزیک را پیش میبرد. در سال ۱۹۰۵ این شاهکار فزیک نظریه نسبی را در حوضه حرکت ذرات خرد که سرعت آنها قابل مقایسه با سرعت نور باشد به عالم عرضه داشت و بانی علم فزیک جدید گردیده و قوانین فزیک کلاسیک را غیر قابل تطبیق به این جهان ذرات پیشنهاد کرد. برای این نظریه فزیکدان مشهور جهانی نمیتوان ارزش محدود قایل شد. زیرا تمام ترقیات امروزی علمی از این جاسرچشمه میگیرند. علما نه تنها توانستند که عمل های ذرات ابتدائی را تشریح کنند بلکه با استفاده از این نظریه برجسته دستگاه های بزرگ و عظیم برای بدست آوردن ذرات سریع به وجود آوردند تا بتوانند هسته اتمی را تحت بمباران این ذرات سریع قرار دهند. و در همان سال ۱۹۰۵ (انشتاین) دو مفهوم فزیک را که عبارت از کتله و انرژی باشد باهم رابطه داد و به اثبات رسانید که انرژی یک ذره مساوی به حاصل ضرب کتله اش در مربع با سرعت نور میباشد. به مفهوم این انرژی بزرگ زمانی میتوان پی برد که از سرعت نور که ۳۰۰ هزار کیلومتر فی ثانیه میباشد. سخن زده شود و اکنون مساله دیگری به مقابل علما قدم کرده که چگونه میتوان از این انرژی عظیم استفاده شود؟ این نظریات (انشتاین) مخصوصاً در فزیکدان آلمانی (مکس پلانک) تأثیر بزرگی کرد و از (انشتاین) دعوت کرد تا آمریکا استیتوت فزیک یرلین را قبول کند. انشتاین در مقارن جنگ اول جهانی در آلمان شروع بکار نمود. حملات بالای اتم با قوای جدیدی آغاز یافته و مدل اتمی تومسن توسط عالم مشهور انگلیسی (فورد) تردید شد و رادرفورد در نتیجه تجارب خیلی دقیق در سال ۱۹۱۱ مدل نجومی اتمی را پیشنهاد نمود. طبق این مدل تمام چارج

مثبت اتم باید در مرکز اتم که بنام هسته آن یاد میشود تمرکز یافته و الکترون ها به تعداد آنها مساوی به تعداد پروتون ها است. باید به مدارهای مختلف به دور این هسته در حرکت باشند مانند حرکت سیارات به دور آفتاب و هم (رادرفورد) به اثبات رسانید که حجم هسته ۱۰۰۰۰۰ مرتبه خرد تر از حجم کلی اتم میباشد تعداد چارج مثبت مساوی به تعداد چارج منفی است.

این چارج مثبت برای علمای آن زمان مجهول بود که دارای چه خواص میباشد بالاخره در سال ۱۹۱۴ (رادرفورد) در اثر بمباران اتم های پروجن الکترون آنرا دور کرده و هسته اش را که تنها چارج مثبت را نشان میداد تحت مطالعه قرار داد. بعد از تحقیقات زیاد خواص این چارج را پیدا کرده و این چارج را بنام چارج پروتون مسمی ساخت. کتله پروتون (+) را تقریباً ۱۸۴۰ مرتبه بزرگتر از کتله الکترون یافت و در این وقت در ساختمان اتمی پروتون و الکترون شناخته شد. در سال ۱۹۱۹ (رادرفورد) یک کشف فوق العاده نمود که توسط آن خیال باقی های اشمیت هارا جامه عمل داد. و او توانست از اتم آزوت، اسیجن را بدست آورد یعنی توانست که اتم ها را تبدیل کند و البته این اولین صفحه ای بود که در تاریخ بشریت توسط رادرفورد پدید آمد. در طول مدت ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۱ کارهای عملی راجع به اتم را کد ماند زیرا اختلاف نظری در مدل اتمی به وجود آمد. قرار فرضیه باید تعداد پروتون ها مساوی به تعداد الکترون ها باشد. و تئیکه تعداد پروتون ها محاسبه گردید، در بعضی عناصر وزن هستوی قراریکه فکر میشد زیاد تر محاسبه شود و علما در جستجوی این از دیداد وزن افتاده و در سال ۱۹۳۱ (بوته و بکر) دو نفر فزیکدان آلمانی دریافت نمودند که در هسته اتم یک ذره دیگر نیز میباشد که تشعشع آن خیلیها قوی بوده و از هر گونه ماده عبور میکند. در سال ۱۹۳۲ دو عالم فرانسوی ایرن کیوری و فریدریک درانچمن علمی پاریس پیشنهاد نمودند که اگر این شعاع های بکروبوته از بین پارافین عبور داده شوند پروتون های پارافین شروع به حرکت میکنند. همان بود که ۲۷ فبروری ۱۹۳۲ (چیدفیک) عالم انگلیسی و شاگرد را در فورد به کشف ذره جدیدی که دارای چارج نبوده و کتله تقریباً مساوی به کتله پروتون میباشد قادر گردید. این ذره ابتدائی را بنام نوترون مسمی ساختند و این تاریخ روز تولد یک شعیه جدید فزیک بنام فزیک نوترون (نیutron) محسوب گردید. حدوث این شعیه علمی را استفاده از انرژی اتمی را برای ما باز نمود. از تاریخ ۳۰ جنوری تا ۱۸ فبروری - ۱۹۳۲ که یک وقت خیلی کوتاه است دو عنوان برجسته در ژورنالهای علمی قرائت شد.

۱ - عملاً نشان داده شد که تحت عمل نیترون ها هسته اورنیوم بصورت یک انفجار تجزیه میگردد. مجله علمی اکادمی علوم فرانسه مؤلف فریدریک ژیلو کیوری .

۲ - تجزیه یورانیوم توسط عمل نیترون ها یعنی شکل جدیدی تعامل هستوی . مجله طبیعت انگلیسی مؤلفین : دونفر عالم جرمنی اوتو فریش و لیزا میتیز . و بعدها توسط تجارب دقیق به اثبات رسید که میتوان توسط نوترون ها یک عملیه دیگر هستوی را به وجود آورد طوریکه هسته اتوم یورانیوم و فنیکه تجزیه میشود در اثر این تجزیه نوترون ها آزاد و هر یک بالنوبه تجزیه اتوم های دیگر یورانیوم را بار میآورد و این عملیه آنها طوری صورت میگیرد که تمام اتوم های یورانیوم تجزیه میگردند . این عملیه را بنام عملیه زنجیری هسته یاد میکنند . و در طول این عملیه یک انرژی عظیم بدست میآید که میتوان انرژی حاصله را در هر راه که مصرف نموده بکار برد در این وقت (فرمی) در ایتالیا باشاگردانش تا بلوی عناصر رادیواکتیف را تشکیل داده و نظر به کشف تعامل هستوی تحت اثر نوترون ها جایزه نوبل برایش در سال ۱۹۳۸ تقویض گردید . در سال ۱۹۴۵ جنگ دوم جهانی آغاز گردیده و بعضی از علما بطرف امریکا رهسپار گردیدند مثلاً (فرمی) از ایتالیا ، لیدامیز و انشتاین از جرمنی . نیلسن بوهر از دنمارک و دی-گر علمای برجسته فزیک از دیگر معالک اروپائی به امریکا سفر نمودند . یک دسته ازین علما تحت ریاست فرمی در دوم دسمبر ۱۹۴۲ بعد از مشکلات زیادی به کشف اولین کوره اتومی در شیکاگو قادر شدند . و در ۱۶ اگست ۱۹۴۵ اولین بمب اتومی امریکا در هیروشیما جاپان و در ۹ اگست همان سال بمب دوم اتومی امریکا در شهر ناگازاکی جاپان منفلق گردید . که نتایج خسارات بمب اول آن قرار ذیل است .

۷۸۱۵۰ نفر مقتول ۱۳۹۸۳ نفر مقنود لادرک ۳۴۲۸ نفر شدیداً مجروح ۲۷۹۹۷ نفر خفیفاً مجروح و عده زیادی بعداً دچار امراضی تشعشعی گردیدند . چنانچه از این مریضی تا حال در اهالی مذکور دیده میشود . و از ۱۹۵۴ به بعد یکی بعد دیگری قراریکه خوانندگان گرامی مطلع اند اکتشافات جدید در این راه شده است . چنانچه کوره های اتومی بزرگ بکار افتاده دستگاه های برقی اتومی با طاقت های خیلی های زیادی شروع به کار نموده و کشتی های بزرگ اتومی در هر گوشه و کنار عالم بکار انداخته شده و انواع مرض توسط این انرژی علاج شده اند .

این است که داستان مذکور به پایان رسیده مگر بیوگرافی اتوم انجام ندارد . استفاده از انرژی اتومی به اندازه وسعت پیدا نموده است که جهت حل مساله مربوطه اش زحمات چندین و چند بن نفر ضرور است و این مسایل هنوز هم وسیع شده و صفحات جدید در بیوگرافی اتوم درج تواریخ جدید خواهند شد و اختراعات و اکتشافات به وجود خواهند آمد که ما از تخیل آنها عاجز بوده و نمیتوانیم حدس بز نیم و البته این همه

به همان اندازه زودتر درج صفحات بیوگرافی اتم خواهند شد که انسان جنگ اتومی را به همان سرعت قراموش کند .

ازین لحاظ لازم است تا مردم صالح دوست دنیا با یک مرام بشر دوستی به صاحبان انرژی اتوم ندا کنند که : اتوم با ید تنها خادم بشر باشد و در راه صلح استفاده شود :

بم اتومی

البته باید متذکر شد که در اثر بمبارد مان هسته یورانیوم و دیگر عناصر رادیواکتیف بمب اتومی به وجود میآید . و هم باید خاطر نشان ساخت که با کشف پلوتونیم یا «Pu» که از یورانیوم طبیعی استخراج گردیده است دو مواد یعنی یورانیوم ۲۳۵ (^{235}U) و پلوتونیم ۲۳۹ (^{239}Pu) قابلیت استفاده را

در ساختن بم اتمی به وجود آورند در یک پارچه یورانیوم ۲۳۵ یا پلوتونیم ۲۳۹ اگر نسبت سطح بر حجم بزرگ باشد بسیاری نوترون ها از سطح فرار نموده و در نتیجه تعامل آننجیری دوام نخواهد نمود . اگر سائز پارچه تراید نماید نسبت سطح بر حجم کم شده و چانس جذب شدن نوترون ها زیاد میشود در ساختن یک بمب اتومی باید که پارچه های که دارای سائز ما تحت بحر ان هستند (*Sizesubcritical*) یا دیگر پارچه ها که بعضی گلوله و بعضی دیگر بقسم هدف استعمال میشوند یکجا باشند پس در ساختن یک بمب اتوم باید که مواد دارای یک سائز بحرانی باشد تا انفجار صورت بگیرد (*critical size*) در انفجار بمب اتوم یک حرارت خیلی بلند تولید میشود در حدود میلیون درجه که تیخیر فلز را بار میآورد . و فنیکه یک بمب اتوم منفجر میگردد علاوه بر حرارت قوق العاده که از آن تولید میشود هوا را طوری انبساط میدهد که گرد بارهای شدید به وجود میآید و ارت رادیواکتیف با گرد های هوا چسبیده هوا را خیلی خطرناک (برای تنفس نمودن) میسازد . همچنان نظر به پراگنده شدن ذرات و یا عناصر رادیواکتیف در هوا بعضاً تسممات مزمن حشوی (در عضویت انسان) یا اعضاء را به وجود میآورد .

استعمال انرژی اتومی

در حال حاضر سه مواد رادیواکتیف قابلیت انشقاق را توسط نوترون ها دارد که عبارت اند از یورانیوم (۲۳۵) یورانیوم (۲۳۳) و پلوتونیم (۲۳۹) است در ابتداء این عناصر تنها در ساختن بمب ها استعمال میشدند ولی حال روز به روز این عناصر را به قسم مواد احتراقیه جهت تولید بخار و تولید انرژی برقی استعمال میکنند . در این صورت مایعیکه جهت سرد ساختن میله های یورانیوم در اطراف آنها جریان میکنند حرارت خود را در یک آله تولید بخار از دست میدهند . علاوه بر آن در تحت البحری ها و تهیه رادیو آیزوتوپ ها که در طبابت و زراعت استعمال میشود از انرژی اتومی استفاده به عمل میآید . «پایان»

د کیمیاوی و سلی په مقابل کی دوگر و ساتنه

د دپلوم انجیر جگنورن حمیدالله ژباړه

کیمیاوی وسلې له ذروی وسلې سره څنګ پرڅنګ د تکامل
په اوونډه ووهل.

دغه وسله که چیرې استعمالیږي نو برسيره پردی چه
ذیری لویې لویې انسانی ټولنی او حیوانی کتلې له منځه
بیا یې خومادی قیمتی شیانو ته کوم تاوان نه رسوی. دهمدی
مفکورې په اساس امریکایی پوځی لپهرانو دجنوبی ویتنام
مخنی سیمی دراز راز کیمیاوی زهر لرونکو موادو استعمال
پولیکون گرځولی و.

د امریکایی پوځی لپهرانو په عقیده کیمیاوی وسله یو
حقیقی کنلوی تاثیر لرونکی وسله ده چه دانسانانو دتباهی
له پاره استعمالیدلای شی.

نحیتی کسان کیمیاوی وسله دبی غیر وسلې په نامه سره هم
یا دوی. دهاګ موافقه چه دجګړو په باره کی شوی وه
په (۲۲ الف) مخ کی یې په خپل وار سره دزهر او زهر
لرونکو وسلو استعمال منع کړی ؤ په لومړی جهانی جګړه
کی له دغی موافقی نه دالمانانو سرغړول جهانی ټولنی
په کلکه سره وغندل.

دهمدی نظریې له مخی ددورسال دسولی دقرار داد په پای
کی داماده ورزیاته شوه «په جګړه کی دخفه کوونکی، زهر
لرونکی اوداسی نور وخطرناکو گازونو اومشابه مویعاتو،
سوادو او یا طریقو استعمال منع دی (دورسال دقرار داد
۱۷۱ مخ)»

د ۱۹۲۵ کال دجون په اولسمی نیټی ۳۴ هیوادونو په
ژینو کی دپروتو کول لاسلیک کړ چه «په جګړه کی دخفه
کوونکی، زهر لرونکی اوداسی نورو گازو او بیولوژیکی
وسلو استعمال منع دی».

د امریکای متحده ایالاتو او جاپان که څه هم دغه پروتو کول
لاسلیک کړی و خودغی پوره منلو ته یې غاړه نه وه ایښی
همدا سبب دی چه دوی لاور اوسه ددغی وسلې له استعمال
نه ډډه نه ده کړی پدی توګه د کیمیاوی جګړی دلګیدو

۱۹۱۵ کال دامپریل دوه وپشمه نېټه په هیشکله دبشریت
له حافظی هیره نشی څکه چه پدغه ورځ دالمان دقواووله
خوا په لویدیزی جیبی باندي د لومړی لځ له پاره په یوه
لوی مقیاس کیمیاوی وسله استعمال شوه. پدغه لځ کی لومړی
دالمان قواوود کلور خطرناک گاز نه کارواخیست. دهمدی
گاز استعمال له امله پنځلس زره تنه وګړو ته سختی صدمی
ورسیدلی اوله هغی جملی نه پنځه زره تنه خپل ژوند له لاسه
وګړ او تورو خاورو ته ولیرل شول چه دغه پیښه ددردونکو
او خواشینونکو حوادثو په لړ کی یوه ډیره دردونکی
پیښه وه اودنړی دجګړو په تاریخ کی دیوه لوی فصل نوی
پاته واوښته.

همدغه راز د ۱۹۴۵ کال داګست په شپږمه نېټه د امریکای
دهوائی قواوو دیوی الوتکی پوسیله دهیرو شیمیا په ښار
اتومی بم استعمال شو چه په نتیجه کی یې ۲۶۵۰۰ تنه مړه،
ورک او یاتوپیان شول پدی ډول نړی ددغی خطرناکی
وسلی له کیله دزیاتو حیرانیا او خواشیننی سره مخامخ شوه
او ټولو وګړو ته یو لځ بیا ثابته شوه چه اتومی وسله
دجګړو په هره برخه کی اساسی رول لوبولی شی.
په ریټیا سره هم چه ذروی وسله دخپل تخریبی قدرت
له امله ساری نلری.

که چیرې نوی جهانی جګړه پیل کیږی نو هر و سروب
اتومی جګړه وی لاکن دا باید پته پاتی نشی چه سره ددغو
صفتو اتومی وسله مخنی نیمګړتیاوی هم لری لکه دیوی زیاتی
مودی لپاره دسمومیت درادیاو اکتیفی موادوله خوا اوهم
دمادی شیانو لکه فابریکو، کارخانو، بحری بندرو، پلو،
داوسپنی دلاری ودانی اوداسی نورو له منځه تلل په دی
شرط که چیرې نوموړی دضربوی اواجو او نوری تشعشعاتو
په سیمه کی واقع شی.

ددغو قیمتی شیانو له منځه تلل ددوسلی استعمالونکی
له تشویش سره مخامخ کړی دی اوهم دغه سبب و چه

خطر په روپانه ډول سره هره کړې شته اوسوله غوښتونکي انسان خوړوی .

که څه هم کیمیاوی وسله زیاتې لځانې خطري او تاوانونه را وړې خودخو کلونوراهسیې انسانان پدې بریالی شوی چه دهغوی دمخنوی له پاره لازم تحفظی وسایل لاس ته راوړی .

د کیمیاوی وسلې دخواصو پوره پیژندنه، په موجوده تحفظی مالزمو باندي پوهیدل او په ښه توګه سره دهغوی استعمال، د لځان له پاره کمک او یاد متقابل کمک میتودونو په ډیره ماهرانه توګه سره پوهیدل هغه اساسی شرطونه دی چه دهغوی سرته رسول د کیمیاوی وسلې استعمال په وخت کې دانسان ژوند له تباهی نه ژغوری . کیمیاوی وسله څرنگه پژندلی شو ؟

(زهر لرونکي مواد، دهغوی دانتقال وسیلې او سجاړ بوی استعمال طریقی د کیمیاوی وسلې کیمیت او کیفیت افاده کوی) .

زهر لرونکي مواد داسې شان کیمیاوی ترکیبونو دی چه په هوا کې په مختلفو ډولونو (دود، بخار، غبار) او یا په محکمه کې د مایع او یا غلیظ موادو په شکل کولای شي چه انسانانو او حیواناتو ته په کنلوی توګه ضرور سوی . لاکن ټول زهر لرونکي ترکیبونو نه که څه هم عالی زهریت ولری پدغه ګروپ کې شاملیدی نشی . دا باید

څرګنده شی چه ۱۹۶۳ کال تر ۱۹۶۵ کال په اوږدو کې د متحده ایالاتو نظامی کیمیاوی خدماتو بر سیره پر خوارلس رزه ډوله کیمیاوی ترکیبونو د نظامی مقاصدو استعمال لپاره د څیړنې لاندې ونیول چه په هر میاشت کې دهغوی له خوا څلور سوه ډوله مواد د څیړنې لاندې نیول کیږی خو سره لدی هم دهغوزهر لرونکو موادو شمیر چه دلوید یزو هیوادونو په اوږدو ګانو کې منل شوی دی نږدی لسو ډولونو ته رسیری . د زهر لرونکو موادو خاصیتونه : دا ثابت ده چه زهری مواد باید یوشمیر تکنیکی غوښتنو ته چه لاندې به دهغوی په باره کې مفصل معلومات وړاندې شی لځواب وواپی ، په تیره بیا چه ددغو اساسی خاصیتونو پیژندنه دا امکان برابروی چه ددغی وسلې استعمال په وخت کې لازم تدبیرونه وسنجول شی .

زهریت - یعنی د زهر لرونکو موادو زهریت باید دومره لوړوی چه ډیره کمه اندازه یی که بدن ته ننوزی و کولای شی درانه او حتی مرګ پېښونکی تاوانونه انسان ته ورسوی .

د سینیل تیزاب (HCN) تر ډیر و نږدو موادو پورې د پیاوړو زهری موادو ښه غوره کړی وه ، په رښتیا سره ددغی مادی سل ملی ګرامه کې بدن ته داخل شی د درندو تاوانونو باعث ګرزی دالمان کار پیژندونکو د لومړی جهانی جګړی په پای کې لدی نه زیاتې زهر لرونکي مادی کشف کړی چه د پخوا په انډول ډیری زهرناکې وی ، دغه

ګروپ مواد د عضوی فسفور لرونکو زهری موادو په نامه سره مشهور شول .

ددغی ډلی اصلې څړی زرین ، زومان او دی - گازونه دی چه نوموړی مواد یو ډیل پسی د کشف د کړته ووتل . پدې وخت کې معلومه شوه چه زرین سل لځل او زومان پنځه سوه واری له HCN نه زهر داره دی . د اهم ثابت شوه چه د زرین یوازی یو ملی ګرام که وجود ته دهواله لیاری داخل شی د مرګ سبب ګرځی .

د زهری موادو لوړ زهریت تر ټولو نه پخوا د مطلب افاده کوی چه په لږ وخت کې دغه زهر لرونکي گازونه انسانان د ژوند له خوږونه یی برخی کوی . د زهری موادو د تاثیر لاری : څرنگه چه دغه مواد بدن ته له ډیر لارو داخلیدی شي نولدی کېله دغه عملیه ددوی یو مهم خاصیت تشکیلوی .

د لومړی جهانی جګړی د زهر لرونکو موادو یوه ډیره لویه نیمګړتیا دهغوی د تاثیر محدودی لاری وی مثلاً کلور فوسګن او د سینیل تیزاب (HCN) هغه وخت یی خپله مضره اغیزه ظاهروله چه له هواسره به وجود ته داخل شول . اهریت چه د بدن پوستکی ته ډیر تاوانونه رسوی په همدی نامه سره هم یادیری ، بر سیره پردی اهریت د عمومی مسعومیت خطری هم مینځ ته راوړی .

فسفور داره عضوی زهر لرونکي مواد د تنفسی لاری ، روغ یا ناروغه پوستکی نه ، د سترګوله او بنجو عضلونه او هم د معدی او کولمو له لاری نه ټول وجود ته داخلیدی شي . ددغه ګروپ موادو تاثیر په پوستکی باندي لدی لاندی مقایسی نه معلومیدلای شي :

تقریباً دری ګرامه اهریت که په پوستکی باندي ولویږی ډیر لوی تاوان انسان ته رسوی ، د زرین یو نیم ګرام ، د زومان نیم ګرام او دی وی ، گازو یوازی نیم ملی ګرام د مرګ پېښه مینځ ته راوړی شي یا په بل عبارت دیوه سنجاچ د سر په اندازی وی گازونه که په پوستکی باندي ولویږی د مرګ باعث ګرځیدی شي لدغو څیړنو نه دی نتیجی ته رسو چه د کیمیاوی وسلې استعمال په وخت کې باید نه یوازی تنفسی لاری بلکه خپل پوستکی هم دهغوی د خطر ونه خوندي وساتو .

د تداوی ستونزی : څه کم ټول زهر لرونکي مواد چه په انسان باندي تاثیر وکړی په سختی سره ناروغ صحت موسی . د کیمیاوی وسلې د انکشاف ټوله دوره (تاریخ) دا ثابتوی چه هغی زهر لرونکي مادی په اردو کې په ښه توګه سره قبلیږی چه مبتلایان یی په سختی سره جوړ شی د مثال په توګه د کیمیا ډیر سریع انکشاف سره سره اهریت دلوید یزو هیوادو داردو ګانو په تشکیل کې تراوسه هم موجود دی که څه هم د لومړی لځل لپاره په اوله جهانی جګړه کې استعمال شوی و

علت هم دیر ساده دی یعنی تر اوسه پوری داپریت په مقابل کی بیه انتی دوت (دزهرضد) ندی پیدا شوی.

لیوریت هم چه ددغه گروپ یوغری اوزهریت بی هم زیات دی دیر ژر بی خپل جگړه ایز اهمیت له لاسه ورکړه مخکه دنوموړی مادی په مقابل کی دیر بیه انتی دوت چه ددغه تاثیر بیخی له مینځه بیا هی کشف شوی دی.

نو دینوانتی دوتو نو موجودیت یوازی دسختی عامل نشی کیدی مثلاً دعضوی تسفور لرونکو زهری موادو خنثی کولو دپاره دیر زیات کارشوی اوبیه انتی دوت هم وجود لری چه دهغوی استعمال حتی دمرگ پیښوونکو دوزو په مقابل کی هم مؤثردی لکن بیه او اطمینانی نتیجه هغه وخت لاس ته راتلای شی چه انتی دوت دسمومیت په لومړ نیو دقیقو کی بدن ته داخل شی، که چیری دانتی دوت په استعمالو لوکی خنله پیښ شی په زړه پوری نتیجه بی هم دیره کمه لاس ته راخی نو مخکه دغرب یوغی لیدر ان دانتی دوت استعمال په خپل وخت سره. وپانیک اتمه موقع نه ورکول دیر یالیتوب اساسی شرط گنبی. ددغه اصل په نظر کی نیولوسره لازمه ده چه انتی دوت په بیه توگه سره وپیژنو، په خپل وخت اوسمه توگه سره هغه استعمال کړی شو. باید دسولی په وخت کی دهری زهر لرونکی مادی انتی دوت اود «شپریخ تیوب» استعمال زده کړو.

دظاهری مشخصو علامو نشته والی:

اوسنی زهر لرونکی مادی دلوسری جهانی جگړی دزهر لرونکی مادونه ددغه خاصیت په لرلو سره جلا کیږی. ټولو ته معلومه ده چه اپریت داوگی یاخردل، سینیل تیزاب دترخه بادام او فوسگن دخوسا وپو غوندی بوی لری. له ټولونه زهر لرونکی فسفو داره عضوی مادی بوی، رنگ او ذایقه نه لری ټوله دی کبله دغه امکان مینځ ته راخی چه دامواد په پټ او ناڅاپی توگه استعمال شی. بنیایی چه یعنی خلک دسمومیت په مرکزو کی دلومړ نیو نیوله لیدونه وروسته دنوموړو مادو په کشف بریالی شی. په داسی پیښو کی بنیایی چه په چټکی سره دگازاتو ماسک (ماسکه گاز) استعمال اوانتی دوت عضلی ته داخل شی. ددی لپاره چه ژر او په آسانی سره دزهر ارونکو مادو دتاثیر نښی وپیژنو نو بنیایی چه هری مادی دتاثیر ټولی مرحلی په بیه توگه سره ځان ته یادداشت کړو.

دزهری موادو دبخاراتو کثافت: دزهری موادو دیوه لیتر وزن که دیوه لیتر هوا پروزن بانندی وو پیتل شی ددغه کثافت غر گندوی هرغومره چه کثافت لوړوی په هماغه اندازی سره مواد درانه اودپیږی مودی لپاره په محمکی په مخ پاتی شی یا په بل عبارت خو سره چه دزهری موادو کثافت لوړوی په هماغه اندازی سره به ژر په هوا کی تیت اوله مینځه شی.

دسینیل دتیزاب یوه لویه نیمگړی تیا دهغوی دبخاراتو دکثافت تیتوالی دی.

هغه زهر لرونکی مواد چه دغری هیوادو په اردوگانو کی مثل شوی دی معمولاً دبخاراتو بی له هوانه خو مخله درانه دی دمثال په توگه داپریت بخار پنځه نیمه ځلکه، دفسگن ۶،۹ ځله، زرین څلور ځله زومان شپږ ځله نسبت هواته درانه دی. د(وی-گاز) بخار دزومان له بخارنه هم درانه دی. دزهری موادو دغه خاصیتونه زیات تکتیکی اهمیت لری مخکه چه ددوی په پیژندلو سره کولای شود زهری موادو دپیږی خطرناکی سیمی مینځ ته راوړو.

دزهری موادو بخارونه دپیږی مودی لپاره په هغو زیرخانو کی چه دهوا جریان کم دی، په کوڅو، کندو او ځنگلو کی پاتی کیدی شی.

دزهری موادو ددغه خاصیت په نظر کی نیولو سره نه بنیایی چه بی له ماسک نه زیرخانو یا هغو ودانو ته چه تهویه ونلری داخل شو بر سیره پردی دکیهیاوی حملی دغری په اوریدو سره نه بنیایی بی له ماسک نه له کوره راووزو، باید ددغه هدایانو سره سم فعالیت وکړو چه دراپو او یانورو تبلیغاتی لارو نه وگړو ته اعلامیږی.

داوبو په مقابل کی دزهری موادو مقاومت:

دزهری موادو دغه صفت دښو او کاریزو دسمومیت په وخت کی دیر اهمیت لری.

فسفورداره زهری مواد په تیره بیادی - گازونه دپیږی مودی لپاره په اوبو کی پاتی کیدی نشی. هرغومره چه داصفت لوړوی په هماغی اندازی سره به دپیږی مودی لپاره داوبودخیری سمومی پاتی شی. لدی کبله داصلاحت ندی چه دنوموړو سیمو اوبه بی دسوظفوخدماتو له اجازی نه دغښاک او یانورو حیاتی چارو لپاره استعمال شی.

تراوسه پوری سو په عمومی ډول سره دکیهیاوی وسلی اساسی خاصیتونه وخیل، لدی نه وروسته به دا خاصیتونه دپانگړو زهری موادو له پاره په مشخص ډول سره بیان شی په اوسنی وخت کی کوم زهری مواد دشته و هیوادو داردو گانو په تشکیل کی موجوددی؟

په اعصابو بانندی اغیزه لرونکی زهری مواد: دامواد په انځاپی ډول سره داعصابو دسیستم په مرکز بانندی اغیزه کوی او په نتیجه کی دتنفس عمل قطع کیږی. په دغه ډله کی له ټولو نه زهرداره بی زرین زومان اودی - گازونه بلل کیږی ټول نوموړی مواد مایع او ظاهری مشخص علامی نلری دغبار او څاڅکوپه ډول استعمالیدلای شی.

زرین اوزومان دقلویاتو په ذریعه دیر ژر خنثی کیږی، دی - گازونه دکلور ورکونکو مادو په وسیله ژر تجزیه کیږی په پوستکی بانندی اغیزه لرونکی زهری مواد

که چیری ددغو مادو څاڅکی په پوستکی باندی ولویری نو دډیر تاوان باعث گرځی .

ددغه گروپ ډیره په زړه پوری ماده اهریت نومیږی چه د څاڅکو او غبار په ډول استعمالیدلای شی .

اهریت د تنفسی لاری نه په آسانی سره وجود ته داخل او په سگی باندی ډیر تاثیر اچوی .

تخنیکي اهریت یوه غوره دانه مایع ده چه د حر دل یا اوگی بوی لری . کیمیاوی سپڅلی (تصفیه شوی) اهریت بوی او رنگ نلری .

خفه کونکی زهری مواد : د تنفسی دلاری ننوتونه وروسته په سگی باندی زهری اغیزه کوی فوسگن چه ددی گروپ راستو غړی دی یو لیرنگه گاز او دخو ساوینو بوی لری ، د مرگ راوستونکو پېښو لپاره استعمالیږی .

دعمومی مسمومیت زهری مواد : د تنفسی لاری نه وجودته داخل او په ډیره لږه موده کی اورگا بیزم مسمومی . پدغه گروپ کی د سینیل تیزاب ، کلورسیان او د فلور کاربن تیزاب یو لړ محصولات شاملیږی .

خارښت پیدا کونکی زهری مواد : دا مواد په موقتی ډول سره وگرپی د تاثیر باندی نیسی او په ډیره زیاته توگه سره دسترگو او تنفسی لاری مخاطی پر دوته تاوان رسوی .

پدی گروپ کی د پرنجولو زهری مواد (میتل دی کلورا ادیسن ، دی فینل کلور ادیسن ، دی فینل سیان ادیسن او داوینو راوستونکی زهری مواد (بروم بنزیل سیانید ، کلوراسته فنون اود (سی-اس) مواد شامل دی .

د کلوراسته فنون اوسی-اس مواد وزیات والی په هوا کی انسانانو باندی ډیره سخته اغیزه چه اکثرآ په مرگ سره پای ته رسیږی لری .

په وحشیانه توگه سره د سی-اس د موادو استعمال دامریکاله خوا په ویتنام باندی ددی مطلب ثبوت دی . په اروا باندی کیمیاوی تاثیر لرونکی مواد :

دایوه نوی ډله زهر لرونکی مواد دی چه دروحي و پجارتیا له پاره استعمالیږی او وجودته د تنفسی لاری نه داخلیدی شی .

پدغه گروپ کی هغه مواد شامل دی چه ډیر نږدی والی (دی ایل امید لیرزگین تیزاب) ته لری ، همدارنگه پدی ورسپو وختو کی دامریکی په اردو کی یوه نوی ماده مپوله شوی چه د (بی-زید) مخفف لری نوموړی ماده کولای شی چه لنډی او یا اوږدی روحي ناروغی منځ ته راوړی .

پدی توگه معلومیږی چه د زهری موادو هر یو ډول ځانگړی تاثیر او ظاهری علامی یی هم یوله بل نه توپیر لری .

د کیمیاوی مادو استعمال په وخت کی یوه اصطلاح چه د مسمومیت نغری (کانون) یی بولی هم دیادونی وږده .

د مسمومیت نغری (کانون) عبارت له هغی سیمی څخه ده چه دهغی ټول وگرپی ، ژوی ودانی ، نباتات او اتو سفیر

د کیمیاوی وسلی هدف گرځیدلی وی .

د کیمیاوی مسمومیت د نغری خصوصیات داستعمال شوو زهری مادو په ډول ، داستعمال طریقو ، د کال وخت ، مترو لوژی شرایط ، داسی نورو شیانو پوری اړه لری . د نوموړو خصوصیاتو پیژندنه دا امکان منځ ته راوړی چه په ډیره ښه توگه د کیمیاوی مسمومیت په نغری کی فعالیت وکړو .

د کیمیاوی مسمومیت د نغری ابعاد د ټولونه لومړی داستعمال شوی مسمومی مادی ښه فزیکي حالت او کیمیاوی ضربی په قدرت پوری اړه لری .

ددغه نغری ابعاد هغه وخت ډیر لوی وی چه کیمیاوی مواد د غبار او یا بخار په حالت دراکت یا هوایی بمونو په ذریعه استعمال شی .

یوه B-52 ډوله بمبارد الوتکه کولای شی د ۲۵۰ کیلو متر مربع په انډول د کیمیاوی مسمومیت نغری جوړ کاندی پدی معنی هغه وگرپی چه د کیمیاوی مسمومیت په نغری کی واقع شی نو ددی لپاره چه ځان له خطر وژغوری نوښای یی چه ډیر زیات واټن طی کړی او هم د ډیری مودی لپاره په تحفظی کالیو کی پاتی شی .

دا باید هیر نشی چه په تحفظی ماسک کی یی له مشق-اوترین نه د ډیری مودی لپاره اوسیدل آسان کار ندی په تیره بیا دهغو وگرپو لپاره چه د سگی او یا زړه په ناروغی اخته وی د پوستکی زهری مواد که د څاڅکی په ډول استعمال شی نو د کیمیاوی مسمومیت نغری به په لومړی وخت کی هومره لویه ساحه ونه نیسی . زهر لرونکی مواد د څاڅکو په غیر دحمکی ، نباتاتو او یا ودانیو له خوا جذبیږی او د ډیری مودی لپاره خپل زهری خاصیت له لاسه نه ورکوی . دغه زهر لرونکی مواد پس له تبخیر نه هوا تر ډیر ولرو مسافو پوری مسمومی او د تنفسی لاری نه د مسمومیت خطر مینځ ته راوړی .

دا پریت ظاهری علامی په حمکه ، نباتاتو او نورو شیانو باندی غور څاڅکی دی فوسگن د نباتاتو رنگ ته تغیر ورکوی او فسفور دازه عضوی زهر لرونکی مواد په نباتاتو باندی کومه اغیزه نلری .

ددو امدارو موادو د مسمومیت په نغری کی ځینی زهر لرونکی مادی په آسانی سره د کالیو او یا بوتونو له لیاری تیریدی شی نو ددی کبله که چیری لد زهر لرونکی ساحی نه تیریدل مدنظر وی باید له نباتاتو او یا نورو مسمومو شیانو سره تماس ونه نیول شی . تنفسی جهاز باید د گازاتو د ماسک په ذریعه وساتل شی . که چیری پدغی سیمی کی د گازاسیون اجرا شوی وی په هغه وخت کی حرکت په مخصوصه تیار شوی لاره باندی صورت نیسی .

(پاتی په ۶۱ مخ کی)

تیغ تو...

تیغ از تو لبیک نهانی از من
زخم از تو تسلیم جوانی از من
گر دل دهدت که جان ستانی از من
از تو سر تیغ و جان فشانی از من!
(خاقانی)

حریم کعبه

چه خوش است پیش زلفت سر شکوه باز کردن
گله های روز هجران به شب دراز کردن
همه روز در خیالم ، که شبی دیگر بیاید
تو و نازها که داری، من و آن نیاز کردن
سر کوی دلبر من بحریم کعبه مانند
که بهر طرف کنی رو بتوان نماز کردن
بجز از حدیث زلفت که به عمر می سرایم
همه عمر در ملالم زسخن دراز کردن
بگذار تا که « مظهر » ز تو کام دل بگیرد
تو هزار جای داری ز برای نماز کردن
« از مظهر »

دهجران غمونه

چه هوس کبری دگر بخ د پتا نه
په سرمه کپره دغه پیتی درانه
شکه شوه ترزنگانه په وینو پویه
چه بی زر که سمید له په یا نه
گوره حال د بنفشی په عاشق کبیتی
چری خورشوه خوار خسته په لپمانه
دهجران غمونه هسی زه په تنگ کرم
لکه کبیتی په چا روی میلما نه
دحمید دژر او یار دی هیخو که نه کا
رستان شی یتیمان په بیلتا نه
« حمید ماشو خیل »

بکلوه گاده

شعر وارب

چون دود

ای دیر بدست آمده بس زود برفتی
آتش زدی اندر من و چون دود برفتی
چون آرزوی تنگدلان دیر رسیدی
چون دوستی تنگدلان زود برفتی
ناگشته من از بند تو آزاد بچستی
ناکرده مرا وصل تو خشنود برفتی
آهنگ بجان من دلسوخته کردی
چون درد من عشق بیفزود برفتی
« انوری »

باران

لرستی سری اوزیری وریخی په آسمان دی
زیری لمر دی نری پرخي د باران دی
په ویا له کبیتی درنو او بو موجود نه
په خندا او په مستی کبیتی را روان دی
د ولی نه هر یو لور ته شی کبلی
خوری شوی په مثال د دستر خوان دی
یو خوا سرو سفیدی وتلی غاری
بل خوا گل شنو شاخو نو آویزان دی
ساقی جامه د میو را کپه چه مخموریم
سپیری وریخی تیری شوی د خزان دی
« ساقی »

قطعه دل انگیز از:

تسا گور

در پس این ابر های سیاه، بند های دلم از هم گسیخته
وراه خود را گم کرده است. این دل مستمند کجارا نده
میشود؟ هیچکس از آن آگاه نیست.
بر تار های ضعیف آن شراره ای درخشیده و شوری
برانگیخته است. آه این چه آواز نوید بهشی است.
این سپهر نیلگون و این سقف لاجوردی در هر گوشه اش
خرمنی از گل و برگ انباشته شده. باد طرب انگیزی که
دیوانه وار میسوزد تنها یار مهربان من است.
این باد صبر صبر کجا میرود؟ آیا از بندها آزاد است؟
بلی ...

غزال وحشی

آبا چراغ لاله دل داغدار کیست
نرگس که هر سومی نکرد انتظار کیست
گیسوی بید این همه آشفتنگی نداشت
در حیرتم چه رفته بر او سوگوار کیست
در عشق نارسان و نمناک روی یار
روشن نشد نسوس که او شرمسار کیست
از کوی او بگیریه مرا منع میکنند
یارب غبار بادیه، خاک مزار کیست
بسیار در مشام من این نگهت آشنامت
بینید کاروان نسیم از دیار کیست
اغیار هم نهاده قدم در ره طلب
بینم غزال وحشی ام آخر شکار کیست
امشب ز حد گذشت «شکیب» اضطراب من
تا باز دل، اسیر که شد، بیقرار کیست
از شکیب مرزا

خلو ریخی

حوب خاطر می له غمه زنگ شو
خراب خاطر می له غمه زنگ شو
میخا می لاره قفس بی پر یستود
ز په می کو گل کبیتی دنده زنگ شو
« پیر محمد کاکر »

جگر مسوز ...!

جا نا زمشک زلف دلم چون جگر مسوز
با من بساز و جانم از این بیشتر مسوز
هر روز تا شب چو ز عشق تو سوختم
هر شب چو شمع زار مرا تا سحر مسوز
مرغ توام بدست خودم دانه ای فرست
زین بیش در هوای خودم بال و پر مسوز
چون آرزوی وصل توام خشک و تر بسوخت
در آتش فراق، خودم خشک و تر مسوز
چون دل ببردی و جگر من بسوختی
با دل بساز و بیش از اینهم جگر مسوز
جانم از آرزوی لبیت همچو شمع سوخت
چون عود بی مشا هده آن شکر مسوز
عطار را اگر نظری بر تو او فند
این نیست و ربود نظرش در بصر مسوز

از عطار:

خوری زلفی

د سیلاب یو خو بو او بشکلی غزل دی چه پدی
برخه کی و پانندی کبیری:
چه په مخ دی خوری زلفی تار په تار شی
نو ماشومه زره په می خنکه په قرار شی
آرزو منددی دیکلا دندا رویم
ستا په یو نظر می ژوند بهار بهار شی
ستا دخیال بیا پیری راشی غلی غلی
رانه تاوی دلی دلی وار په وار شی
کری شیه می په خیالونو کی زنگیری
را نه پتی سیا وون کی دسهار شی
ستا دمنی هر کپ او په لیمو وره
خدای دی نکری چه بی تامی زره قرار شی

خوری زلفی



از جگرن - « محتملی »

فرود آمدن سالم و ایکنگ هابه سیاره مریخ نیز این ماشینهای بیجان رول عمده و اساسی را بازی کرده اند. در سفینه فضایی و ایکنگ (۱) به تنهایی ۱۵ کمپیوتر وظایف شانرا بصورت مؤقانه در فرود آمدن سفینه بصورت آرام انجام دادند که از آن جمله یک کمپیوتر بصورت منظم تمام حرکات سفینه را از ابتدای پرواز تا انجام آن مراقبت میکرد.

کمپیوتر دیگر وظیفه هدایت باراندن سفینه را عهده دار بود در حقیقت کار فضا نورد را بدون کوچکترین اشتباه و دلهره انجام میداد.

کمپیوتر دیگری حرارت داخل سفینه را از نظر اینکه وسایل و تجهیزات آن از قبیل کمره های تلویزیونی و آزمایشگاه کیمیاوی فعال باشد بدوش گرفته و درجه حرارت را بصورت دوامدار زیر نظر داشت.

کمپیوتر دیگری وظایف کنترل و هدایت دستگاه های ارتباطی سفینه را برای پیش بردن آن مؤظف شده بود، در حقیقت این کمپیوتر وظیفه تلگرافچی و مؤظف بی میم را اختیار کرده بود.

یک کمپیوتر مسوول فعال ساختن و بکار انداختن آزمایشگاه های میخانیک سفینه از قبیل بیل های میخانیکی و بازوی های اتومات آنها به پیش میبرد. بعین شکل یک تعداد کمپیوتر های دیگر نیز وظایف مختلف را در راه

قدم هائیکه طی چند سال اخیر در راه بهبود شرایط زندگی انسانها برداشته شده اگر با گذشته در یک ردیف قرار گیرد اصلاً قابل مقایسه و برابری نمی باشد، زیرا در گذشته علاوه از آنکه این انکشافات و تحولات بطی بوده همچنین شناخت و برداشت انسانهای آندور و زمان تا انسانهای فعلی بفرسنگ ها فاصله دارد.

در عصر حاضر مخصوصاً طی دهه اخیر سیانس و تکنولوژی باوج خویش رسیده و ساحه دیدانسانها نیز فراخ تر و وسیع تر شده تا جائیکه دانشمندان پا از حدود زمین فراتر گذاشته و در شناخت جهان های دوردست مساعی دوامداری را پشت سر گذاشته و بسیاری دیگر دسترس پیدا و از چگونگی شرایط حیات در برخی از آنها آگاهی حاصل کردند. هنوز هم این مساعی بکمال شدت ادامه دارد تا از نتایج زحمات پیگیر خویش ثمره خوبی را اغرض زندگی بهتر بدست بیاورند.

اگر یک نظر سطحی باین انکشافات اخیر انداخته شود بوضاحت ثابت میگردد که در به ثمر رسانیدن آن کمپیوترها نقش عمده ای را ایفا کرده که اگر ما به بالعموم ساحه های انکشافی اخیر که نمایندگی از تکنولوژی قوی امروزی میکند دقیق شویم، آشکار خواهد گردید که در با انجام رسانیدن اکثریت آنها کمپیوترها نقش حیاتی داشته است، چنانچه در پیاده کردن انسان به مهتاب توسط پروژه های اپولو و یا

فروند آمدن و ایکنگکها بمریخ عهده دار بودند که بصورت مؤلفانه آنرا انجام داده و هنوز هم به تحقیقات خویش ادامه میدهند .

خلاصه باید گفت که در بالعموم ساحه های حیاتی این ماشین های بیجان راه یافته و در تحولات کنونی جهانی این مغزهای الکترونیکی مهم براننده دارند که در اینجا بسته، بسته از تازه های جهان کمپیوتر که چه شگفتیها را بمیان آورده اند و چه نقشی را در گرداندن چرخهای زندگی انسانها انجام داده اند صحبت کرده و آخرین تحولات آنها را از نظر میگذرانیم .

یکی از موارد استعمال فعلی کمپیوتر که از آن نتیجه دلخواه بدست آمده در ساحه طبابت میباشد. در حال حاضر در اکثر آ از شفاخانه های مدرن جهان حتی در بعضی مواقع از کمپیوتر بجای طبیب استفاده میکنند، مخصوصاً در رشته رادیوگرافی و گراف های مختلف نتیجه آن تا حال بسیار مطلوب و قناعت بخش بدست آمده .

بطور مثال تداوی با کمک کمپیوتر توسط اقامت مغز برای نتایج بسیار مفید را برای مریض باقی میگذارد .

طبق اظهار نفر اداره کنندگان این تمرورش مذکور کمبود داکتر و تسهیلات صحرای در یک منطقه و یا یک کشور جبران خواهد کرده و وسایل جدید مسافرت های غیر ضروری مریض و داکتر را حذف کرده و مراقبت از مریضان را در مواقع ضروری و فوری و اضطراری تسریع خواهد نمود و در آید ممکن است بهترین مراقبت های پزشکی را که امکان پذیر باشد برای هر مریض در هر نقطه از زمین تامین کند .

این شیوه تداوی که بنام «تله مدیسن» یاد میشود برای جوامع دور افتاده که بخواهند پرستار یا معاون داکتر را برای کیتیک های خورد و مراکز طبی منطقه ای تربیت کنند بسیار با ارزش خواهد بود .

در این شیوه برای مشاوره از متخصصان مرکزی طبیب محلی که تقریباً ۸۰ کیلومتر با آنها فاصله دارد توسط قمر طبی تماس حاصل میکنند .

قبل از ویزیت داکتر، اوراق مریض توسط قمر و کمپیوتر آماده خواهد شد. داکتر او امر لازم را به معاونین خویش داده و گزارش داکتر درباره مریض توسط قمر مغز برای برای ضبط در کمپیوتر ارسال میشود که با این صورت در تشخیص و تداوی مریض از سرعت عمل کار گرفته و برای بهبود مریض فوق العاده مؤثر و با ارزش واقع میگردد .

این طرز تداوی قرار اظهار گردانندگان مسوول آن فوق العاده تا حال مؤثر ثابت گردیده و بتداوی بسیاری از مریضان پرداخته است که مورد زیر یکی از موارد است که ارزش تله مدیسن را بخوبی نشان میدهد .

هنگامیکه کشتی سیار یک روغتون امریکا بنام «امید» از

بندر خورد مایسو دیدن میکرد یک جوان مریض ۱۷ ساله بوری عشه کشتی آورده شد، مریض شدید اوداکترها را بحیرت انداخته بود و برای تشخیص مریض به متخصصین ورزیده احتیاج داشتند این کشتی یک دستگاه گیرنده و فرستنده کوچک با خود داشت و مرتب از طریق ماهواره انتلسات به ترمینال بزرگ در آژانسگاه های ماهواره های مغز برای در کلاک بزرگ، مریض در نزدیکی شهر واشنگتن مغز به میگردد. مشخصات مریض همراه با فیلم های اشعه مجهول و سلایدهای میکروسکوپی و سایر اطلاعات به واشنگتن که گروهی از متخصصین در آنجا جمع شده بودند ارسال گردید که در نتیجه آنها مریض جوان ۱۷ ساله را یک بیماری نادر خونی تثبیت وادویه های لازم را تجویز کردند که با اثر آن در ظرف چند روز مریض فوق العاده طاقت فرسای مریض جوان بکلی بهبود پیدا کرده و وی بکارهای روزمره خویش پرداخت. اگرچه این شیوه تداوی مراحل مقدماتی خویش را میبیماید مگر با آنها باید گفت که آینده بسیار نوید بخشی را برای انسانها با خود همراه داشت .

کمپیوتر دیگری که در این اواخر طرف استفاده قرار گرفته عبارت از ماشین های الکترونیکی قلب دار یا کمپیوتر های قلب دار میباشد .

این کمپیوتر قسمتی است از یک سیستم الکتروکاردیو گرام که کامپو - گرام نامیده میشود که شرکت کرو - مدیونیک آنرا ساخته است و با همکاری روغتون مونت سینالی کار میکند. ماشین های «کرو - مد» اوراق را از مرکز تحقیقاتی و مهندسی اسودر نیوجرسی بمرکز کمپیوتر در شهر نیویورک که ۲۵ میل راه یا مسافت است انتقال میدهد .

در یک سال گذشته هر وقت نوار قلب مریض برداشته شده به کمپیوتر نیز اطلاعات مربوط بقلب مریض مذکور داده شده تا آنرا برای استفاده در آینده در حافظه خود ذخیره کند .

ماشین های الکتروکاردیوگرام جدید این امکان را فراهم ساخته تا از قلب هر کارمند نوار برداشته شود و بعداً طرف بررسی کمپیوتر و یک مسوول قلب از روغتون مونت سینالی قرار گیرد .

توسط دستگاه جدید از قلب کارمندی بنام تونی از شرکت اونیوار برداشته شده و رشته به سینه و یک رشته بدست و پای او وصل گردیده است ماشین طرز کار قلب او را بالای کاغذ و یک نوار مقناطیسی که داخل ماشین است ثبت میکند . پس از اتمام کار «تاب» تکنیسین طبیی ماشین را به تلفون وصل کرده ، شماره روغتون مونت سینالی را گرفته و نوار را مستقیماً به کمپیوتر روغتون ریلی میکند . کمپیوتر و یک متخصص قلب نوار مذکور را تفسیر میکنند و اگر در این مورد ابهامی وجود داشته باشد

فوراً متخصص قلب آنرا طرف بررسی قرار میدهد و نتیجه را اعلام میکند.

داکتر کالدول مدیر پروگرام این شیوه برای نصب و بکار انداختن ماشین مذکور سه دلیل عمده ذیل را ذکر میکند.

۱- بالا بردن سطح تشخیص در کلینیک ها .
۲- صرفه جویی در وقت برای ثبت و تفسیر نوار «فیته» قلبی توسط داکتر و تکنیسین ها .

۳- ایجاد تسهیلات در مورد تفسیر علامات قلب در مواقع اضطراری تا بصورت فوری معالجات درست انجام گیرد .

ساعت های کمپیوتر فراورده جدید دیگر از جهان کمپیوتر یا ماشین های الکترونیکی میباشد که در اینجا بذکر آن پرداخته میشود .

مجله وکتور نشریه شرکت هوا پیمان سازی هیوز امریکائی در مورد این ساعت های کمپیوتری چنین اظهار نظر میدارد . بصورت قطعی نمی توان گفت ساعت سازان ابتدائی از کدام وسایلی برای نشان دادن وقت استفاده میکردند اما بدون شک ساعت آفتابی یکی از ساعت های اولیه بوده که این ساعت ها نه در شب و نه در روز های ابر آلود قابل استفاده نبود که با این صورت بزودی جزء آثار تزیینی در آمد .

سپس ساعت های آبی طرف استفاده قرار گرفت، این ساعت ها که ابتداء طرف استفاده یونانیها و رومی ها قرار گرفت قسمی ساخته شده بود که با چکیدن قطرات از سوراخ های خورد در ته یک ظرف مدرج گذشت وقت را نشان میداد . سپس به ساعت آبی با اضافه کردن یک چرخ دنده دار و یک شاخص بشکل یک صفحه تکمیل گردیده بعد عوض آب از وزنه استفاده شد تا چرخ را بگرداند .

اما هیچکدام این ساعت ها وقت را صحیح نشان نمی داد تا اینکه « کریستیان هویگی » یک ریاضی دان هالندی در حدود سال ۱۶۵۸ بفک ساختن پاندول و هرم های افقی افتاد .

پتیه هتالین ساعت خورد خود را در سال ۱۵۰۰ در نور بزرگ المان بدوستانان وقت عرضه کرد، اما چون این ساعت ها از لحاظ شکل و اندازه به تخم مرغ شباهت داشتند آنها را تخم مرغ های نور بزرگ مسمی کردند این ساعت ها که با اندازه تخم مرغ آبی بود در روز ۳ مرتبه کولک میشد و تقریباً در مدت ۳۴ ساعت یک ساعت اختلاف با وقت اساسی پیدا میکرد .

اگر چه در آنوقت در بند دست بسته کردن مروج نشده بود مگر با نهم طرفداری زیادی را بخود پیدا کرده و بقیعت بسیار زیاد فروخته میشد .

ساعت های اولیه را باشکال بسیار عجیب مانند جمجمه میوه، بکس دستی و حتی بالای عصای دست آنرا قرار داده و جواهرات را بصورت تزیینی در آن بکار میبردند که بیشتر آنها قسمیکه امروز مروج است قاب های فلزی داشتند .

اصلاحاتی در قرن ۱۶ در این ساعت ها پدید آمد که یکی آن اضافه کردن عقربه های ثانیه شمار بود . فتر اصلی ساعت در سالهای ۱۶۰۰ ورقاصک در سال ۱۶۵۸ ساخته شده جای وزنه و پاندول را گرفتند . چنین ساعت ها با کلید جداگانه کولک میشدند تا ایشک در حدود سال های ۱۸۸۰ اولین ساعت با کلید که در خود ساعت جای داده شده بود بیازار عرضه گردید . مدت کمی از آن سپری نگردید که در امریکا صنعت ساعت سازی ماشینی گردید و در نتیجه کاهش قیمت استفاده از ساعت ساحه فراخ تر را در بر گرفت و تعداد زیاد تر مردم قادر بخریدن آن شدند .

تقریباً ده سال پیشتر ساعت جدیدی عرضه گردید که در آن عوض ورقاصک و فتر اصلی یک چنگک نوسان و ماشین الکترونیکی در آن ساعت جای داده شده بوده اختلاف وقت در این ساعت در مدت یکماه تقریباً بیک دقیقه میرسد .

اما بعد از سپری شدن قرن که تغییر عمده ای در ساعت ها داده نشد بالاخره در ۶ سال گذشته تحول بزرگی در ساعت ها بوجود آمد . تبدیل حرکت میخانیککی بحرکت کاملاً الکترونیکی که بپرکت صنعت الکترونیکی انجام پذیر شد صنعت ساعت سازی را دگرگون کرد .

در ساعت های مدرن برعکس ساعت های قدیمی اثری از صدای حرکت چرخ ها وجود ندارد . ساعت بتمام معنی الکترونیکی امروز عقربه ، فتر یا ماشین ندارد . در این نوع ساعت ها قطعات متحرک که در اثر کار مداوم فرسوده میشوند وجود نداشته سسین و پاک کاری را نمی خواهد . برعکس با اندازه زیاد دقیق بوده و وقت را بصورت درست نشان میدهد .

آنچه باعث این همه تحولات شده عبارت از قطعه کوچکی کوارتز میباشد که بعنوان منبع وقت در ساعت های دستی طرف استفاده قرار گرفته است استفاده از کوارتز تا زنگی نداشته در حقیقت همان چیزی میباشد که برای ثبت انتقال فریکانس یک ایستگاه رادیویی بکار برده میشود و وقتیکه از آن بقسم منبع تعیین وقت در یک ساعت استفاده میشود اندازه وقت را از ۱۵ تا ۱ ثانیه اختلاف در یکماه میرساند .

ساعت های جدید الکترونیکی بطری دار بر اساس تبدیل دقیق فریکانس ارتعاش کریستال کوارتز بیک علامت کار میکنند و این علامت مانند چراغ های خورد نیون ارقام را بالای صفحه ساعت نشان میدهد از آنجا که در ارتعاش کریستال هیچ گاه تغییری رخ نمی دهد لذا ساعت های الکترونیکی همیشه وقت را بصورت درست نشان میدهند . دو عنصر جدید در الکترونیک یعنی مدارهای یکپارچه

و نمایش ارقام توسط نور عوض عقربه باعث تحول عمیق در صنعت ساعت سازی گردید و تیکه‌های این ۲ کیفیت با کریستال کوآرتز توأم گردید ساعت های جدید مشتریان زیادی پیدا کردند. آنچه در این ساعت ها نوآوری آورده اینست که مکانیزم تقسیم فریکانس و سیستم نمایش ارقام با هم آهنگی مطلق کار خود را بر سر می‌سازند یکی ضربانها را تولید میکند و دیگری «مانند یک کمپیوتر» ضربانها را ترجمه و بصورت ارقام صحیح در می‌آورد.

ساعت های جدید ارقامی که در آنها از مدل های ساخت هیوز بهره برداری میشود بر دو قسم میباشد.

دیویدهای ساطع کننده نور بنام «لد» و نوع کریستال مایع بنام «ال سی دی».

با فشار کلید در ساعت های لد، وقت بساعت، دقیقه، ثانیه و تاریخ آشکار میگردد.

چون ساعت های لد با اندازه کافی انرژی مصرف میکنند که باید همیشه آنها شارژ کرد، لذا فقط هنگامی که بخواهند وقت را بدانند کلید را فشار میدهند و بقیه اوقات خاموش است.

ساعت های لد چون نور ساطع میکنند شب هنگام و در هوای نیمه روشن باسانی میتوان علایم را تشخیص داد. اما در زیر شعاع مستقیم آفتاب ارقام بخوبی و بصورت واضح دیده نمی‌شود لذا باید از شیشه های تاریک برای ابره ساعت استفاده شود برای نشان دادن رقم ۸ عمل هفت قطعه در داخل ساعت و حداکثر نیرو لازم است در حالیکه برای نمایش رقم (۱) حداقل نیرو مصرف شده و بعمل ۲ قطعه احتیاج دارد.

یک مدار جامد یک برهشتم انچ که حاوی برابر ۱۵۰۰ ترانزستور بوده و مانند یک کمپیوتر بسیار خورد است قلب این ساعت ها را تشکیل میدهد و قطعات دیگر این ساعت ۲ مدار یکپارچه معمولی «۲ قطبی» است که برای نشان دادن ارقام باطریها و کریستال طرف استفاده قرار میگیرد و تعداد ضربان کریستال در هر ثانیه به ۷۸۶۰۰۰ میرسد.

ساعت های ال - دی - سی با قدرت بسیار خورد تری فعالیت میکنند پس دایم روشن بوده و احتیاج به فشارد کمه ندارد اما در محیط اطراف آن باید روشنی کافی وجود داشته باشد تا ارقام دیده شود.

یکنوع کمپیوتر دیگر که در این اواخر رواج و تقریباً با کثرت از کشورهای جهان راه پیدا کرده است ماشین های حساب کمپیوتری میباشد که علاوه از تصفیه حساب های روزمره در تدريس شاگردان نیز نقش مفیدی را بازی کرده و حتی در برخی از مدارس جزئی از پروگرام درسی شان بحساب میرود.

تا چند سال پیشتر این ماشین های الکترونیکی با اندازه قیمت بود که بمرتب اول صرف خریدی ها از آن استفاده میکردند، اما موقعیکه تولید بالا رفته از قیمت آنها هم بقدر کافی کم شده و در شرائط موجود قیمت اکثر از ماشین های حساب به (۵۰۰) افغانی میرسد که باین صورت همه ساله تقریباً صدها میلیون این نوع ماشین های حساب کمپیوتری بفروش میرسد که در موارد مختلف از آن استفاده میکنند مخصوصاً در ساحه تدريس اضافه تراستعمال میگردد.

رواج روز افزون این ماشین ها در بین متعلمین و معلمان نشان میدهد که در مدارس ماشین های مذکور طرفداران زیادی پیدا کرده است.

در ابتداء به نسبت گرانی قیمت ماشین ها بقسم امانت از طرف طلاب گرفته میشد اما در شرائط موجود به نسبت کمی قیمت یک معلم میتواند به سهولت از آن استفاده بگیرد.

معلمی در اطراف نقش ماشین حساب کمپیوتری چنین اظهار میدارد «شاگردانی که علاقه نداشتند در ساعت ریاضی شرکت کنند فعلاً بامیل زیاد در انتظار زنگ ریاضی هستند».

برنامه کوپرتینو یک یک پروگرام امتحانی است که توسط مشاور آموزشی «والاس جلد» در مورد ۱۴۰۰ متعلم صنوف ابتدایی در ۴ شهر مختلف اجرا میشود. جدآ تا کید میکنند که متعلمین این پروگرام باید اول راه حل یک مسئله ریاضی را بدانند و بعد از ماشین حساب استفاده کنند «ماشین حساب جواب غلط نمی دهد اما اگر مسئله غلط حل شود جواب آن غلط خواهد بود».

عامل مؤثر این تکنولوژی پیشرفته که باعث ساختن ماشین های کوچک حساب شده قطعات خوردی است که در ساختن آنها بکار میرود. هسته مرکزی هر ماشین یک تکه چوب خورد کریستال است که بقسم نیمه هادی کار میکند، بالای یک قطعه خورد تر از ناخن هزاران مدار بسته الکترونیکی جای داده شده و در نتیجه ساده ترین این ماشین ها میتوانند عمل اصلی جمع یا منفی یا ضرب و تقسیم را انجام بدهند. البته ماشین های حساب کمپیوتری جامع تری با ارزش چندین صد دلار یا بیشتر از آن ساخته شده که میتوانند مسایل جذر، لگاریتم یا مثلثات و سایر مشکل دیگر را حل کنند. که این ماشین ها هم مانند ماشین های حساب کمپیوتری دیگر با اندازه خورد اند که حتی در جیب یک پیراهن باسانی جای گرفته میتوانند.

اگر چه مخالفین این نوع ماشین های تدريس متعلمین خیلی ها فراوان میباشند و عقیده دارند که چنین ماشین ها

متعلمین را تنبل و نالایق بار میاورد مگر بآنهم باید گفت شکی نیست که ماشین های حساب با ساده کردن محاسبات خسته کننده و طولانی کمک مؤثری به متعلمین میکند که استفاده عمومی از این ماشین های یک امر غیر ممکن است. باید افزود چندی نخواهد گذشت که این ماشین ها تکامل یافته و چیزی سپری نخواهد شد که مثل قلم و کتایبچه و غیره جزء وسایل تحصیلی قرار گیرد. در حقیقت میتوان گفت پایانی برای نوآوری در این زمینه وجود ندارد.

طبق گفته، یک دانشمند کالیفرنایی بنام «داوید» تا سال ۱۹۸۰ کمپیوترهای از روی ماشین حساب ساخته خواهد شد که محتوی ۵۰ میلیون اطلاعات باشند.

چنین ماشینی نه فقط برای متعلم معادلات ریاضی را یاد خواهد داد بلکه بآنها یادگیر فن املاء و حتی زبان های مختلف خارجی کمک بسزایی خواهد نمود. که در این مورد مطالعات دامنه داری دست است تا ماشین هایی را عرضه کنند که از هر حیث جواب گوی نیازمندیهای ضروری و حیاتی متعلمین و حتی متخصصین رشته های مختلف شده بتوانند.

یکی دیگر از تازه های جهان کمپیوتر مارکیت های مجهز یا مغز الکترونیکی و یا کمپیوتر می باشد.

خرید مواد غذایی از سوپر مارکیت های عصری که دارای قفسه های روشن با هزاران نوع مختلف کالا و غذا می باشد بدست خود قابل دیدن و تماشا می باشد که خریداران بدون کوچکترین زحمتی از آشنایی آن خریداری میکنند.

با تریبات کنترول که جدیداً طرف استفاده قرار گرفته خرید و فروش مواد غذایی نسبت بگذشته بمراتب آسانتر و سهل تر خواهد شد.

با استفاده از چشم الکترونیکی و کمپیوتر برای ثبت قیمت هر قسم جنس و جمع کردن آنها خریدار میتواند در مدت ۲ تا ۵ دقیقه قیمت کالای یک هفته خود را بپردازد و علاوه از مشتری خود صاحبان اجناس هم از این سرعت کار راضی خواهد شد. با تحقیقات جدیدی که طی ده سال گذشته در این مورد شده ثابت گردیده که سالانه صدها میلیون دلار از این بابت صرفه جوئی میشود.

رقابت های شدید یکدیگر بین سوپر مارکیت ها وجود دارد سبب خواهد شد که حداقل حصه از این مبلغ صرفه جوئی شده و بصورت قیمت ارزانتر به مشتریان دوباره برگردانده شود.

این تجویزات که بزودی در فروشگاه ها نصب خواهد شد تا سال ۱۹۸۰ انتظار میرود که ساحه آن وسیع تر شده و شکل عمومی را در برخی از کشورها بخود اختیار کند.

قطعات فنی این سیستم بسیار جالب است اما کار اصلی بدو ش شماره مخصوص کالاست که عبارت است از یک شماره «۱۰» رقمی که بالای هر بسته از مواد غذایی نصب میشود، شماره زیر یک سمبول قرار دارد و حاوی خطوط کوچک عمودی است

که چشم الکترونیکی به بسیار سهولت میتواند آنها را بخواند این خطوط با شماره های یکدیگر بزرگ چاپ شده مطابقت داشته و در رقم اول آن مربوط بسازنده جنس بوده و پنج رقم دیگر شاخص کالای وزن حجم آن میباشد.

با همکاری عموم طبقات صنایع غذایی این امکان فراهم شده است که برای نفریها هر کالا نیکه در سوپر مارکیت فروخته میشود یک شماره و سمبول واحد طرح گردد.

و قتیکه مشتریها اجناس طرف پستند و با ضرورت خویش را بالای یک تخته صورت حساب شکل قرار میدهند، یک محاسب یک چشم الکترونیکی و یک ترمینال خورد کمپیوتر را در مقابل خود میبیند، چشم الکترونیکی قیمت کالا را میخواند و محاسب در این وقت بسته ها را از مقابل چشم الکترونیکی تیر کرده و داخل پاکت میگذارد.

چشم الکترونیکی تمام مشخصات بسته مذکور را خوانده و آنها را به ترمینال میدهد، سپس ترمینال شماره را به کمپیوتر مرکزی که باشماره، نام و اندازه و قیمت هر جنس فروخته شده طرح ریزی شده پس میدهد.

کمپیوتر یک شماره های جنس را از ترمینال گرفته تمامی اطلاعات را جمع آوری کرده و دوباره آنها را ترمینال رجعت میدهد تا بالای یک صفحه روشن پخش و نمایان گردد که تمامی این عملیه ها در کمتر از یک ثانیه صورت میگیرد.

و قتیکه تمام اجناس زیر کنترول قرار گرفت ماشین حساب قیمت ها را جمع کرده مالیات مختلف را از آن کم میکند و بالاخره بعد از آنکه صورت حساب پرداخته شد اجازه خروج برای جنس فروخته شده داده میشود، ۲ نسخه خرید نیز بان علاوه میگردد که در هر کدام نوع، وزن جنسیت و قیمت کالا درج بوده یکی آن نزد خریدار و دیگری آن بنزد صاحب مال باقی مانده بعوض سند او محسوب میگردد.

بزرگتری بسیار زیاد این شیوه در آنست که از همه اولتر از وقت تصرف شده و صاحب مال میداند که چه اندازه مال از کدام نوم جنس او فروخته شده و یا چه اندازه باقی مانده که با اساس آن حسابات خویش را کنترول کرده و می فهمد که کدام جنس و اضافه تر خریدار دارد تا بخرید مجدد آن اقدام ورزد. بعین ترتیب جنس را که کمتر فروش دارد میتواند که با کم کردن قیمت آنها از بالای خویش دور کرده و مجدد آن فروش برساند.

آخرین مطلب این شماره را کمپیوتری کردن هواشناسی احتوا میکند.

انسانها از بسیار زمانه های قدیم برای آنکه خود را از گزند سرما و گرما در امان نگه دارند به پیشگوئی و پیش بینی وضع هوا اهمیت زیاد قایل بودند و با انواع مختلف به پیشگوئی وضع هوا میپرداختند.

آنها بعضاً از مهاجرت پرندگان، تغییر رنگ برگ درختان ضخامت بشم حیوانات، سمت شدن مقاصل، ساختن لانه

پژندگان، مورچه‌ها و اکثر آ از موارد دیگر به نفع پیشگویی خویش استفاده و منفعت میبردند .

در سال‌های اخیر طریقه‌های عصری‌تری برای پیش بینی وضع هوا طرف استفاده قرار داده شد که با وصف آن تا چند سال پیشتر هنوز این پیشگویی‌ها آنقدرها که لازم بود بحقیقت قرین نمیشد .

اما پیشگویی‌های موجوده با در دست داشتن وسایل کافی و تکنولوژی قوی امروزی از هروقت دیگر مقرون به صحت میباشد که در اینجا شمه مختصر آنرا از نظر میگذرانیم که در آن کمپیوتر نقش اساسی را عهده دار میباشد .

در لابراتوار جیوفیزیکی کالج فانتال گروهی اضافه‌تر از ۱۰۰ نفر شامل هواشناسان ، اقیانوس‌نگاران ، فزیکدانان و ریاضی‌دانان با کمک یکی از پر قدرت ترین کمپیوترهای جهان برای پیشگویی هرچه خوبتر تلاش میکنند کمپیوتر مذکور که یک حافظه قوی برای دسترس بیک میلیون کلمه دارد و سرعت آن در حدود ۳۵ میلیون عملیه حساب در هر ثانیه است مخصوص برای همین لابراتوار ساخته شده است .

حیثیکه کمپیوتر به تمام معنی مصروف کار میباشد گر و پ متخصمین لابراتوار محتملا مکمل ترین تسهیلات را برای آزمایش مدل‌های رومی اتموسفیر در اختیار خواهند داشت . با استفاده از این کمپیوتر چیزی را که هواشناسان در هوا می بینند با دید عادی فرق دارد ، زیرا مایک روز آفتابی را صاف و قشنگ و زیبا می بینیم در حالیکه گروه دانشمندان هواشناسی آنرا در طی معادلات بفرنج ریاضی مشاهده میکنند بعبارة دیگر زبان لابراتوار یک زبان ریاضی است که عوض کلمات از اعداد و ارقام برای توصیف جریانها و رویدادهای جوی استفاده میکنند .

با چنین پیشگویی‌ها تسخیکه در بالا ذکر گردید روزی فرا خواهد رسید که دانشمندان به موفقیت های بزرگی دست خواهند یافت با پیدا فزود کمپیوتر لابراتوار جیوفیزیکی پریستون حاوی اطلاعاتی درباره اتموسفیر زمین است که با اندازه‌های تخمیناً ۲۰۰-۳۰۰ کیلومتر طول و ۵ کیلومتر عمق تقسیم شده می باشد ، سپس اطلاعات جوی درباره این اندازه‌ها همراه با مدل‌های ریاضی مربوط بقوانین فزیک به کمپیوتر داده میشود ، و بان امر میله‌ها تا هوارا پیش بینی کند ، کمپیوتر که دارای اوامر و اطلاعات قبلی است فورمول‌های ریاضی را حل کرده تغییرات و حرکات اتموسفیر را محاسبه و یک پیشگویی برای اولین فاصله زمانی میکند که با استفاده از نتیجه حاصله فاصله بعدی را پیشگویی میکند و این محاسبه که بسیار پیچیده میباشد در حدود ۱۰۰ ترلیون عملیات کمپیوتری را بکار دارد تا یک پیشگویی نسبتاً دوامدار یکساله را روشن و آشکار میسازد .

گرمی و یسردی که ما به آسانی از آن یاد کرده خوب

و یابد آنرا میگوئیم در حقیقت رویدادهای هستند بر اساس قوانین فزیک که با عملی کردن قوانین فوق توسط کمپیوتر دانشمندان خوشبین هستند تا این امکان فراهم شود که آنها تنها وضع هوارا با درستی بیشتری پیشگویی کنند بلکه همچنین آلودگی هوا و بحار را بسطح جهانی پیشگویی کرده و نتایج آنرا محاسبه دقیق کنند ، طوفانها را پیشگویی کرده راه تعدیل و جلوگیری از طوفانها و بعین شکل تعدیل آب و هوا را آزمایش کنند ، برای همین مقصد از طرف برخی از کشورها یکنعداد اعمار هواشناسی بهوا فرستاده میشود تا وضعیت هوا را بصورت دقیق ودوامدار زیر نظر گرفته و حتی تا حد امکان از طوفانها و غیره خسارات ناشی از آن جلوگیری کنند که در همه احوال کمپیوتر رول و نقش اساسی را در این قبیل پیش بینیهای وضع هوا بازی کرده و با گذشت زمان و انکشاف هرچه بیشتر آن در آینده امید است تاموفقیت‌های بزرگی از این ناحیه برای انسانها و زندگی آرام شان دست بدهد ، که البته این امر کمپیوتری کردن هواشناسی را بصورت قطعی بوجود خواهد آورد ، چطوریکه فعلا برخی از کشور از آن استفاده میبرند .

دکیمیاوی و سلی پمقابل کی ...

(۵۳د مخ پاتر کی)

دکیمیاوی مسمومیت د نغری دوام داستعمال شوی مادی به تیمپ او داستعمال په طریقی پوری اړه لری . دکیمیاوی مسمومیت غیر دوامدار نغری هغه وخت جوړیدی شی چه غیر دوامداره زهری مواد د گاز ، غبار او یا بخار په توگه استعمال شی . غیر دوامداره نغری خپل مضره تاثیر تر ۳-۶ ساعتو پوری ساتی او پس له هغه نه خطر یی ډیر کمیری . د (ماسکه گاز) ویستل هغه وخت مجاز دی چه د آلام اشاره او یا قوماده ورکړه شی دکیمیاوی مسمومیت دوامداره نغری هغه وخت جوړیږی چه د ښمن زهر لرونکی مادی د شاخکو یا نورو غلیظو مواد په غیر استعمال کړی .

نظر په موسم ، مترو لوژی شرایط او دحمکی جگوالی او تیهوالی سره زهر لرونکی مادی خپل مضر خاصیت تر ډیرو ساعتو ، هفتو او حتی میاشتو پوری ساتی .

زهری مواد له هغو حمکو چه وایه ونه لری په تودو لمر لرونکو وړخوکی ډیر ژر تبخیر ږیری پدغه شاتنه وړخوکی ډیر دوامداره مواد لکه وی - گازونه هم خپل زهری خاصیت تر ۱-۳ شپو وړخو نه زیات نشی ساتلی . پدی ډول باید له یاده ونه وزی چه د مسمومی سببی ډیر ددغو زهری مادو بخار یوه زهر لرونکی هوا تشکیلوی .

په یخو وړخوکی چه آسمان هم وریخوی د زهر لرونکو موادو شاخکی ډیری زیاتی مودی له پاره په هغو حمکو- کی چه له نباتاتو بوټی او یا ځنگل ولری پاتی کیدی (پاتی په ۶۸ مخ کی)

په مات شوی غلیم پسی پل وړل

او د بوی په واسطه دهغه پلتنه او تعقیب

سره ځایه وظیفه اجرا کړي او ډېرې داسې واقعې هم پېښې شوي دي چې د سې د په کار اچولوله کبله یوه ډېره تاوانې حاصله په لاس راغلي ده، ددی علت داسې چې د سې استخدام کوونکي څېښې مجدود پلتنه په صحیح توګه نه دی څیړلي او با ارزښته حاصله دیوه سې د استخدام څخه هغه وخت په لاس راځي چې استخدام کوونکي د سې په استخدام کې د بیه فهم او کافي معلوماتو خاوندوي .

زموږه د هیواد په ټولو ګوتو نوکی چې له او ږدو وختونو راهیسې په غرونو او رغونو کې د ځناورو او غرنیو څلور بولو ښکار دیوی لرغونې عنعنې پشکل سره لا اوس هم عموسیت لری دراز، راز تازی سېو په واسطه د ځناورو د ښکار کولو په برخه کې لاس په کار پری او نه یوازې دا چې د دغو ښکاری سېو په ډله کې پل وړونکی سې خو په تیره بیا د اووړی پر مخ باندې د ښکار پلتنو کې زیات دی بلکه بوی لرونکی سې هم شته چې په مطلوب ښکار پسی حتی چې ښمځی او غارونه هم پلته او خپل ښکار زن خاوند ته په یقین سره ږاډ او معلومات ورکوی چې ښکارونکی ځناور په همدغه سې په غارونو کې هم ورسې ورننوزی او د توان تر حده پوری خپله ډله په بری سره تر سره کوی چې د همدغه ډول سېو د ښوونې او روزنې له لاری نه د غلیم د پلتنې په برخه کې په زړه پوری ګټه تر لاسه کیدلای شی .

د سېو غوره او صاف :- سې د خپلو لاندنیو غوره اوصافو په رلودلو سره رښتیا هم چې د ساتنې وړیو حیوان دی :
 ۱- سې د خپلې وقاله حیثه یو ممتاز څلور بول دی .
 ۲- د لوړې په مقابل کې د صبر په ښکارولو سره زیات شهرت لری .

۳- د پخنی او ګرمی په مقابل کې د سې د وجود مقاومت د انسان په نسبت زیات دی .

۴- مقابل لوری د جګړې په وخت کې ورباندې ژر تر ژره اشتباه نه شی کولی .

د پل وړونکی سې د ګرو پونو سې د پتو شویو کسانو په هکله او هم دهغه غلیم په باب چې د ګرمی ځای ته رانږدې کیري خپل ګروپ ایقاظوي چې دغه کار پخپله یو ډېر ګټور او با ارزښته کار دی « په تیره بیا په شپږو حر کاتو کې » .

پل وړونکی سې د جګړه یزو سېو څخه د لوړې تربیې درلودونکی سې دی، د د ډول سېو پلتنه او روزنه د دوی په هغه قدرت پوری اړه لري چې د ښکار د تعقیب په هکله ورسره دی نه دده د حیوانی غریزی په اساس .

پل وړونکی سې په حقیقت کې یوه با ارزښته وسله ده چې که چیرې ور څخه په مطلوب ډول کار واخستل شي نو د کشف په برخه کې د غلیم په نسبت زیات امتیازات تر لاسه کیدلای شي. کله چې غلیم پوه شي چې د پل وړونکو سېو له خوا ورپسې پلتنه روانه ده نو دا کار پخپله د تښتېه کوونکي غلیم د خاصې وارخطایې سبب ګرزي او همدغه وارخطایې ددی پر ځای چې دده د خلاصون باعث شي، د سې د فعالیت دپاره لاوره هم ښه زمینه برابروي، ځکه چې په داسې حالت کې د انسان دو جود بوی لازیات او قوي کیري او د پل وړونکي سې د زیات بری سبب ګرزي .

ددی مقصد دپاره معمولاً هغه سې استعمالیږي چې په آسانی سره اهلي او آرام کیدونکي وي او هم ښه پوره او قوي دشامې حس ولري لکه دغه لاندنی نژادونه :-

Blood Hounds - Retrieves - labradors
Dobrman Pinscher Sand Alsatians

ددی دپاره چې د سېو د ښکار اچولو څخه ښه نتیجه واخستل شي نو ښائی چې د استعمال وخت او ځای یې په دقیق ډول سره وپېژندل شي ځکه چې سې لکه نور ځناوران د محیطی او خارجی تاثیراتو تر نفوذ لاندې په چټکي سره راځي او ځان ورسره سم عیاروي نو دا ښکاری چې دیوه سې څخه که څه هم چې یوه ډیره ښه ښوونه او روزنه یې لیدلای وي او ډېر زحمت هم ورسره ایستل شوی وي باید ډیره ژر ورڅخه دغه توقع ونه شي چې په هر راز شرایطو کې په چټکي

د-د استعمال طرز او ترتیب یی دانسان دپاره دلچسپی لری .
 ۶-د ناڅاپی غرونو په مقابل کی یی د بیداری حس ډیر
 پیاوړی دی .

۷- دخپلو او پردیو په بیژندلو کی د مهارت درلودلونه
 علاوه، دخپل خاوند سره خاصه مینه او صمیمیت هم لری .
 ۸- په صحرائی حرکاتو او غرونو کی یی دگرځېدلو
 قابلیت دډاډ وړدی .
 د پلټنی شرطونه :

بوی :- دیوه سپی د تعقیب قابلیت په بشپړه توگه-ه
 سره دهغه په شامه اودهغه د ښکار د بوی په څرنگوالی
 اوزیاتوالی پوری چه دهغه د ځان څخه خارجیری پوره
 اړه لری .

د بوی تشکل :- دا بوی د طبیعی انسانی یا حیوانی بوی
 څخه متشکل دی اود بدن بوی او یا د بوی کیښلو قدرت
 په مختلفو خلکو کی د نژاد، غذا ئی رژیم او عرف
 وعاداتو له کبله توپیر لری . د ځان د بوی سره ځینی نور
 بویونه لکه دکالیو بوی، دوپښتانو دغور والی بوی ،
 داستعمال په صورت کی دغابونو د کریمو بوی، دتجمیزاتو
 بوی او ځینی هغه نور بویونه چه د بوټو او وښولاندی کولو
 له کبله او یا د اچه د ځینو وړو حشراتو دوزلوله آمله
 پیدا کیری متشکل دی . نودیوه سپی د پلټنی قدرت د بوی
 دخوریو په اندازه دهغه په مقدار او دهغه د پاتی کېدلو

په موده پوری اړه لری .

هغه عوامل چه دیوه بریالی تعقیب سبب کیدلای شی
 دادی :

۱- یوه ملایمه نری ء وریخ د پلټنی دپاره مساعده ده
 ځکه چه په داسی هوا کی د ځمکی څخه د بخار خارجیدلو
 اندازه کمه وی .

۲- ډیر لوړ بوټی او ځنگلی سیمه د بوی دزیات وخت
 پاتی کیدلو دپاره گټور توب لری .

۳- دشپی له مهالی او یا د اچه سهاروختی د بخار کیدلو
 اوبوی ورکیدلو شانسن لپوری چه دغوره پلټنی سبب
 کیدلای شی .

۴- هغه څوک چه د ځینو بی احتیاطیو او مشکلاتو او یا
 نورو عواملو له کبله نا پاکه وجود ولری دهغه د وجود
 بوی نسبت یوه پاک او نظیف سړی ته ډیر زیات او تیزوی
 چه د تعقیب سره مرسته کوی .

۵- په څرگند ډول سره د غذا څرنگوالی ، دتجمیزاتو
 اود پښو بوی دانسان د بوی دزیاتیدو سبب ګرزی .

۶- هغه څوک چه منډی وهی نسبت وهغه چاته چه په
 کراره سره درومی زیات بوی ورکوی .

۷- سپی ته د تعقیبیدونکی انسان جامی دومره په کار
 نه دی چه دهغه په بوی پسې روان شی ولی کهه چیري
 موجودی وی نو دکټی څخه هم خالی نه دی ، لکه یولری



په جگړه یزو حرکتونو
 اود غلیم د پلټنی او تعقیب
 په برخه کی ددا ډول
 سپیو څخه د دوستو ووتونو
 په کټه ډیره ښه او په
 زړه پوری استفاده
 کیدلای شی .

پروت پراشوت اوداسی نور .

پاتی کیری او په آسانی سره د پیژندلو وړوی ، او هم هغه پلونه چه د لمر دستقیمو وړانگو او هم د استوائی بارانو څخه ساتل شوی وی تر ۳۶ ساعتونو پوری پیژندل کیدلی شی اود پلټنی په هکله دهغه څخه په زړه پوری مطلوبه استفاده تر لاسه کیری .

څرنګه چه بوی نسبت ورځی ته په شپه کی زیات پاتی کیری نو همدارنګه سپی هم د شپه د تعقیب فعالیت نسبت ورځی ته ښه کولاشی دا فرضیه هغه وخت په ثبوت رسیدلی شی چه د تګ لاره غوره او آسانه وی ، بیا هم ددی د پاره چه سپی په دی کار عادی شی نو پاتی چه ښوونه او روزنه یی په مختلفو وختونو او شپه کی هم اجرا شی او هغه څوک چه سپی اداره کوی باید په دی کار کی ډیر مهارت ولری او څرنګه چه د شپه په فعالیت کی پرله پسې توقفونه کیری نو پاتی چه دا ټکی د ښوونې اوروزنی په وخت کی هم د نظر څخه لیری پاتی نه شی . که چیری د تګ لاره خنډونه وی او سپی په چټکتیا سره تګ ونه شی کولای نو دا کار د سپی دبی علاقه ګی سبب ګرزی نو په داسی حالاتو کی پاتی چه د تعقیب فعالیت د لمر ترراختلو او سهار پوری وخت ول شی .

همدارنګه په پل تعقیبولو کی ډیر مهم عامل وخت دی نو د پل وړلو او بوی لځای ته باید سپی په ډیره چټکی سره ورسول شی ، نو دا به ښه وی چه داسی سپی اودهغه څښتن همیشه په قطعہ کی وساتل شی ترڅو په لازمو وختونو کی ژر تر ژره حاضر واوسی ، نو ددی عمل په اجرا سره سپی د پل وړلو او بوی لځای ته باید په ډیره او په داسی شکل سره ورسول شی چه د سپی د ستری کیدو څخه مخنیوی وشی او دا سرعت باید د هغه دانتقال په واسطه وساتل شی چه سپی باید د هلیکوپتر او نورو وسایطو په ذریعه مطلوب لځای ته یوړل شی .

ځکه چه د سپی د ستری توب درجه دهغه د کار په اندازه کی یو مستقیم رول لوبوی او هم په هغه لځای کی چه د سپی د موجودیت ضرورت ولیدل شی نو هر څومره چه هغه لځای د نورو ناڅاګو او ناسطو بوډونو څخه وساتل شی ښه نتیجه ورکوی او هم هغه شیان چه د تعقیبیدونکی سپی سره د هغه تماس حاصل شوی وی باید د هغه سره تماس ونه شی او تګ راتګ په هماغه ساحه کی باید په اصغری درجه کم کړای شی .

دسپی په واسطه د غلیم پلټنه څرنګه پیل کیری ؟

کله چه سپی د پل وړلو او بوی لځای ته ورسول شی نو په یوه اوه متریزه رسۍ بانندی سپی تړل کیری او بیا د پله په لمری لځای کی درول کیری ، او هغه شیان چه په غلیم پوری اړه لری هغه سپی ته باید ورښکاره شی او-

۸- وخت په پلټنه کی ډیر اهمیت لری هرڅومره چه بوی تودا ونوی وی نویو سپی هغه په آسانی سره تعقیبولی شی که غه هم چه داسی هم واقع شوی چه سپی بوداسی پل او بوی چه اوه ورځی زور او سوړ شوی وی هم تعقیب کیری ولی دا یو نا در حالت دی ځکه ټول روزل شوی سپی په واقعی توګه کولی شی چه یو داسی پل او بوی چه یوه شپه وړ بانندی تیره شوی وی تعقیب کیری .

۹- دویو موجودیت او څاګی د اکثر وپل وړونکو سپیو سره مرسته کوی ، که غه هم چه د ځینو سپیو حالت د سپی اوویو په لیدلو سره لازیات خرابیری او ښه نتیجه نه ورکوی چه په دغه هکله پل وړونکی او بوی کښه سپیان باید مخکی له مخکی نه په ګروپونو ویشل شوی وی .
هغه عوامل چه د یوه بریالی تعقیب او پل وړلو د خنډ سبب ګرزی دادی :

- ۱- لمر :- هر څومره چه لمر ډیر تودوی - بخار کیدل اود بوی ور کیدل هم ور سره منځ ته راځی .
- ۲- باد :- یو وچ او قوی باد په چټکی سره بوی ورکوی .
- ۳- باران :- یوتند باران دابوی مینځی او په منځه یی وړی .

۴- د ځمکی سطح :- وچه او لوغه ځمکه په بوی بانندی یو مخالف تاثیر لری لکه ډیری لرونکی او شوکانی لرونکی ځمکه - سرکونه اولاری چه لږ اویا هیڅ شنه بوتی ونه لری .

۵- سره :- هغی ځمکی ته چه ډیره سره ور کړل شوی وی ژر تر ژره بوی له منځه وړی .

۶- دخلکو ګڼه ګونه :- په جادو او کلیو کی چه پل د نورو اونویو بویونو په واسطه چه نوی په هغه سیمه کی تیر شوی وی مخلوط اوله منځه ځی .

۷- ترانسپورت :- یوسپی هغه وخت په تعقیب او پلټنه بری شی موندلی چه تعقیبیدونکی په یوه نقلیه واسطه کی سپور شری وی .

۸- اوبه :- دیوه پل وړونکی سپی ډیره مهم اولوی غلیم اوبه دی «خو په تیره بیاروانۍ اوبه» که غه هم داسی سپی هم شته چه یو پل په کم عمقه ، ولاړو اوبو اود لڼزار کی تعقیب کیری ولی دا یو استثنا سی حالت دی او هم شالی زاری ځمکی په استوائی سیمو کی د پل وهونکی سپیو د پاره زیات مشکلات تولیدوی .

په پل وړلو بانندی که غه هم چه پورتنی عوامل مستقیم تاثیر اچوی ولی بیا هم د هر عامل د تاثیر درجه توپیر موسی ، لکه څرنګه چه ځینی پلونه دورځی په وروستیو کړیو کی تیر شوی وی چه د داسی پلونو تازه والی ترسپا سهاره پوری

مهربانی نه لری نوښائی چه د فعالیت زیاتی نتیجی بی نامطلوبی وی .

هغه میخانیکي آلی چه د پل و پرولو او تعقیب و وظیفه اجرا کوی :

۱ - *People Sniffer* :- دا هوه میخانیکي آله ده چه د امریکائیانو له خوا کشف شوي ده او د ویتنام په جگړو کی بی په زیاته پیماننه استعمال کړیده . ددی آلی استعمال په دي ډول دی چه د هلیکوپتر دلاندی لږوله کیږی دا هلیکوپتر باید د ۸۰ - ۹۰ ناټو سرعت باندی حرکت وکړی ترڅو دا آله خپل کار وکړای شی ، ددی آلی په واسطه هغه د آمونیاک گاز چه دانسان څخه خارجیږی کشف کیږی . د استعمال په وخت کی باید ددی دستگاه حساسیت د هغو خلکو په مقابل کی چه هلیکوپتر چلوی او پکښی سپاره دی صفر کړل شی ترڅو دهغوی د وجود د بوی تاثیر پکښی ښکاره نه شی . نو کله چه هلیکوپتر د پلټنې ساحی ته ورسیري په دي وخت کی د ونو په لوړوالی باندی باید په الوتنه پیل وکړی ترڅو چه خپله د کشف و وظیفه تر سره کړای شی .

۲ - *Infrared Photography* :- دا اشعه کولی شی چه یوه ډیره مهمه وظیفه د غلیم په تعقیبولو او پیدا کولو کی ولوبوی او هم کولای شی چه د شپي په عکاسی کی حتی یو دومره کوچنی جسم لکه *Hexomine* د شپي د عکاسی په واسطه د محکمې په سر معلوم کړی «*Hexomine*» یو « 20×10 » سانتی متر وکی د ننگولی د پخولو د پکدان دی چه په ځنګلی سیمو او سارانئ شرایطو کی کله چه د یوی اوه نیء او یا زیات وخت له پاره د هر عسکر له خوا ورباندی پخپله ډوډیء پخپری استعمالیږی . «پای»

یا نه ، او بیا سږی په داسی حال کی چه د تعالیت لځای لادوسره څرګند نه وی نوښائی چه په هماغه سیمه کی په څرخیدو پیل وکړی ، کله ئی چه پل وموند نو همدغه وخت خپله لکۍ پورته او سونډک د محکمې خوانه وړی او د کولیء غوندی په منډو پیل کوی او د هماغی اوه متریزی رسۍ په واسطه کنترولیږی ، کله چه د پله د بوی په تعقیب پیل وکړی نو شاید چه د باد د لږیدوله آمله یو څه یوه او بله خوا ولاړ شی ولی دلته دا ضرورت نه لیدل کیږی چه سږی د یوه پله څخه بل ته ولاړ شی ، کله چه د ابوی تیزیری نوښائی چه سږی د محکمې څخه د بوی په کتولو پیل وکړی او لځای پر لځای پاتی شی په داسی حال کی باید د هغه سونډک د محکمې څخه راپورته شی او ټاکلی استقامت ورته لارښوونه په کار ده . که چیری سږی د یوه داسی اداره کوونکی په لاسو کی وی چه د سږی د استعمال په برخه کی مهارت او تجربه ولری نو هغه کولی شی چه د غلیم نژدی والی او لیری والی د سږی د وضعی او حالت څخه درک کړی .

د پل وړونکی سږی ټول فعالیت د هغه د اداره کوونکی په مهارت او تجربه ، او په هغه تفاهم چه دده او سږی په منځ کی موجود وی پوری اړه لری . سږی باید د یوه ډیر ماهر اداره کوونکی په واسطه استعمال شی چه هغه د سږی په استعمال کی کافی وخت تیر کړی وی او خپل سږی بی تکره ساتلی وی .

عموماً د سږی اداره کوونکی د رضا کارو افرادو څخه چه د عسکری ابتدائی تعلیمات پیل لیدلی وی او د سپو سره یوه د زړه مینه ولری ټاکل کیږی . دا یو لمړنی کاردی چه په دغه برخه کی ورته پاملرنه په کار ده ، که چیری سږی احساس کړی چه په خپل غښتن او اداره کوونکی باندی ګران نه دی او هغه ورباندی د زړه له کومی



و شکست سنجر گردیده و ترکان خاتون خانم سنجر بدست قره خطائی ها امیر شد و ماو راء النهر از امپرا طوری سنجر جدا گردیده و عظمت و جلال سلطان سنجر از همین سال به بعد رو به کاهش گذاشت و علی الرغم تلاش های پی گیر و اصرار و ابرام که در جبران این تلفات و خسارات ناشی ازین شکست بعمل آمد به پیروزی نائیل نیامد و احياناً که از تلافی کردن آن تا سرحد مرگ بی نصیب ماند و موجز اینکه این جنگ در شکست نهائی سنجر و ویرانی خراسان تاثیر زیادی دارد . این بود عوامل موثری که بکمال ایجاز تذکر داده شد و هر کدام آن نقش قاطعی در حمله عشایر غزو غارت خراسان دارند که اغماض کردن آنها نمی تواند این رویداد را خوبتر ایضاح سازد .

سلطان سنجر و غزه ها

(بقیه صفحه ۴۶)

برغزان رواداشته و ایشان را جهت نیل به امیال شوم خود به باد توهین و استبداد می گرفتند که سرانجام این حرکت بی پایه موقوف دوات سلجوقی را متزلزل و بی نیرو کرد تا بپاک مزلت یک سان گردید و قباح این اعمال نتیجه سوء بار آورد که در حقیقت دامن گیر همه گان شد .

جنگ قطوان (موضوع ایست از مجال سمرقند) را نیز می توان در ردیف علل بالا جسورانه قرار داد این جنگ بین سلطان سنجر و گورخان خطابی در سال ۵۳۶ بدر سمرقند صورت گرفت که منجر به کشته شدن صدهزار عسکر اسلام

باغیچہ آمدنی ہا

«قسمت دوم»

مراد زمانیکہ از موتر پیاده شد، آفتاب نزدیک به غروب بود، روشنی کم رنگ همه جا را احاطہ کرده، مراد از پہلوی دکا نما و مغازہ های ہرزرق و برق با قدمہای تند تر میرفت و چندان توجہ بہ دور و برش نداشت سنگینی تکرری شانہ اش را اندکی رنجہ کردہ بود، آنرا برداشت و بشانہ دیگرش گذاشت، قامتش اندکی راست شد، نگاہی بہ ساعتش انداخت و آہستہ با خود گفت :

— خوب است، هنوز نماز عصر قضا نشدہ است، وقت بخانہ میرسم۔
یکنوع احساس خوشی در چہرہ اش نمایان بود، ذوق زدہ بہ نظر میرسید، لحظہ توقف کرد، با اینطرف و آنطرف سرک نگاہی کرد و بعد عرض سرک را پیمود و داخل پیادہ روشد، بدست راست دور خورد و بہ همان رفتار قبلی اش دوام داد بعد از چند قدمی طرف چپ چرخید و داخل کوچہ بی نسبتاً عرض گردید، خانہ ہا و دروازہ ہا را یکا یک از نظر گذرانید و بعد از طی چند قدمی، گامہایش را آرامتر ساخت، از مقابل چند دکا گذشت و باز ہم طرف چپ چرخید و قدمی چند بجلورفت و در مقابل دروازہ کریمی رنگ توقف کرد، دستش را بسوی رنگ برد و انگشتش را بالای تکمہ آن گذاشت و فشار داد و بعد دستش را

بہ بازوی دروازہ گذاشت، تپیدن های قلبش بیشتر شد و در رنگ و رنگ و جودش موج از خوشی دوید و چشمہانش متوجہ دروازہ بود، لحظہ بعد دروازہ از عقب بصدا آمد و یک پلہ آن باز شد... یک احساس خوشی ناخود آگاہ سرپایش را فرا گرفت، دستش را از بازوی دروازہ بہ عقب کشید و بالیان تبسم گفت :

سلام بہانہ جان،
بہانہ دروازہ را بازتر کرد
وصمیمانہ فریاد زد :
— مانده نباشی مراد جان،
دلہ گواہی میداد کہ امروز بدیدم
میآیی، خوب شد کہ آمدی، من
خوش شدم۔
— زندہ باشی بہانہ جان،
زندہ باشی۔

بہانہ دست مراد را گرفت و ہردو داخل حویلی شدند، پس از آنکہ از راہرو تنک حویلی گذشتند و پلہ های زینہ را پیمودند بہ منزل دوم رسیدند، مراد خم شد تکرری انگور را بگوشہ گذاشت و پرسید :

— در خانہ کسی هست ؟
— نہ، تنها خالہ ام هست۔
ہردو بخانہ داخل شدند، خالہ بہانہ ہمیکہ چشمش بہ مراد افتاد از جا بلند شد و گفت :
— مانده نباشی مراد، بسیار

خوش آمدی۔
— زندہ باشی۔

بعد بوتہای خود را از پا بیرون کرد و بگوشہ از خانہ نشست۔
خالہ بہانہ دوبارہ لب بہ سخن گشود و گفت :
— خانہ خیریت است؟ ہمہ خوب استند؟

— تشکر خالہ جان، سلام گفتند۔
لحظہ بعد بہانہ با پتنوس چای داخل شد، در این وقت مراد گفت :
— چرا زحمت کشیدی؟! لازم نبود۔

بہانہ میخواست چیزی بگوید اما خالہ اش مہلت نداد گفت :
— خیر است، خستگی را از بین میبرد۔

بہانہ پتنوس را بزمین گذاشت و دوسہ بیالہ را ہراز چای کرد، یکی را مقابل مراد نهاد، خالہ بہانہ کہ حرکات بہانہ را یکا یک می پایید پرسید :

چطور شد کہ یادما کردی؟ حتماً بہانہ را یاد کردہ بودی نہ؟
— بہانہ از شرم چشمش را بہ زمین دوخت و مراد بہ خندہ گفت :

— خیر خالہ جان، فقط آمدم کہ از صحت و سلامتی شما باخبر شوم۔
— زندہ باشی پسرم، از آمدنت بسیار خوش شدم۔

مراد بادست پاچگی ادامه داد :
 — در ضمن آمده ام که بهانه را
 باخود ببرم .
 — به این زودی؟! بگذار که
 بهانه چند روزی با ما باشد و توهم
 چند روز با ما بمان ، از بودن شما
 بر ما خوش میگذرد .
 — بسیار تشکر ، میدانم ، اما
 من بیشتر از یک روز وقت ندارم .
 بهانه با تعجب بسوی مراد دید
 و خاله اش دفعه تاً پرسید :
 — چرا اخیر بت است ، مگر جای
 میروی ؟
 — بلی خاله جان ،
 بهانه پرسید :
 — بخیر کجا میروی ؟
 مراد بخنده گفت :
 — نترس جای دور نمیروم ،
 برای گذاراندن خدمت زیر پرچم جانب
 شده ام .
 بهانه بدون احساس اضطراب گفت :
 — پس کاش خبر میداشتم که
 ازده نمی آیدم ، تو سرگردان شدی .
 مراد گفت :
 — خیر است ، پروا ندارد ، خودم
 نخواستم که تو خبر شوی .
 — چرا ، مگر عیبی داشت ؟
 — نه اینطور نیست ، گفتم که تو غم
 نخوری .
 — هر کسی که به جای من می بود ،
 غم میخورد ولی چاره چیست ،
 ولی چه میتوانم بکنم .
 مراد که از سخنان بهانه خوشش
 آمده بود باخنده غرور انگیزی گفت :
 — می بایم از اینکه نامزدی مانند
 تو دارم ، تو بمن قوت قلب دادی ،
 خیال دارم که فردا صبح حرکت
 کنیم ، آیا موافق هستی ؟
 — چه میتوانم بگویم ؟ میتوانم
 نه ، بگویم ؟
 * * *
 مراد و بهانه از موتر پیاده شدند
 از کنار دکانهای محقر دهاتی ها

گذشتند و آهسته آهسته بکوچه باغها
 نزدیک شدند ، مراد که در کنار بهانه
 شانه به شانه راه می پیمودند ، نگاه می
 به بهانه انداخت و گفت :
 — حال ناچوری تو چطور است ؟
 — فعلاً خوب هستم ، گاهی این
 سرفه ها آزارم میدهد ، اما باز هم
 نسبت به سابق بهتر استم .
 — به عقیده من اگر در ده باشی
 برای صحت خوب است .
 — بلی ، کوشش میکنم که ازده
 بیرون نشوم .
 چند قدمی نرفته بودند که مراد
 ایستاد به چهار دیواری نسبتاً کوچکی
 اشاره کرد و گفت :
 — بین بهانه جان ، این تنها زمین
 من است ، من هیچوقت نتوانستم به
 آن برسم اما آرزو دارم پس از آنکه
 خدمت مقدس عسکری را بپایان رساندم
 آستین ها را بر میزنم و بر آن سرو صورت
 میدهم ، و در آن گوشه میان درختان ،
 خانه می سازیم و با هم زندگی میکنیم ،
 خانه به زیبایی بهترین باغها ، و هم
 دیوارهای محوطه باغ را اندکی بالا
 می بریم تا از هر گزند در امان باشد
 در قسمت پیشروی خانه باغچه می سازیم
 که پر از گل های قشنگ و خوشبو باشد
 آنوقت است که هر دو در کنار هم
 می نشینیم و از زیبایی های آن لذت
 می بریم . در این وقت نگاه های
 بهانه به چشمان مراد افتاد و شراره
 های یک عشق سوزان قلب هر دو را
 سوخت اما بهانه تاب نگاه های نافذ
 مراد را نیاورد ناگهان پنجه ظریف
 و سپیدش را در لای مو های مشکین
 خود فرو برد و آنرا به یکسو کشید و
 گفت :
 — بسیار خوب مراد جان ، هر
 زمانیکه بخیر از خدمت عسکری خلاص
 شدی ، آنوقت هر دو با هم کارها را
 رو براه خواهیم ساخت .
 مراد نگاهی عمیق به بهانه افکند
 و بالبان متبسم گفت :

— بهانه ، عزیزم ! من بخود
 میبالم که نامزدی مانند تو دارم ،
 تو مرا نیرومی بخشی تا بدلی سرشار
 از عشق و امید و باگامها متین و استوار
 خدمت زیر پرچم را بسر برسانم .
 — نه مراد ، من کار نکرده ام ،
 تنها آرزوی من اینست که نامزدم
 واقعاً یک مرد باشد ، مردیکه عشق
 زن او را چنان در خود فرو نبرد که
 از خدمت برای وطنش چشم ببوشد ، من
 منتظرت می باشم ، منتظر نامه های تو
 منتظر خودت ، از طرف من خاطرت
 آسوده باشد .
 مراد که دلش از خوشی در سینه
 می تپید دست بهانه را گرفت و گفت :
 — بهانه من ! من این را میدانستم
 که تو دختر با احساس هستی من هم
 کوشش میکنم که یک سر باز خوب
 باشم و هم نامه های بی شماری برایت
 خواهم فرستاد ، حالا بیا برویم که
 در خانه منتظر ما استند .
 * * *
 هوا اندکی روشن شده بود . مراد
 از جا برخاست ، کرتی اش را پوشید
 و از خانه بیرون شد بعد از آنکه وضو
 ساخت و ا پس بخانه آمد ، چشمان
 ورم کرده اش نشان میداد که
 شب ناوقت خوابیده است به نقطه
 ناملمومی چشم دوخته بود ، در این
 هنگام در باز شد و چشمانش به بهانه
 افتاد و از جا بلند شد بهانه آرام آرام
 به سوی مراد رفت ، آنقدر نزدیک
 رفت که صدای نفس هایش را حس
 کرد در چشمهای بهانه وحشت
 ناشناخته بی دیده می شد ، دستهایش
 به صورت محسوس میلرزید ، در دستهای
 ظریف و لرزانش دستمال گره خورده بی
 قشرده می شد .
 مراد صمیمانه پرسید .
 این دستمال چیست ؟

 باز هم پرسید :
 درین دستمال چیست !
 بهانه خجالت زده گفت :
 — کمی پول است از بسیار وقتهاست

که اینهارا جمع کرده ام تا شاید دردی را دوا کند، اما ازین وقت بهتر چه؟ میدانم ارزشی ندارد، و تو این تحفه ناچیز را قبول کن.

مراد خواست که از قبول پول بهانه خودداری ورزد که بهانه پیشدستی کرد و گفت:

— تو باید قبول کنی، ستره تراهم بسته ام.

لحظه های تلخ آهسته آهسته فرامیرسیدند لحظه های هیجان و لحظه های دلبره پدر مراد دستهايش را روی شانه های پسرش گذاشت و گفت:

— بگذار بستره ات را برادرت ببرد.

مراد گفت:

— نه پدر، لازم نیست، من خود می برم، من از حالا عسکر شده ام. همه خندیدند و پدرش گفت:

— خوب پسر عسکر، هر چه میل تست.

مراد دستهای پدر و مادر را بوسید و بعد نگاهی به بهانه کرد، در این نگاه همه اعطراب ها گرد آمده بود

سراسیمه بود و هنگامیکه میخواست بستره اش را بردارد مادرش گفت:

— مراد پسر! با بهانه خدا حافظی نمیکنی؟

بر چهره بهانه رنگ از شرم دیدم و سرش را اندکی خم کرد، مادرش دوازه گفت:

— چرا شرم نمیکنی پسر! بهانه نامزد توست.

مراد با جرأت آمیخته با شرم روی بهانه را بوسید و بعد بستره اش را به شانه انداخت و از دروازه حویلی خارج شد.

هنوز چند قدمی دور نشده بود که نگاهی به پشت سرش انداخت و برای

آخرین بار به بهانه نگر است تا چشمان سیاه و موهای مشکین و چهره زیبا و دلنریب بهانه را برای روزهای جدائی چون تصویری در ذهنش نگه دارد.

برای آخرین بار دستش را به اشاره خدا حافظی بالا کرد و برآه خود ادامه داد و بعد از طی چند قدم به خم کوچک باغی پیچید...

* * *

باد وحشی برگهای زرد پاییز را درهم می شکست و نعره زنان به کوچه باغها می خزد و بدینگونه سکوت غم انگیز خانه مراد را به همه غم غربت زدگان بدل میساخت سه ماه می شد که از مراد هیچ خبری نبود و در این میان فقط دو نفر بودند که لجنه ها را هم حساب میکردند، مادر مراد و بهانه.

هنوز مادر مراد و بهانه چشم انتظار احوال مراد بود به همه غم انگیز باد وحشی فکر میکردند که صدای تق تق دروازه بگوش رسید، صدای که باناله باد درهم آمیخته بود و انگار از دور دست ها طنین می انداخت، بهانه ناگهان از صدای دروازه بخود لرزید، همه وجودش تکان خورد، با نگاه به مادر مراد نگر است، مادر مراد نیز مثل او بود صدای تق تق هر لحظه بیشتر میشد. بهانه ناچار برخاست و در حالیکه سر رویش را می پوشانید بطرف دروازه شتافت. «نا تمام»



د کیمیاوی وسلی . . .

(۶۱۵ مخ پاتی)

شی پدغه شاتنه و رنجو کی خطر ترخو هفتو پوری دوام کوی. دوامداره زهر لرونکی مواد عبارت له اپریت اودی-گازونو خنجه دی دایدله یاده و نهوزی چه د کیمیاوی مسمومیت نفری که نوتل یوازی دهغه له پاکیدوه دیگر اسیون «نهورسته مجازدی»

د کیمیاوی مسمومیت نفری دحدودو تحرك:

که چیری زهر لرونکی مواد دبخار او یا غبار په توگه دعوایه تیموظقو کی موجودی پدی وخت کی زهر لرونکی ورخی به د باد په لوری له هواسره انتقال شی.

که چیری بادضعیف تر سرعت یی تر ۳-۶ کیلومتر فی ساعت پوری دی زهر لرونکی هوا بی لدی چه خپل زهری خاصیت له لاسه ورکړی تر ۲۰-۵۰ کیلومتر مسافتی پوری بحال رسولای شی.

لدی خبری نه د اعلومی پیری چه بادخواته پرتی سیمی پس

له غومودی زهر داره کیری او پدی ډول د مسمومیت نفری اندازه لاهم وسعت مومی.

پخپل وخت سره د تحفظی وسایلو استعمال په پوره توگه مونیو د مسمومیت له خطر ه ژغوری اما که چیری زهری مواد د پیری مودی له پاره په هوا کی موجودی نو د تحفظی وسایلو له استعمال سره هم خطر نه رفع کیری پداسی وختو کی له دغی سیمی نه دوتلو په مقصد باید له تولو اما کانا تونه کار واخیسته شی پداسی وختو کی د زهر لرونکی ورخی او پدوالی دهغه له سوروالی نه خوخله زیات دی مثلا که چیری دغه ورخی ۲-۲۵ کیلومتر لار طی کړی نو سوروالی په بی یوازی ۳-۵ کیلومتره وی لدی مطلب نه دا نتیجه لاس ته راخی که چیری دملی مدافعی لارښوونکی موظفی پوستی موجودی نه وی نو باید د باد په استقامت پانندی عمود دتولو لپاره هڅه وشی.

د کیمیاوی مسمومیت نفری دخواصو پیژندنه دا امکان مینځ ته راوړی چه تحفظی وسایل په خپل وخت سره استعمال اولدی سیمی نه دوتلو له پاره یوه غوره لار ویا کله شی.

میتوان دشمن را غیر مطلع نگاهداشت؟

پیش برده شود بهمان اندازه نتایج پروپاگاندی آن مفیدتر بوده و سریع تر پخش میگردد مقصد فعالیت های مصروف کننده عبارت از آنست ضربه های که توسط قوت های کم صورت گرفته باشد دشمن آنرا بحیث ضربه های فیصله کن وقاطع محسوب دارد بالاخره دشمن مجبور به تجمع ویا داخل محاربه ساختن احتیاط ها گردد .

البته چنین فعالیت های مصروف کننده به مقیاس های مختلفه صورت گرفته می تواند، مخصوصاً فعالیت های مشغول کننده در تعرض ویا در حین فرود آوردن (پرتاب) دسانت ها اجرا شده می تواند چنانچه در سال های ۱۹۶۷ در ویتنام از طرف امریکای کات عظیم حریبی صورت گرفته و فعالیت های فیصله کن اجرا گردید برای ضعیف ساختن دشمن از منطقه حرب در دلنای دریای میکونگ حرکات عبور هجومی مصروف کننده بطور تمثیلی صورت گرفت .

فعالیت های نمایی ویا تمثیلی همان اصول مصروف کردن دشمن نامیده میشود تا طرف مقابل به مغالطه مواجه گردد و تمام نقشه ها برای فریب دشمن طوری طرح گردد که مفکوره حریبی حقیقی، قوماندانان را نشان بدهد. یعنی دشمن متیقن باشد که در وضع اصلی قرار گرفته است. وظیفه اساسی این اصول: فریب دادن دشمن راجع به تشکیل، نمره و مقدار قوا، بوده و بدون اجرای فعالیت های آکتیف دشمن را مجبور به اقدامات نامساعد بسازد .

مثلاً در مارچ ۱۹۷۵ تطبیقات ناتو بنام [وینتکس - ۷۵] اجرا گردید در حرکات طوری پلان گذاری بعمل آمد، که دسانت های بحری در سواحل ناروی فرود آورده شود برای فعالیت موفقانه فرود آوری دسانت ها بطور تمثیلی در چندین نقاط دورتر از محل تعیین شده اجرا گردد البته هدف این حرکات نمایی مصروف نگاهداشتن قوتها بوده که در سواحل [استقامت درجه دوم] به مدافعه پرداخته بودند. در جریان این حرکات گروپ مخصوصی کشتی ها

تمام کشورهای میورزند که احضارات حریبی خویش را از همدیگر پنهان داشته، وشکل واقعی اردوهارا ندانند طوریکه تجارب حربی گزشته آشکار ساخته در طی زدو خورد ها از اصول های مختلفه غیر مطلع نگهداشتن علیه همدیگر کار گرفته اند. در حرب های آینده هم چنان کوشش به عمل خواهد آمد که دول متخاصم از وضع حقیقی همدیگر غیر مطلع باشند از اینرو پرسپ های مختلفه را استعمال خواهند نمود تا احضارات حریبی شان بطور مخفی و مجرم صورت گیرد .

کشورها بدقت تجارب گذشته را در مورد غیر واقف نگهداشتن آموخته تحلیل و مناقشه می نمایند که چطور آنها را در شرایط حرب های مدرن و معاصر بکار برد. مفکرین نظامی معتقدند که تمام نظریات گذشته نیز به امر غیر مطلع نگهداشتن بکار گرفته و در حال حاضر نیز امکان استعمال آن موجود است طوریکه در حرب های گذشته صورت می گرفت مفکوره اساسی متفکرین حریبی اینست که دشمن باید به مغالطه انداخته شده تا ذخایر هستوی واتومی خود را در محلات خالی وجعلی استعمال نماید بطوریکه تیورسین های نظامی میگویند: تدابیر غیر مطلع نگهداشتن- عبارت از فعالیت های است که جهت فریب دادن دشمن از طریق گفتار و دیگر عوامل تقلب کاری صورت گرفته آنها با هم ارتباط نزدیک داده شوند به مغالطه انداختن دشمن و تأمین فعالیت بطور اسرار آمیز اجرا شده باشد بشکل طبیعی وانمود گردد .

به مغالطه انداختن دشمن یکی از اصول های فعال فریب دادن بوده به طرق آتی اجرا شده می تواند :

مصروف نشان دادن بطور نمایی اجرای فعالیت های تمثیلی، پخش گفتارهای دروغ، ویا رسانیدن پلان های جعلی بر دشمن ویا نشر کردن راهپورهای غلط به کمک وسایل رادیو الکترونیکی .

هر یک از اصول های متذکره بطور جداگانه ویا تمام آنها بطور مجموعی استعمال میگردد. هر قدر یکه این سنجش ها درست

به - واصل انداخت اجرا کردند جای که برای فعالیت های نمایشی تعیین شده بود به علاوه از طریق هوا دسانت های زیاد فرود آورده شد و طرف مدافعه کننده احتیاط های خود را درین مناطق آوردند مگر فوراً وضع برعکس گردیده و مکرراً در منطقه اصلی قوای تازه دم فرود آورده شدند. بعضی تیورسن های نظامی معتقدند که در جزو تام ها و قطعات برای اجرای فعالیت های نمایشی ممکن است گاهی فقط وسایل آتشدار را استعمال کرد که این کار برای دشمن تصور موجودیت قوای زیاد را داده و ضمناً دشمن متیقن شود که در شرایط ناگوار قرار گرفته است .

مغلترین اصول به مغالطه انداختن دشمن عبارت از فعالیت های تمثیلی بوده که از اثر آن طوریکه متخصصین حربی فیصله می نمایند دشمن فریب میخورد فعالیت های تمثیلی بطور اساسی از طریق تاسیس اهداف جعلی و بکار بردن انواع ماکت ها و وسایل تخنیکی آسیب دیده و یا دیگر وسایل مشابه صورت می گیرد .

برای فریب دشمن گاهی - نمایش معمولی ، مسلط بودن همه روزه قوتها به هوا نیز امکان دارد . چنانچه فعالیت امریکادر حرب کوریا نیز چنین بوده بعد از حملات رضا کاران چینیایی فرقه هفتم پیاده اردوی امریکا در مواضع شان کوبیده شده در خطوط نامساعد واقع گردیدند و تمام حملات شان به عدم موفقیت انجامید . قوماندانی فرقه قرار اتخاذ نمود که قطعات و جزو تام های خود را در خطوط نسبتاً مساعدتر آورند برای مخفی نگهداشتن اهداف خویش بایست حرکات رادر هنگام شب اجرا می نمودند .

برای اینکه رجعت هنگام شب جبران شده بتواند قوماندانان فرقه سعی ورزید تا تمام روز چینیایی ها را بمصرف نگهدارد . و حرکت اتوموبیل ها و انتقال جبهه خانه و غیره ا کمالات تحت ترصد و مراقبت قرار داده شوند حموله های کسه نقل شدند ، معلوم نبود که چه نقل داده می شود صبح بعد از حرکت قطار افراد قطعات بالای اتوموبیل ها سوار شده به خط جبهه خود را نزدیک ساختند بدون بروز کدام عوامل مشکوک کننده قوماندانی رضا کاران چینیایی حرکت وسایل نقلیه را به عقب جبهه و جبهه ، بطور عادی محسوب کردند . غیر از این [تقویه و انتقالات] برای چینیایی ها مفکوره تعرض دشمن را خلی نمود رجعت قوای اساسی فقط بعد از دوشبانه روز افشا گردید ، یعنی وقتی که امریکایی ها در خطوط جدید بنای جابجا شدن و تاسیس تحکیمات را نمودند . در شرایط مدرن فعالیت های نمایشی در ساحه تکنیکی بطور عمده فقط برای محافظه قابلیت مجار بوی قطعات و جزو تام ها تحقق پذیرفته می تواند برای دشمن اهداف جعلی نشان داده شده تا بالای آنها امکانات وارد شدن

ضربات اتومی بوجود آید در قوا و قوت های بزرگ معمولاً فعالیت های نمایشی بغرض آن اجرا میگردند تا کشف دشمن منطقه تجمع اصلی قوتها را تثبیت نتواند . پخش نشرات و گفتارها و یا رسانیدن پلان های جعلی بدشمن یکی از اصول های به مغالطه انداختن دشمن بوده که از طریق مطبوعات و نشرات رادیوی و یا بوسایل دیگر صورت می گیرد .

تجارب حرب های گذشته نشان میدهد که قوماندانی ها از متود های مختلفه فریب دادن کار میگیرند ، چنانچه برای فریب دادن دشمن قوماندانی امریکا و انگلیس در سال ۱۹۴۴ تا اخیر مفکوره تهاجمی پخش نمود و بعضی قطار های فرانسوی بر مقاومت معلومات جعلی بر خوردند مگر به تعقیب آن خونسر دانه اهداف خود را تحت نظر گرفته و قطار های دشمن را دفع نمودند . اصول های که ذکر شده غیر مطلع نگهداشتن معمولاً در گروپ های اردو [در ساحه فعالیت مجار بوی] بکار رفته و گاهی در اردوهای صحرایی و جزو تام های بزرگ و قطعات برای به مغالطه انداختن دشمن نظر به پلان سر قوماندانی عالی استعمال میگردد .

یکی از اصول های مهم به مغالطه انداختن دشمن فریب دادن به کمک وسایل رادیو الکترونیکی بوده که بهمین منعکس ساختن نشرات ، پخش شعاع الکترومقناطیسی برای متوجه ساختن کشف دشمن و بعداً تغییر دادن پروپاگنداها و یا خاموش ماندن را اجرا داشته که این عوامل باعث فریب خوردن و تولید شک و تردید دشمن میگردد .

فریب دادن ذریعه سیستم رادیو الکترونیکی بطور مستقلا نه و یا یکجا با دیگر تدابیر مشکوک ساختن دشمن اجرا میگردد . ضمناً غیر مطلع نگهداشتن به کمک تغیر دادن رژیم و تمثیل دادن کارهای وسایل رادیو الکترونیکی و یا بکار انداختن وسایل تمثیل کننده بطور مستقیم و یا پخش نشرات از طریق شهادت های غلط اجرا می گردد . یا تغییر دادن شرایط کار و تمثیل دادن آنها بطور غلط ذریعه وسایل رادیو الکترونیکی صورت گرفته و ضمناً انسیا تیف آلات رادیو الکترونیکی نیز تغییر داده می شود و شبکه مخصوص رادیویی و مخا بیره بوجود آورده و دشمن برای تثبیت محل جابجا شدن ، قوتها و محلات قوماندانده و تشکیل سیستم سوق و اداره به مغالطه مواجه میگردد . اصول فوق الذکر جهت مجادله علیه وسایل راداری نیز استعمال گردیده از اینرو فریب دادن به کمک نشرات مخصوص از طیاره و یا وسایل پرواز کننده پرتاب شده و یا وسایل مختلفه پخش پرازیت های آک-تیف صورت می گیرد .

تدابیر راجع به مخفی نگهداشتن نمرات طبیعی : این نوع فعالیت بخاطر مجرم نگهداشتن پلان احضارات حرکات

مختلفه و تقویه معیار تأمین امنیت و مدافعه پاسیف اجرا میگردد. و در تمام قدمه های قوتها اجرا شده و شامل تدابیر آبی میگردد:

اجرای سترواخفای تکنیکی، تأمین محرم نگهداشتن حرکات و سایر فعالیت های محاربوی و اجرای اقدامات برای جلوگیری از نفوذ کشف دشمن و حفظ محرمت مخایره است سترواخفا- نظر به مفکوره متخصصین عبارت از پوشانیدن تمام اقدامات از دشمن بوده طوریکه از اثر کشف دشمن این اقدامات باعث ناکامی قوت های دوست گردد همچنان چنین عقیده موجود است که تدابیر موفقانه برای به مغالطه انداختن دشمن فقط در شرایط اجرای سترواخفا خوب بوجود آمده می تواند پوشانیدن قوا و وسایط از سرحدات هوایی و زمینی در صورت بهتر اجرا شده می تواند که اهداف جعلی بوجود آورده شود برای سترواخفای قوتها و اهداف از خواص تحفظی اراضی و مالز مه دست داشته و همچنان مالز مه سترواخفای داخل تشکیل (مثلاً تور های سترواخفا) و همچنان از رنگ- آمیزی های وسایل تخنیککی و حربی و دیگر اهداف حربی استفاده میگردد.

نظر به مفکوره متخصصین امریکایی- وسایل تخنیککی حربی، تاسیسات و تجهیزات انجنیری باید همزمان به چار قسم رنگ معینه رنگ آمیزی شوند.

چنین رنگ آمیزی پنهان نگهداشتن مساعد را تأمین نموده (در قوای اضلاع متجدده امریکا مجموعاً ۱۲ قسم رنگ های سترواخفایی بکار میرود).

اصول مخفی نگهداشتن نعرات اصلی - در حقیقت تأمین محرم نگهداشتن فعالیت است که البته درین طرز خطر کمتر متوجه بوده و اجرای این وظیفه به عهده خدمات استخبارات ارارگاه های تمام قدمه ها بوده و شامل تدابیر رنگ آمیزی علایم افشا کننده و وسایل حمل و نقل و وسایل تخنیککی حربی می باشد. همچنان محفوظ نگهداشتن خطوط مخایره، تجدید رقت و آمد و اجازه ندادن دخول اشخاص ناشناس در مناطق قرارگاه ها و در جوار وسایل ذروی حربی و غیره صورت گیرد، و اتخاذ تدابیر علیه نفوذ کشف دشمن مخصوصاً در عقب جبهه و آن مناطق که فعالیت های جعلی اجرا می شود.

در تأمینات محاربوی محرم نگهداشتن، متخصصین معتقدند که بایست دشمن را اجازه نداد که به هیچ نوع مخایره و تلگرام های مهم و اطلاعات و اشارات دست نیافته و نباید تجهیزات و وسایط مخایره را تصرف کند.

متود اساسی محرم نگهداشتن مخایره عبارت از خاموش نگهداشتن بی سیم ها است متخصصین تأیید میدارند حتی با خاموش بودن بی سیم ها در شرایط معاصر در لو و فرقه ها مجبوراً به حسب ضرورت فعالیت بی سیم ها بطور غیر متقاطع جریان دارد، گرچه تمام اصول های مخفی نگهداشتن نمره های حقیقی در چوکات عمومی تدابیر غیر مطلع نگهداشتن دشمن

شامل است باز هم بصورت خصوصی عبارت از تأمین اجرای پلان برای مغالطه انداختن دشمن می باشد. از اینرو این چنین متود بحیث تدابیر پاسیف شناخته می شوند نظر به مفکوره متخصصین نظامی موقعیت غیر مطلع نگهداشتن مهمتر از همه تدابیر به مغالطه انداختن دشمن بوده برای تأمین درست اجرای این کار باید کشف بموقع ترتیب و تنظیم گردد. کشف باید امکانات اخذ قدرت اطلاعاتی دشمن مقدار قوا و وسایط آنرا واضح سازد برای اینکه درجه و اندازه به مغالطه افتیدن دشمن تعیین شده بتوانند. بر علاوه کشف بطور دوا مدار و ثابت خصوصیات فعالیت دشمن را تدقیق و بررسی نموده ضمناً در جریان کار اقدامات فریب دهنده دشمن را نیز واضح سازد باز هم متخصصین حربی معتقدند که اجرای حرکات به مغالطه انداختن دشمن نیز پلان گذاری شود و برای این کار اورگان های مخصوص موظف گردند. و برای اینکه تمام اقدامات بطور محرمانه حفظ شده بتواند تعداد افراد و پرسونل بعد اصغری باشد معمولاً چنین اورگان از طرف صاحب منصبان قرارگاه پیش برده شده و اداره کنندگان آنها قانوناً صاحب منصبان شعبه پرسون می باشد جهت کمک به آنها صاحب منصبان کشف و دیگر پرسونل به اساس لزوم دید قرارگاه نیز بآنها داده می شود در عین زمان متخصصین مسلکی صنوف مختلفه و اورگان های موقتی نیز پلان غیر مطلع نگهداشتن را نیز حاضر می سازند توجه میگردد تا فعالیت های پلان شده مستند به واقعیت باشد.

در پلان مدت معینه غیر مطلع به نگهداشتن نیز تثبیت گردیده و عقیده موجود است اگر مدت طولانی باشد در این صورت برای دشمن امکانات تدقیق و مراقبت بوجود آمده احتمال میرود که اسرار حقیقی را کشف نماید برای اجرای تدابیر به مغالطه انداختن قوا و وسایل لازمه موظف شده و در شرایط معاصر برای اجرای این کار ممکن قوای حربی یا جزو تام و یا قطعات موظف شوند. برای به مغالطه انداختن دشمن پیشنهاد می شود ماکت های زیاد تا نکت نقل شونده توپچی، طیارات همچنان از وسایط عارضه دار از کار مانده (اتوموبیل) و غیر بکار گرفته می شود.

در حین اجرای مانور آنها از خود اثرات باقیمانده در عین زمان آوازه های مختلف و نقل ماکت ها صورت گرفته و مناطق تجمع جعلی را تظاهر میدهد. و حتی برای فریب دادن دشمن، قطعات زره دار و هیروموبیل که درای قدرت عالی حرکت باشد بقالیات گماشته می شوند.

امروز در تمام اردو های جهان معمول است که از تمام متود و اصول های فریب دهنده استفاده گردد. از تجارب حرب های گذشته مخصوصاً حرب دوم نیز استفاده بعمل آمده برای کسب پیروزی اغفال کردن دشمن و مخفی نگهداشتن شکل، شکل واقعی حرکت و طرز فعالیت محاربوی حتمی است.

د هوائی تفوق

او حاکمیت د لاس ته راوستلو له پاره هڅی

د ویننام او منځنی ختیځ دوروستیو جگړو له نتیجو څخه معلومیږي چه که چیری د دښمن هوائی او هوائی مدافعی فوځونه د مقابل لوری په هوائی فوځونو باندی ډیر او غښتلی وی ، د هوائی حاکمیت د لاس ته راوستلو په تکل هوائی فوځونه خپل ژور باید د دښمن د هوائی مدافعی (توغندیو او توپچی) دله منځه وړلو لپاره په کار واچوی اوله دی لاری خپل مقصد ته ځان ورسوی ، د منطقی مدافعه کونکی ساحی د هدفونو ډیره برخه له وړو او خوځنده هدفونو څخه عبارت دی له هوا څخه ددغسی هدفونو پیدا کول، او په تیره بیا د هغوی له منځه وړل خورا گران کار دی په دغسی هدفونو باندی د برید دقت او موثریت د پیلوټانو کلاس (درجه) پوری مستقیمه اړه لری ، د ناتو د تړون په گډو هوائی پوزونو کی د پیلوټانو د چمتو والی کنترول د ځمکنیو هدفونو د له منځه وړلو لپاره هر کال مسابقی اجرا کیږی ، ددی کار لپاره د شکاری بمبار دمان الوتکو منتخب تیمونه د هغو میکانو له خوا جوړیږی چه په دغه تړون کی برخه لری ددغو مسابقو شرایط له یوه کال نه بل کال ته سختیږی او هغوی ته الوتکو د جنکی امکاناتو او وسلی له منځه تناسب وړکول کیږی ، د الوتکو پیلوټانو ته د نورو کولونو ماتیف له دوه ډوله نمره (ښه ډیر ښه) څخه عبارت دی ددی لپاره چه حقیقی جایزه وړونکی وټاکل شی یو شمیر تمرینونه له سره تکراریږی . جایزی د الوتنی هغو عملو او ځانگړیو پیلوټانو ته ورکول کیږی چه د ځمکنیو هدفونو د له منځه وړلو لپاره ښی له راز، راز وسلو څخه کار اخستی وی او تر ټولو ښی نتیجی ښی لاس ته راوړی وی او ددښمن هوائی مدافعی د فوټو نوپر ضدنی له مانورو څخه کار اخستی وی او هغه ذروی بمونه ښی په هدفونو باندی او رولی وی چه په هـوا کی د برک کولو او د چاودنی د معطلی په تجهیزاتو باندی

د هوائی فوټونو تاکتیکی فرقه د لاندی وظیفی په غاړه لری :

دهوائی حاکمیت لاس ته راوستل ، جگړه ایزی ساحی ته ددښمن د تازه فوټونو دراتگ مخنیوی د ځمکنیو فوټونو ملاتړ او هوائی کشف . دهغی ذرعی دندوله ډلی څخه د فعالو فوټونو د اکمالاتو په غرض دهواله لاری د جنکی اقرادو اوبارونو وړل راوړل او په مخصوص اپراسیونونو کی گډون دی .

دهوائی حاکمیت تر سر یزی لاندی دهوا بازی څیړونکی داسی یو هوائی وضعیت پیژنی چه د ځمکنیو ، هوائی او سمندری فوټونو خپلواکه فعالیت د مقابل لوری له کومی د یادونی وړ مقابلی څخه په یوه گوښی ساحه او ټاکلی وخت کی تأمینوی . په هوا کی تاکتیکی حاکمیت په یوه تاکتیکی جگړه ایزه ساحه اومعین وخت کی لاس ته راوستل کیږی معنی دهغی ساحی د پاسه چیرته چه ځمکنی فوټونه په مستقیم ډول جگړه ایز فعالیت اجرا کوی . ددغسی حاکمیت د لاس ته راوستلو شرطونه (د هوائی پوهانو په نظر) باید د بالفعله جگړی له پیل څخه مخکی برابر گډل شی (*Space aeronatics*) نومی مجله غلور هغه عوامل په په گوته کوی کوم چه په اریالیټوب سره ددغی وظیفی هوائی حاکمیت لاس ته راوستل) په اجرا کولو باندی اغیزه کوی .

او هغه دادی :- د الوتونکی قطعی د چمتو والی معیار هغه تیوری چه د هوائی حاکمیت د لاس ته راوستلو لاری چاری ښی ، د اداری سیستم باوری حالت . او په دښمن باندی د الوتکو د الوتنی داوصاقواو دهغوی وسلی لوړوالی (برتری) د الوتونکی قطعی د چمتو والی معیار دهغی له خوا د وظیفو د اجرا کولو او ددښمن له الوتکو سره په اریالیټوب جگړه کولو او د هغودله منځه وړلو له مخی معلومیږی .

سمبال وی. دالوتنی دوظیفی هغو برخو لکه هدف ته دقیق راتگ د هغه منځه وړل، د دښمن د هوائی مدافعی له سیستم څخه په بریالیتوب تریدل او د هدفونو تر برید لاندی د نیولو دوام ته نمری ور کول کیږی .

په هغو مسابقو کی چه د امریکائی غلورم او دوهم نمر و ناکتیکي هوائی وزرنو (دلوا معادل) تر منځ اجرا شوی له هر یوه څخه ۱۲ الوتونکو عملو ته وظیفه ور کړل شوی وه همدا رنگه په دغه مسابقو کی د فرانسوی هوائی پوځونو له ډلی څخه هم دري الوتونکی عملی انتخاب شوی وی د پورته ذکر شویو الوتونکو عملوله شمیر څخه نهمی د زړوی او عادی بمونو او نوری نی یوازی دعادی بمونو داستعمال لپاره گمارل شوی وی. الوتونکی قطعی نه مخلو بیست دقیقې مخکی له الوتلو څخه وظیفه، د هدفونو کور د نیات او د ضربی د واردولو وقت ور کړل شوی و. دالوتنی لپاره د چمتو کیدو دوخت اندازه، داتوماتیکي اداری سیستم لپاره دارقامو د برابرولو په وخت او په الوتکه کی د انتخاب شوی وسلی د لځای پر لځای کولو په امکانا تو پوری اړه درلوده. دالوتنی اداره کونکی قوماندان له هوائی ډگر څخه د الوتونکی جنگیدل له منجول شوی وخت څخه د $3 \times$ دقیقو په دقت سره تاملینول .

دالوتنی کور د نیات دالوتنی په معمولی نقشو کی ښودل کیده . له هوا څخه د بمونو د اورولو لپاره د هدفونو لوی والی 50×15 مترو او درا کتونو د فیر لپاره 45×45 مترو په اندازه ټاکل شوی و او په یوه وار الوتنه کی یوازی د یوه برید اجازه ور کول شوی و . د هر ډول وسلی داستعمال له پاره گوښی تمرینو نه دالوتنی په داسی چټکوالی سره اجرا کیده چه له 0.8 ماخ ($M=0.8$) سره نی انډول درلود ټول هغه انحرافات چه دالوتنی له تثبیت شوی رژیم کیدل په اتومات ډول په الوتکه کی د لځای پر لځای شوی سیستم له خوا ثبتیدل . او د دښمن د هوائی مدافعی سیستم پر ضد دمانورو د اجرا کولو دقت د مستند کنترول دالاتو له خوا معلومیده د هدفونو د پاسه د الوتکو دقیق راتگ د بمونو غور ځول او درا کتونو (توغندیو) ویشتل د هغه حکم هیئت له خوا چه د نترالی دستگا ه له خوا ټاکل شوی و معلومیده .

څرنگه چه خارجی څېړنی څېړور کوی د وظیفو د اجرا کولو دستور و معیار کال په کال، د هدفونو د لټولو او پر هغوی بانندی د برید دوخت د کمولو په نسبت اومحتملی وضعیت ته د بل رنگ ور کولو له کبله لوړیږی . او د هغو هدفونو هوائی مدافعه چه باید تر حملی لانندی راشی په عصری توگه ډیر کلکه جوړیږی. د هوائی پوهانو له نظر سره سم د ښکاری

الوتکو د پیلوټانو چمتو کیدل د هوائی حاکمیت د لاس ته در او ستو په تکل یو څه گران کار دی څرنگه چه امریکایی « نیویل اویشن » نومی مجله لیکي « په جنو بی ختیزه آسیا کی د امریکائی الوتکو د ډبرو تلفاتو د علتونو له ډلی څخه ډیر مهم او اساسی نی د امریکائی پیلوټانو د چمتو والی ضعف او دمقابل لوری د پیلوټانو مهارتونو ته غلط قیمت ور کول و » دمانور لرونکو هوائی جگړو په وخت کی پیلوټان باید د توغندیو د فیر منطقه ډیره دقیقه معلومه کړی او په چټکتیا سره الوتکه دغه لځای ته ور ورسوی ددی کار په اجرا کولو کی دملکی او ممرسی د پیدا کولو لپاره باید ډیر تمرینونه اجرا شی د امریکائی پیلوټانو د نا کاسی د علتونو له ډلی څخه یو داهم دی چه د هغوی لپاره دراگتونو داستعمال شرایط او د تمرینونه په وخت کی د توغندیو د امکانا تو په انډول واقعی جگړه ایز فعالیت ته ورته وضعیت نه وه برابر شوی او پیلوټانو یوازی درا کتونو ویشتل زده کړی و اوله جنگی تاکتیکو نو څخه به بهری و دغه نیمگړی تیای (د هوائی پوهانو په نظر) کیدای شی چه د مخصوصو او مجهز و پولیگونونو په جوړول او د مستند کنترول په الانود هغوی د سمبالولو په واسطه چه د تمرینو په وخت کی هر جگړه ایز فعالیت ته ور نمری ور کړی له منځه لاړ شی ، د دغسی پولیگونونو تجهیزات باید دهری مانور لرونکی جگړی بیلی بیلی برخي (برید، انداخت او اصابت) ثبت کړی . د دغو ثبت شویو معلوماتو د څیړلو له نتیجو څخه د یوه لوری د پیلوټانو پیاوړی توب د بل لوری په پیلوټانو بانندی بر ملا کیږی او هغوی ته د نمر وور کولو په کار کی اسانتیاوی منځ ته راوی . همدا رنگه اداره کونکی قوماندان د ثبتونکو تجهیزاتو په مرسته د هوائی جگړی صحنه د خپل پلان په منځ بانندی گوری او پیلوټانو ته لازمی ښوونی کوی او دالوتنی دامتیت د تاملینول په هکله د هغوی تدبیرونه څاری .

د بلی امریکائی مجلی آیزو فورس په شهادت « په دی نژدی وختو کی د پیلوټانو د ښوونی اوروزنی نوی میتودیک منځ ته راغلی دی . د دغه میتودیک په بنسټ کی هغو غوښتنو ته لځای ور کړل شوی دی چه نه یوازی له هم جنسو الوتکو سره په بریالیتوب اوشه توگه د جگړی تاکتیک ښی . بلکه له راز، راز الوتکو سره د بریالی جگړی کولو د لارو چارو ښودل په غاړه اخلی .

داسی جزو تامونه منځ ته راوستل شوی او په مخصوصه توگه روزل شوی دی چه د دښمن په صفت فعالیت کوی د دغو جزو تامونو د دفع او طرد تاکتیک له هغه معمول تاکتیک سره چه دوی پنام د هوائی جگړو له نتیجو څخه مخکی

موجود وه خورا تو پیراری. خرنگه چه په هوا کی د تا کتیک له نظره دوه تو پیر لرونکی قوی سره مخامخ کیږی، کیدای چه دهوائی جگړی په وخت کی داسی وضعیت منځ ته راشی چه پخوا لدی پیلوټان له هغه سره نوی مخامخ شوی. مگر خرنگه چه هغو پخوا لدی خورایشه نظری او عملی معلومات تر لاسه کړی او پوره امتحان شوی دی، نوی وضعیت د هغو لپاره غټ خطر منځ ته نشی راوستلی. (خطر په دی کښی ندی چه یو پیلوټ په نا اشنا حالت کی داگیر شی بلکه پدی کی دی چه هغه ته دغه حالت څخه د وتلو چم نه وی معلوم).

دغسی تمرینونه ددی چانس منځ ته راوولی چه پیلوټان خپلی الوتکی په هوا کی بیه اداره کړی او دهغوی د الوتنی له توان څخه پوره کار واخلی، منفی او مثبتی خواوی ئی لمانته معلومی کړی» د پیلوټانو د احضاراتو په پروگرام کی نه یوازی د بیوونی او روزنی چارو ته لمانځی ورکول کیږی بلکه د داسی تاکتیک وظیفه هم پر غاړه لری د کوم په مرسته چه پر دښمن باندی په هوا کی حاکمیت او تفوق تأمین شی اوله ډله ایزو تمرینونو څخه د پوره استفادی مطلب تر لاسه شی او د تعلیماتو د جوړولو لپاره ضروری مواد داتول شی. هغه پیلوټان چه د لیلپری وظیفه پر غاړه لری، وروسته له هری الوتنی څخه د هغو نویو عناصرو په باب چه په جگړه کی ورسره مخامخ شوی وی او کومی نتیجی ور لمانځی تر لاسه شوی وی مفصل رپوټونه لیکی. دغه رپوټونه په مخصوصه دوسیه کی ایښودل کیږی او له هغو څخه ټولی هغه الوتونکی عملی خبریږی چه په تمرینونو کی ئی کلون کړی دی. د دغسی رپوټونو له تحلیل څخه دا خبره معلومیږی چه د پیلوټانو د تجربو د زیاتیدو په انډول دهغوی لمانځیږی قابلیتونه هم ډیر پیږی او د جگړه ایز فعالیت په وخت کی له خپل لمانځیږی تا کتیک څخه کار اخلی.

دهوائی قوتونو د پوهانو په نظر هغه پیلوټان چه له نویو میتودونو څخه کار اخلی او راز راز تمرینونه اجرا کوی دهوائی وضعیت له هر ډول تغیر لپاره چمتو بلل کیږی.

د بهر نیو هیوادو دهوائی پوهان د یوشان الوتکو تر منځ دهوائی جگړه (درسی کښولوله مسابقی سره) مشابه بولی او د داسی یوی مثال دی چه په هغه کی پیلوټان خپل توان، د الوتکو د جنگی امکاناتو او وسلو په نظر کی نیولو پرته ازمائی.

د اطمنانی اداری سیستم معنی داده چه د قوماندی ورکولو تخنیک و اسطی بی له کومه څخه او خرابیدو څخه کار وکړی او اداری پرسونل له تعین شویو منابعو څخه معقوله استفاده وکړای شی. دهوائی حاکمیت د تر لاسه کولو د وظیفی شرایط مور مجبوروی چه د محکمیتو قوتونو د ټینګ ملاتړ او د دښمن له دهوائی ضربو څخه دهغوی ساتل، د دښمن په دهوائی قلمرو

باندی د غلبی د حاصلولو په مرسته تأمین شی. هر لوری ته چه دهوائی جگړه ایز فعالیت د ساحی مرکز وروخو لږی، هغه لوری په هوا کی حاکمیت له لاسه ورکوی. د ښکاری الوتکو د هغه جگړه ایز فعالیت نتیجی چه د جبهی لیکی ته نژدی اجرا کیږی په ډیرو عواملو پوری اړه لری چه تر ټولو مهم او اساسی ئی دادی: دهوائی وضعیت په هکله د معلوماتو تر لاسه کول او د محکمیت له خوا له لار ښوونو څخه پرته په اتوماتیک ډول د مقابلی اجرا کول. دهوائی وضعیت په هکله د معلوماتو تر لاسه کول، په تیره بیا د دښمن د فعالیت خرنگوالی یوازی یوازی کیدای شی چه د دښمن له هغو دستگا و څخه تر لاسه شی چه د جبهی مخکنی کرښی ته ډیری نژدی لمانځی پریځای شوی وی. یوله دغه ډول مرکزونو څخه، د تا کتیکي دهوائی قوتونو اتوماتیکي (L-407) ډوله اداری سیستم دی.

دغه سیستم د معلوماتو د راټولولو او تنظیمولو په (AN/TSQ-61) ډوله دستگاه د رادار په (AN/TPS-44) ډوله دستگاه او د سخا بری په هغو واسطو باندی مجبور دی چه الوتکو او لوړو قوماندو لمانځی ورسره دوه اړخیزه ارتباط ټینګ ساتی. د دغه اپراتیفی مرکز مرتبات د راداری او نورو تخنیکي واسطو په مرسته دهوائی هدفونه کشفوی او پیژنی ئی او دهغوی د مقابلی لپاره ښکاری الوتکی ورا لوزوی او لار ښوونه ورته کوی. د دغه مرکز د کښه اپراتوران د جگړه ایز فعالیت په وخت کی د کشف، اداری او تخنیکي چوپړ دندی پر غاړه لری او پلان شیت چی ئی هغه معلومات د پلان شیت په مخ ټپتوی چه له نورو اپراتیفی مرکزونو څخه ئی تر لاسه کړی وی. د دغه سیستم منفی لوری دادی چه د ښکاری الوتکو د لار ښوونی لپاره په ټیټه ارتفاع کی محدودیت لری او دا لکه چه د جبهی مخکنی کرښی ته نژدی ډیری ضعیفی راداری دستگاهی په کار اچول کیږی او دهغوی نشی کولی چه په ټیټه ارتفاع مکمله راداری ساحه جوړه کړی. الوتکی کولی شی چه له ټیټی ارتفاع څخه کار واخلی او د دښمن له دغی ضعیفی نقطی څخه په استفاده کولو سره د باصقین په توگه خپل هدفونه تر تأثیر لاندی ونیسی.

د داسی باصقینو د د مخنیوی لپاره دښمن مجبور پیږی چه خپل دهوائی مدافعی ښکاری الوتکی په هوا کی گزمه کړی او یا د مقابل لوری د جبهی الوتکو هدفونو ته دراتگ په لاره کی خنلشی حال دا چه په هوا کی د الوتکو گزمه کیدل د تحرك (چتیک فعالیت) غوره لارنده دهوا نوردی د پوهانو په نظر دغه نیم گرتیا باید د اداری سیستم په بشپړولو له مینځه وپورل شی. نه دا چه د ډیر قوت او زور په مصرفولو. دهوائی حاکمیت د لاس ته راوستلو په وخت کی د تا کتیکي دهوائی قوتونو د اداری مرتباتو مسهارت هم باید له نظره ونه غور وځول شی. (پاته په ۷۷ مخ کی)

اسرار لاینحل کیهان

مصاحبه با کارل سیگان

معلومات قیمتدار سا ینتفیکدی د یگری رایفزیاید ، موجود می باشد. چنانچه در جولائی ۱۹۷۶ سفینه کیهانی فرستنده بشر بنام وایکینگ ۳۵۰۰۰۰۰۰ کیلومتر را در فضای لایتناهی قطع و بر کره سرخ پیاده شد و این یکی از پروژه های مهمترین و اولینی بوده که بشر برای دریانت موجودیت حیات در کره سرخ بان اقدام نمود اگر تار یخچه انکشافات بشری را ورق بزیم نظر آنرا در گذشته نمی توان سراغ کرد .

در سال ۲۰۰۰ عیسوی بشر سطح جو پتررا هدف فرستادن سفینه های خویش قرار خواهد داد نادیده شود که آیا درین کره مالکیولهای اورگانیکی که عبارت از بلاکهای عریان حیات می باشد ، وجود خواهد داشت یا نه ؟ باید علاوه کرد اغلبه گمان میرود که درین کره مورد نظر حیات وجود داشته باشد همچنان قبل از سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ مریتردیگری به این کره پرتاب خواهد شد .

ماموریت جو پتر سیتون راجع به سیستم های جو پتر وسترن کشف مکمل را اجرا خواهد نمود .
ماهم اغلیاً تا به سیاره اورانوس پرواز و در خلال این طیران کامت ها را اختلال کرده و در بالای سطح مارتین حرکت خواهیم نمود .

پراپله های عمیق کوزمولوجیکی در منشأ و انجام این کائینات برای تلسکو پهای کیهانی یک چیز مرئی و قابل ترصد خواهد بود برای من مسافرت سفینه بی انسان فی مابین سیارات کیهانی در سال ۲۰۰۰ عیسوی یک امر غیر مترقبه نخواهد بود .

سوال - چنینکه شماسخن از مسافرت کیهانی می زنید آیا مقصد شما سفر در ماورای نظام شمسی است ؟
جواب - کاملاً درست فکر کرده اید زیرا این اولین

این مصاحبه که علاقه مندان اسرار کیهانی را تاحدی در قسمت این عالم خلقت تنویر میسازد ، شمه از اطلاعات و معلومات مثبتی است توسط « کارل سیگان » چهل ساله که بصفت مدیر لابراتوار تحقیقات و پروفیسور علم نجوم و اینس کیهانی در یونیورسیتی « کارل » امریکا ایفای وظیفه میدارد ، بدسترس تشنگان علم و معرفت علوم مثبتة قرن ۲۰ گذاشته می شود تا باشد که در پرتو همین جستجو های علمی ، صفحات جدیدی در اوراق علم بشر افزوده شده و در پرتو همین مشعل درخشنده زوایای تاریک این جهان و یا خود کائنات پهناور و وسیع که یا آنرا هنوز کسی سراغ نداشته تجسس نموده سظوری چند را تقدیم خوانندگان محترم میکنیم :

پروفیسور کارل سیگان بحیث عضو گروپ مشورتی دستگاه ایرونا تیکی ملی کیهانی امریکا نیز ایفای وظیفه میدارد پروفیسور مذکور بحیث یک نویسنده مقتدر در موضوعات اتموسفر سیارات و امکانات موجودیت حیات در دیگر کرات معروف بوده ، جهان عالم مرهون اثرات قیمتدار او میباشد .

حالا جهت مزید معلومات خوانندگان محترم معلوماتی چند در قسمت سوالات توجیهه شده و جواباتیکه درین قسمت از طرف وی داده شده تقدیم نموده و بدینوسیله در رفح عطش علمی آنها مبادرت میورزیم :

سوال - آقای پروفیسور سیگان ! آیا عصر کیهانی مانده پرده سینما آمد و از نظر ما گذشت ؟ آیا بازم روزی فرا خواهد رسید که پای کیهان نوردی بر سطح ماه بوسه بزند ؟
جواب - بلی سا پروگرامهای یگری روی دست است که توسط فرستادن انسان نتایج مهیج و شگفت آوری که هر کدام آن در ساحه علوم ساینس بر معلومات اسبق بشر ؛

سفینه خواهد بود که موسوم به پوانیبر بوده (بتاریخ ۲ مارچ ۱۹۷۲ پرتاب شده بود) و برای اولین بار نظام شمسی را ترک خواهد گفت مگر باید متذکر شد که در آن مرحله از کنترل بشر روی زمین برآمده و اداره آن خارج قدرت انسانی محسوب می گردد پوانیبر ۱۰ در سال ۱۹۷۳ از جوار جویتر گذشته و در سال ۱۹۸۷ از حوزه نظام شمسی خارج می شود .

نوع ماموریت فیما بین سیارات را که من بیان میدارم در بالای تکنسناوجی انکشاف یافته تری استناد نموده دارای سرعت بیشتری خواهد بود شبیه نیست که پوانیبر ۱۰ فرستاده شده سال ۱۹۷۲ تا حال از سریع تر بن سفینه های ساخته دست بشر بوده مگر با نهم ۸۰۰۰ سال را در بر خواهد گرفت که بستاره نزدیک ترین برسد و آن نهم مشروط بآنکه بدان استقامت معینه حرکت کند ، در صورتیکه امروز سمت حرکتش تغییر کرده است که گویی رسیدن به آن متصور نخواهد بود . بایجاد سفینه های دارای سرعت بلندتر ، ممکن است که ماقابلیت رفتن را به نزدیکترین سیاره در خلال چندین دهه آینده ، در عوض چندین هزار سال پیدا نماییم .

سوال - چه امکاناتی در قسمت موجودیت حیات در کره مریخ و یا خود دیگر سیارات نظام شمسی موجود خواهد بود؟
جواب - هیچ کسی نمیداند . تا جائیکه ما میدانیم محیط مریخ برای تامین حیات موجودات حیة بزرگ مساعد میباشد . از طرف دیگر ، اینهم امکان پذیر است که در بالای کره مریخ اصلا ذیروحي وجود نداشته و نخواهد داشت همچنان یک سلسله امکانات دیگری نیز فیما بین موجودیت حیات و عدم موجودیت آن قرار خواهد گرفت ، که آنهم عبارت اند از حیات کامل ، حیات خوابی و حیات ممکنه مرکب از اورگا نیزمهای کوچک ذره بینی .

سوال - آیا در کره مریخ حیاتی وجود خواهد داشت که بهیچوجه مشابه به حیات روی کره ارضی نباشد ؟
جواب - نه تنها این امر ممکن است ، بلکه یک امر ناگزیر بوده و ما موجودات روی زمین باشرائط محیطی کره خود هم توار گردیده و اینهم از سببی است که در همین جا مراحل حلولی را طی نموده ایم ولی آنانیکه باشرائط محیطی کره زمین سرنگردیده اند ، مرده اند .

در نتیجه ، ما تصور میکنیم که دیگر کرات ، از اینکه مهمان نواز نیستند ، اندکی نسبت به زمین فرقداند که اینهم محض انعکاس و یاد آوری از گذشته حلولی ما میباشد . من خوب تصور کرده میتوانستم که موجواتی برجائی مانند جویتر که بسوی زمین دیده و میگویید : خدایا ! ممکن است که آرزوی باز دید ما را داشته باشی ولی بد یقین باید گفت که اصلا آرزوی رهایش را در اینجا نخواهی داشت »

سوال : آیا در ماموریت های کیهانی که بیان گردید امکان فرستادن کیهان نوردان موجود است ؟

جواب : کیهان نوردان بجز در تلسکوپ های کیهانی که بدون انسان خواهد بود ، فرستاده خواهند شد دلیل فرستادن انسان بدین ماموریتها ، همانا جنبه تاریخی ، بشری و سیاسی را دارا خواهد بود . مگر اگر راندمان ارزش و کشفیات سائنسیکی در نظر گرفته شود به تصورم ارسال سفینه های بدون انسان یک امر اقتصادی و معقول نپنداشته می شود .

سوال : اگر بنظریه شما فرستادن انسان به دیگر سیارات مقدر باشد ، چه تصور مینمائید که هدف اغلب آن چه خواهد بود ؟

جواب : اگر شما از من بپرسید که من شخصاً در بن نظام شمسی بکجا میخواهم بروم ، در آنحال مارس (مریخ) اولین هدف انتخاب من خواهد بود مگر علاوه بر مسافت ، که برای صرف یک ماموریت مبلغ (۱۰۰۰۰) میلیون دلار بکار است ، پراپلم دیگری که عبارت از ملوث ساختن آن کره میکروبیها و جراثیم مختلفه میباشد که گویی حیات کیهان نورد فرستاده شده را معروض خطر میسازد نیز وجود داشته و در بن مسافت دو نوع ملوث گرداندن که یکی بنام پیشرو و دیگری موسوم به عقبی است وجود دارد .

ملوث گرداندن پیشرو عبارت از چیزی که ما با خود بکره مریخ میبریم . طوریکه شماسی دانید لباسهای کیهان نوردان لیک (Leak) یعنی مسامات دار و چکاننده است ماهزاران میلیون باکتری یا جراثیم میکروبیهای مضره را در ماموریت های که انسان در آن پرتاب گردیده بود با خود به مهناب برده و عین احتمال در سفرهای مریخ موجود است پس اگر حیات بومی در مریخ وجود داشته باشد در آنحال این نوع مسافرتها برای حیات آنها مضر خواهد بود که اینهم به ذات خویش پراپلمی برای شان ایجاد میگردد .

بعد پراپلم عودت از مریخ میباشد . در مسافرت بازگشت از آن کره میکروبیها و جراثیمی که احتمال بودن آن در آن کره موجود باشد ، احتمال ضایع شدن آنها میرود و کسی جلوگیری آنرا نمیتوان گرانتهی کرد . ازینکه دوره های تفریحی بعضی از امراض طولانی می باشد (تفریحی عبارت از مدت نفوذ میکروب در داخل وجود الی ظهور مریضی است) مثلا مریضی لپراسی که یک مریضی ساری بوده و بالاخره به فلج اعصاب منتج میگردد ، سیزده سال دوره تفریحی داشته که آید درینصورت ما میتوانیم کیهان نوردان را برای مدت سیزده سال در قرانتین بگذاریم ؟

سوال : آیا بر علاوه کره مریخ ، در دیگر کرات نظام شمسی و یا خود اعمار کرات مذکور احتمال بودن حیات وجود دارد ؟

د هوائی تفریق ۰۰۰

په هغه صورت کې چې له محمکې څخه د پیلوټانو اداره له منځه لاړه شی د پیلوټانو هغه قابلیت اولیاقت ته ډیر اهمیت ورکول کیږی چې د مستقلې لټونې له رېږه ډک و وضعیت ته په چټکتیا قیعت ورکړی او معقول تصمیم ونیسی . له جبهوی الوتکو سره په ټیټه ارتفاع کې مقابلې د هغې ملکنې او معارسی په مرسته کیدای شی چې د تمرینې الوتو او له نورو ډولونو الوتکو سره د جگړې کولو په وخت کې لاس ته راغلی وی (حاصل شوی وی) .

د اتوماتیک فعالیت ایاړه د الوتکو د گروپ عملیات د لیدو (سوټونکي) په چمتووالي پورې چې په هوا کې ادارې چاری هم په غاړه لری ډیره اړه لری .

په هوا کې د دعسی لیدو قرار گاه نشته ، کومه چې د هغوونو په هکله معلومات راټول کړی هغه تحلیل او د قرار مسوده جوړه کړی لدی کبله په هوا کې جگړه ایز فعالیتونه باید پرمخه باندی پلان کداری شی . کوم وخت چې د دعسی یو پلان په لاس کې وی په هوا کې د ادارې چاری آسانه کیږی . د امریکائی پیلوټانو له هغو تجربو څخه چې د وینتام په جگړو کې ئی د هوائی حاکمیت د لاس ته راوستلو په مقصد د محمکیو رادارونو په نه لیدونکي ساحه کې تر لاسه کړی دی معلوم کیږی چې د جگړه ایز نظام پارامترونه او د مختلفو وظیفو د تا کتیکې گروپونو مو قیعت باید ډیر دقیق وی او په څوور یا نونو کې لاپرمخه باندی مشق شی . که نه نو د دین د هوائی با صقین د بریدو نو او حمل د کلک خطر سره به مخامخ شی .

از نگاه تسخیر فضا یحدی قیمتدار است که ارزش اینهمه مصارف را بدرجه ها دارا می باشد . مثلاً تسخیر فضا از نگاه مترپولوژی و پیشگوئی دقیق تحولات جوی یکپهفته قبل ازمره معلوما تمهای ذقیعیتی است که مورد نیاز بشر بوده و تمامی فعالیتهای امروزه بشری منجر به همچه معلومات می باشد . مترپولوژی یک ساحه بس مشکل و سرسخت علمی بوده و فزیک دینامیک مایعات یک مضمون و موضوع بس مشکلی است .

اکنون در کجا شما علمی را مانند این دارا می باشید که مشکلات نظری را ادامه بدارد . گرچه شما معمولاً تجاربی را جهت کشف حقایق اجرا می دارید . لیکن در بالای آب و هوا چگونه میتوانید تجربه را اجرا بدارید ؟ گرچه این گونه تجربیات به یک مقیاس کوچک امکان پذیر بوده ولی نه به پیمانهای بزرگ جهانی . (بقیه در شماره آینده)

جواب : یکی از اعمار بس هیجان آوری را که مامیشتناسیم همانا تیتان که کلانترین قمر سیتهورن (Saturn) است، میباشد . این قمر در جمله اعمار نظام شمسی نیز بزرگترین بوده و دارای یک فضای (اتماسفر) کثیف میباشد گویا اتماسفر این قمر کثیفتر از اتماسفر مریخ است . از مشاهداتی که در این مورد بعمل آمده ، فضای این قمر را طبقات سرخ رنگ ایر فرا گرفته است . درجه حرارت این قمر نسبت به تصور یکه می شد ، بلند تر است . طوریکه معلومات گردیده اتماسفر آن شامل غازات هایدروجن و هیتین می باشد .

مامیدانیم که اگر اینچنین مالکیولهارا بشکل تشعشعی بروز دهیم . مرکبات عضوی تولید میگردد . و ما اینکار را در لابراتوار یونیورسیتی کار نل انجام داده ایم . با انجام این تجربه در لابراتوار مذکور بعضی مرکبات عضوی که دارای رنگ سرخ بوده و عین خواص ایرهای سرخ فضای قمر تیتان را دارا می باشد . وجود دارد . کیفیت طوری معلوم می شود که قمر تیتان جائی است که در آن مواد عضوی (اورگانیک) به یک پیمانهای خیلی زیاد ساخته شده که روی آنرا پوشیده است . گویا بدین ملحوظ از نگاه جستجوی حیات ، من اولاً به سراغ قمر تیتان براه خواهم افتاد .

جو بیتر یکی از کرات دیگری است که در آن احتمال حیات موجود است . این کره از نگاه متشأزندی بیشتر شبیه بزمین بوده و عمر آن در حدود (۴۰۰۰) میلیون سال تخمین گردیده است . تصور مینمایم که راجع به منشأ حیات این کره از کشفیات محیط خارجی نظام شمسی یعنی جو بیتر و ماورای آن معلوماتی بدست خواهد آمد .

سوال : گرچه کشف کرات ممکن است مساعی قیمتداری برای عالمان نجوم معلوم شود ولی با تمامی پرابلم های غذائی ، اقتصادی و انرجی که امروز دنیا با آن مواجه است ، چطور اضلاع متحده امریکا خو یشتن را ذیحق میدانند که سالانه مبلغ ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ میلیون دلار را ، در حالیکه درد پیکر ساحات حیاتی احتیاج مبرمی بمصرف آن می باشد ، در مطالعات و تدقیقات کیهانی بمصرف برساند ؟

جواب : اولتر از همه با نیست گفت که پروگرام کیهانی بدون انسان که من راجع بان قبلا تذکری دادم صرفه ۱۵ فیصد آن مبلغ بوده ولی اصل پروگرام مذکور بالغ به ۳۰۰ میلیون دلار سالانه میباشد و من کاملاً حاضر م که حقیقت آنرا اثبات و حتی لازم بودن ۳۰۰۰ دلار بودجه عمومی آن را برای ناسا که یک اورگان کیهانی و ایرونا تیکمی ملی است ، پشتیبانی نمایم .

اجازه دهید که این سوال شما را یک شکل دیگری بگویم : چیزیکه من درین پروگرام مشاهده میکنم اینست که آینده درخشان علمی و ساینسیکی و دورنمای انکشافات

دستگاه‌های عصری کشف

کشف رادیو تخنیک‌های هوایی به کشف ستراتیژیکی نزدیک شدن و ظایف کشف رادیو تخنیک‌های هوایی

مترجم: د. پیام انجیر

فومانندانی پیمان نظامی «ناتو» باین عقیده است که در زمان موجوده موقعیت در تمام ساحات محاربه مربوط به حاضر بودن قوای مسلح برای تحت فشار گرفتن و سایط الکترونی دشمن میباشد. و اجرای این عملیات از جمله مهمترین عناصر مبارزه رادیو الکترونی محسوب میگردد.

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که تجارب جنگ‌های ویتنام و عملیات محاربه‌ی در شرق میانه تأیید کرده است که تحت فشار گرفتن مؤثر و سایط رادیو الکترونی دشمن تا اندازه زیاد مربوط به نتایج بدست آوردن کشف رادیو تخنیک‌های بوده است.

نظر به عقیده متخصصین نظامی خارجی امکانات زیادتر در اجرای کشف رادیو تخنیک‌های (کشف دوامدار، مکمل، عمیقانه، اوپراتیوی و غرضی ساحه کشف شونده) در دسترس کشف هوایی است که میتواند بوسیله طیارات بی پیلوت و پیلوت دار بصورت مؤثرانه این وظیفه را انجام بدهند.

طوریکه در مطبوعات خارجی به نشر رسیده است در کشور های عضو پیمان نظامی ناتو در سال های اخیر توجه زیاد در عصری ساختن و تهیه و سایط جدید کشف رادیو تخنیک‌های هوایی گردیده است. درینجا میتوان یاد آور گردید که وزارت دفاع امریکا در سالهای اخیر مصارف رادیو عصری ساختن و سایط مبارزه رادیو الکترونی بسیار زیاد ساخته است.

نظر به نوع وظایف و استفاده از و سایط برای اجرای آنها کشف رادیو تخنیک‌های هوایی از طرف متخصصین نظامی به کشف ستراتیژیکی و تکنیکی تقسیم میشود. درینجا راجع به فعالیت مشترک آنها در ساحه وسیعی و خصوصاً در حصه تبادل

رادیو تخنیک‌های طیارات

و تکنیکی جدا میشود، در جریان سال های اخیر ستراتیژیکی و تکنیکی و اوضح به نظر میرسد

جگتورن محمد اکبر سروری

نظر به معلومات مطبوعات خارجی طیارات مخصوص کشف با دستگاه های کشف رادیو تخنیک‌های که بصورت عمومی با دیگر و سایط اکتشافی (از قبیل و سایط کشف عکاسی کننده، اشعه تحت قرمز، کشف تیلویز یونی، کشف هیدرواکوستیکی و غیره) مشترکاً فعالیت مینمایند مجهز میباشند. و طیارات محاربه‌ی زیادتر با دستگاه های ایفا کننده راجع به تحت شعاع قرار گرفتن و توجیه سلاح (راکت) و همچنان آذخه های کشف کننده مجهز میباشند.

در حالیکه بمبارزه رادیو الکترونی اهمیت بسیار زیاد داده میشود با آنهم دانشمندان نظامی يك عده کشورهای جهان به عصری شدن دائمی و سایط تخنیک‌های که برای اجرای عملیات تعیین گردیده است بسیار دقت می نمایند. طوریکه در مطبوعات خارجی خبر داده شده است یکی از جهات پیشرفت آنها عبارت از متحد ساختن (یکی ساختن) و سایط کشف رادیو تخنیک‌های (باماس ماشین های محاسبه الکترونی) با و سایط تحت فشار گیرنده الکترونی و تأمین فعالیت مشترک آنها با فعالیت سیستم های رادیو الکترونی بدنی دیگر میباشد. در ساحه ساختمان این دستگاه ساحه استعمال وسیع را به پرنسیب ساختمان دومی پیدا کرده است. نظر به عقیده متخصصین نظامی این پرنسیب اجازه استفاده وسیع را از و سایط مبارزه رادیو الکترونی در اوضاع مختلف تکنیکی بدون تغییر اساسی قسمت های اصلی آن را میدهد.

در زمان موجوده در ایالات متحده امریکا و يك عده کشورهای دیگر جهان يك تعداد زیاد و سایط مختلف کشف رادیو تخنیک‌های هوایی موجود است. و نظر به معلومات مطبوعات خارجی خواص تکنیکی و تخنیک‌های این و سایط در بسیاری موارد

الکترونی قوت های ستراتیژیکی قرار خواهند گرفت و اتخاذ اقدام برای تهیه و سایط جدید رادیو الکترونی استفاده خواهد گردید. برای اجرای کشف رادیو تخنیک‌های ستراتیژیکی در یک ساحه وسیعی از طیارات مخصوص قوای هوایی ایالات متحده از قبیل *EC-135*، *RC-130*، *SR-71*، *U2* و همچنان از طیارات قوای بحری *E-2C* و *ECI21* استفاده بعمل می آید.

ترتیبات بدنی کشف رادیو تخنیک‌های طیارات *EC-135*، *RC-130* و *EC-121* به يك سیستم واحد در آورده شده و در تشکیل آنها و سایط تحلیل ابتدائی اشارات گرفته شده و ثبت آنها در حجم که برای تحلیل مکمل در مراکز مخصوص تحلیل معلومات در زمین کفایت کند حتماً شامل میباشد.

کشف رادیو تخنیک‌های تکنیکی برای کشف وضع الجیش و تعیین خواص تکنیکی و تخنیک‌های و سایط رادیو الکترونی دشمن که به مقصد تأسیس مبارزه رادیو الکترونی در جهات مشخص تکنیکی و اوپراتیوی در جریان اجرای محاربات از آن استفاده می نماید صورت میگیرد. اجرای کشف رادیو تخنیک‌های تکنیکی بوسیله طیارات اکتشافی مخصوص *EA-4A*، *S-3A*، *P-3C*، *OV-ID*، *RF-4C* و بعضی طیارات جنگی که با و سایط کشف رادیو تخنیک‌های مجهز می باشند صورت میگیرد البته طیارات *F-105*، *F-4*، *A-7*، *A-6*، *F-4* و غیره نیز درین جمله شامل می باشند. درینجا طیارات گروه اولی فقط رول کشف را در اثنای احضارات گرفتن با اجرای عملیات محاربه‌ی و طیارات گروه دومی کشف ثانی را در جریان عملیات محاربه‌ی انجام میدهند.

معلومات اکتشافی حاصل شده تأیید گردیده است. در جریان پنج سال اخیر نزدیک شدن و ظایف کشف رادیو تخنیک‌های هوایی ستراتیژیکی و تکنیکی بسیار خوب به نظر میخورد.

نظر به عقیده متخصصین خارجی این موضوع را چنین شرح داده میتوانیم که در شروع سال های هفتاد انجیران و طراحان توانستند که و سایط اکتشافی میکرومینیاتوری (بسیار کوچک) را بسازند و امکانات تهیه اتوماتیکی همه معلومات حاصل شده، تحلیل و ثبت اشارات اخذ شده بصورت مستقیم در بدنه بسیاری طیارات عصری که وظیفه کشف

رادیو تخنیک‌های را انجام میدهند تأمین گردیده است و در عین زمان و سایطی ساخته شده است که تمام معلومات تهیه شده را در مقیاسی زمان حقیقی از طیاره بزمین ارسال میدارند. لیکن با وجود این همه موفقیت ها نظر به معلومات مطبوعات خارجی خبر داده شده است که در جریان ده سال آینده يك حالت مخصوص را در استعمال محاربه‌ی و سایط کشف رادیو تخنیک‌های مختلف را محافظه کنند. این امر مربوط به تشکیل و خصوصیت ساختمانی و سایط، خواص تکنیکی و تخنیک‌های و استفاده از و سایط حمل کننده آن میباشد.

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که وظایف اساسی کشف رادیو تخنیک‌های ستراتیژیکی عبارت است از: کشف و اوضح ساختن نظام های محاربه‌ی و تجمع و سایط رادیو الکترونی ستراتیژیکی ثابت و وظایف آنها، اخذ، تحلیل و ثبت اشارات رادیویی، و اوضح ساختن وضعیت رادیو الکترونی در عمق ممکنه اعظمی خاک دشمن احتمالی. از معلومات این قسم کشفیات برای تأسیس مبارزه رادیو الکترونی و با لخصوص برای تعیین و اهدافیکه تحت آتش مستقیم و تحت فشار گرفتن

باهم نزدیک می‌باشند. با آنهم بعضی از نمونه‌های عصریتر این نوع تخنیک که در طیارات نظامی یک عده کشورهای جهان و به‌خصوص کشورهای پیمان نظامی ناتو از آنها استفاده می‌گردد در دسترس شما قرار می‌دهم:

۱: سیستم کشف رادیو تخنیکی *AN/USD-7*: این سیستم در طیارات اکتشافی ستراتژیکی امریکا *EC-135* گذاشته می‌شود. نظریه عقیده متخصصین خارجی در زمان موجوده سیستم مذکور از جمله اساسی‌ترین و سبب کشف رادیو تخنیکی ایالات متحده امریکا محسوب می‌گردد. این سیستم در شروع سالهای شصت عیسوی ساخته شده است. در جریان چندین مرتبه عصری ساختن در اثنای استفاده از آن کمپنی «آربورن سترومنت» در یک ساحه وسیعی از آلات بسیار مقاوم و عناصر میکرومینیا لور در آن کار گرفته است. ساختمان اصلی سیستم عبارت از آخذ اکتشافی چندین کانال آنست که در ساحه وسیع فریکانس از ۵۰۰۰ الی ۱۸۰۰۰ میگامرس فعالیت کرده می‌تواند. بحیث تقویه کننده دخولی در آخذ سیستم از چراغ‌های موج دوند، و دیگر عناصر قوی الکترونی عیار کننده و فیلترهای فوق‌العاده عالی استفاده گردیده است. اخذ اشارات از وسایط کشف رادیو الکترونی دشمن بکمک سیستم آنتن‌های توجیهه شونده صورت می‌گیرد. نظریه عقیده متخصصین نظامی این قسم آنتن‌ها درجه دقیق بودن عالی جهت یابی منبع تشعشع را با استفاده از طریق مقایسه امپلیتودهای اشارات قبول شده از آخذها تأمین می‌دارد.

تحلیل ابتدائی معلومات بصورت عمومی مربوط به انتخاب اشارات جدید از وسایط دشمن و تعیین پارامترهای اساسی آن بوده و در بدنه طیاره بکمک ماشین‌های محاسبه الکترونی و یک عده ساختمان دیگر تحلیل کننده صورت می‌گیرد. اشارات بکمک کاسیت‌های عریض تاپریکاردها و دو اسیلوگراف‌ها بواسطه تحلیل دقیق در مراکز تهیه کننده معلومات زمینی ثبت می‌گردند.

نظر به پروگرام قوای هوائی ایالات متحده امریکا غیر از مکمل و عصری ساختن، بعد سیستم فوق‌الذکر، برای طیاره *EC-135* ترتیبات کشف رادیو الکترونی و وسایط دشمن بواسطه تشعشع جناحی آنها طرح و تهیه می‌شود.

۲- دستگاه کشف رادیو تخنیکی *R-47*: این دستگاه در طیارات اکتشافی ستراتژیکی قوای بحری ایالات متحده امریکا *EC-121* گذاشته می‌شود. این دستگاه اخذ اشارات وسایط رادیو الکترونی دشمن را در دیاپازن و اسواج متری الی سانتی متری تأمین می‌دارد (در آینده این دستگاه خواهد توانست که تا اسواج ملی متری دستگاه‌های دشمن را نیز اخذ کند). در تشکیل دستگاه چندین آخذ فریکانس عالی، دی‌مودولیا تور چندین فعالیتی (این دی‌مودولیا تور بصورت عمومی دی‌مودیشن اشارات را با هر قسم مودولین تأمین

می‌دارد) ترتیبات اداره کننده، اندیکاتور فریکانس‌های اشارات قبول شده و یک عده ساختمان‌های دیگر برای داخل ساختن اشارات اداروی به دستگاه، و ارسال معلومات آن به ماشین‌های محاسبه الکترونی بد نوی و به سیستم اداروی وسایط تحت فشار گیرنده الکترونی شامل می‌باشد. نظر به وظایف اجرا شونده از طرف طیارات اکتشافی تشکیل دستگاه *R-47* مختلف شده می‌تواند.

«هد» سرگوله فریکانس عالی اخذ و تقویه اشارات را در دیاپازن فریکانس ۵،۰ الی ۱۸ میگا هرس در داخل شش دیاپازن تأمین می‌دارد در تشکیل هر هد فریکانس عالی فیلتر انتخاب کننده دو کاناله دو قطبه، جدا کننده فریکانس عالی، مخلوط و تقویه کننده، گذرادین شمه عیار کننده فریکانس گذرادین، شمه عبارات و ماتیک فریکانس و تقویه و منابع تقویه الکتریکی شامل می‌باشد. درین ساختمانها تبدیل یک مرتبه‌ئی فریکانس اشاره قبول شده به اشاره فریکانس وسط مساوی به ۱۶۰ میگا هرس اجرامی گردد. برای تبدیلی یا از اشاه اداروی نظر به ولتاژ گذرادین و یا از اشاره تحلیل کننده فریکانس استفاده می‌گردد. درجه دقیق بودن عیار بکمک گذرادین به مثبت منفی ۰،۸، ۱۰ فیصد از فریکانس لازمی و بکمک تحلیل کننده فریکانس به مثبت منفی صد کیلو هرس می‌رسد.

برای تقویه اشارات مودولی شده نظر به امپلیتود از تقویه کننده خطی دی‌مودولیا تور و برای تقویه اشارات امپولسی و اشاراتیکه دارای مودویشن مغلق باشد از تقویه کننده‌های لوگاریتمی و برای تقویه اشارات مودولی شده نظر به فریکانس از تقویه کننده علاوگی کار گرفته می‌شود. ساختمان آخذ دارای دوشرید عبور با عرض ۲۰ و ۱،۴ میگا هرس می‌باشد. تبدیل یک شرید عبور به شرید عبور دیگر به کمک شمه الکترونی مخصوص صورت می‌گیرد.

۳: سیستم کشف رادیو تخنیکی *AN/ALR-52* این سیستم در شروع سالهای هفتاد از طرف کمپنی «آرگوسیتینر» تهیه گردیده است. سیستم مذکور برای کشف دردیاپازن ۵، الی ۱۲ میگا هرس «یک میگا هرس مساویست به ۱۰ بظاقت ۹ هرس یا سیکل» تعیین گردیده و باید در طیارات اکتشافی نوای بحری ایالات متحده *EP-3E* که شاید بعوض طیارات *EC-121* در آینده نزدیک در قوای مسلح شامل شوند نصب گردد خصوصیت تخنیکی این سیستم در آنست که در آن از ترتیبات آخذ غیر سوپر گذرادین استفاده گردیده است دارای آخذ چندین کانالی تقویه کننده مستقیم است که در مطبوعات خارجی بعضی اوقات بنام آخذ آنی اندازه کننده فریکانس یاد می‌شود نظر به عقیده متخصصین این قسم آخذها دارای حساسیت عالی

مانند آخذہ های سوپر گنراد بن نمی باشد ولی آنها دارای احتمال زیاد تراخدا اشارات اکتشافی می باشند و این تفوق به نسبتی حاصل می شود که آخذہ های مذکور خواص سپکتروالی اشارات قبول شده را اندازه نکرده بلکه قیمت های آنی آنها را اندازه می نمایند غیر از این آخذہ های مذکور دارای دیاپزون وسیع دینا میکی بوده و می تواند بصورت مؤثر اشارات را با طول بسیار کم قبول کند .

عنصر اصلی اندازه کننده عبارت از دیسکر یعنی تاور فریکانسی است که از خروج آن اشارات به تل الکترونی شعاعی اندیکا تور داده میشود نشان دادن معلومات اخذ شده در کوردینات قطعی صورت می گیرد . مسافه از مرکز پرده اندیکا تور تا خیم امپولسی عبارت از امپلیتود اشارہ اخذ شده بود و وضعیت زاویوی آن عبارت از فریکانس آنی و شعاع می باشد پرتشکیل سیستم هم چنان ساختمان تحلیل کننده پارامتر اشارات قبول شده از قبیل طول، فریکانس تکراری و غیره نیز شامل میباشد. نتایج بدست آمده در اندیکا تور مخصوص نشان داده میشود. اداره فعالیت سیستم در اثنای پرواز بکمک دو اوپراتور تأمین می گردد. در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که سیستم فوق الذکر دارای قابلیت اطمینان عالی بوده و با مقبضیات امروزی که از سیستم های کشف راديو تخنیکي خواسته میشود جواب مثبت داده می تواند .

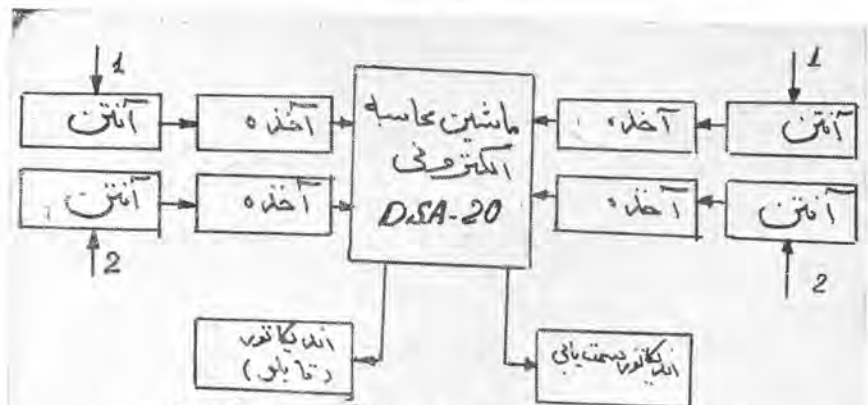
۴- دستگاه ایقاظ کننده راجع به تحت شعاع قرار گرفتن و یا توجیه سلاح ۴۵-AN/ALR, ۴۶-AN/ALR: این دستگاه ها یا آخذہ های کشف کننده قدیمی ۳۶-AN/APR و ۳۷-AN/APR که طیارات شکاری تکنیکی قوای بحری و طیارات شکاری که از عصر عرصه کشتی پرواز می کنند و طیارات هجومی قوای بحری امریکا با آنها مجهز می باشند یکجا در قوای سلاح شامل ساخته می شوند. نظر به معلومات مطبوعات خارجی این دستگاه، در طیارات قوای هوایی و یک عده

کشورهای اروپائی عضو پیمان نظامی ناتو نصب خواهند گردید. دستگاه ۴۵-AN/ALR در دیاپزون فریکانس ۵. الی ۱۴ گیگاهرس فعالیت کرده و برای باخبر ساختن پیلوت از تحت شعاع قرار گرفتن طیاره آن از طرف دستگاه های رادار زمینی و یا بد نوی دشمن و تهیه معلومات و تعریف هدف دشمن را برای سیستم اداره سلاح طیاره خدمت می نماید. عنصر

اصلی دستگاه عبارت از ماشین محاسبه الکترونی عددی ۲۰-DSA است که از طرف کمپنی «دالموو یکتور» ساخته شده تحلیل اشارات قبول شده را به مقصد شناسائی سریع و سالیط ارسال کننده اشعه دشمن تأمین می دارد «البته این عملیات در جریان ۳۰ الی ۴۰ میکروثانیه صورت می گیرد». از این کمپووتر برای اجرای معاینات کنترولی بعضی دوره ها. بلاک ها، دستگاه بصورت مکمل و پالیدن اتوماتیکی عوارض نیز استفاده بعمل می آید. معلومات اکتشافی بدست آمده در اندیکا تور مخصوص در اندیکا تور سمت یا بی معلومات در اندیکا تور سمت یا بی به شکل علائم شرطی، اعداد و حروف که مقصد تحت شعاع قرار گرفتن طیاره از طرف دستگاه رادار، رژیم فعالیت آن و درجه خطر ناک بودن آن را برای طیاره تعریف می کند نشان داده می شود. حالت علائم شرطی در پرده مطابق به آزمایش «زاویه جنبی» و مسافه تا همان دستگاه رادار دشمن می باشد.

۵: آخذہ کشف کننده ۳۸-AN/APR: این دستگاه در تشکیل ترتیبات کامپلکسی که برای طیارات F-4E و F-105 انتخاب شده شامل بوده و طیارات مذکور بصورت مخصوص برای مبارزه با توپچی دافع هوا و کامپلکس های راکتی دافع هوا بکمک راکت های رهبری شونده ضد رادار ستا ندرت ARM وظیفه میگیرند. از آخذہ های مذکور

در شرایط مغلق و وضعیت راديو در الکترونی استفاده بعمل می آید. به همین مقصد کار آخذہ، اداره آنها و تهیه معلومات اکتشافی بصورت اعظمی اتومات اجرا می گردد. سیستم اتوماتیکی این آخذہ با ساس ماشین های محاسبه الکترونی عددی ساخته شده است. معلومات از اشارات قبول شده در پرده اندیکا تور پیلوت اول به شکل علائم شرطی نشان داده شده و اندیکا تور پیلوت دوم اجازه میدهد که مشاهده وسیع تمام دیاپزون فریکانس آخذہ را تأمین کرده و درجه (بقیه در صفحه ۹۶)



منته ساده دستگاه کشف راديو تخنیکي AN/ALR-45
 ۱: اشارات رادار دشمن نصف نیم کره پیش رو پذین می گردد.
 ۲: در هر طرف از طرف نصف نیم کره عقبی پذیر می گردد.

مطالبی در بارهٔ اردوهای جهان

آسترالیا

بد و ام گذشته

طریق وزارت دفاع کوردینه سینما یدم هر قوه مستقل توسط یک وزیرملکی اداره میشود که هیچ یک از آنها در جمله ۱۲ وزیر کابینه نیستند. اردو قوای بحری و قوای هوایی بالترتیب توسط بورد اردو بحری و هوایی اداره میشوند که در هر بورد آن، وزیر، رئیس ارکان با چهار و یا پنج نفر مامور عالیرتبه ملکی و یا صاحبمصیبان عسکری قرار دارند. حرکات مشترک توسط قوماندانی واحد و پلانهای دفاعی عمومی که توسط یک قرارگاه مشترک ترتیب شده پیش برده میشود. در غیر آن هر سه قوه جدا از هم قرار دارند.

پالیسی سیاسی و نظامی:

آسترالیا در سال ۱۹۵۷ یک قرار اساسی اتخاذ نمود که تشکیلات و تجهیزات قوای مسلح خود را بقسم ایالات متحده بسازد، این عمل یک تغییر عمده در روابط عنعنوی عسکری آسترالیا با دولت پادشاهی بریتانیه بود. البته این مفهوم را ارائه نمیکرد که همبستگی آسترالیادر کشورهای مشترک المنافع ضعیف گردیده بلکه چنین استدلال میشد که آسترالیا در واقع تغییر شکل قوا را در بحر الکاهل و جنوب شرق آسیا تأیید میکند. چنانکه بریتانیه عمدتاً مسئولیت ها و تعهدات نظامی خویش را کاهش میداد.

آسترالیایقلاً از پیمان سیتودر دفاع از ویتنام جنوبی مقابل تجاوز سوسیالیست ها حمایت میگردد. قوتهای خود را بویتنام فرستاد تا دوشا دوش عساکر امریکائی و ویتنام جنوبی بجنگند. در عین زمان یک پروگرام ملکی را در ویتنام جنوبی بعهده گرفت تا فعالیت های حکومت امریکاو ویتنام را با هم کوردینه کند.

اعلام عقب کشیدن قوای انگلیس در سال ۱۹۷۱ از جنوب شرق آسیا باعث ظهور پرابلم های جدی برای آسترالیا با نفوس محدود یکی دارد گردید. هنگامیکه بریتانیه تعهدات

ارقام احصائیوی قوای پوتانسیل:
ساحه: ۳،۱۵۱،۴۵۰ میل مربع (بشمول مستملکات آن).
نفوس: ۱۵،۲۴۹،۰۰۰ نفر (بشمول مستملکات آن).
مجموع قوای مسلح: ۸۷،۱۶۰ نفر (۰،۵۷٪ نفوس).
تولید مجموع ملی: ۲۶،۱ میلیارد دالر (۱۷۱۵ دالر فی نفر، یا ۲۱۷۰ دالر فی نفر برای آسترالیا بدون مستملکات آن).

مصارف سالاته نظامی: ۱،۳۸ میلیارد دالر (۵،۲۹٪ تولید مجموع ملی: ۲۱،۲٪ مجموع بودجه)
تولید آهن و فولاد: ۱۱،۴۱ میلیون تن
تولید مواد سوخت: ذغال و ذغال سنگ چوب نما: ۵۴ میلیون تن.

نفت: ۷،۷ میلیون بیرل.
گاز: ۱۵۰ میلیون فنت مکعب.
تولید انرژی برق: ۳۶ میلیارد کیلووات ساعت.
بحریه تجارتی: ۱۰۲ کشتی بظرفیت مجموعی ۶۳۷،۰۰۰ تن.

هوانوردی ملکی: ۳۲ جت، ۵۷ جت پروانه دار و ۷۶ طیاره پستوندار ترانسپورتی بعلاوه ۳۷ طیاره ترانسپوت خفیف و ۳۵ هلیکوپتر.

ساختمان دفاعی:

گورنر جنرال آسترالیا سر قوماندان قوای مسلح آن است که از قدرت سلطنت بریتانیه نمایندگی مینماید. حکومت فدرال شکل پارلمانی را دارد که دارای قدرت حقیقی اجرائیوی بشمول قدرت قوای مسلح بوده در کابینه صدراعظم از این امور واریسی کرده نزد پارلمان مسئولیت دارد. اساساً مسولیت اداره و کنترل قوای مسلح در کابینه بدوش وزیر دفاع آنست که وی فعالیت هر سه قوای مستقل را از

همچنان امکان همکاری ستراتیژیکی طویل‌المدت جهت فراهم کردن اقتصاد مستقل استرالیا در تجارت با جاپان نیز موجود است.

کمک‌های نظامی:

استرالیا به اساس همکاری‌های همه‌جانبه محصلین مکاتب عسکری خود را به انگلستان، زیلانده جدید، کانادا و ایالات متحده امریکا فرستاده تبادل معلومات را در اتحادیه فعلی مینماید. در غیر آن استرالیا رسماً گیرنده هیچ مقاومت نظامی نمیباشد.

استرالیا از سال ۱۹۴۱ بدینطرف در حدود ۴۰،۶ میلیون دلار کمک‌های نظامی به مالیزیا و سنگاپور پرداخته است. این کمک‌ها قسمی در امور تعلیم و تربیه ایشان در استرالیا بمصرف رسیده و یا با ارسال تجهیزات نظامی پرداخته شده است.

متحدین:

استرالیا بحیث یک عضو در هر یک از ۵ سیستم اتحادیه هائیسست که تقریباً دارای صفات مشترک اند.

اول: استرالیا بحیث یک عضو مالک مشترک المنافع (کامنولت) همبستگی نزدیک نظامی خود را با انگلستان نیوزیلند جدید و بیک اندازه کم با کانادا و دیگر مالک مشترک المنافع حفظ نموده است.

دوم: استرالیا یک معاهده معاونت‌های متقابل و دو جانبه را با ایالات متحده امریکا از سال ۱۹۵۱ بدینطرف عقد نموده.

سوم: از جنگ عمومی دوم به اینطرف همکاری رسمی و غیر رسمی ترقیات دفاع متقابل بین استرالیا و نیوزیلند جدید در پهلوی مناسبات کامنولت آنها وجود دارد.

چهارم این دو مناسبات مقابل پیمان ۱۹۵۲ استرالیا زیلانده جدید ایالات متحده امریکا را ANZUS رسماً باهم پیوند داده است. بالاخره استرالیا یک عضو پیمان سازمان جنوب شرق آسیا (پیمان سی‌تو «SEATO») که در سال ۱۹۵۵ تاسیس شد میباشد.

اردو:

افراد: ۷۰۰،۰۰۰ نفر، ۴۵،۰۰۰ نفر، ۳۰،۰۰۰ نفر قوای دائمی (بشمول ۲،۸۰۰ نفر غنند جزائر بحر الکاهل) ۱۵،۸۰۰ نفر افراد خدمت ملی

تشکیلات:

۱۱ کاندک پیاده (۲ کاندک از مستملکات آن در ماورای بحار استخدام میشود).

یک غنند تانک.

یک غنند مخصوص خدمت هوایی.

یک قوه‌ای حمایه لوژستیککی.

یک کاندک راکت‌های زمین، هوا SAM (بلدهوند)



خود را در مالیزیا و سنگاپور قسح کرد استرالیا به اساس تعهدات چند سال قبل خویش در دفاع عمومی از کشورهای مشترک المنافع موافقت نمود که سهم سرباز زمینی هوایی و بحری خود را در طول سال ۱۹۷۱ در مالیزیا نگهدارد.

چندین سال بعد از جنگ عمومی دوم استرالیا سیستم سربازگیری زمان رافسح و به سیستم جلب افراد رضا کار برای قوای مسلح خود پرداخت. زمانیکه با این سیستم قوای کافی را جلب کرده نتوانست در سال ۱۹۶۵ بیک سیستم استخدام محدود انتخابی دست زد که پسران جوان را بعد از ۲۰ سن انتخاب تا دو سال در قوای مسلح و ۳ سال در حال احتیاط خدمت نمایند.

پرابلم‌های ستراتیژیکی:

بصورت عمومی دوری استرالیا از تصادفات اروپا و آسیا با محدودیت جغرافیای که دارد مستلزم پرابلم‌های نسبتاً کم ستراتیژیکی میباشد. لکن تصمیم عقب نشینی انگلیس با داشتن اسلحه مدرن و تکنالوژی ترانسپورتی از جنوب شرق آسیا و بحر هند باعث آن گردید که استرالیا بیشتر از همه مستقیماً بمقابل آسیا و مخصوصاً جنوب شرق آسیا توجه کند.

استرالیا از جلب توجه که مملکت پهناور ثروتمند و کم نفوس آن در مقابل ممالک پر نفوس شرق و جنوب شرق آسیا مینماید نگران است. توجه خاص به اندونزی معطوف گردیده که آراین غربی را (غرب گیتی جدید) از نیدرلیند متصرف شده است و ممکن آرزوی توسعه بیشتر را بطرف شرق نماید تا مستملکات استرالیا را در شرق گیتی جدید نیز متصرف شود.

وضع الجش :

یک گروپ لوا (۳ کاندک) در ویتنام جنوبی (قبل از ختم جنگ ویتنام)
 یک گروپ کاندک در مالیزیا .
 (بصورت مجموعی در حدود ۸۰۰۰ نفر در جنوب شرق آسیا) .

۲ کاندک در مستملکات ماورای بحار (جزایر پاپیوا ، گینی جدید و غیره) .

قوا و وسایط :

۲۰۰ تانک وسطه « سنتورین » .

۵۰ موتر زره دار « سلا دین »

۵۲ هلیکوپتر « شیوکس و آلوت »

توپچی وسط .

توپچی خفیف .

توپچی دافع هوا

احتیاط : قوای نظامی شهری در حدود ۳۷۰۰۰۰ مرد و ۱۴۰۰۰۰ زن برای سفر بری عاجل در دسترس قرار داشته که با استفاده از آن ۲۵ کاندک علاوگی با سلاح حمایه و خدمات تشکیل داد میشود . همچنین ۱۰۰۰۰ نفر بحیث قوای احتیاط حالت اضطراری موجود است .

قوای بحری :

افراد : ۷۷،۵۱۰ نفر قوای دایمی .

جزو تاسمهای اساسی :

یک کشتی طیاره بردار (CVS) .

۳ مخرب دارای راکت های رهبری شده (DDG) .

۴ مخرب (DD) .

۹ مخرب رسکورت (AD) .

۴ تحت البحری دیزلی (SS) .

۶ ماین پاک کن ساحلی (MSC) .

۲۰ فایق گزومه توپدار (PGM) .

یک ترانسپورت سریع السیر نظامی (CVL) تعدیل شده .

۱۲ کشتی متفرقه حمایه .

۱۰ طیاره شکاری بمبارد A-4G (سکای هاگ)

۱۴ طیاره گزومه بمبارد S-2E (ترک کر) .

۵۰ هلیکوپتر .

۳۵ طیاره حمایه ، تعلیمی .

پایگاه های اساسی بحری : سدنی ، ناورا ، جرویس ،

فری منتل .

احتیاط : ۴۰۷۰ نفر در قوت های بحری شهری و ۱۰۷۵

نفر در قوای اضطراری موجود است .

قوای هوایی :

افراد : ۲۲،۹۵۰ نفر قوای داعی .

تشکیلات :

قوماندانی اوپرا تیمی (قرار گاه های سدنی) .

قوماندانی حمایه (قرار گاه های ملبورن) .

۴ کاندک شکاری (۳ میراژ III و یک F-۸۶) .

یک کاندک ضربه خفیف (MB ۳۲۶) .

۲ کاندک بمبارد خفیف (F-111C) .

یک کاندک بمبارد خفیف (کانیرا) .

۲ کاندک کشف بحری (P-2H و P-3B) .

۴ کاندک ترانسپورت (C-۱۴۰ ، ۶ ، ۲ و کاریبو) .

۲ کاندک هلیکوپتر (UH-1B) .

یک کاندک راکت های زمین ، هوا (« بلدهوند » MK-۱) .

وضع الجیش :

۲ کاندک شکاری در مالیزیا (احتیاط مترا تیزیکی دول

مشترك المنافع)

۱ کاندک بمبارد خفیف در ویتنام جنوبی (قبل از ختم

جنگ ویتنام)

۱ کاندک ترانسپورت در ویتنام جنوبی (قبل از ختم

جنگ ویتنام)

۱ کاندک هلیکوپتر « « « « قبل از ختم جنگ ویتنام

انواع اساسی طیارات :

۲۵۸ طیاره حربی

۱۱۰ طیاره شکاری میراژ III

۶۰ طیاره شکاری F-86

۲۴ طیاره شکاری بمبارد F111C

۴۲ طیاره شکاری بمبارد « کانیرا »

۱۲ طیاره گزومه بمبارد (« نیپتون ») P-2H

۱۰ طیاره گزومه بمبارد (اوریدون) P-3B

۵۰۰ طیاره دیگر :

۳۶ طیاره جت تعلیمی (ایرومچی) MB326

۲۴ طیاره ترانسپورت ثقیل (هرکولیس) C-130

۲۵ طیاره ترانسپورت وسط (کاریبو) CV-2B

۱۰ طیاره ترانسپورت خفیف (ادا کوتا) C-47

۲۰ طیاره متفرقه وسط و خفیف ترانسپورتی .

۷۰ هلیکوپتر .

۳۱۵ طیاره متفرقه حمایه - تعلیمی

پایگاه های اساسی : امبرلی - پاینت کوك ، کانیرا ،

ریچماند ، تولار سرین ، ووسیرا ، لیرمونت ، لهورتن ، تیندل

داروین ، سل شرقی ، ویلیام تاون ، ناون سویل ، پیرس ،

مارا لینگا .

احتیاط : در قوای هوایی شهری آن در حدود ۹۲۰ مرد

برای سفر بری عاجل بدسترس قرار دارد با اضافه ۵۸۰ نفر

احتیاط اضطراری .

د روس

د توپونو یو لنډ تاریخ

« دریمه برخه »

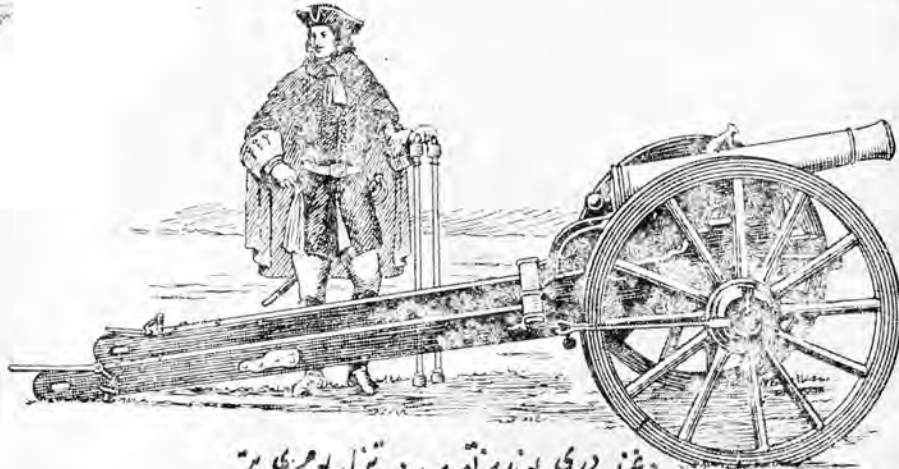
د تزار لومړی پتر د وخت توپچی .

په اولسمه پېړۍ کې د روس دولت د محیتو هیوادو سره په جګړه بوخت ؤ ، په دې جګړو کې د روس دولت توپچی قواو خورالوی رول درلود .

د روس دولت د پوښ سره (۱۶۰۸-۱۶۰۵ او ۱۶۱۱-۱۶۱۰ کلونو په جګړو کې د توپچی څخه په زیاته اندازه کار واخیست په همدې پېړۍ کې د روس په توپچی کې زیات پرمختګ راغی او پېړۍ با ارزښته اختراعاتی وشوی . په شپیتو کلونو کې روس سدورخلرونکی پيشالونه چه مردکی ئی درپوځو کې کارول . ولی ددی توپو څخه په جګړه کې کار وانه خيستل شو او یوازی په عسکری پریتونو کې تیریدل او په همدې وخت کې د فنډاغلرونکو توپونو کار بشپړ شو . د روس په توپچی کې د دغه پرمختګ سره سره محیثی نیمګړتیاوې موجودې وې او هغه دیوه تینګ او واحد سیستم نشتوالی ؤ . د شمال په ډول د غنډه توپچی پنځلس ډوله ؤ .

د تزار لومړی پتر په وخت کې د هغه بنیادی بدلون په ترڅ کې چه په پوځی چارو کې منځ ته راغی توپچی هم دیوه مستقل او واحد پوځی قوت په څیر را برسیره شو . په دې وخت کې توپچی څلور ډوله ؤ : د غنډه توپچی ، د صحرا توپچی ، کلاما توپچی او د کلاؤ داسنحکام توپچی . د غنډه توپچی د درې پونډه سپکو توپو او نیم پوډه (پوډ ۱۶ کیلو ګرام) ابوسونو څخه عبارت و .

په هغه وخت کې د توپونو چاپ دیوه چوډنی غونډه اری دوزن په واسطه تعینیدو . د توپچی پونډه د دوه دیومی چوډنی غونډه اری دوزن څخه عبارت ؤ چه په حقیقت کې ئی نیم کیلو ګرام وزن درلود (دیوم = ۲،۵۴ سانتي متر) . د صحرا توپچی کې ۳،۶ او ۱۲ پونډی توپونه ، ابوسونه او سور تیرونه (د لنډیو میلو توپونه) شامل و . د صحرا ټول توپچی په یوه خاص ډول د غنډه په توپچی کې سره توحید شوی و . د غنډه د توپچی یو ددرې پونډه توپ شکل ۱۰



۱۰ - نقشه دري پونديز توپ . تزار لومړی پتر

تزار لومړی پتر د توپچی سره دومره علاقه درلوده چه لاهه ۱۶۹۵ کال کی ده د پری او براژ نسکی په غنډه کی د بمبارد تولی چه غلور توپونه او شپږ مور تیره (د لنډه یومیلو توپونه) در لودل تاسیس اولس کاله دهغه تولی قوماندان و روس د ۱۷۰۰ کال نه تر ۱۷۲۱ کال پوری د سویډن سره دهغو محکو د بیرته لاس ته را وړلو لپاره چه د بالټیک د بحری پغاړه پرتی او د پولنډ - سویډن له خوا په اولسمه پیری کی نیولی شوی وی په جگړه بوخت و .

د ۱۷۰۱ کال دادیستر یفراو ۱۷۰۲ کال د گوملسکوف اود نوتی بورگ د جگړو بری دروس په منظم توپچی پوری اړه لری . د نوتی بورگ کلا د نیوا د ستین پورتنی برخه کی پرته او یوه ډیره کله که کلاوه . دیوالوسور غلور متره اولور والی ئی ۸،۵ متره و چه اوه برچه ئی درلودل . په دیوالو او برجو کی ئی ۱۳۸ توپه لځای پځای شوی او په پخوا زمانه دروس څخه سویډن نیولی وه . روس ددی کلا د بیرته نیولو لپاره ۱۷۰۲ کال د اکتوبر په میاشت کی پدغه کلا حمله وکړه . اودغه کلا دیوالس ورځینو د کلا ماتونکی توپچی ، چه د بمبارد تولی قوماندان ئی پخپله تزار لومړی پتر و ، د سختو ډزو وروسته دروس لاس ته ورغله . ددی جگړی یو منظره چه د توپچی اور پخپله د تزار لومړی پتر لخوا اداره کیده په لاندی شکل کی لیدل کیوی .

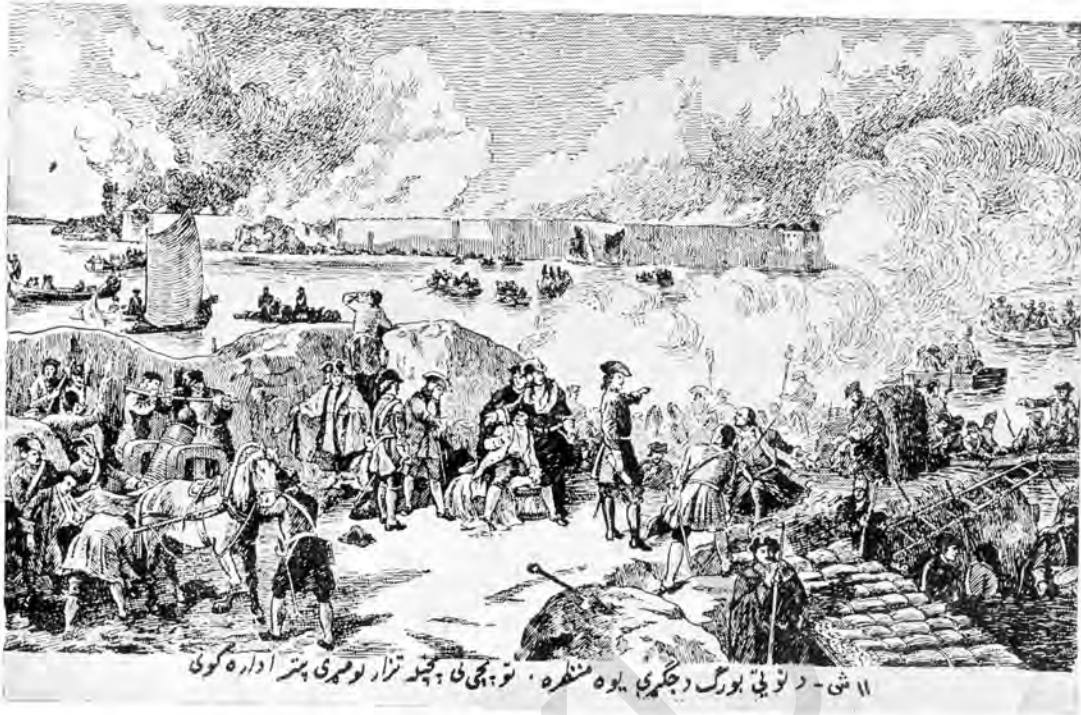
تزار لومړی پتر یوه پیاوړی سواره فوه منځ ته راوسته چه دغه محاروبی قدرت د توپچی په لرلو او دهغه د دوامداره اور دحمایی په واسطه ډیر زیات و . دهماغو بدلونونو د منځ ته رانللو له امله دروس توپچی په دی وخت کی د لویدیځی اروپا په نسبت مخکی تللی و .

د تزار لومړی پتر په لاریوونه دروس توپچی په ډیره لنډه موده کی یو خورا قوی پوځی صنف شو .

د توپه دمیلونو د جوړولو دفلزی او برنجی (زیرو) نیچر تیا د پوره کولو لپاره لومړی پتر امر وکړ چه د کلیساؤ د گمبځونه زیر راقول او د توپو میلوونه تری جوړ کړی . او په دی ډول یوازی په ۱۷۰۱ کال کی د همدغو زیرو څخه د توپ ۲۶۸ میله جوړ شوی و

تزار لومړی پتر په تولا او اورال کی د توپونو کارخانی جوړی او هر کار ته ئی مخصوص ماهر وگماره ، یعنی هوماهر به دمیلونو جوړولو ، بل به د صیقل او دریم به د بسته کاری کار په غاړه درلود . او همدغه کار د توپونو د تولید سبب شو .

تزار لومړی پتر د توپچی فنی پرسونل ته ډیره پاملرنه لرله اوله همدی کبله ئی په ۱۷۲۱ کال کی د نوپگیشن او ریاضیاتو یو ښوونځی جوړ کړ چه په هغه کی ۲۵۰ ډیرو با استعدادو توپچیانو لوست کاوه .



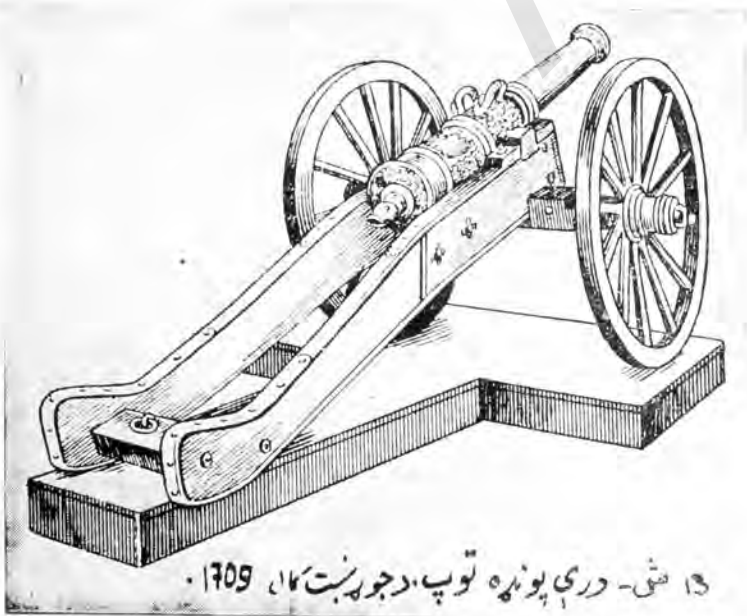
۱۱ ش - در توبی بورگ دجگري يوه منظره . توبچی با پتير تزار لومپری پتر اداره کوی

د بابتیک په بحیره کی ددوی تگ راتگ می تامین اکره .
 د تزار لومپری پتر بله جگره دپولناو اجگره ده ، چه دسویلهن
 پاچا دولسم کارل او پتر ترمنځ په ۱۷۰۹ کال کی وشوه .
 ددی جگری دپیل په وخت کی ددوارو خواودقوا دبحای
 پهای کولویوه شمه لاندی بیوول شوی ده .
 دا جگره دتوبچی دپه فعالیت او تنظیم بواسطه دروس
 په گتیه پای ته ورسیده .
 د ۳ پونډه توب یو بل شکل چه په ۱۷۰۹ کال کی
 دتولا دماهرانو له خوا جوړ شوی ؤ .

همدی جگره په نتیجه کی ؤ چه دحرب په تاریخ کی د لومپری
 محل لپاره دپاده ، سواره او سواره توبچی گتیه مساعی منځ
 ته راغله . بله جگره د ۱۷۰۳ کال په پسرلی کی وه چه دنین
 شانس کلا دنیولو لپاره چه دانجنیری له امله ډیره مجمزه
 کلا او د ۷۸ توبونه پکی بحای شوی او دنیوا دین
 پکاره پرته وه دروس اوسویلهن ترمنځ پیښه شوه . دمی
 میاشتی د لومپری نیتی په شپه دروس کلاماتونکی توبچی په
 دی کلا دزی پیل کړی . ترغو د سهار په پنځو بجو دروس
 دمورتیر دبطری دمرمیو په واسطه په کلا کی دباروتو یوه
 چاودنه منځ ته راغله چه کلائی رنگه او تریرغل دمخه
 تسلیم شوه .

تزار لومپری پتر دنین شانس کلا ته نودی په ۱۷۰۳ کال
 دمی د میاشتی په ۲۲ نیټه دنیوا دین په یوه جزیره کی
 دپتر پاولوفسک په نامه دیوی کلا اودهمدی میاشتی په ۲۷
 نیټه دپتر بورگ دپار (نیتی - لیننگراد) چه په ۱۷۱۲ کال کی
 دروس د دولت پایتخت شو ، بنسټ کیښیښود .

په ۱۷۰۴ کال کی ناروا هم دروس لاس ته ورغله .
 ناروا یوه ډیره کلکه کلا چه ۶۲۳ ضربه راز - راز چاپ
 واله توبونو په واسطه حمایه کیده . دناروا په کلا بانندی
 پرله پسې یوولس ورځی دروس د ۱۰۳ ضربه دراندو
 کلاماتونکو توبو (۷۱ توبه ، ۳۱ مودتیره او یوا بوس) له خوا
 اوربل ؤ . په کلا بانندی ۱۲۳۵۷ مرمی ، ۵۷۱۴ دمورتیر
 بونه انداخت شوی اولس ذره پونډه باروت پکی مصرف
 شوی ؤ اودارقم په هغه وخت کی یوحیرانونکی رقم ؤ .
 دناروا نیول روسانو لپاره ډیر اهمیت درلود دا محکه چه



۱۳ ش - دري پونډه توب دجورنبت ۱۷۰۹ .

چگونه تیم ملی پهلوانی انتخاب شد

در مسابقات انتخابی تیم ملی، پهلوانان اردو



شریف الله پهلوان، کلوپ عسکری در حالیکه حرین خود را به پهل آورده است

در اکثر
از کلاس ها
مقام قهرمانی
را بدست
آوردند

از مشق و تمرین دوامدار آنها میکرد. در این جا از نگاه جالب بودن مسابقات و خوب درخشیدن کشتی گیران نتایج وزن های مختلف را بصورت بیطرفانه از نظر گذشتانده و نتیجه گیری میکنیم که کدام کشتی گیر در طول مسابقه تا چه حد موفق بوده و یا عکس آن، زیرا نتایج چنین ارزیابی ها گذشته از آنکه در آینده ورزشکار نقش سودمند را ایفا میکند همچنین با مرور این چند سطر ورزشکار بتواند تمام زوایای روشن و تاریک مسابقه خویش پی برده و برنفع و یا انکشاف آن بهبود آرد، که بروی همین مقصد و همین مفکوره نتایج وزن های مختلف را از نظر میگذرانیم:

قرار اعلان قبلی ریاست اولمپیک غرض انتخاب تیم ملی در کشور بتاريخ ۱۶ عقرب مسابقات جالب پهلوانی درغازی استدیوم در حالیکه هزاران تن تماشاچی ورزشکاران طرف علاقه خویش را تشویق و بدرقه میکردند برگزار گردید. این مسابقات که مدت ۳ روز را در بر گرفت و در آن کشتی گیران کلب های مختلف حصه گرفته و مسابقات جالب و تماشا بی را انجام دادند. مخصوصاً این رقابت ها در وزن های پایین شور و هیجان خاصی داشت. کشتی گیران جوان اردو نیز در وزن های مختلف حصه گرفته و با پهلوانان کلب های متعدد کشتی کردند که البته نتایج آنها پس از یک بررسی قناعت بخش بوده و نمایندگی

در ۴۸ کیلو گرام

این وزن که در حقیقت سبکترین وزنهای کشتی بشمار میرود به نسبت وزن کم کشتی گیران بسرعت کشتی کرده و بازار تخنیک در این وزن بسیار گرم میباشد، چنانچه در مسابقات جهانی کشتی هم نسبت به همه وزنها در وزن ۴۸ کیلو گرام توسط کشتی گیران تخنیک بکار برده میشود. در این کلاس ۳ کشتی گیر که در حقیقت از گذشته و از حال نمایندگی میگردند مسابقه کردند، خادم شاه و ملا محمد هردو تا چند سال بیشتر از بهترین پهلوانان بشمار میرفتند، چنانچه هر یک از این پهلوانان چندین مرتبه غرض مسابقه بیخارج از کشور سفر نموده و مسابقه کردند، اما پهلوان تازه دم بنام نجف علی از کلب میوند توانست که این دور قیب سرسخت را به بسیار راحتی با ضرب فنی از سر راه خود بدور کند.

نجف علی ورزشکاریست که آینده درخشانی در پیشرو دارد زیرا این پهلوان گذشته از آنکه از زور بازوی کافی برخوردار میباشد همچنین در بکار بردن تخنیک درست نیز مهارت خاصی دارد که بصورت یقین این کشتی گیر جوان در چند مسابقه خارجی که عتق ریب اشتراک خواهد کرد دست خالی بکشور بر نخواهد گشت.

۵۲ کیلو گرام

در این وزن هم چندین کشتی گیر مسابقه کردند که از آن جمله ۲ قهرمان پیشین این کلاس حبیب شاه و عین الدین از هروقت دیگر آماده تر به نظر میخوردند که در نتیجه در یک مسابقه بسیار گرم و تماشایی باختلاف ۲ نمره عین الدین عضو کلب افغان حبیب شاه عضو کلب میوند را شکست داد، اما یک کشتی گیر بسیار پرتوان و جوان اردو بنام شریف الله هردو کشتی گیر ما هر را شکست داده و بصدر جدول قرار گرفت. هر سه نفر کشتی گیر انتخابی این وزن دارای آینده درخشان بوده و هر کدام از این پهلوانان در صورت مسابقه نتایج مطلوب را بدست خواهند آورد.

۵۷ کیلو گرام

در این وزن هم چندین کشتی گیر مسابقه کردند که بالاخره با الترتیب محمد ضمیر، محمد ناصر، و محمد نعیم که هر سه نفر عضو کلب اردو بودند مقام های اول تا سوم را حاصل کردند. ضمیر با وصف آنکه مقام اول را حاصل کرد مگر بآنهم آن درخشش گذشته را نداشت و اگر ناصر در یک روز ۳ کشتی نمی کرد حتماً او بمقام اولی دست می یافت. در صورت مشق و تمرین دوامدار مخصوصاً از محمد ناصر امکان پیروزی اش بعید به نظر نمی خورد.

۶۲ کیلو گرام

در این وزن چهره بسیار درخشان و شناخته شده کشور محمد صدیق زرگر یکبار دیگر کشتی های بسیار تماشایی را



صحنه جالب از جریان یک مسابقه غرض انتخاب تیم ملی

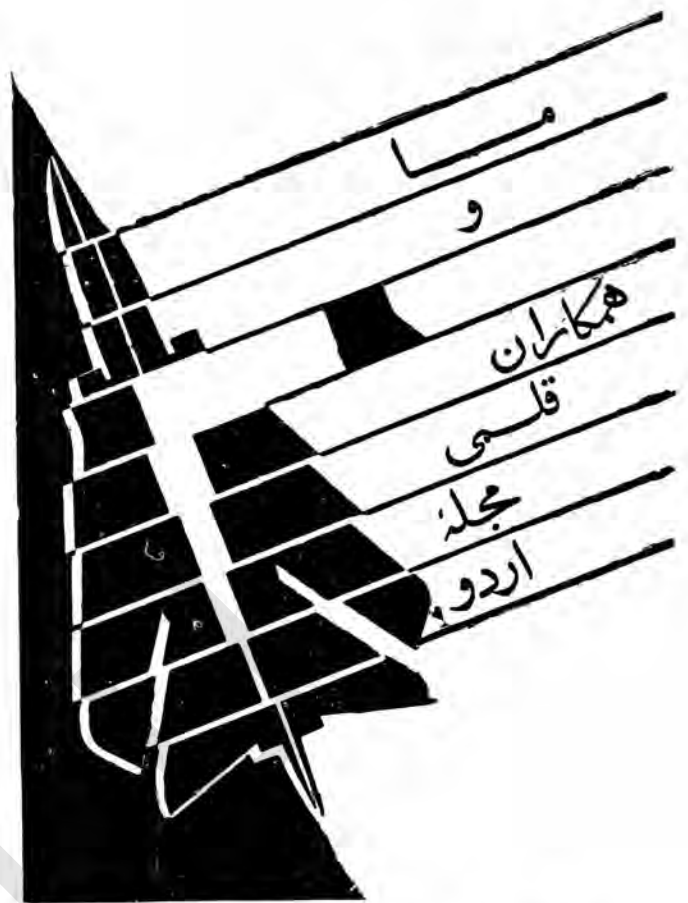
ارائه کرد که حتی بجز نت میتوان گفت از بهترین کشتی های او بشمار میرفت.

صدیق زرگر در پهلوی انرژی کافی از تخنیک عالی نیز برخوردار بوده و پهلوانیست که به ورزش طرف علاقه خویش عشق میورزد و از طرفی از مشق و تمرین کافی نیز برخوردار میباشد.

این کشتی گیر جوان و پرتوانی از امیدهای مسلم تیم کشتی ما در مسابقات خارجی بشمار میرود و آرزو مندیم که ارمغان تازه این جوان ورزشکار با اخلاق از مسابقات خارجی مدال طلا و یا مقام قهرمانی باشد. مقام های دوم و سوم را این وزن را عبدالمحمد از آکادمی پولیس و غلام ربانی عضو کنوپ عسکری بدست آوردند.

۶۸ کیلو گرام

محمد ناصر عضو کلب میوند بعد از چند کشتی بمقام قهرمانی رسید و غلام ربانی عضو کلب عسکری دوم گردید. (بقیه در صفحه ۱۰۰)



بناغلی امان‌الله (محمدی)!

مضمون ارسالی شما زیر عنوان: (مطالعه روزنه دانش است) بدسترس مارید حسن انتخاب و استعداد شما در رشته نویسندگی قابل یاد آوریت امیدواریم در آینده همانطور که از مضمون ارسالی تان بر می آید با مطالعه فراوان و مداومت با سر نویسندگی یکی از نویسندگان لایق وطن شوید با امید موفقیت و تشویق شما اینک بطبع و نشر مضمون تان می پردازیم:

« کتاب خواندن و مطالعه را علما و دانشمندان بعیث یک هنر یا یک عادت خوب قبول کرده اند.

هنر بخاطر آن که چگونه بخوانیم و چه بخوانیم - سرعت در خواندن و تمرکز فکر و درک کردن موضوعات یک کتاب از عوامل مهم علامتد ساختن ما به مطالعه است - زیرا بدون این موضوعات انسان نمیتواند به مطالعه عادت پیدا کند و به صورت مداوم و بدون سکتگی به مطالعه خود ادامه و فوایدی بیشماری از آن نصیب شود.

پیدا کردن وقت و فرصت برای مطالعه نیز یک موضوع مهم است زیرا ساینس و تکنالوژی امروز آنقدر پیشرفت نموده است که هر روز برای بشر مسئولیت های بزرگی در زندگی خلق می کند و امروز در اثر همین پیشرفت علم - دانش است که همه در هر جایکه هستیم دچار یک سلسله

گرفتاری های گوناگون و بعضاً تحت فشار عصبی بوده و کسی که موفق به پیدا کردن وقت مناسب برای مطالعه شده میتواند خودش یک نوع هنر میباشد زیرا ما بسیار فرصت های را بدون کدام موجب و دلیل اینکه توجه و علاقه به مطالعه نداریم و یا به فکر خود ما همان وقت را برای مطالعه مقید نمیندازیم از دست میدهیم. درحالیکه حقیقت چنین نیست. همچنان انتخاب نوع کتاب نیز در وادار ساختن ما به مطالعه اثر بس بزرگ دارد - زیرا دیده شده است که بعضاً ما کتابی را گرفته ایم و به مطالعه آن شروع کرده ایم ولی هنگامیکه چند صفحه از آنرا مطالعه نموده ایم چون به ذوق و علاقه ما برابر نبوده آنرا گذاشته و دنبال کتاب دیگر افتاده ایم. برای آنکه راحت و باعلاقه مطالعه کنیم بهتر است کتابهایی را انتخاب کنیم که از موضوعات آنها خوش ما بیاید و مطابق ذوق و علاقه ما باشد مثلاً هستند کسانی که از مطالعه موضوعات بسیار عالی و به سویی های بلندخوششان می آید و آنرا مطالعه می کنند و این دلچسپی آنها در اثر خواندن زیاد و مطالعه درین باره می باشد - به همین ترتیب شاید برای بعضی ها که به سبورت علاقه دارند به خواندن مصاحبه ها و موضوعات سبورتی علاقه بگیرند و امثال این ها که نظر به دلچسپی که به آن موضوعات نشان میدهند به مطالعه آن می پردازند.

مطالعه هر چه باشد بجای خود سودمند است مگر آنکه کتابهای گمراه کننده و مغایر معیارهای اخلاقی باشد که البته نباید به آنها مبادرت ورزید.

درین جا سوالی پیش می آید که چرا باید مطالعه کرد؟ مطالعه دو خاصیت برجسته دارد: اول آنکه ما را برای مدتی کوتاه و یا طولانی از دنیای خودمان بیرون می برد و با آرامش خاطر و هم آرامش روحی می بخشد. مطالعه است که ما را از آن عده تفریحات و موضوعاتی که خستگی عصبی و روحی بهار می آورد نجات می دهد.

دوم اینکه در دنیای امروز آنقدر پدیده های تازه و جدید وجود دارد که اگر ما عادت به مطالعه کتاب - مجله - روزنامه نداشته باشیم از آنها بکلی بی خبر میمانیم. چنانچه مادر تاریخ بشر مطالعه می کنیم - از روزی که جهان را شناختند و انسان ها در پرتو علم و دانش خود عادت گرفتند هر روز به مسؤلیت های شان افزوده شده و به فکر فردایی شدند که در آن زندگی بهتری با امتیازات بیشتر و خوب تر داشته باشند و علاوه بر این که خود زندگی را خوب و راحت میخواهند بفکر اطرافیان خود هم شدند زیرا مسؤلیت های فردی و اجتماعی انسان را آرام نمیکزارد تا به هم نوع خود خدمت نکند و از طرف آنها کمک نشود - چنانچه ما امروز در کتابها و مجلات و روزنامه ها ... از دورترین قسمت جهان خبرهای جالب و شنیدنی بشنویم و هم از موضوعاتی حیاتی که

و دانش از طریق مطالعه بکوشند تا باشد که مسئولیت‌های سنگین تری را که جامعه بدوش آنان میگذارد با سلاح علم و دانش و اندوخته های علمی به وجه احسن انجام دهند و چنان مردی باشند که افتخارات گذشتگان خود را پرافتخار تر و فروز انتر سازند تا باشد که ما باز توفیق و ایم مشعل دانش را روشن تر سازیم .

شاعلی محمد عزیز (رویش)

شعر ارسالی که زیر عنوان «پناه» سروده اید بدفتر مجله رسید ما ذوق و استعداد شمارا در سرودن شعر می ستایم و آرزو مندیم که استعدادتان بیشتر شکوفان گردد و اینک شعر شیوای شمارا در این صفحه تقدیم خوانندگان محترم میکنیم:

پناه

آدم که سہتاب
بانور پر فروغ
از لای ایرپاره شوخ سپیده گون
بر اوج پاك و آبی شب می کند سفر
من در میان بستر خود گریه می کنم
اشکم بسان موج پراسرار رود بار
از دیده های تر
توفان کند هزار
* * *
در نیمه های شب
در نور ماهتاب
با گیسوان تیره و چشمان پر خمار
آن شوخ دلربای من و ما هروی من
باقامت رسا و به چشمان نیمه باز
از راه های دور
آید بسوی من
* * *
در روشنایی من شبگرد آسمان
با صد هزار شوق چوینم بسوی او
دل من تپد به سینۀ پر درد و آه من
وانگه ...
شور هزار و سوسه می پیچدم بخویش
اما ...
زان شوخ دلربا
در موج نگاه پر از خاطرات دور
نقشی ز آشنایی دیرین نمی کشد
من در سکوت خفته خود گریه می کنم
با صد غم سپاه
و اندوه بی شمار
اندوهگین و خسته به شب می برم پناه

در هر گوشه جهان رخ می دهد به زودترین فرصت در تمام جهان آنرا پخش می کنند و ما از آن ها به مقصد بهتر زیستن و آسایش زندگی خود استفاده می کنیم و از اثری که بر مردم جهان میگذارد سبب خوشی و یا مآثر شدن جهانیان می شود. که این خود نشان دهنده آن علایق بشری است که در بین مردم جهان وجود دارد کسی که عادت به مطالعه ندارد و از موضوعات مهم و دلچسپ جهان بی خبر می ماند مانند آنست که درین دنیا زندگی نمی کند درست است که گوش کردن به رادیو ما را تا حدی در جریان وقایع و رویداد های جهان میگذارد اما اینها برای یک جوان امروزی کافی نیست زیرا وسایل نشراتی چیزهایی را بما میگویند و پخش می کنند که خود شان برای ما انتخاب کرده اند .

درین جای شک نیست که در این پروگرام ها مواد و مطالب مفید و به ذوق مردم وجود دارد اما ما میتوانیم از راه مطالعه مطالبی را که به آنها علاقمند هستیم انتخاب و مطالعه کنیم .

رادیو تنها در ساعات مخصوص و معینی پروگرام دارد که برای مردم سر گرمی خلق می کند مطالب جالب و مفید پخش می کند ولی ما میتوانیم از هر فرصت کوتاهی که در هر موضع - روز یا شب بدست می آوریم برای مطالعه استفاده کنیم . متاسفانه بیشتر از ما به مطالعه عادت نداریم این عادت را باید از کودکی در ما خلق کنند همچنان که ما نیز باید در فرزندان خود چنین عادتی را بوجود آوریم و علاوه بر آن بکوشیم تا خود ما هم به مطالعه عادت پیدا کنیم .

کتاب مثل نان و هوا و آب از ضروریات زندگی برای گروهی از مردم تلقی نمیشود در حالیکه همانطوریکه جسم به غذا نیاز دارد تا به زندگی خود ادامه دهد .

روح انسان نیز به کتاب و مطالعه که غذای روح است احتیاج شدید دارد و علاوه بر این از راه کتاب و مطالعه است که اندیشه آدمی گسترش پیدا می کند .

شخصیت انسان تکامل میابد و از راه فزونی گرفتن دامنۀ علم و دانش است که انسان میتواند درهای خوب تری را برای زیستن خود بگشاید و زندگی خوب و راحت داشته باشد .

اکنون که ما و جامعه ما دارای دولت مردمی و رژیم مترقی جمهوری می باشیم و هر روز برای گسترش و توسعه علم و دانش افراد جامعه ما کوشش به عمل می آید تا سویه علمی و فرهنگی مردم بلند برده شود در توسعه دادن کتابخانه های عامه به سویه های مختلف در هر گوشه مملکت افزود می شود بر جوانان با درد و با احساس وطن پرست است تا از فرصت های موجوده استفاده اعظمی نموده و برای کسب علم

آن گاز ستر کلوراید متصاعد میگردد که خاصیت زهری داشته باعث هلاکت میگردد .

برنج : از ترکیب مس و حبست تولید میگردد اگر به پودر آن حرارت داده شود انفلاق نموده پودر آن تنفس شود زهری توی بوده باعث هلاکت میگردد .

حریق های برق :

مواد برای اطفاء حریق برق استعمال میگردد که خاصیت انتقال جریان برق را نداشته باشد که شامل پودر خشک کاربن دای اکساید یا مایعات تبخیر شونده میباشد .

اکثر فابریکات مدرن آلدهای ضد حریق را به رنگ های آبی مهیا میکنند تا هر شخص بتواند نظر به نوع حریق آلدهای ضد حریق را استعمال کنند .

— آلدهای ضد حریق نوع آب به رنگ سرخ میباشد

— « فوم » « نخودی »

— « پودر » « آبی »

— « کاربن دای اوکساید به رنگ سیاه میباشد

— « مایعات تبخیر شونده به رنگ فولادی میباشد

انواع آلدهای ضد حریق :

۱- نوع آب

۲- « فوم »

۳- « کاربن دای اوکساید »

۴- « پودر خشک »

۵- « مایعات تبخیر شونده »

وظیفه اساسی اطفائی :

۱- خاموش ساختن یا نجات و محافظت انسانها و مواسی از حریق .

۲- خاموش ساختن یا نجات و محافظت املاک و اموال از حریق .

۳- اتخاذ تدابیر و قایوی از واقعات ناگوار حریق

۴- « « مجادلوی در واقعات حریق

آتش چیست و چطور بمیان می آید :

تعریف : آتش عبارت از حریق است که باعث خطرات جانی و مالی میشود و از سه عنصر تشکیل شده

a مواد مشتعل b- حرارت c- اکسیجن

طور مثال اگر یک مثلث را در نظر بگیریم یک ضلع آن اکسیجن ضلع دوم آن مواد مشتعل ضلع سوم حرارت اگر یکی از اضلاع این مثلث را از بین ببریم آتش خاموش میشود

شیاغلی جگرن محمد زلی رسیدی

سناسی یوه تو ته پبستو شرچی عنوان بی (د پوهنی

طر فدار دی جمهوریت) او یوه بل دری مضمون چی (هنگام مصافحه از روی ماچی پهره یزید) عنوان درلود مونیر ته راورسید .

ترجمه را که زیر عنوان (حریق، بلای خانمانسوز) کرده اید برای ما رسید، از نگارش آن معلوم میشود که استعداد خوب برای نوشتن دارید .

اما اگر اندکی بخود زحمت داده و با مطالعات مداوم و خستگی ناپذیر ادامه بدهید حتما مضامین و مطالب شیواتر خواهید نوشت و به آرزوی موفقیت تان ترجمه شمارا در اینجا بدون تصرف نقل میکنیم :

« طبقه بندی حریق :

حریق را بصورت عمومی به چهار نوع تقسیم نموده اند.

حریق های نوع A

مواد این نوع حریق ها جامد بوده دارای مواد کاربونی میباشد که باعث اشتعال میشود و مؤثرترین مواد اطفاین حریق ها آب بوده که بصورت پاشان استعمال میشود مواد این نوع حریق ها چوب کاغذ و منسوجات نخی میباشد .

حریق های نوع C :

در این نوع حریق مایعات ما جامدات مایع مانند شامل میباشد و مایعات مشتعله بدو گروه تقسیم میشود .

A- مایعات مشتعله که با آب قابل حل میباشد .

B- مایعات مشتعله که با آب قابل حل نمیشوند .

در اطفای هر دو نوع مایعات مشتعله فوق مواد خاموش کننده مانند فوم و آب به شکل پاشان مایعات تبخیر شونده کاربن دای اکساید و پودر خشک استعمال میشود .

حریق های نوع D :

درین حریق ها گازات یا گازات مایع مانند شامل میباشد مانند گازهای متان ، پررپان و بیوتان .

برای اطفای این نوع حریق ها آب بصورت پاشان استعمال شده تا ظرفرا سرد سازد هم چنان برای کنترل حریق هائیکه از اثر چپه شدن گاز صورت میگردد و عمق زیاد نداشته باشد فوم استعمال میگردد . مواد پتروولی نیز شامل این نوع میباشد .

حریق های نوع D :

درین نوع حریق ها فلزات مشتعله شامل میباشد برای خاموش ساختن آب مؤثر نبوده باعث طغیان آتش میگردد . کاربن دای اکساید ، پودر خشک ، خاک و یاریگ خشک

برای آن مؤثر میباشد . فلزات مشتعله دارای خاصیت رادیو اکتیف میباشد عبارت از یورانیم ، پلاتینوم و غیره و در فابریکات زیاد قابل استعمال نیست و تنها در ساحه های که تولیدات مخصوص دارند استعمال میگرددند . فلزات مشتعله عادی عبارت اند از المونیم ، برنج ، مس ، سرب ، سدیم ، جست و غیره .

المونیم : اگر پودر المونیم با پوتاشیم هاید را کساید و سدیم هاید را کساید ترکیب گردد انفلاق نموده از

داچه ستاسی شعر محینی شعری او ادبی نیمگی تیاوی درلودی دخپرو لونه پاتی شو، ترهغه نخایه چی مونږ پته ولگیده تاسی دشعر ویلو استعداد لری که چیری تاسی د تیرو اوسنی شاعرانو منظوم آثار ولولی نوله تاسره دشعر ویلو اولیکلوکی مرسته کوی، ژمونږ هیله داده چی په راتلونکی وخت کی دخپلو ټولنی هوټکره او خوږ ژبی شاعر شی .

اوددری مضمون په تاسی ته یادونه کووچی داردو مجلی دنشراتی پالیسی سره سمون نخوری نوله همدی کیله دنشر ته پاتی شو . هیله ده خوابدی نشی .

یکنن از نویسندگان گرامی مضمون (تاریخچه جهان از نظر اختراعات) را بما فرستاده اند ستاسانه نام و شهرت و آدرس شان بنظر نرسید بهرحال ماندانستیم که این مضمون نگارش است یا ترجمه و یا اقتباسی اما نظر به ارزشی که داشت ذیلاً بطبع آن اقدام نمودیم :

تاریخچه جهان از نظر اختراعات

از نظر اختراعات تاریخ را میتوان به سه دوره تقسیم کرد: دوره مخترعین ناشناس، دوره مخترعین که مافقط از پلان و مجل سکونت آنها اطلاع داریم و بالاخره دوره ای که نام و نشان مخترعین بر ما معلوم میباشد .

دوره مخترعین ناشناس میلیون ها سال عمر داشته و در عرض آن افراد بشر رفته رفته خود را از قیودی که طبیعت بر پای آنها بسته بودرها نپاده و شروع به غلبه نمودن بر طبیعت را کرده اند. در این دوره انسانهای اولیه شروع به ساختن برخی آلات و ادوات ساده را کردند. محل سکونت این افراد ویانام و نشان آنها « اگرا دارا بودند» برای همیشه ناشناخته مانده و بعدها نیز ناشناخته خواهند ماند

این دوره رفته رفته منجر به پیدایش ملتها و مملکتها گردید که در هر کدام از آنها عده ای از مخترع و مکتشف زندگانی میکردند اما از نام و نشان آنها به هیچ وجه اطلاعی نداریم و فقط میدانیم که مثلاً قطب نما را چینی ها و یا چرخ را مصری ها اختراع کرده اند تاریخ در باره اینکه چه کسی این اختراعات را انجام داده کاملاً سکوت نموده است ولی به هر صورت در سایه اختراعات این دو دوره بشر به شاهراه تمدن افتاد و سپس با سرعت شروع به پیشرفت نموده و سرانجام عهدی فرارسید که نوشتن بیوگرافی هر مخترع و نحوه کار او از ضروریات گردید .

اختراعاتی که در دوره مخترعین ناشناس بعمل آمده اند مانند استفاده از سنگ و استخوان برای ساختن وسائل دفاعی و ساختن ظروف سفالین، رسیدگی و بافندگی، چراغ پیه سوژ کاشتن نباتات و دانه ها، انباز کردن غله و محصولات غذایی دارای ارزش اساسی و فراوان میباشد که هر کدام

بنوبه خود موجب فائق آمدن انسان به مشکلات گوناگونی بود که طبیعت در سر راه او قرار داده بود .

آثار بدست آمده درغارها و نقاطی که بشر اولیه در آن نقاط زندگانی میکردند نشان میدهند که تقریباً از پنج میلیون سال قبل بعد انسان قادر بوده احتیاجات روز مره خود را بطور تقریباً مستقل از طبیعت تأمین نماید. با کسب این موقعیت بشر بطور کامل به جاده تمدن افتاد. آنگاه شخم کردن زمین و ساختن ادوات چوبی و یاسنگی را فرا گرفت و توانست برخی مسائل ابتدایی مربوط به آبیاری را حل کند سپس دوره استفاده از معادن و ذوب فلزات فرا رسید .

با یافتن موفقیت در راه عبور از رودخانه ها با قایق های کوچک اختراع حروف الفباء و سرانجام اختراع بزرگ و بسیار مهم چرخ بشرا اولین قدمهای اساسی را در راه پرورش افکار و حصول با آرزو های خود برداشت .

تجسم این موضوع انسانها موفق به اختراع دستگاه مکانیکی بنام چرخ شده اند که تمام اختراعات و آلات و ادوات امروزی مانند ساعت، هواپیما، کشتی، اتومبیل، تراکتور، کارخانه جات عظیم و هزاران دستگاه دیگر مورد احتیاج میباشد. نشان دهنده اهمیت بی نظیر این اختراع ساده میباشد .

در آن عهد نیروی های که برای انجام کارها مورد استفاده قرار میگرفتند محدود به نیروی عضلانی تعداد معدودی اسب و گاو و تعداد زیادی برده و اسیر بوده اند. مهمترین رویداد آن عصر کشف طریقه استفاده از فلزات بود و آلات و ادوات سنگی جای خود را به وسائل برنزی و مسی دادند و در حدود سه هزار سال قبل استفاده از یک فلز جدید یعنی آهنی نیز کشف گردید. و چون ساختن ادوات آهنی و مسی به علت داشتن دوام زیادتیر مقرون به صرفه بودند این صنعت با سرعت مورد استفاده همه صنعتگران قرار گرفت، استفاده از این فلزات، همه مردم توانستند از آلات و ادوات مورد نیاز خود از قبیل چاقو، قیچی، نیزه و غیره استفاده نموده و به علاوه وسائل کار جدیدی نیز اختراع گردید .

اگرچه رشته های مختلف علوم فنی، ریاضی و طبیعی پیشرفت میکردند ولی هرگز کسی بفرستاده از یک منبع نیروی جدید، غیر از نیروی انسانی و حیوانی نیافتاده بود و همیشه برای انجام کلیه امور از این دو نیرو و مخصوصاً نیروی انسانی استفاده بعمل میآید .

اولین نیروئی که بشر، پس از نیروی بازوی بردگان و حیوانات مورد استفاده قرار داد نیروی آب بود ولی بعلت آنکه این نیرو در همه نقاط دردسترس نبود. استفاده از آن محدود بوده و سعی زیادی در تکمیل و سائلی که بتوانند با این نیرو کار کنند بعمل نیامد .

بعداً استفاده از نیروی باد و آب روز بروز توسعه بیشتری یافت در نقاط بادگیر آسیاب های بادی ساخته شدند و در جوار رودخانه ها و آبشارها از نیروی آب برای اینکار استفاده بعمل آمد .

پیشقدمان اختراع آسیا بادی و آبی اعراب بودند . که از همان قرون اولی قرون وسطی در ساختن اینگونه آسیاب ها کوشش فراوان به خرج داده و پیشرفت های زیادی نصیب شان شده بود .

استفاده واقعی از نیروی آب در اروپا بین سالهای ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی بعمل آمد و علت آن هم استفاده اروپائیان از تکنیک بهتری بود که اعراب در کشور های خود برای بهره برداری از این نیرو بکار میبردند . با استفاده از این تکنیک ها تغییرات بزرگی در امر تولید محصولات پدید آمد . در قرون دوازدهم میلادی از نیروی آب در کار خانجات آرد سازی آسیابها ، اره کشی ، قصارت ریسندگی ، دم- آهنگری و ذوب فلزات استفاده میشد بهره برداری از این نیرو به صنعتگران امکان داد تا قطعات بزرگتری را برای کارخانجات بسازند و باین ترتیب ساعتین کارخانه جاتی که تا آن زمان امکان ناپذیر بود ممکن گردید .

در سال های اخیر قرون وسطی نیروی آب بزرگترین نیروی گرداننده ماشینها محسوب میشد . بهره برداری از این نیرو نه تنها باعث شد که از نیروی عضلات انسان استفاده کمتری بعمل بیاید و در نتیجه آنها از رفاه بیشتری برخوردار بشوند بلکه کارخانه ها ، یککه با این وسیله کار مینمودند مفاد به مراتب بیشتری داشتند به محض آنکه بشر متوجه شد بتواند با استفاده از نیرو های طبیعی کار خود را آسان تر نماید و از رفاه بیشتری برخوردار شود از جان و دل در راه کشف نیرو های جدید تر و پر قدرت تر کوشش بعمل آورد . رفته رفته پیشرفت ماشینیسیم کار راه جایی رساند که دیگر نیروی آب و باد نمیتوانستند پاسخگوی احتیاجات بشر باشند . آنها محتاج به استفاده بهره برداری از نیرو های بودند که اولاً مستقل از طبیعت بوده و در ثانی دارای مفاد به مراتب بیشتر باشند .

در هر عصر و دوره ای افراد باهوش وجود دارند که میتوانند با اختراعات نو ظهور ، موجبات حل برخی از مسائلی را که مردم با آنها روبرو هستند فراهم بیاورند . ولی در عصر مورد بحث بیشتر اینگونه افراد هم خود را معطوف با مورد دیگری غیر از پیدا کردن صنایع جدید انرژی و نیرو کرده بودند ، سرچشمه این طرز تفکر از یونان قدیم شروع میشود که در آن فلسفه

ریاضیات و امور ماوراء الطبیعه خیلی مورد توجه بوده و عوض کار های عملی در درجه دوم و حتی سوم اهمیت قرار داشتند . و بعداً آهسته آهسته دانشمندان ظهور کرد مانند ارشمیدس یکی از کشفیات مشهور آن این بوده که متوجه شد اگر جسمی را وارد آب کنند بقدر وزن آب هم حجمش از وزن آن کاسته میشود یکی دیگر از اختراعات مهم ارشمیدس بکار بردن قرقره برای کشیدن نیرو میباشد .

و بالاخره پیشرفت علوم که منجر به وجود آمدن و تأیید نظرات کپرنیک ، و کارت ، نیوتون و سایر محققین و دانشمندان شده بود دیگر نمیتوانست باخرافات و سو هوماتی که مورد قبول مردم قرون و سظائی بودند سر سازگاری نشان بدهد ، آنچه را که نسل و مکتب جدید بان احتیاج داشت مباحث فلسفی و روایات و اساطیر نبود او خواهان تحقیقات در باره علم هیات و تجربیات علمی و عملی ، زمین شناسی ، زندگی فیزیولوژی و استفاده از تلسکوپ ، میزان الحرار ، هوا سنج ، لوازم طبیعی دستگاه های اندازه گیری ، دقیق و هزار فرمول و وسایل عملی دیگر بود .

در این عهد صنعتگران متوجه شدند که میتوانند با استفاده از نظرات و فرمول های جدیدی که دانشمندان ارائه میدهند و اختراعات تازه ای که مخترعین بعمل میاورند ، کار به مراتب کمتر و راحت تری محصول بهتر و بیشتری بدست میاورند و با این جهت از پیروان جدی این نظرات و اختراعات شدند و باین ترتیب علم و صنعت بیکدیگر وابستگی پیدا کرد که پایای هم شروع به پیشرفت و توسعه نمودند

جگرن تویچی بناغلی محمد سرور ۱

نامه شماره از پوسته شهری گرفتیم از علاقه و دلچسپی شما بمجله اردو و صمیمانه تشکر میکنیم در مورد پیشنهادات شما راجع به تقلیل حق الاشتراك مجله اردو باید یادآوری کنیم که این موضوع مراتب قانونی خویش را قبلاً پیموده و حق الاشتراك موجوده را منظور فرموده اند و عجلانته درین باره تصمیمی گرفته نمیتوانیم زیرا بمران کاغذ و مصارف گران طباعتی بما اجازه تقلیل در قسمت مجله را نمیدهد .

در باره مضامین آفاقی و عمومی نظر شما را تأیید میکنیم مانامه های فراوانی از همکاران و خوانندگان عزیز خود درین مورد بدست داریم و انشاء الله نظر شما را درآینده مراعات خواهیم نمود مجدداً از همکاری و رهنمائی شما تشکر میکنیم .

په حضر او سفر کی دروغتیا

دلجو هر نیو هر سمعو ار حقیقت

(بقیه شماره گذشته)

او مسموم نفر ته نجات ورکړی شی . که چیری زهری مواد دخولی له لاری بدن ته داخل شوی وی نو د زهری مادی د تاثیر کموایی له پاره اوبه ، شدی اودهگی سږن ورکول گټه لری . د کانگو راوستل بی گټی نه دی خو که چیری هضمی سیستم ئی زخمی کړی وی نو د کانگی غځه مخنیوی په کاردی ، مسموم نفر ته باید داسی وضعیت ورکړی شی چه سر ئی بشکته وی .

دهغو زهر و تداوی چه د چیچلو پواسطه بدن ته ننوزی:
هغه خزندوی چه د چیچلو پواسطه بدن ته زهر داخلوی خورا ډیری دی خو تر ټولو خطرناک ئی وماران ، غونډی، غنځه لږم او غومبسی دی .

دا خزندوی د ډیرو پیریورا پدی خوا دانسانانو د مړینی سبب کیږی ددی خزندو تاثیرات زیات سره په همغو مناطقو کی خطرناک دی چه وچی او تودی وی .

داخو ښکاره خبره ده چه عسکر په هر حالت چه وی د دپیتی غره او شیلو ملگری دی او نوموړی خزندوی دتشلو ، کورونو او ښارونو په نسبت غرونو ، دپیتو او شیلو کی زیاتتی وی . داهم گران کار دی چه ددی خزندو د چیچلو مخه ونیول شی لیکه عسکر چه د وطن په دفاع مامور او دا مقدسه وظیفه په غاړه لری نو له سرتیر او هیڅ راز خطر ونه ئی په اراده او ایمان کی خلل نه شی راوړلای . خو سره لدی هم په کار دی چه پدی لځان وپوهو وچه که چیری تصادفاً د خزندوی له چیچلو سره مخامخ شو څه باید وکړو که چیری مار کوم نفر وچه نو په کار دی چه درملو دمخه زیار وباسو او دامکان په صورت کی له چیچل شوی نفر سره مرسته وکړو .

د مرستی ډیره ښه طریقه داده چه :

چیچل شوی غړی لاس وی که پښه له نور بدن غځه

تصدی هغه حالت د ساحه دفاع ل مطالب د مقابل طرف وژل مقصد وی او داکار هغه کسان کوی ، کوم چه دانسانیت مخالف وی . مثلاً د ښمن غواړی چه د جنگ په وخت کی جنگی گازات استعمال کړی او یاد اچه اوبه او د استفادی وړ نور شیان په زهر و کسکړ کړی .

پداسی حالاتو کی ، پوه قوماندان مخکی له مخکی مادونان او عسکر پوهوی او دا ورته په ډاگه وائی هغه څه چه بشپړ اطمینان موږی نه وی راغلی استفاده ورغځه ونه کړی ، لیکه د ښمن زیار باسی شاتگ په وخت کی د زهری موادو پواسطه او به او خورا کی شیان ککړ کړی ؛ غو و کړی شی د مقابل طرف د پرمختگ مخه ونیسی د لځان ساتلو او یاد قواو د بیا فعالولو له پاره ورغځه گټه واخلي .

بدن ته د زهر و د داخلیدلو لاری :

په عمومی توگه بدن ته زهر له دریو لارو داخلیږی د تنفس له لاری - دخورلو له لاری د چیچلو او زرق له لاری . عسکری جز تامونه د عملیاتو په وخت کی زیاتره په هغو تسلیحاتو اخته کیږی چه د تنفس له لاری او یا د چیچلو له لاری خپل شوم تاثیرات سرته رسوی او د افرادو د مړینی سبب کیږی .

د زهری موادو تداوی :

په محاربوی عملیاتو کی د تنفس له لاری هغه زهری غازات شامل دی چه د دشمن له خوا استعمالیږی ، د داسی تسمیماتو مخنیوی د مخصوصو ماسکوټو پواسطه سرته رسیږی .

هغه زهر چه د تنفس له لاری بدن ته داخل شوی وی خطرناک حالت منځ ته راوړی پداسی حالاتو کی د مسموم نفر سره لویه مرسته داده چه هغه صحی کمپټه ورسول شی ، خو د مؤظفو کسانو له خوا ئی دشوم تاثیر مخه ونیول شی

بسته و سائل شی پری نه شودل شی چه چیچل شوی غری حرکت و کاندی ، نفر باید مطابق آرام و کاندی بحکه زیات خوئیدلی دی ته موقع برابر وی چه زهر به طول بدن کی خپاره شی او چیچل شوی نفر تلف کاندی .

د چیچل شوی غری یخ سائل زیاته گپه لری . چیچل شوی غری باید له چیچل شوی غای غیخه پورته کلک و تزل شی ترخو دوینی جریان قطعه او د زهر د خپریدلو مخه و نیول شی .

که ددی امکان موجود وی چه چیچل شوی نفر صحی کمپ ته زر رسول کیری نو د تزل شوی غری له خلاصیدو غیخه دی دپه وشی او که وخت زیات تیریری نو هرشل دقیقی وروسته دی دنیمی یا یوی دقیقی له پاره دغری تزل شوی غای هست او بیادی بیرته تینگ شی ، که امکان ولری زخم دی په کلیسم کلوریت یا سودیم کلوریت یا سودیم کلوریت پریمنجیل شی که امکان ولری زهردی له چیچل شوی غای

غیخه په زبیل کیدلو سره وویستل شی ، دا باید په یاد ولری غیخه نفر چه له چیچل شوی غای غیخه زهر د زبیلو پواسطه را باسی په خوله کی کوم زخم و نه لری بحکه پدی حالت کی امکان چه زهر د زخم له لاری وینی ته داخل او ددوهم نفر د تلف کیدلو سبب وگرخی .

چیچل شوی نفر ته باید تر یخ چای یا قهوه ور کیری شی زیاردی و ویستل شی چه چیچل شوی نفر ویده نه شی بحکه دا حالت

د زهر و فعالیت زیاتوی ، د زهر و ضد سیروم او یا نوری داسی دواوی چه د زهر و له منخه و رلو سبب کیری فنی نفر استعمالوی او غیخه نفر چه بلدیته نه لری لومړی باید پدی باب غه ناغی معلومات ولری او که نه نو کوشش دی وشی چه د پیر ژر چیچل شوی نفر فنی کسانو رسول شی .

د هر راز خزندو د چیچلو په وخت کی دمار چیچلو په خیر عملی سر ته رسیری . (پای)

دستگاههای عصری کشف رادیو تخنیکي ...

۱ بقیه صفحه ۸۱)

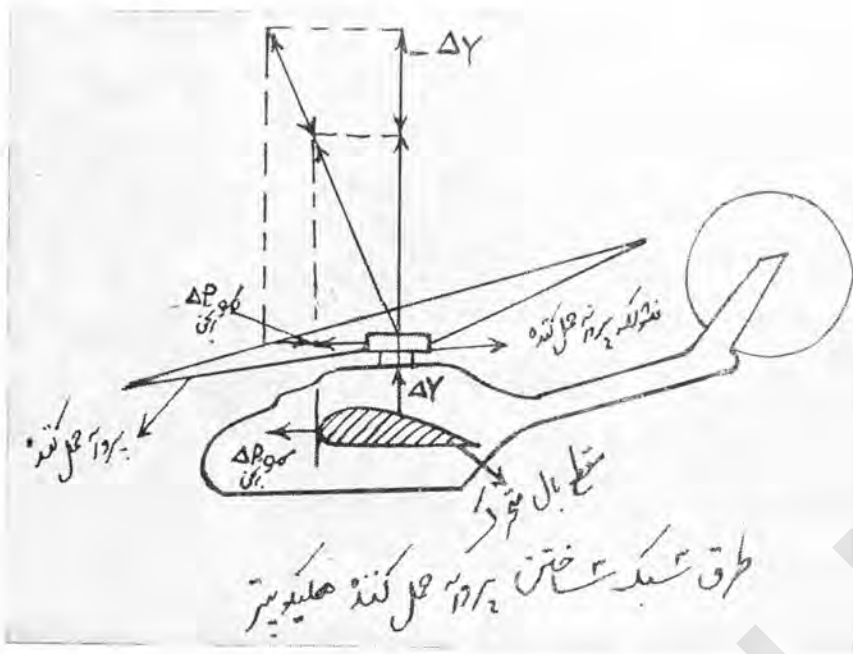
خطرناك بودن اشعه ارسالی از وسایط رادیو الکترونی دشمن را تعیین کرد . آنتن های سیستم مشاهده دایروی فضا را نظر به زاویه ازیموت تأمین داشته و امکانات سمت - یابی منبع تشعشع دشمن را با درجه دقیق بودن عالی میدهد .
۶- آخذة کشف کننده AN/APR-37 : این دستگاه در هلیکوپترهای قوای هوایی ایالات متحده امریکا گذاشته میشود . این آخذة برای استفادہ در شرایط مغلق وضعیت رادیو تخنیکي محاسبه گردیده است . با تولید اشارات صوتی و نوری آخذة عماله هلیکوپتر را از امکانات استعمال سلاح دشمن با خبر می سازد اخذ اشارات را ذریعہ چهار آنتن صورت می گیرد و این آنتنها امکانات تعیین تقریبی سمت ارسال کننده اشعه را میدهند .

در ساختن و تهیه این قسم دستگاههای کشف رادیو تخنیکي ایالات متحده امریکا در بین کشورهای غرب مقام اول را حائز میباشد . البته کشورهای ار و پائی عضو پیمان نظامی ناآو در پهلوی اینکه این قسم دستگاههای زیاد را از امریکا خریداری می نمایند خود شان هم این دستگاهها را طرح و تهیه می نمایند . بطور مثال کمپنی انگلیسی «دیکا» آخذة های اکتشافی را برای هلیکوپترهای «لینکس» قوای بحری انگلستان (دیاپزون امواج این آخذة از ۱۵ الی ۱۵۰ سانتی متر میباشد) و آخذة پورتاتیوی HPW-2 برای انواع دیگر هلیکوپترها طرح و تهیه می نماید . در طیارات شکاری قوای هوایی انگلستان آخذة های اکتشافی ساخت انگلیس از قبیل آخذة های ARI-18223 و ARI-18228 موجود میباشد . متخصصین خارجی با این عقیده اند که آخذة های فوق الذکر ساخت انگلیس نسبت به همین قسم های آخذة های ساخت امریکا از قبیل AN/APR-36 و AN/APR-37 دارای

امکانات محدود میباشد ، زیرا آخذة های اکتشافی فوق الذکر انگلیسی با خبر ساختن پیلوت را از امکانات پرتاب راکت های رهبری شونده دافع هوا تأمین ساخته نمی تواند . همچنان ساختمان تجلیل کننده اشارات اخذ شده بکلی نامکمل بوده و درجه دقیق بودن سمت یابی آن به مثبت منفی ۳۰ درجه میرسد (البته این رقم بسیار زیاد است) .

لیکن مطبوعات خارجی نتایج مثبتی که نصیب متخصصین انگلیسی در تهیه وسایط کشف رادیو تخنیکي قوای بحری شده است یاد آور شده است . در اینجا می توان از موفقیت متخصصین انگلیسی در ساختن ساختمان تجلیل کننده اتوماتیکي یاد آور شد در آئینده نزدیکي طیارات ثقیل انگلیسی به عصری ترین سیستم کشف رادیو تخنیکي مجهز خواهند شد . در طیارات HS-748 و F-27 دستگاه کشف رادیو تخنیکي «سیوز» که برای تحت البحری ها تهیه شده است در آئینده استفاده خواهد گردید . این دستگاههای کشف رادیو تخنیکي اخذ اشارات را در دیاپزون امواج ۱۵ الی ۳۰ سانتی متر و شناخت اتوماتیکي را تا ۲۵۰ نوع وسایط رادیو الکترونیکی دشمن تأمین کرده می تواند . دستگاه کشف رادیو تخنیکي طیارات ضد کشتی ها (قایق ها) که بنام «نیمرود» مسمی است ساختمان تهیه اتوماتیکي معلومات اکتشافی را مکملتر میسازد . غیر از دستگاه های کشف رادیو تخنیکي ساخت امریکا و انگلیس که در فوق از آن یاد آور شدیم یک تعداد زیاد وسایط کشف رادیو تخنیکي بدنیوی ساخته شده و یا در حال ساختمان است که بصورت مختصر بعضی از آنها را در جدول نشان داده ایم .
از مضمون فوق چنین نتیجه می گیریم که حلقه های نظامی ایالات متحده امریکا و یک عده کشورهای جهان از پیشرفت علم و تخنیک برای عصری ساختن وسایط کشف رادیو تخنیکي هوایی استفاده اعظمی نموده و می نمایند . (بقیه در صفحه ۹۸)

هلیکوپتر حربی ثقیل با بال های متحرك



برای تقابل تاثیرات مضره بال در رژیم آویزان شدن باید طوری دور داده شود که وتر آن به استقامت سمت جریان هوای پروانه حمل کننده مواجه باشد. در اثنای رجعت به پرواز افتی بال به حالت ابتدائی خود بر میگردد. چنین بال متحرك در هلیکوپتر دیزاین شده استعمال میگردد. نصب نمودن بال های متحرك باربرداری هلیکوپتر را تا به (۱۶۰۰) کیلوگرام افزوده و بدوام پرواز را تا ۱۰۰۰ کیلو متر فی ساعت اضافه مینماید.

برای اینکه در اثنای اضافه نمودن سرعت پرواز از جریان هوای گردبادی که در انجام پل ها درازیموت (۲۷۰ درجه) صورت میگردد جلوگیری نمائیم باید قدم شاک، پروانه حمل کننده را کم کنیم.

اما این وضع باعث تقلیل قوه کشش گردیده و هم قوه برداشت ΔP - و قوه محرکه انجن ΔP - (برسم مراجعده شود) را تکافونمی نماید.

برای رفع این حادثه بال معاون را نصب نمودند که قوه برداشت اضافی ΔP را ایجاد نماید.

قوه محرکه اضافی انجن ΔP برای افزایش سرعت لازم میباشد که قوه مذکور یا ذریعه قوه کشش انجن های جت یا ذریعه قوه کشش پروانه های هوائی اضافی تولید میگردد.

هلیکوپتر ها با داشتن بال های اضافی و پروانه های هوائی اضافی بنام هلیکوپتر های مختلط نامیده میشوند.

مفهوم دیزاین عبارت است از بهتر ساختن اوصاف تخنیکی پرواز با نصب نمودن بال های متحرك سرعت اعظمی مجاز پرواز هلیکوپتر های بدون بال ذریعه جریان هوای گردباد (سریف) که توسطه پل های پروانه حمل کننده که به اثر ازدیاد زوایای حمله به عقب میروند محدود میگردد. در اثر جریان گرد باد مقاومت پروفلی آن افزایش یافته، قوه کشش کم میشود و همچنین لرزش پل های که به بدن داده میشود اضافه گردیده و باعث کم شدن قابلیت اداره هلیکوپتر میگردد.

موثرترین طریق از بین بردن جریان هوای گرد باد از پل های پروانه حمل کننده و افزودن سرعت اعظمی مجاز پرواز هلیکوپتر عبارت از نصب نمودن بال در هلیکوپتر میباشد.

نصب نمودن بال پروانه حمل کننده را در سرعت های زیاد سبک ساخته تا اینکه بتواند زوایای تقرر پروانه حمل کننده را کم نماید، درین صورت زوایای حمله (زاویه بین وتر عناصر پل و ویکتور محصله سرعت ها زاویه عناصر پل نامیده میشود) مقطع پل های که بطرف معکوس میروند زیاد تقلیل یافته و در ضمن جریان گرد باد انحراف می یابد اما رژیم پرواز عمودی و رژیم آویزان شدن بال جریان هوای که، از پروانه حمل کننده می آید مانع نموده و قوه ایرو دینامیکی را تولید میکند که سمت آن بطرف پائین میباشد.

این وضع باربرداری هلیکوپتر را فوق العاده کم میسازد.



زاویه تقرر عبارت از زاویه است که در بین وتر عناصر پل ها و سطح دورانی فنولکه پروانه حمل کننده واقع است بنا بر پروانه های حمل کننده این هلیکوپترها سبک گردیده (یا کم کردن تعداد دوران پروانه حمل کننده است و یا کم کردن زاویه حمله) به همین سبب پروانه ها میتوانند با زوایای تقرر کمتر عمل کرده و جریان گردباد در سرعت های زیاد تولید میگردند .
به این گروه هلیکوپترها هلیکوپتر می-۶ و هم هلیکوپتر مختلط با پروانه های که به صورت عرضانی تقرر یافته نسبت داده میشود .

- ۱- ازدیاد وزن ساختمانی (وزن ساختمان آن زیاد میشود)
- ۲- تولید مقاومت مضربه از اثر وزش جریان هوای پروانه حمل کننده به بال .
- نواقص فوق یکی از مشخصات رژیم های پرواز عمودی است که سرعت افقی کم رادار را باشد .

به طور مثال پروانه های بال دار که مخترع آن کاموف میباشند .
سرعت هلیکوپترهای مختلط به (۴۰۰) الی (۴۵۰) کیلومتری ساعت میرسد اما این هلیکوپترها دارای نواقص ذیل میباشند .

(بقیه صفحه ۹۶)

دستگاههای عصری کشف رادیو تخنیک

وسایطه بد نوی اساسی کشف رادیوئی و رادیو تخنیک که در امریکا و انگلستان ساخته شده است

اسم و واسطه	ساحه امواج (سانتی متر)	محل نصب آن	تبصره
ایالات متحده امریکا			
دستگاههای کشف رادیو تخنیک:			
AN/APQ-142	1,5 - 1000	طیاره OV-1D	در طیارات موجود است
AN/ALR - 42	- » -	طیاره EA-6B	- » -
AN/ALR - 47	- » -	طیاره S-3A	- » -
AN/ALR - 49	- » -	طیاره E-2C	شروع به ساختن زیاد نموده اند
دستگاههای ایقاظ از تحت شعاع قرار گرفتن و توجیه سلاح به طیاره			
AN/APS-109	3,5 - 10	طیاره F-111, F-4	در طیارات موجود است
AN/ARL - 50	- » -	طیاره F-4, A-7, A-6 و RA-5C	فعلاً طیارات بان مجهز میشوند
AN/ALR - 56	- » -	طیاره F-15	تهیه زیاد آن شروع شده
AN/ALR - 62	- » -	طیارات FB-111, F-111	برای تهیه زیاد آن آماده می شوند
را پورت آخذه های کشف کننده			
AN/APR - 36	10,3	طیارات F105, A-7, F-4	در طیارات موجود است
AN/APR - 37	10,3	- » -	- » -
AN/APR - 41	10,3	هلیکوپترها	در حال تهیه و طرح می باشد
AN/ALR - 58	3 - 4	طیاره P-3B	تهیه شده در مرحله آزمایش قرار دارد
AN/ALR - 54	10,3	هلیکوپتر SH-2F	- » -
انگستان			
ARI - 1 8223	4 - 3	طیارات جگوار و هاریر	فعلاً در طیارات موجود است
ARI - 1 8228	- » -	طیارات F-4 « بوکانیر » و « ولکان »	- » -
HRW-2	2,7 - 15	هلیکوپترها	- » -

ددری می نړی اقتصادی پرمخ تګ

د «بغرض» ژباړه

په حیث ددی کړنلاری په تعمیم کی له هیڅ راز کوشش او مساعی څخه دریغ نه کوی او دستینو او مشینو گامونو په راپورته کولو سره دټولنی دترقی او تکامل لپار لاپسی پرازیزی او سموی همدا سبب دی چی دملی ژوند په ټولو چارو کی کوشش کیری چی دخلکوسهم دارزبت نه ډک وبریږی او دهغوی غوښتنی دټولوچارو په سرته رسولو کی منعکس شی .

که داهیلی په هره اندازه دملی ژوندپه مختلفو اړخونو او برخو کی غښتلی کیری ویلای شو چه دهغی ټولنی دژوندانه په ټولو چارو کی دیمو کراسی اساسات لاپسی پیوړی کیری اوتبارز مومی .

دوهم اړخ :

دنړی پرمخ تللی دریم هیوادونه چه دپرمختګ اویا بیرته پاتی هیوادوله جملی څخه دی ددی له کیله دالوئی کورنی ټی تشکیل کړیدی چی ټول دخپلوا نکشا فاتو په برخه کی پورنګ مشکلات لری دوی ټولو دخپل ملی بری او حریت دتثبیت په لپاره ډیری ستونزی اومشکلات زغملی اوپه اوږدو مبارزو ټی لاس پوری کړیدی او دا مبارزی نه یواغی دوخت دمحدودیت له کیله اویا دهغی مادی خساری له مخی چی نوموړی هیوادونه دملی بری دترلاسه کولو په لپاره کی زغملی بلکه په عین حال کتبی ددوی داستعدادونو دنه ودی له ناحیی اودبشری قوت اومادی منابعو څخه ګټه اخستل ددی هیوادو رپرونه لاپسی زیات کړی اویواغی دهغه عمومی شرایط تابع گرځول شوی کوم چی ددوو پپړیو په منځ کی دنړی اوضاع پردوی تحمیل کړی ؤ .

دداسی یوی اوږدی زمانی په رابرسیره کیدو کی دی هیوادو سره داسی پیشی آمد کیده چی ددوی ګټی له نظره څخه لری ساتل اودا کوشش کیده شرایط دداسی شکل وارول شی چی ددوی بشری قوا اوطبیعی منابع کوم مؤثریت ددوی ته ونه بشی چه دی سره ، سره داسی اوضاع او شرایط ترمنځه کول ترڅو دذینفعو اودغرض دخاوندانو منافع چه ددوو بین المللی تیرشو پپړیو دشرایطو زبړنده ؤ نه یواغی مصئون او خوندی پاتی شی بلکه دا حالت پائیت اودوام هم ومومی .

دټبروسلو کلو په موده کی کله چه دشتمنو مشخصو فدرتو تسلط په بین المللی ساحه کی دنیستی اوناودی پراوونه وهل ، مونږ دنړی ددریمی لوئی کورنی دتشکل شاهد ؤ کوم چه دبشری ټولنو لوئی اکثریت جوړول په ډیره ډیره غواړی چی پخپلو اقتصادی او اجتماعی رپرونو بری ومومی او دپرمخ تګ په لپاره کی گامونه کیری دی .

دهغوی دی لوی مقصدته رسیدل په دوو شرایطو پوری مربوط ګڼل چی یوئی دیمو کراسی اصل اوبل ټی دپرمخ تګ اصل دی .

لمړی شرط :-

دهمدی اساس له مخی چی دټولو چارو سموالی ، دملی ژوند تنظیم او ټول منابع او امکانات پکار اچول یواغی اویواغی دا اکثریتو غړو په ګاون اولاس نیوی میسر کیدای شی ، ددی لحاظ داموضوع دیومی ضرورت په حیث پدی هیوادو کی منل شویدی چی دټولنی دټولو غړو استعدادونه - قابلیتونو او توانائی څخه دیو هیواد په جوړبیت کی کارواخستل شی اودا موضوع پدی شرط ممکن کیدای شی چی له یوی خوا دا احساس دټولنی په غړو کی غښتلی شی چی دهغوی فعالانه ګاون اودهر ډول رپرونو او کړاوونو زغمل لمړنی شرط دی چی دټولنی چاری ته نظم اوسرعت بشی او له بلی خوا ددی ټولو عامه خدمتونو ترسره کیدل سبب کیری چی پخپله دوی دیو هوسا ژوند غښتان شی پدی ډول دټولنی ټول غړی لمانونه په ملی خدماتو کی په فعال ډول سهمیم بولی او کله چی دوی وینی چه پخپله ددوی په مستقیم ډول برخه اخستل چی دټولنی سرنوشت تثبیت اوتعییموی اودټولنی ټی پرمختګونه او داغیزی نه ډک اثرات اونائج جخت دهغوی په ژوند ارتیاط نیسی په هغه صورت - دهغوی دهیواد آبادی او مسورتیا په لپاره کی له هیڅ راز سرښندنی او فداکاری څخه ډډه نه کوی چی په یوهیواد کی ددی سلوک پراختیا ددیمو کراسی اساساتو دتعمیم څخه سرچینه اخلی .

ملی حکومتونه او مترقی نظامونه چه دټولنی دغوښتنو سره سم منځته راغلی وی دهغی ټولنی دآرزوگانو دممثل

پدی دول ددریمی نری اقتصادی ستونزی پیری زیاتی او مختلفنی نپی لری او باید اوس گام په گام داستونزی له مخی غچخه لری شی او پدی مشکلاتو بری په کارشی چی وینو دایوادونه کویپن کوی خپلی داخلی منابع اونور امکانات پکار واچوی اوله بلنی خوا په پیری چتکه کویپن کیری دنری عمومی شرایط پداسی لیاری پراختیا وموسی چی دهغی په بنا ودوی ته دپه ژوند سمکات ترگو توشی . اوس په بن المللی ساحه کی موبرو وینو چه ددریمی نری هیوادونه موقوفه نظر اوسترگو لری پاتی شی او په تیره بیا صنعتی لویولدرت موهیوادوله نظره . داخلکه چی انسانی او اخلاقی مسؤلونه له پوی خوا اوتاریخی مسؤلونه له بلی خوا حتماً وهغوی ته متوجه دی او په اوپاوم لسیز کی دپیری نری اساسی سوال هم دادی چی خرنکه دنارو او نیست منو اوبدایانو اودشته خاوندانو اوسنی خلاپه جهانی سویه کولی شو له مینجه یوسو .

اوس صنعتی او پرمخ تللی هیوادو سهم گیری دداسی مشکلاتو اورپرونودله منجه وړلو په لیاره کی پیرحتمی او ضروری دی حتی اوس داسوال تردی اندازی د اهمیت وړگرخیدلی دی چی دنری صلح اوسلم تامینیدل ددی خدادله منجه تلو سره جخت اریکه لری اودصنعتی پرمخ تللی هیوادو همکاری دریمی نری خصوصاً هغه هیوادونه چه دنکشاف په لپریو مراحلو کی دی پیر داهمیت وړدی اوس وینو چه په ټولنیز شکل ددریمی نری اکثریت هیوادونه دداسی لیاری او چارو په لته کی دی چه دمحکمی تللی اوصنعتی هیوادو نو

برخه اخستل ددوی په ټولنیز و خدماتو کی په زړه پوری اوبرازنده وی چی شی په بنا « ددیموکراسی او پرمخ تگ » له عامل لوی لوی اهداف تشکیلوی او البته هر یو دتاریخی او یخوایی شرایطو او ملی خصوصیاتو دپه نظر نیولوسره هره ملی خپل محکمی تگ پداسی لیاری کی تنظیم کیری چی ترغو وکولای شی په عمومی ټول دپویرتسبب په حیث خپل محکمی تگ ته په امیدواری شوام ورکیری .

سویز ټولای شو ددی نمونه یو رویتانه مثال په خپلو ټولنو کی ووینو خرنکه چی جمهوروی نظام کویپن کوی دټولو امکاناتو سره سره ژمونیز خلکو برخه اخستل په ټولو ملی چارو کی پیری په زړه پوری اوبرازنده وی او داسردسی نظام دخلکو دآرزوگانو اوارادی دمسئل په حیث ملی او ټولنیز خدمات تنظیم کیری چی دټولنیز عدالت داصل غچخه پیری په خپله اساسی عامل گنل کیری چی دموجوده او آیندی نیک بخنی او سعادت زیری موپه برخه کوی اومویر به دجمهوری نظام دغویتنو سره سم چی پیری جامع او دټو لودمنلو وړوی محکمی به لار شو او دپه ژوند خاوندان شو چی پدی لیاره کی محکمی تگ دهیواد راتلونکی پیره رویتانه پکاری او هغه پاخه او متین اصلاحی گامونه چی ژمونیز دژوندانه په مختلفو ساحو کی ایپودل کیری له هره حیثه داطمینان وړدی او هیله شته چی مویر به په خپلو ټولو ستونزو بری وموسو .

چگونه تیم ملی پهلوانی انتخاب شد...

(بقیه صفحه ۸۹)

محمد ناصر در طول این مسابقات آنطور که انتظار برده میشد ندرخشید زیرا، حریفان او با وصف آنکه از پهلوانان نخیه بشمار نمی رفتند مگر بآنهم با این پهلوان یادارنده مدال از مسابقات خوب جنگیده و چندین نمره هم گرفتند .

۷۲ کیلو گرام

درین کلاس غلام سخی عضو کلوب عسکری بمقام اول دست یافته و تاج محمد از کلب آریانا بمقام دومی رسید . غلام سخی قسمیکه در گذشته مسابقه کرده بود در این مسابقات نتوانست که خاطرات گذشته را یکبار دیگر زنده کند ، زیرا این پهلوان با وصف آنکه بمقام قهرمانی رسید مگر بآنهم فوق العاده کم مشق بود . اگر این کشتی گیر بعشق و تمرین خویش بصورت دوامدار نپردازد امید پیروزی

او در مسابقات خارجی قوی به نظر نمی خورد . در وزن ۸۲ کیلوگرام چون شجاع الدین عضو کلب میوند کدام حریف نداشت از اینرو بمقام قهرمانی دست یافت . وزن ۹۰ کیلوگرام چون ۲ شرکت کننده داشت لذا پس از اجرای یک مسابقه بسیار جالب و تماشایی اسلام الدین عضو کلب افغان با اختلاف یک نمره سید مطیع الله عضو کلوب عسکری را شکست داده و در نتیجه اسلام الدین مقام اول را وسید مطیع الله مقام دوم را بدست آورد .

بصورت عمومی یکبار دیگر باید یاد آور شد که در صورت اشترک تیم پهلوانان مادر چند مسابقات خارجی که در آینده نزدیک در چند کشور خارجی صورت خواهد گرفت در وزن های اول - دوم - چهارم و پنجم امکان موفقیت پهلوانان ما بسیار زیاد می باشد و البته غلام سخی نیز در صورت سر حال بودن و مشق و تمرین کافی نتیجه دلخواه را بدست خواهد آورد . از کلاس های بالا قسمیکه لازم است نتایج موفقیت آنها ضعیف به نظر می خورد که امید در آینده با کار و زحمت زیاد این خالیگاه هم بر طرف گردد .



دگر جنرال محمد موسی قوماندان عمومی هوایی و مدافعۀ هوایی در حال ایراد بیانیہ

ششمین دورہ کورس تاکتیکی (ب) افتتاح گردید



ششمین دورہ کورس تاکتیکی-
«ب» ساعت ۳۵-۹ مورخہ ۱۳۵۵/۹/۲۰
در هوایی پوهنخی افتتاح گردید .
در مراسم افتتاح کورس مذکور
دگر جنرال محمد موسی قوماندان
عمومی هوایی و مدافعۀ هوایی عدہ
از صاحب منصبان ارشد اردوی
جمهوری بشمول هیأت اداری و تدریسی
هوایی پوهنخی حاضر بودند .
این کورس کہ بہ منظور ارتقای

سویہ علمی صاحب منصبان در شقوق
مختلف تاسیس گردیدہ بعد از رکود
چندین سال بہ اثر توجہ مقام ستردرستیز
دوبارہ احیا گردید ، و این گامیست
مثبت و مفید در راہ بہ ثمر رساندن
سویہ علمی و مسلکی صاحب منصبان
ارشد اردوی جمهوری ، تادر ساحات
وظایف خویش با حاکمیت تمام پیش
بروند و در راہ اهداف مقدس اردو
کہ حراست وطن و نوامیس ملی میباشد

بایک عزم متین و آخل ناپذیر عالمانہ
گام بردارند .
دگر جنرال محمد موسی در مراسم
افتتاح کورس مذکور بیانیہ خویش
را چنین ایراد نمود :
بہ معاونت خداوند بزرگ در این
عصر فرخندہ بہ قیادت رہبر کبیر
افغانستان بنا علی محمد داؤد و رہنمائی
های بہی خواہانہ دگر جنرال
غلام حیدر رسولی لوی درستیز کہ در



برید جنرال عبدالجق در حال تدریس در یکی از درسخانه های کورس ب

توجه مقامات محترم و بادر نظر داشت ارزشهای علمی در اردو و نظر به ضروریات مہرم قطعات هوائی و مدافعه هوائی کورس تاکتیکی «ب» مجدداً افتتاح میگردد .

پیشوای حیات نوین افغانستان در خطابه های تاریخی و ارزشمندشان پیہم به اهمیت علم و دانش گوشزد فرموده اند: «زندگی حال و آینده یک جامعه مربوط به علم و دانش است و ازین طریق میتوان افراد سالم با تربیه و وطنپرست برای جامعه خود تقدیم نمود» به تاسی از این ارشادات عالی و ملی در ہر تو نظام فرخندہ جمهوریہ در ہر گوشہ و کنار مملکت عزیز و بالخصوص در مؤسسات علمی و عرفانی کشور جنبش های مترقی و و فعالیت های پیگیر در راه ارتقای سویہ علمی و مسالکی افراد مملکت مطابق به ایجابات نظام ملی جمهوریہ در جریان است، با پیروی ازین آرزوهای نیک قوماندانی عمومی مدافعه هوائی

مطالعات دوامدار را ایجاب میکند کہ البتہ این مطالعات در ممالک پیشرفته بیشتر متکی بہ کتابخانہ ہا و مراکز علمی کہ دارای ہر نوع اثرات میباشد صورت میگردد . و علاوہ آن برای ازدیاد معلومات علمی آنها کورس های قصیر الحدت نیز دایر میگردد .

کورس تاکتیکی «ب» نیز ہمین مفهوم را احتوا میکند کہ بہ غرض بلند بردن سویہ علمی شما دایر گردیدہ و آرزو مندم کہ از دروس نظری و عملی آن استنادہ اعظمی نمودہ تادر راه خدمت بوطن عزیز مصدر فعالیت بہتر شوید .

دگر جنرال محمد موسی بیانیہ خویش را با شعار زندہ باد افغانستان ، پایندہ باد جمهوریہ افغانستان سرفراز باد رہبر انقلاب افغانستان خاتمه داد . در ابتدا دگر من سید مصطفی قوماندان هوائی پوہنجی خطاب بہ حاضرین گفت :

جای بسی مسرت است کہ بہ اثر

راه ترقی و انکشاف سویہ علمی پرسونل اردوی جمهوریہ افغان توجہ مزید دارند ششمین دورہ کورس تاکتیکی «ب» را افتتاح می نمایم .

برادران عزیز :

شما میدانید کہ سلاح و وسایط محاربوی روز بروز در حال انکشاف و تحول بودہ و تکنیک و تاکتیک امروز آنقدر در حال تبدلات آئی میباشد کہ



دگر من سید مصطفی قوماندان هوائی پوہنجی ہنگام ایراد بیانیہ

پوهنځی هوایی را افتخار بخشیدند تا در
ایر نمودن کورس مذکور اقدام نماید
که پلان و پروگرامهای مذکور به اساس
ضرورت مسلک و ایجاب تا کتیک و
تخنیک شقوق مخلف شاملان کورس
ترتیب و تنظیم و غرض منظوری بمقام
ستر در ستیز تقدیم و منظور گردید .

دگر من سید مصطفی بعد از آنکه
راجع به تعداد مشمولین ششم کورس
و سوابق آن معلومات مفصل ارائه کرد
به بیانیه خویش چنین ادامه داد:

قوای هوایی و مدافعه هوایی در
پهلوی سایر صنوف اردو از جمله
صنوف تاکتیکی و تخنیک عالی بوده

که با سلاح و وسایط قیمت بهاء مدرن
و حساس مجهز میباشد قسمیکه دیده
میشود مداوین کورس «ب» را صاحب
منصبان همین صنوف تشکیل می نماید .
بنآ قوماندانی پوهنځی هوایی از
مداوین محترم آن قلباً متمنی است
تا از هر لحظه و دقیقه این کورس
سودمند و مفید، استفاده علمی و مسلکی
نموده اوقات گرانبهای خود را با
در نظر داشت مسؤلیت هاملی خویش
صرف تعلیم نمایند. من به نمایندگی
از هیات اداری و تدریسی هپ از
افتتاح کورس «ب» که به سویه عالی
در تنویر و انکشاف معلومات علمی

و مسلکی مداوین خود اثر ارزنده
و مثبتی خواهد داشت اظهار امیدواری
و مسرت نموده و عرض میکنم که هپ
با تمام کیفیت و کمیت خود در انجام
و جایب ملی خویش مطابق به اهداف
عالی دولت جمهوری و تمنیات نیک و
وطنپرستانه رهبر ملی خویش بناغلی
محمد داود رئیس دولت و صدراعظم
افغانستان حاضر و آماده خدمت
میباشد .

بعد از آنکه از صنوف تاکتیکی و
جریان دروس آنها بازدید بعمل آمد
مراسم مذکور به بساعت ۲۰-۱۰
خاتمه پذیرفت .



اعضای تدریسی و اداری و عده از محصلین کورس تاکتیکی (ب)

د حربي ښوونځي د دولسمو ټولگيو فارغانو ته بري ليکونه ورکړل شوو



د حربي ښوونځي قوماندان خپلې
وينا ته داسې ادامه ورکړه :
د حربي ښوونځي گرانو فارغانو !
دا چې تاسې دلته په حربي ښوونځي
کې خپلې لومړنۍ او عمومي زده کړې
په بري سره پای ته ورسولي او دخپلو
موفقيتونو بري ليکونه مو تر لاسه کړل
دا ټول ستاسو دنده ستړي کيدونکو
کوششونو او د محترم ښوونکو
د پرله پسې زيار ايستلو او هم
د جمهوري بختور نظام د تدريس او
تعليمي اسانتياو برابرولو حاصله او
نتيجه ده زه تاسې او ستاسو محترمواو
پوهواستادانو ته د دغه موفقيت له امله
د زړه له کومې تبریک واييم.

غونډې د جمهوري نظام په بخلا نده
او نيکمرغه دوره کې د دغې علمي
موسسې د غلورمې دورې د دولسمو
ټولگيو فارغانو ته بري ليکونه وپشم.
د خوښې محاي دې چې په حربي
ښوونځي کې ستاسو د بخوانانو د زده کړې
يوه برخه پای ته رسيرې او د جمهوري
نظام د سپيڅلو اولورو هيلوسره سم
دخپلو مسلکي او عمومي تحصيلاتو له
پاره حربي پوهنتون ته چې په حقيقت
کې د عسکري او مسلکي لوړو تحصيلاتو
اصلي او اساسي محاي دې ځي او
خپلو زده کړو ته دوام ورکوي او
هلته د گران هيواد د ساتنې او سرښندنې
د غوره د رسونو په زده کړه لگيا
کيري.

د حربي ښوونځي د دولسمو ټولگيو
بري ليکونه د قرآن پاک د څو آيتو
دلوستلو او د ملي سرود د غږيد وروسته
د برید جنرال محمد طاهر د حربي
ښوونځي د قوماندان له خوا
مستحقينو ته وويشل شول.

د حربي ښوونځي قوماندان په
خپله افتخار وينا کې د حربي ښوونځي
استادانو ادارې او تدريسي منسوبينو
او دولسمو ټولگيو فارغانو ته داسې
وييل :

د حربي ښوونځي د ادارې او
تدريسي چارو ښاغلو منسوبينو او
گرانو بخوانانو!

خوشاله يم چې د يوې بلې تدريسي
دورې په پای کې بيا هم د تير وکلونو



د حربي ښوونځي قوماندان برید جنرال ارکان تجرب محمد طاهر کله چه د مراسمو د پرايستلو په وخت کې خپله وينا وروزي

گرانو! په حربي ښوونځي كې ستاسو د ښوونې او روزنې د يوې دورې پاى ته رسيدل او ورپسې په حربي پوهنتون كې دېلې تعليمي او تحصيلي دورې پيل كيدل په حقيقت كې د هيواد، جمهوريت او افغان ولس په وړاندې ستاسو مسؤليتونه زياتوي ځكه په جمهوري مترقي نظام كې د خاورې او ملي نواميسو خوندي ساتل او ملي هدفونو ته رسيدل د اردو د مهمو وظيفو څخه شميرل كېږي نو تاسې ځوانان چې په نژدې راتلونكي وخت كې به دخپلې اردو ځوان صاحب منصبان او سې دغه مسؤليت او مكلفيت به په غاړه لري .
گرانو فارغانو!

ددې له پاره چې تل به خپلو وظيفو كې بريالي اوسې او خپلې درسپارل شوي چاري په په سمه توگه سر ته ورسوي نو هميشه د عزم او تصميم خاوندان اوسې او پدغه لار كې دخپل ملي لارښود او د جمهوريت د موسس بناغلي محمد داود د لارښوونه چې «تصميم دېرې لومړې شرط دى» مه هيروى .
تاسې پوهېږئ چې د جمهوريت په

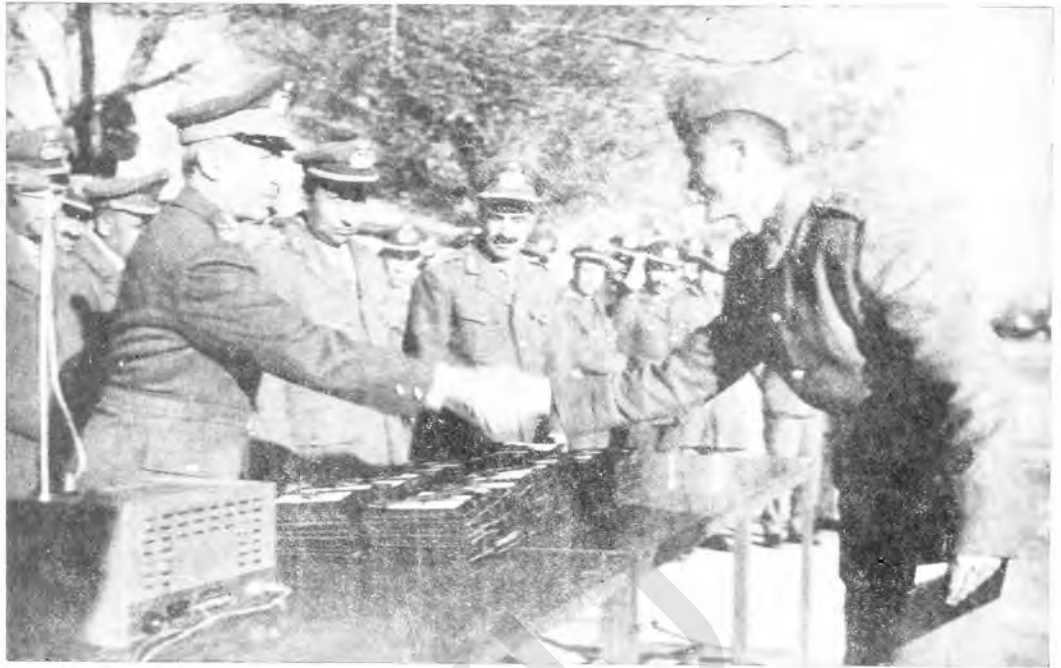
منځ ته راتلو سره داردو د ځوانانو رسالتونه او مسؤليتونه خورازيات او درانده شوي دي لكه چې پدغه برخه كې زونږ ملي رهبر داسې فرمايلي دي: «د افغان ځوان اردو نور يو جمهوري اردو دى» كه لږ څه بېر شو وينو چه زمونږ د ملي او فداكار ر هبر پدغه لارښوونه كې زيات پندونه او حقايق نغښتي او پراته دي او موږ خپلو رجا بېو او مسؤليتونو ته متوجه او بېر كوي همدغه راز مورال نظم د سپلين بشپړه ښوونه او روزنه چې په حضر او سفر كې د موفقيتونو چانس او امكانات زياتوي او د برياليتوبو نوغوره عوامل گڼل كيداى شي نو د جمهوري انقلاب لارښود د هغوى د اهميت په باره كې داسې فرمايلي دي «پوره موفقيت د هغې اردو په برخه كېږي چې پياوړى مورال او ښه ښوونه او روزنه ولري او هميشه انرژيټيک او فعال اوسې» څرنگه چې د هيواد ودانې او د هيواد والو نيكم رغې زمونږ د ملي رهبر يوازني آرزوده نو په هيواد كې يو شمير پرمختيايي پلانونه او انكشافى پروگرامونه د تطبيق لاندې ونيول شول او هر ورځ چې تيرېږي په هيواد كې

د تحول او تكامل مظاهر ليدل كېږي په خواشينۍ سره بايد ووايو پداسې حال كې چې د تيرو دورود پسمانيو دله منځه وړلوله پاره مونږ كار ، زيار يووالې او وحدت ته اړتيا لرو يوشمير ځاننان او د هيواد د ښمنان نه غواړي چې زمونږ خوږ هيواد ودان او هيواد وال د هوسا او بسيا ژوند خاوندان شي نو ځكه هڅه كوي چې دخپلو منفي پروپاگندونو او ناوړه عملونو په وسيله زمونږ د مترقي او مدني حركت او فعاليت په مقابل كې مخني خنډونه پيدا كاندې ښكاره ده چې د وطن اصيل بچيان او د هيواد د پرمختيا غوښتونكي عناصر دغه راز ځاننانه عملونو او فكونو ته په كركه گوري .
د حربي ښوونځي قوماندان زيات ته كېږي چې :

د جمهوري نظام پايست او ټينگښت چې زمونږ يوه ملي ارزوده نو پكار دى چې په هروخت او هر ځاى كې د دغې نيكم رغه نظام د ځاننانو او مخالفانو سره په كلکه مبارزه وشي او د هغوى دشومو هيلو مخه ونيسو د حربي ښوونځي قوماندان خپله وينا پدې جملو پاى ته ورسوله :



د حربي ښوونځي قوماندان د حربي ښوونځي د استادانو ادارې او تدريسي غړونه خوښي ښكاره كوي او خپلو وظيفو ته ئې پاملرنه را اړوي .



د حربي ښوونځي
قوماندان کله چي
۱۲۵ ټولگي يوتن
فارغ التحصيل ته
دهغه بـري ليک
ورکوي.

گرانو فارغانو!
دهيواد او دهيوادوالو سترگي ستاسو
خوا ته اوږي نو هيڅکله د ملي لارښو غوره
لارښوونې او د جمهوريت گټـوري
سپارښتنې له ياده مه او باسي او خپلو
وظيفو او مکلفيتونو ته په درنه سترگه
وگوري او هغه په پاکي او صداقت

سرته ورسوي ،

ژوندي دي وي زموږ ستر ملي رهبر
تل دي وي افغانستان او جمهوري نظام
بريالي دي وي لخوان جمهوري اردو
پدغو مراسمو کي چي د ما زديگر
په دوه نيمو بجو پيل او په غلور نيمو
بجو پای ته ورسيدل د حربي ښوونځي

يوزيات شمير تدريسي، اداري منسو بينو
او استادانو گډون کړي ؤ او کله چي
به فارغانو ته دهغوي بري ليکونه
ورکول کيده د حاضرينو له خوا به پري
چرچکي کيدلي او (مبارک باد او مبارک
دي شه) په کليموسره ئي خپله خوښي
غرگندوله (پای)



بريد جنرال
مير محمد آصف
پداسي حال کي چي
د حربي ښوونځي
دنورو استادانو
په نمايندگي يوتن
فارغ التحصيل
ته بري ليک
ورکوي .

صاحبمنصبانیکہ درسال ۱۳۵۵ به يك رتبه ترفيع نایل شده اند

بقیه شماره گذشته

آورن هائیکه برتبه جگتورنی ارتقا یافته اند

غ	سید رحیم الدین	ولد	سید موسی
»	غلام حسن	»	گل محمد
»	آدم خان	»	محمد کریم
»	لا لا جان	»	محمد حسن
»	سید حفیظ الله	»	سید عالم شاه
»	محمد ابراهیم	»	محمد عزیز
»	سید مبارک شاه	»	سید قباد شاه
»	عبدالاحی	»	محمد اکبر
»	عبد القادر	»	محمد سعید
»	عبدالوهاب	»	نظر محمد
»	نظر محمد	»	بختیار گل
»	عبد القهار	»	حلیم خان
»	عبدالواسع	»	غلام حضرت
»	محمد امان	»	سلطان محمد
»	مرزا محمد	»	ولی محمد
»	محمد ظاهر	»	محمد زمان
»	محمد الله	»	جمیل خان
»	عبدالاسلام	»	عبد الستار
»	ظاهر شاه	»	محمد صدیق
»	اسد الله	»	چچی
»	نور محمد	»	عبدالرحیم
»	غلام دستگیر	»	آقا گل
»	عبد القادر	»	محمد اسلم
»	عبد الحق	»	داود خان
»	شر حسین	»	سید پادشاه
»	حاجی محمد	»	محمد اکبر
»	بخمل	»	محمد سرور
»	سیف الدین	»	غلام محمد
»	عبدالرؤف	»	عبد الجلیل
»	محمد عمر	»	اصیل شاه

غ	احمد جان	ولد	گلاب خان	غ	حبيب الله	ولد	شير محمد
»	غلام رباني	»	بهر يارن	»	شير محمد	»	ميرزا بيگ
»	عبدالمهادي	»	محمد هاشم	»	رحمن گل	»	محمد گل
»	سيد جان	»	بابو جان	»	عبدالقيوم	»	احمد جان
»	مير دل	»	محمد جان	»	عبدالله	»	جان محمد
»	سيد معصوم	»	سيد ناصر	»	عبدالعزيز	»	مهريان
»	غلام سرور	»	محمد غني	»	محمد سمع	»	نظام الدين
»	محمد ظفر	»	محبوب	»	قيض الله	»	محمد صالح
»	محمد سليمان	»	محمد ياسين	»	صوفي خان	»	اختر محمد
»	عبدالقيوم	»	محمد امين	»	كشمير	»	راز گل
»	محمد نور	»	اختر محمد	»	ضياء الدين	»	غوث الدين
»	عبدالسمع	»	مير سمع	»	محمد قاسم	»	اقبال شاه
»	حضرت شاه	»	سعادت شاه	»	عبدالعزيز	»	محمد اسلم
»	كريم خان	»	رحيم خان	»	مرزا گل	»	جمعه گل
»	عبدالجبار	»	منهاج الدين	»	محمد رسول	»	محمد محسن
»	امير محمد	»	محمد حسين	»	بسم الله	»	حسين شاه
»	امير محمد	»	عبدالرحمن	»	نثار احمد	»	عبد الرحيم
»	عبدالجليل	»	محمد وكييل	»	قدر گل	»	گل جان
»	سيد غلام	»	سيد صفدر	»	محمد زرین	»	محمد خان
»	محمد ولي	»	برات علي	»	محمد نعيم	»	محمد گل
»	عبدالستار	»	محمد موسى	»	سيد عبدالرحمن	»	سيد حنان
»	غني خان	»	شاه هوس	»	عبداللطيف	»	عبدالرحمن
»	محمد انور	»	صوفي سرور	»	محمد انور	»	عبدالغفور
»	محمد ابراهيم	»	محمد طبيب	»	محمد جمعه	»	باز محمد
»	عبدالله	»	عبدالكريم	»	محمد يعقوب	»	محمد ظاهر
»	ولي الله	»	ولي محمد	»	مير آقا	»	محمد حيدر
»	عبدالله	»	جان محمد	»	سيد امين الله	»	سيد عبدالقادر
»	شمس الحق	»	باز محمد	»	محمد عمر	»	خدا داد
»	شهباز	»	شهبزاده	»	سراج الدين	»	خروتي
»	عبدالجميل	»	عبد الحميد	»	حكمت الله	»	هدايت الله
»	نور احمد	»	شير احمد	»	سيد كريم	»	عبدالقدوس
»	شاه محمد	»	گل محمد	»	عبدالغفور	»	يار محمد
»	سيد امير	»	خان الدين	»	نظام الدين	»	نظر محمد
»	عزیز الرحمن	»	عبدالعزيز	»	عبدالله	»	محمد عظيم
»	حضرت ولي	»	عبدالواحد	»	داود شاه	»	اقغان شاه
»	عبد الحميد	»	ملا فيروز	»	عبد البصير	»	عبد العليم
»	محمد عظيم	»	مير عابد	»	عبدالرحيم	»	سعد الله
»	جهانگير	»	آقا شير	»	دين محمد	»	سيد محمد
»	سيد محمد انور	»	سيد محمد عمر	»	جلندر	»	شير زاد
»	پير محمد	»	محمد صادق	»	محمد ظاهر	»	داد محمد
»	علي شاه	»	عبدالمعروف	»	عبدالرزاق	»	عبدالواحد
»	محمد انور	»	محمد عمر	»	خواجه نور الدين	»	خواجه محمد
»	محمد امان	»	محمد خان	»	خان محمد	»	عبد الاحمد
»	صاحب جان	»	جان محمد	»	محمد صديق	»	حكيم الله

غ	عبدالرحمن	ولد	عبدالله	غ	محمد ظفر	ولد	شہنواز
»	محمد نعیم	»	حاجی محمد علی	»	لطیف اللہ	»	امیر گل
»	فضل باقی	»	عبدالحکیم	»	غلام فاروق	»	غوث الدین
»	شیر محمد	»	نور محمد	»	عبدالقدیر	»	محمد رفیق
»	روح اللہ	»	ہدایت اللہ	»	سلطان محمد	»	عطا محمد
»	مسجدی	»	محمد یونس	»	محمد صدیق	»	محمد اصغر
»	عبدالستار	»	عبدالرزاق	»	غلام سرور	»	سلطان محمد
»	اصیل خان	»	کتور خان	»	دین محمد	»	حبیب اللہ
»	میر فتح اللہ	»	میر عبداللہ	»	عزیز محمد	»	امیر محمد
»	نظام الدین	»	محمد عمر	»	غلام علی	»	غلام حیدر
»	دوست محمد	»	غلام محمد	»	عزیز احمد	»	غلام بہا والدین
»	شیر احمد	»	محمد سرور	»	صلاح الدین	»	محمد موسیٰ
»	غلام احمد	»	امین اللہ	»	ظاہر شاہ	»	گلپت خان
»	محمد حسین	»	امین خان	»	رحیم گل	»	لعلک
»	مظفر الدین	»	حبیب الدین	»	گل خان	»	خیالی
»	میر زاعلی	»	جمعه نور	»	فضل الحق	»	سید عم
»	عبداللطیف	»	مسجدی	»	محمد اکبر	»	محمد اکرم
»	عبدالغفار	»	عبدالرشید	»	عبدالقدیر	»	جان دل
»	محمد عسکر	»	قازہ گل	»	محمد غوث	»	عبدالغفار
»	عبدالعزیز	»	عبدالرحمن	»	عبداللہ	»	محمد اکرم
»	حمید اللہ	»	حضرت میر	»	ضیا الدین	»	سراج الدین
»	رحمت اللہ	»	موسیٰ خان	»	محمد آصف	»	عبدالروف
»	محمد خان	»	بیر محمد	»	فیض الرحمن	»	جلات
»	محمد یوسف	»	محمد ایوب	»	عزیز اللہ	»	محمد رفیق
»	احمد میر	»	میر احمد	»	بسم اللہ	»	غلام حیدر
»	نثار احمد	»	غلام محمد	»	عبدالمنان	»	عبدالرحمن
»	عبدالغفار	»	بہرام	»	عبدالظاہر	»	حاجی نور محمد
»	سید تقی اللہ	»	سید ولی اللہ	»	عبدالغفور	»	خدا بخش
»	محمد وزیر	»	عبدالغفار	»	شیخ محمد	»	دوست محمد
»	میر عین الدین	»	میر غوث الدین	»	عبدالحکیم	»	میر محمد علم
»	فیض اللہ	»	عبد اللہ	»	عبدالواسع	»	عبداللہ
»	عبدالرشید	»	محمد علم	»	امیر محمد	»	غلام حیدر
»	کبیر احمد	»	عزیز احمد	»	عبدالحمید	»	عبدالروف
»	عبدالشکور	»	عبدالغفور	»	محمد اسلم	»	محمد رستم
»	در محمد	»	میر قاسم	»	نور الرحمن	»	محمد سعید
»	محمد انور	»	خواتی	»	محمد عمر	»	محمد شریف
»	مسافر	»	امیر محمد	»	فیض محمد	»	جان دل
»	محمد ظاہر	»	لعل جان	»	سحبت	»	میرزا محمد
»	پدر محمد	»	ذیر داد	»	اسد اللہ	»	نور اللہ
»	سلطان محمد	»	عبدالحمید	»	شاہ رسول	»	عبدالرزاق
»	خواجہ آقا	»	خواجہ نصر الدین	»	عبداللطیف	»	خیر محمد
»	محمد یوسف	»	محمد علم	»	گلدوست	»	خدا دوست
»	محمد ابراہیم	»	حاجی محمد حیم	»	محمد عثمان	»	محمد اسلم
»	اللہ دین	»	مستان	»	سعد اللہ	»	محمد عمر
»	عیدی محمد	»	نظر محمد	»	غلام احمد	»	شیر احمد
»	محمد نعیم	»	بابہ خان	»	محمد احسان	»	محمد حسن

خلص سوانح مرحوم

دگر من

عبدالرحمن



غرض تحصیلات عالی به حربی پوهنتون
شامل ودر سال ۱۳۳۰ از حربی
پوهنتون به صفت وکیل ضابط توپچی
نشئت ودر بست قول اردوی مرکزی
تعین گردیده در سال ۱۳۳۱ بر تبه
دریم بریدنی ترفیع ودر مربوطات
غند توپچی فرقه (۸) قول اردوی
مرکزی موزف شدند در سال ۱۳۳۳
بر تبه دوهم بریدنی ترفیع ودر سال
۱۳۳۶ بر تبه لمړی بریدنی ترفیع نموده
و در سال ۱۳۳۹ بر تبه تورنی نائل
گردیده ودر بست غند (۵) توپچی قول
اردوی مرکزی مؤظف بوده در سال
۱۳۴۴ بر تبه جگتورن ارتفاء نموده و
سپس شامل کورس (آ) گردیده ودر سال
۱۳۴۶ بر تبه جگرنی ترفیع و به حیث
ضابط کشف غند توپچی فرقه (۱۱)
قول اردوی مرکزی مقرر گردیده و
در سال ۱۳۵۰ به حیث رئیس ارکان
قطعه (۱۰۳) تعین و مؤظف گردیده
و سپس در سال ۱۳۵۲ بر تبه دگر منی
ارتقاء بسته و پج-یث آمر توپچی
(۳۸) قول اردوی مرکزی تعیین و
مؤظف بوده .

مرحومی در دوره خدمات خویش
به نسبت حسن اجراءات و لیاقت خود
بر علاوه مکافات نقدی به اخذ مدال
های ذیل نیز مفتخر گردیده است .

۱- مدال ورتیانکلی

۲- مدال برنز

دگر من مرحوم که یک تن از صاحب

منصبان اردوی جمهوری افغانستان
عزیز بوده بتاريخ (۱۵) فوس به عمر
(۴۷) سالگی نسبت مریمی که عایدش
شده بود داعی اجل رالبیک گفت .

از خدای بزرگ برای دگر من
مرحوم طلب مغفرت نموده و به
بازماندگان شان صبر جمیل تمنا می کنیم

مرحوم دگر من عبدالرحمن در سال
۱۳۰۸ شمسی در قریه کوچسگین
ولسوالی شکردره تولد یافته پس از
ختم تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۲۱
به حربی شونجی شامل گردیده و پس
از ختم دوره بکلوریا در سال ۱۳۲۷

دملی دفاع وزارت - سترده مستین

د نشریاتو لوی مدیریت - داردو د مجلی مدیریت

مجله اردو (نشریه ماهانه)

شرح اشتراك :
سالانه برای صاحب منصبان و اشخاص ملکی
قیمت فی شماره :
نمبر حساب در افغانستان بانك :
آدرس :- داردو مجله - دملی دفاع مطبعه
نمبر تېلغون مدیر مجله :

۱۵۰-افغانی
۱۴/۵۰-افغانی
۶۰۰۱
کابل - افغانستان
۴۴۲۰۸



AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

Address: Urdoo Mojella, Military Press Kabul
Afghanistan

Tele: 23208

*Subscription rate for foreigners & abroad .
15 US . dollars .*

Volume, 56 Serial . 657 (R. S. No. 41)

November - December 1976